



آینده نگر

نشریه آینده پژوهانه
Tehran Chamber
of Commerce, Industries
Mines and Agriculture
Ayandenegar

شماره هفدهم
پهمن ۱۳۹۱ • ۷۶ صفحه
ISSN: 2322-3316

جهان ۲۰۱۳ به کدام سو می رود؟

بررسی روند اقتصادی کشورهای پنج قاره جهان
به همراه گزارش موسسه اوراسیا
درباره بحران های سال آینده
و پیش بینی شاخص های کسب و کار

پرونده ای درباره راهکارهای مبارزه با قاچاق کالا
و تاثیر آن بر اقتصاد ایران

اقتصاد پنهان آینده اقتصاد جهان

با آثار و مقالاتی از:

جمشید عدالتیان

فاطمه دانشور

توفیق مجد پور

مرسل صدیق

علی نقیب

محمدرضا بهرامن

غلامحسین امیری

محمد علی پور

و میز گردی با حضور:

محسن بهرامی ارض اقدس

مسعود دانشمند

عبدالمجید اجتهادی



صفحاتی ویژه

بررسی چشم انداز

توسعه بنادر ایران

با آثار و مقالاتی از:

محسن صادقی فر

محمد علی سعیدی پور

رضاملک پور

محمدرضا اشکریز

علیرضا چشم جهان

به همراه آثاری از:

محمد نهاوندیان

سید محمود حسینی

پدرام سلطانی

علاءالدین میر محمد صادقی

مرکز مطالعات و بررسی های اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

www.tccim.ir



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

مرکز مطالعات و بررسی های اقتصادی
نشریه آینده پژوهانه

آینده نگار

شماره هفدهم
بهمن ۱۳۹۱



صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

مدیر مسئول: مهندس محمدمهدی راسخ

اعضای شورای سیاست گذاری: محمدرضا بهرامن، احمد ترک نژاد، سید محمود حسینی

محمود دودانگه، علی اکبر صابری، موسی غنی نژاد، امیر مانیان، محمدصادق مفتاح

علیرضا میر محمد صادقی، حسین نقره کار شیرازی

با نظارت: دکتر سید محمود حسینی

رئیس مرکز مطالعات و بررسی های اقتصادی

امور اجرایی: سارا محمدی

آتلیه طراحی: امیر محمد لاجورد، رضا دولت زاده، علی ضیایی

نظارت فنی چاپ: حسن آقایی زاده

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: پروین

نشانی: خیابان خالداسلامبولی، شماره ۸۲

تلفن: ۸۸۷۲۶۷۵۲ نمابر: ۲-۸۸۷۲۰۴۶۱

نشانی الکترونیک: researchcenter@tccim.ir

مقالات مندرج در آینده نگار الزاما مطابق دیدگاه نشریه نیست
و بازتاب دهنده نظر نویسندگان آنها است.

Ayandeggar
Tehran Chamber
of Commerce, Industries
Mines and Agriculture
No.17 January 2013

درباره

۴ تأمین زیرساخت‌های توسعه

مقاومت: هنر و کار یک ملت / سید محمود حسینی

یادداشت‌ها

۶ مضرات آشفستگی در اقتصاد / محمد نهانوندیان

۶ نسخه شفا بخش / پدرام سلطانی

۷ چرا قانون‌گریزی شیوع می‌یابد؟ / علاءالدین

میرمحمدصادقی

۸ نقشه راهی برای آینده کسب‌وکار / توماس

مالنایت و تریسی کیز

۱۰ بحران اقتصادی در راه است / رابین بیو

۱۱ نجات علم اقتصاد از دست اقتصاددانان / رونالد کوز

۱۱ بازی ادامه دارد / زان اسمایلی

پرونده ویژه: قاچاق اقتصاد پنهان

۱۲ چاقوی دولبه / قاچاق کالا؛ عامل تنظیم بازار یا

بخش مشهود کوه یخ نابسامانی‌ها؟

۱۵ اقتصاد سیاه - اقتصاد سفید / جمشید عدالتیان

۱۵ ریشه‌های اقتصادی قاچاق / فاطمه دانشور

۱۶ اقتصاد پنهان / توفیق مجدپور

۱۷ مانعی برای رشد اقتصادی / مرسل صدیق

۱۸ مبارزه با قاچاق، راه‌حل اقتصادی دارد / میزگرد

«آینده‌نگر» با حضور محسن بهرامی ارض‌اقدس،

مسعود دانشمند و عبدالمجید اجتهادی

۲۳ قاچاق در اقتصاد ایرانی / علی نقیب

۲۴ بازار علیه بازار / محمدرضا بهرامن

۲۴ آمار قاچاق واقعی نیست / غلامحسین امیری

۲۶ کالاهای قاچاق از مرزهای قانونی وارد می‌شوند /

محمد علیپور سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس

روندهای آینده: جهان در سال ۲۰۱۳

۲۸ آینده اقتصاد جهان / دانیل فرنکلین

۳۰ آینده‌نگری در پنج‌قاره / پیش‌بینی‌های کوتاه‌برای

۸۰ کشور مهم جهان

۳۸ کدام کشور برای متولد شدن در سال ۲۰۱۳

مناسب‌تر است؟ / لازا ککیک

۴۰ ریسک‌های ۲۰۱۳ / گزارش مؤسسه اوراسیا

۴۲ پیش‌بینی از نگاه اقتصاددانان و دیگران / بلومبرگ

۴۴ چرخ صنایع به نفع چه کسانی می‌چرخد؟ / هر

آنچه برای پیش‌بینی فضای کسب‌وکار باید بدانیم

۴۷ آینده ده مناقشه جهانی / لوییز آربر

۴۹ بهار عربی در خواب زمستانی / مکس رودنبرگ

ذره‌بین: چشم‌انداز بنادر ایران و همسایگان

۵۰ نیمه‌های پر و خالی بنادر ایران / پویا احمدنیا

۵۲ رقابت‌های حسرت برانگیز / علیرضا چشم جهان

۵۴ آسمان نیمه‌ابری بنادر ایران / محسن صادقی‌فر

۵۵ بازی زمان: قواعد بازی / گفت‌وگو با محمدرضا

اشکریز مدیرکل بندر شهیدر جایی در دهه هفتاد

۵۸ بندر ویت‌ترین کشور است / گفت‌وگو با رضا ملک‌پور

اولین مدیر بندر شهیدر جایی در سال‌های جنگ

۶۰ چگونه بندری پررونق داشته باشیم؟ / محمدعلی

اصل سعیدی پور

اخلاق کسب‌وکار

۶۲ ایده مهم‌تر از تخصص است / اخلاق و تجربه

کسب‌وکار در گفت‌وگو با حسن ورشوچی

کتابخانه

۶۶ از سرمایه اجتماعی تا سرمایه اقتصادی / به بهانه

کتاب «چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد» نوشته

محسن رنایی

کافه

۶۸ باز یگران جهان آینده / نگاهی به گزارش «روندهای

جهانی ۲۰۳۰: دنیاهای جایگزین»

۷۰ نیروی بقای شهرها از کجا برمی‌خیزد؟

۷۲ همه چیز تبلیغ تلویزیونی نیست / گزارش تصویری

از برندگان بهترین آگهی‌های خیابانی دنیا

۷۴ چگونه به هدف بزنیم / پنج پیشنهاد برای بهبود

کسب‌وکار



مبارزه با قاچاق، راه‌حل اقتصادی دارد

میزگردی با حضور محسن بهرامی ارض‌اقدس،

مسعود دانشمند و عبدالمجید اجتهادی

۱۸



جهان ۲۰۱۳ به کجا می‌رود؟

پیش‌بینی‌های کوتاه برای ۸۰ کشور مهم جهان

گزارش اکونومیست و مؤسسه اوراسیا

۳۰



بندر ویت‌ترین کشور است

نیمه‌های پر و خالی بنادر ایران در گفت‌وگو با

رضا ملک‌پور و محمدرضا اشکریز

۵۰



ایده

مهم‌تر از تخصص است

خلاق و تجربه کسب‌وکار

در گفت‌وگو با

حسن ورشوچی

۶۲



از سرمایه اجتماعی تا

سرمایه اقتصادی

افول اخلاق و اقتصاد

به روایت محسن رنایی

۶۶



همه چیز تبلیغ

تلویزیونی نیست

گزارش تصویری

از برندگان بهترین

آگهی‌های خیابانی دنیا

۷۲

تأمین زیرساخت‌های توسعه

۲۰ هزار میلیارد دلار حجم سالانه تجارت کالا در سطح جهان است، و به تناسب این افزایش شدید در تجارت بین‌المللی، سهم ارزش حمل و نقل در خدمات تجاری نیز بیشتر شده، و در حال حاضر به حدود هزار میلیارد دلار رسیده است.

این واقعیات نشان می‌دهد که تولید کالا بر اساس مزیت‌های منطقه‌ای در حال پیشرفت است، و هیچ کشوری نمی‌تواند، خود را از این مسیر دور بدارد، بدون آنکه ضررهای فراوانی متحمل شود. از این رو برای هماهنگ شدن با این جریان نه تنها باید راهبرد تولید و توسعه صنعتی خود را بر سکوی صادراتی قرار داد، بلکه باید زیرساخت‌های مناسب آن را نیز فراهم کرد. زیرساخت‌هایی از قبیل نظام بانکی موثر برای نقل و انتقال پول، راه‌ها و جاده‌های مناسب ریلی و آسفالت و هوایی، فرودگاه‌ها، ترمینال‌ها و بندر و نیز وسایل حمل و نقل کارآمد و مدرن از اهم این زیرساخت‌ها هستند.

با این مقدمه می‌توانیم نگاهی به جغرافیای ایران کرده و آن را با کشوری مثل امارات و بندری مثل دبای مقایسه کنیم. بندر ایران در جنوب کشور و مسیر ترانزیت به کشورهای هم‌چون افغانستان، آسیای میانه، عراق و نیز بازار ایران قرار دارند، در حالی که هیچ یک از این شرایط برای بندر جنوب خلیج فارس وجود ندارد، ولی مقایسه بندرعباس به عنوان بزرگترین بندر ایران با بندر دبای نشان می‌دهد که تا چه حد از نظر زیرساخت بندری برای تبدیل شدن به یک قطب منطقه‌ای تجاری و ترانزیت کالا عقب هستیم، در حالی که زمینه‌ها و ظرفیت‌های لازم را برای این کار در اختیار داشته‌ایم.

در اکثر کشورهایی که ساحل دریایی دارند، مهم‌ترین شهر، یا حداقل یکی از شهرهای مهم آن را بندر تشکیل می‌دهد، بندر به نوعی معرف ارتباط بازرگانی با جهان نیز هست، در حالی که ایران فاقد

مسأله مورد ابتلای مردم فراهم شود. اول: از طریق دعوت از نامزدهای انتخاباتی برای پاسخگویی آنان به مهم‌ترین پرسش‌ها و مطالبات بخش خصوصی در زمینه اقتصاد. دوم: از طریق طرح موضوعات و مشکلات و راه‌حلی که اتاق به آنها اعتقاد دارد و انجام آنها را به نفع کشور و اقتصاد جامعه می‌داند.

موضوعات مهم و اولویت‌دار زیاد هستند. متغیرهای مربوط به شاخص کسب و کار، کنترل نقدینگی، سیاست اعتبارات و نرخ بهره بانکی، سیاست تعیین نرخ ارز، مقررات گمرکی و صادرات و واردات، موضوع مالیات‌ها و شیوه دریافت ارزش افزوده، شفافیت اطلاعات، بودجه دولت، نظام قیمت‌گذاری و یارانه‌ها، تگرش نسبت به سیاست توسعه صادراتی کشور، قانون کار، و امثال اینها هر کدام می‌توانند موضوع مهمی برای به چالش کشیدن نامزدهای ریاست جمهوری باشند، ضمن آنکه اتاق می‌تواند با ارایه راه‌حل‌های خود درباره هر یک از این موارد، به بسط و ترویج راه‌حل‌های عقلانی‌محور و مفید به حال جامعه کمک کند و در مسیر تصمیم‌سازی کلان قرار گیرد.

۲ از آنجا که در این شماره، بندر به عنوان یکی از زیرساخت‌های مهم واردات و صادرات و نیز ترانزیت، موضوع پرونده ویژه بوده است، لذا از میان موارد اقتصادی فوق به طور مختصر به مسأله تجارت خارجی و نقش بندر در آن اشاره می‌شود.

یکی از روندهایی که قطعیت وجود آن در آینده اقتصاد جهان پیش‌بینی شده است، رشد سریع‌تر تجارت خارجی جهانی نسبت به رشد تولید ناخالص جهان است. این امر بدان معناست که سهم تولیدات داخلی کشورها برای صادرات نسبت به کل تولید آنها، به صورت مستمر رو به افزایش است. و طی دو دهه اخیر، روند رو به رشد تجارت خارجی در برخی سال‌ها به ۱۵ درصد هم رسیده است و اکنون چیزی در حدود

۱ با اظهاراتی که طی دو هفته گذشته از سوی مقامات کشور درباره انتخابات خرداد ماه سال ۱۳۹۲ بیان گردید، کلید این انتخابات به صورت غیر رسمی زده شد و انتظار می‌رود که علاقه‌مندان به نامزد شدن در این انتخابات اقدامات سیاسی خود را برای یارگیری آغاز نمایند. هرچند این کوشش‌ها در آغاز راه است، ولی نامزدهای احتمالی باید دیر یا زود وارد بحث درباره مسایل کشور و از جمله مهم‌ترین آنها یعنی اقتصاد شوند.

نظرسنجی‌هایی که در دو دهه گذشته در کشور انجام شده، نشان می‌دهد که اکثریت قاطع مردم در پاسخ به این پرسش که مهم‌ترین مسأله‌ای که با آن درگیر هستید چیست، به مسایل اقتصادی از جمله تورم، بیکاری و مسکن اشاره کرده‌اند، پس از این به مسایل اجتماعی مثل اعتیاد، سرقت و سپس به مسایل شهری مثل ترافیک و آلودگی هوا و صوتی و امثال آنها پرداخته‌اند، گرچه ممکن است در شرایط حاضر میان اولویت دوم و سوم مردم نوعی جایجایی صورت گرفته باشد و مشکلات شهری و آلودگی‌ها و ترافیک از اهمیت بیشتری برخوردار شده باشند، ولی تردیدی نیست، از اولویت مسأله اقتصادی نه تنها کاسته نشده، بلکه بر شدت آن نیز افزوده شده است و برای همه مردم اعم از فقیر، یا غنی، کارگر یا کارفرما، کارمند یا مدیر، کارکن مستقل یا مزدگیر، زن یا مرد، پیر یا جوان، شمال شهری یا جنوب شهری، تهرانی یا شهرستانی، شهری یا روستایی، اقتصاد و عنوان مهم آن یعنی تورم، کمبود درآمد و بیکاری، گردش امور تولیدی و مدیریتی مسأله اصلی شده باشد. از این رو لازم است که اتاق بازرگانی به عنوان مهم‌ترین نهاد اقتصادی بخش خصوصی کشور در این راه پیشگام شود و از دو طریق نسبت به طرح پرسش‌هایی درباره مباحث و مشکلات اقتصادی اقدام کند، تا زمینه مناسب برای توجه جامعه و نامزدهای ریاست جمهوری به مهم‌ترین



تولید کالا بر اساس مزیت‌های منطقه‌ای در حال پیشرفت است، و هیچ کشوری نمی‌تواند، خود را از این مسیر دور بدارد، برای هماهنگ شدن با این جریان نه تنها باید راهبرد تولید و توسعه صنعتی خود را بر سکوی صادراتی قرار داد، بلکه باید زیرساخت‌های مناسب آن را نیز فراهم کرد

مقاومت هنر و کار یک ملت است

توسعه به مدیران توانمند و روش‌های علمی مدیریت نیازمند است



■ سید محمود حسینی
رئیس مرکز مطالعات
و بررسی‌های
اقتصادی اتاق تهران

اولین و مهمترین موضوعی که در شرایط فعلی کشور باید مورد توجه مدیران ارشد نظام قرار گیرد این نکته اساسی است که تحولات رخ داده و حرکتهای آگاهانه و هدفمند دشمن، به گونه‌ای طراحی و اجرا می‌شوند که مقابله با آنها بر اساس تجربیات سال‌های گذشته و راهبردها و سیاست‌های جاری ممکن نخواهد بود. از آن گذشته صاحبان کسبوکار نیز با آینده‌ای نامطمئن و ناشناخته روبرو هستند و نیروها و متغیرهایی در داخل و خارج و فراتر از حوزه کنترل آنها، هر روز روند فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده آنها را دچار اختلال می‌کنند، در نتیجه و از روی اجبار فرایند گام‌به‌گام و کوتاه‌مدت را در اتخاذ تصمیمات خود انتخاب کرده و سعی می‌کنند از سرمایه‌گذاری‌های ثابت و بلندمدت اجتناب ورزند تا بتوانند انعطاف‌پذیری خود را در روبروشدن با حوادث ناگهانی افزایش دهند و لذا حاضر نیستند زیربار تعهدات سنگین و سرمایه‌گذاری‌های ثابت بلندمدت بروند. روشن است که این رویکرد و نگرش، برای توسعه و پیشرفت کشور خصوصا در حوزه اشتغال و تورم چه پیامدهای مخربی به همراه دارد. به‌علاوه، مدیریت کشور و ملت تنها با معضل کاهش سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت و خروج صاحبان سرمایه و فکر و تخصص و تحریم‌ها روبرو نیستند، که اگر چنین بود این امکان وجود داشت که با تحمل سختی‌ها و برنامه‌های ریاضتی شرایط را مدیریت کرده و از خسارت‌ها و فشارهای آن کاست؛ بلکه نکته مهم و اساسی این است که ما با نبردی تمام عیار روبرو هستیم، نبردی که در آن دشمن با ابزارها و روش‌های پیچیده و حملات سنگین خود، به طور دائم تمامی منابع، قابلیت‌ها و فرصت‌های ما را در همه بخش‌ها مورد هجوم قرار داده و جنگی واقعی و پیچیده و فرسایشی را علیه ما سازماندهی کرده است، جنگی که هدف اصلی آن فروپاشی سیستم‌ها و به ویژه روابط میان آنها و در نتیجه ناکارآمد کردن نظام

است. بنابراین همه دست‌اندرکاران نظام باید بدانند که صبر و تحمل مردم در مقابل مشکلات و کمبودها به تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه باید راهبردها و مدیریت‌ها به گونه‌ای طراحی و اجرا شوند که کیفیت عملکرد سیستم‌ها و نظام دائما تقویت شده و دچار بحران‌های پی‌درپی و شوک‌های ناگهانی نشود. بدیهی است که این امر نیازمند توسعه قابلیت‌های مدیریتی کشور در همه عرصه‌هاست؛ توسعه‌ای که تنها از طریق کاربرد روش‌های علمی مدیریت و استفاده از مدیران توانمند و لایق امکان‌پذیر است. توسعه‌ای که جز با همراهی و همگامی متخصصان، کارآفرینان، صاحبان کسبوکار، دانشگاهیان و در یک کلام سرمایه‌های فکری و اجتماعی کشور قابلیت اجرا پیدا نمی‌کند. چرا که در این مبارزه سخت و در این محیط آشوبناک و جهان دانش‌محور تنها نخبگان جامعه هستند که قادر به حفظ و توسعه قابلیت‌های هر نظامی می‌باشند و به‌علاوه تنها با حضور این طیف است که می‌توان اعتماد بدنه کارشناسی و تخصصی جامعه را جلب کرده و با افزایش کارایی نظام، اعتماد جامعه را به‌دست آورد. اعتمادی که اساس و پایه مبارزه و مقاومت را در روبرو شدن با تحریم‌ها تشکیل می‌دهد، چرا که مقاومت و توسعه یافتن کشور تنها در گرو کار و کوشش دولت یا یک مقام نیست، بلکه تحقق این هدف، مستلزم بروز هنر و کار یک ملت است و هر برنامه یا سیاستی برای موفقیت باید متکی بر اراده ملی خصوصا کارآفرینان و اندیشمندان جامعه باشد. برنامه‌ها باید روشنگر و ترجمان امید ملت و دفاع آنها از ارزش‌ها و کشورشان باشد و مدیران ارشد نظام باید در همه حوزه‌ها از جمله حوزه اقتصاد، سیاست و فرهنگ فضا را برای مشارکت و حضور فعالانه سرمایه‌های اجتماعی و فکری و کارآفرینی جامعه بازتر کرده و از افتادن به دام مدیریت دستوری اجتناب ورزیده و بدانند که برنامه‌ها و سیاست‌ها باید سند اراده ملی باشند تا قابلیت اجرایی پیدا کنند؛ و بالاخره باید بدانیم که مدیریت در شرایط ابهام و در محیط‌های خصمانه جز با تعامل، همیاری و همکاری اثر بخش مجموعه اراده‌های جامعه خصوصا اراده‌های سیاسی نخواهد بود پس تلاش کنیم که فضای جامعه را از این وضعیت نابه‌سامان خارج کرده و زمینه را برای حضور همه نیروها در همه حوزه‌ها فراهم سازیم.

چنین وصفی است، مهم‌ترین شهر بندری آن یعنی بندرعباس، نه تنها با پایتخت تفاوت بسیاری دارد، بلکه از شهرهای درجه دو کشور مثل اصفهان، مشهد و تبریز نیز یکی دو پله عقب‌تر است، و به لحاظ بزرگی جمعیت شهرهای کشور، در رتبه ۱۸ قرار دارد. به طور طبیعی سایر شرایط این مهم‌ترین بندر کشور نیز چندان متفاوت از این رتبه جمعیتی آن در کشور نیست، و این وضع نشان‌دهنده جایگاه و مرتبه پایین و ضعیف تجارت بین‌الملل در کشور است. تجارتی که با سرعت سرسام‌آور رو به افزایش است و تنها در چین طی ۱۰ سال ۶ برابر شده است.

مشکلات اقتصاد در ایران متعدد است، ولی آنچه که بیش از هر چیز خود را نشان می‌دهد، ضعف اقتصاد ایران در زمینه‌هایی است که با سرعت بیشتری در حال رشد است و به نوعی انعکاسی از جهانی شدن اقتصاد است. بازرگانی خارجی، توریسم، اقتصاد اطلاعات، تکنولوژی‌های پیشرفته ارتباطی، همگی وجوه گوناگونی از یک واقعیت هستند. این واقعیت که جهان در حال کوچکتر شدن و به تعبیری دیگر مسطح شدن هم هست. ولی آنچه که بیش از هر چیز دیگری کارآفرین و صنعتگر ایرانی را با ناامیدی مواجه می‌کند، این است که برنامه و سیاستی استوار در جهت حرکت به سوی بهره‌مندی از این وضعیت جهانی نمی‌بیند و در نتیجه نمی‌تواند برنامه بلندمدتی برای داخل شدن در این فرآیند ترسیم کند.

نقش و وظیفه دولت برای توسعه، بسیار مهم و اساسی است و این نقش باید در جهت ایجاد و بسط شرایطی باشد که از انجام آن از عهده بخش خصوصی خارج است. ایجاد زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، از جمله بنادر و راه‌ها، فرودگاه‌ها، خطوط آهن، خطوط مخابراتی نوین و پرسرعت و... از جمله این موارد هستند و بدون تأمین این موارد، رسیدن به توسعه مستمر و پایدار، سرابی بیش نیست.



تنهانخبگان
جامعه هستند
که قادر به
حفظ و توسعه
قابلیت‌های هر
نظامی می‌باشند
و به‌علاوه تنها
با حضور این
طیف است که
می‌توان اعتماد
بدنه کارشناسی و
تخصصی جامعه
را جلب کرده و
با افزایش کارایی
نظام، اعتماد
جامعه را به‌دست
آورد

نسخه شفاف‌بخش

برای بیماری به نام اقتصاد



■ پدرام سلطانی
نایب رئیس
اتاق ایران

براساس آخرین اطلاعات سازمان گمرک، حدود ۸۵ درصد از واردات کشور را کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و مواد اولیه تشکیل می‌دهند و مابقی واردات کشور کالاهای مصرفی هستند. این تقسیم‌بندی بر اساس مکانیزم سازمان جهانی گمرک در نظر گرفته شده و محاسبه می‌شود، اگرچه به خودی خود نمی‌تواند پیامی مثبت یا منفی به همراه داشته باشد. به عنوان مثال ممکن است شکر به عنوان کالایی مصرفی تلقی شود، اما همین کالا می‌تواند در فرآیند تولید نوشابه جزو مواد اولیه باشد. به عبارت دیگر حتی اگر روزی تمام صادرات ما مربوط به کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای باشد، نمی‌توان آن را نشانه توفیق اقتصادی دانست. یکی از دلایل این است که کشورهای صنعتی و توسعه یافته، در تولید ماشین‌آلات مزیت دارند. طبیعی است که وقتی ما در سطح وسیعی به واردات این اقلام اقدام کنیم، این نشانه توفیق اقتصاد آن‌ها است و نه ما. از سوی دیگر، کشورها در تولید همه کالاهای مصرفی مزیت نسبی ندارند و اگر کشوری واردات کالای مصرفی نداشته باشد، قطعاً برخی کالاها را با هزینه بیش‌تری تولید می‌کند که این امر به نفع اقتصاد آن کشور نیست. بنابراین بحث و جدلی که در کشور پیرامون آمار اعلامی گمرک در خصوص کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای وجود دارد، از پایه دچار اشکالاتی اساسی است. ما می‌توانیم فارغ از کلی‌نگری این اطلاعات و فارغ از جزدگی فلسفه قدیمی جایگزینی واردات، سبد وارداتی خود را براساس مزیت‌هایمان تنظیم کنیم. کشور ما هم‌اکنون از منظر بالاترین تعرفه‌ها، سومین کشور دنیا است. به این معنی که ما ترکیب بهینه واردات را با دیوار تعرفه‌ای به هم ریخته‌ایم.

آن چه به بخش تولید در کشور ما بیش‌ترین لطمه را وارد کرده، واردات نبوده، بلکه عدم مدیریت درست منابع ارزی حاصل از نفت بوده است. این امر نرخ ارز را پایین‌تر از واقعیت‌های اقتصاد ایران نگاه داشت و یارانه‌ای را در اختیار واردات گذاشت. ما اما به جای پرداختن به اصل مسأله، تلاش کردیم با افزایش تعرفه، قدرت رقابتی خود را حفظ کنیم. هم‌اکنون اجماع کشورها در سازمان تجارت جهانی، گزینه دیگری را به جز پیوستن به این سازمان برای ما باقی نگذاشته

مضرات آشفته‌گی در اقتصاد



وجود اما پدیده‌ای که طی چند ماه اخیر در حوزه سیاست‌های تجاری با آن روبه‌رو بوده‌ایم، نقطه مقابل بایسته‌های سیاست‌گذاری در وضعیتی مانند وضعیت فعلی اقتصاد ایران است؛ تعدد و تلاطم اخیر در تصمیمات ناظر به صادرات و واردات، از این دست است. واقعیت این است که عدم ثباتی که طی ماه‌های اخیر در حوزه سیاست‌های تجاری کشور شاهد آن هستیم، نه تنها کمکی به انجام کار ویژه فعالان اقتصادی بخش خصوصی در مورد دور زدن تحریم‌ها نمی‌کند، بلکه با ایجاد تشویش در روال معمول کار فعالان اقتصادی برای حضور قوی، هماهنگ و گسترده در عرصه مبادلات بین‌المللی، وضعیت صادرات و واردات را از آن چه که هست، آشفته‌تر نیز می‌کند.

بررسی این موضوع از منظر دیگری نیز ضرورت ثبات در سیاست‌های تجاری را به وضوح نشان می‌دهد؛ تحلیل‌های اقتصادی هم اقتضا می‌کند در شرایطی که میزان درآمد ارزی کشور از محل فروش نفت یا دسترسی ما به ارز حاصل از صادرات نفتی با محدودیت‌هایی مواجه است، زمینه را برای کسب درآمدهای ارزی غیرنفتی افزایش دهیم؛ از این روست که اعمال محدودیت به نحوی که چشمه درآمد ارزی غیرنفتی را تهدید کند، عاقلانه نیست؛ علاوه بر این که از نظر قانونی هم اعمال هرگونه محدودیت در صادرات و واردات طبق ماده ۱۰۳ و ۱۰۴ قانون برنامه پنجم توسعه، مغایر است. بر همین اساس نیز تأکید بخش خصوصی در شرایط کنونی بر این است که اولاً از تعدد تصمیمات که طبعاً امکان برنامه‌ریزی را کم می‌کند، بکاهیم و ثانیاً تصمیمات گرفته شده مبتنی بر موازین قانونی باشد.

بی‌تردید همه ما به عنوان عضوی از ملت بزرگ ایران در هر جایگاه و موقعیتی که قرار داریم، موظفیم تا سهم خود در کاستن از فشارهای ناشی از تحریم‌های ناروایی که در حق کشورمان اعمال شده است را ادا کنیم. شیوه و حوزه انجام این وظیفه نیز



■ محمد نواهدیان
رئیس اتاق ایران

یقیناً به تخصص، زمینه فعالیت و البته فراهم بودن بسترهای لازم بستگی دارد؛ از این‌رو در این‌که هر فعال اقتصادی نیز به عنوان یکی از احاد جامعه ایران وظیفه دارد در شرایط تحریم، مسئولیت خود را برای خنثی‌سازی تحریم‌ها و کاستن از فشارهای ناشی از محدودیت‌ها به کار بندد، تردیدی وجود ندارد. از آن‌جایی که تمرکز اصلی تحریم‌ها در دوره فعلی بر محدودسازی روابط تجاری کشور ما با سایر کشورهای دنیا است، بی‌راه نیست اگر بگوییم که کارویژه فعالان اقتصادی در شرایط امروز، استفاده از همه ظرفیت‌ها و اعتبارات خود برای گسترش روابط بین‌المللی است، در همین حال اما باز هم هیچ شکمی وجود ندارد که انجام این کارویژه خطیر، مستلزم فراهم بودن بسترها و شرایطی است که دست فعالان بخش خصوصی برای گسترش روابط بین‌المللی را بازتر از گذشته بگذارد. یکی از اساسی‌ترین شروط آزادی عمل بیش‌تر فعالان بخش خصوصی برای بسط ارتباطات بین‌المللی، ارسال علامت‌های تشویق‌کننده توسط سیاست‌گذاران تجاری کشور برای گسترش دامنه و عمق روابط بین‌المللی در حوزه تجارت است. با این

است. علی‌رغم بسیاری از مخالفت‌ها، ما به عنوان عضو ناظر در این سازمان پذیرفته شده‌ایم؛ رژیم تجاری خود را ارسال کرده و در فرآیند الحاق هم قرار گرفته‌ایم که شاید اگر راه دیگری بود این مسیر را نمی‌رفتیم. بیش از ۹۸ درصد از حجم تجارت دنیا در چرخه کشورهای عضو این سازمان شکل می‌گیرد. کشورهای عضو این سازمان اختیار این را دارند که برای کشورهای غیر عضو تا سقف ۴۰۰ درصد دیوار تعرفه‌ای ایجاد کنند. بنابراین باید با الگو قرار دادن کشورهای پیشرفته و استفاده از تجارب آن‌ها - که برای بسیاری از آن‌ها روزگاری الگو بوده‌ایم و مانند مسافری که در ایستگاه نشسته است، عبور و دور شدن آنها را تنها نظاره کرده‌ایم، به این بیندیشیم که چگونه از پیوستن به این سازمان بیش‌ترین بهره را برده و کم‌ترین ضرر را متحمل شویم.

شرایط کنونی کشور ما عادی نیست و تهدیدات و مشکلات فعلی اقتصاد ما غیر قابل مقایسه با سایر ادوار تاریخ معاصر کشورمان است. در این شرایط باید ابتدا از این فشارهای غیرمعمول رهایی پیدا کنیم. در برابر بیماری که شریان اصلی‌اش بریده است، کسی حتی به آسپیری مانند شکستگی استخوان ران او - که در حالت عادی بسیار وخیم، خطرناک و دردآور است - توجه نمی‌کند. اقتصاد کنونی ما با این تحریم‌ها حالت همان بیماری را دارد که شریان‌اش بریده است. حال با استخوان ران شکسته (سوء مدیریت‌ها)، تنگی نفس دارد (عوارض تورم و بیماری هلندی) و هم‌چنین سرما هم خورده است (تعرفه‌ها و سیاست‌های وارداتی). مشخص است که اولویت‌های درمانی این بیمار چیست و آخرین مرحله درمان به کجا ختم

می‌شود. شاید در شرایط کنونی صحبت کردن درخصوص راهکارهای پیوستن به سازمان تجارت جهانی کمی غیرواقعی به نظر برسد، اما نباید فراموش کرد که در این شرایط حتی برای سرماخوردگی نیز داروهایی تجویز می‌شوند تا حال بحرانی بیمار کمی بهبود یابد. به این مفهوم که با نوسانات صعودی نرخ ارز و شرایط تورمی کنونی، علاوه بر این که باید به فکر رفع تحریم‌ها باشیم تا شریان بریده شده را بخیه کرده باشیم، می‌بایست بررسی مجدد کنیم تا ببینیم کدام تعرفه‌ها، هم‌چنان توجیه پذیرند. با افزایش نرخ ارز، برخی از تولیدات ما، رقابت‌پذیری خود را باز یافته‌اند. به این ترتیب می‌توانیم با کاهش تعرفه، تورم وارداتی را در این بخش‌ها کنترل کنیم. باید توجه داشت که



چرا قانون گریزی شیوع می‌یابد؟

تا شرایط و بسترهای لازم مهیا نباشد خلاف اقتصادی صورت نمی‌گیرد

متعددی از شیوع و افزایش آن به گوش می‌رسد، در حد برخورد با متخلفان متوقف نشده، زمینه‌ها و بسترهایی که برخی افراد را به چنین تخلفی تشویق می‌کند، بررسی کرده و در رفع و حل آن‌ها بکوشیم.

بدون شک، اعمال محدودیت‌های متنوع، تغییر مستمر آیین‌نامه و بخش‌نامه‌های دولتی در مورد صادرات و واردات و نااطمینانی تجار از رویه‌های آینده، از جمله عواملی هستند که زمینه‌ها و بسترهای مناسب را برای سوق یافتن برخی تجار به سمت ارتکاب این تخلف فراهم آورده است. از این‌رو باید باور داشته باشیم تا زمانی که ادامه این شرایط، بسترهای تخلف را مناسب کرده و توجیه لازم را فراهم آورده است، نمی‌توان امید داشت که برخورد‌های قانونی و قضایی و ... تأثیر چندانی در کاستن از تخلف داشته باشد بنابراین راهکار اساسی اصلاح رویه‌های متغیر، نادرست و محدودیت‌آفرین است که اعتماد و اطمینان را به تجار بازمی‌گرداند و عرصه را برای متخلفان سودجو تنگ می‌کند.

عمل خلاف قانون بیش از پیش فراهم شده و ارتکاب تخلف از توجیه بیش‌تری برخوردار می‌شود. ماجرایی سوءاستفاده از کارت‌های بازرگانی که تحت عنوان «کارت فروشی» در میان فعالان اقتصادی و رسانه‌ها شهرت پیدا کرده است هم از این قاعده کلی مستثنی نخواهد بود؛ طی چند ماه اخیر به گزارش نهادها و سازمان‌های مختلف از جمله اتاق بازرگانی ایران، شاهد افزایش پدیده نامبارک و خلاف قانون کارت‌فروشی توسط برخی صاحبان کارت‌های بازرگانی هستیم. بنابراین گزارش‌ها، متأسفانه برخی از دارندگان کارت‌های بازرگانی که به علل مختلف استفاده‌ای از کارت خود ندارند، این کارت‌ها را در اختیار بعضی دیگر از تجار قرار می‌دهند تا با استفاده از نام و اعتبار آنان، دست به صادرات یا واردات بزنند. این اقدام قطعاً به دلایل گوناگون، تخلف و در تضاد با روح حاکم بر فعالیت‌های تجاری سالم و فلسفه اعطای کارت بازرگانی به تجار است و طبیعتاً به‌عنوان یک تخلف قابل پی‌گیری. اما نکته مهم این است که در مواجهه با این تخلف، خصوصاً زمانی که گزارش‌های

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در انتخاب راه‌های جلوگیری از وقوع یک تخلف باید مورد توجه قرار بگیرد، ریشه‌ها و عللی است که افرادی را به سمت آن تخلف سوق می‌دهد. گرچه نمی‌توان و نباید نقش اختیار افراد را در افعالی که انجام می‌دهند نادیده گرفت ولی از کنار این واقعیت



■ عل‌الدین میر محمدصادقی
عضو هیات نمایندگان اتاق تهران

نیز نباید گذشت که فراهم بودن شرایط و بسترها، نقش پررنگی در بروز عمل خلاف دارند. توجه به این بسترها و زمینه‌ها زمانی اهمیت بیش‌تری می‌یابد که شاهد فراگیری و کثرت وقوع تخلف در یک حوزه خاص هستیم؛ چرا که در چنین شرایطی، به احتمال فراوان، به دور از چشم ما یا در پی غفلت ما، زمینه‌ها و بسترهای لازم برای وقوع

نرخ تورم را
می‌توان با
سیاست‌های
پولی و مالی
مناسب کنترل کرد.
می‌توان اندازه
دولت را کوچک
کرد و در جهت
سیاست‌های
افزایش رشد
اقتصادی و
کاهش بیکاری
گام برداشت. پس
از این اقدامات
می‌توانیم
سیاست‌های
الحاق به سازمان
تجارت جهانی را
ارزیابی کنیم

نقشه راهی برای آینده کسب و کار

ده الگوی امروزی دنیا برای
صاحبان کسب و کار:

کدام روش‌ها برای توزیع
بهتر قدرت اقتصادی در جهان
پیش‌رو، جواب می‌دهند؟



■ **توماس مالنایت**
استاد استراتژی و
مدیریت عمومی



■ **تریسی کیز**
مدیر گروه استراتژی
پویای جهانی که
هر ساله گزارش
الگوهای جهانی آینده
را منتشر می‌کند



اقتصادهای نوظهور
جهان و سایر
اقتصادهای رو به
رشد، در جریان نبرد
برای کنترل رشد
اقتصادی و توسعه
اجتماعی آینده
حاضر خواهند بود.



شماره مقدم / بهمن ۹۱

توزیع قدرت اقتصادی و اجتماعی در جهان در سال ۲۰۱۳ میلادی نیز مثل هر سال دیگری ادامه خواهد یافت. قدرت از نهادهای سنتی که در ایجاد پیشرفت ناکام بوده‌اند - مثل دولتها و بانکها - دور خواهد شد و بیشتر به سمت جوامع و افراد حرکت خواهد کرد؛ به خصوص به سمت کسب و کارهایی که صاحبان‌شان قدرت درک الگوهای شکل دهنده آینده ما و عمل بر اساس آنها را داشته باشند. آینده پیش روی ما مبهم و بی‌ثبات است. توفان سندی برای آمریکایی‌ها یادآور الگوهای تغییر یابنده‌ای در عرصه آب و هوا بود و بیش از هر زمان دیگری به آنها نشان داد که توجه به روش‌های جدید برای مدیریت منابع و محیط دنیای امروزی کاملاً ضروری و حیاتی است. در همین حال، در نقاط مختلفی از دنیا شاهد ناآرامی‌های اجتماعی بر سر ریاضت اقتصادی، تبعیض در آمدی، بیکاری، بی‌عرضگی‌های سیاسی، ناکامی نهادها و مسائل دیگر هستیم. در این میان، احتمال آن که شرکت‌های مختلف در سطح دنیا ناکامی‌های زیادی را تجربه کنند زیاد است؛ و علت اصلی‌اش هم این است که ما آینده را درست تعبیر نمی‌کنیم. یکی از نمونه‌های عمده این ناکامی، شرکت کداک بود. کداک مبدع دوربین دیجیتال بود اما به جای تمرکز روی این محصول بیشتر در عرصه صنعت فیلم متمرکز شد و نهایتاً بازار را به رقبا واگذار کرد و اکنون هم اعلام ورشکستگی کرده است. حالا در این گزارش از الگوهای جهانی جدید در سال ۲۰۱۳ میلادی، ده رویه را که صاحبان کسب و کار باید امروز بر آنها متمرکز شوند به شما معرفی می‌کنیم.





۸ افزایش فعالیت کسب و کارها: از سوددهی به سمت تحقق اهداف

بسیاری از کسب و کارها دارند نقش‌های جدیدی برای خودشان تعریف می‌کنند و اغلب هم شرکایی دارند. این نقش‌ها در جهت مواجهه با چالش‌های اجتماعی و اقتصادی جدید تعریف شده‌اند. بسیاری از بنگاه‌ها در تلاشند مشروعیت بیشتری برای خود به دست بیاورند و البته خواهان داشتن مجوز انجام کارهای بیشتر هم هستند. این در حالی است که مصرف‌کنندگان از همین بنگاه‌ها تقاضاهای بیشتری دارند؛ کارفرمایان و سهامداران هم به شدت به تاثیر و انگیزه‌های شرکت‌هایی که با آنها وارد شراکت شده‌اند فکر می‌کنند. اما نکته مثبت ماجرا این است که شرکت‌ها در چنین شرایطی در می‌یابند که چه منافع مشترکی با جامعه دارند و چگونه می‌توانند از آنها استفاده کنند. اصلاح اهداف هم در همین راستا معنی می‌یابد.

۹ اطلاعات یعنی قدرت: جانش‌های امنیتی

فضای مجازی، جبهه جدید نبرد بر سر مسائل امنیتی است. واقعیت این است که دانش و اطلاعات عملاً منبع سود رقابتی برای سازمان‌ها، ملت‌ها و افراد است. اما در شرایطی که تحرک و دموکراتیزه کردن هر چیزی (از جمله تجارت، سیاست و جامعه) در حال افزایش است، چالش بزرگی نیز در عرصه کنترل آنها رخ می‌دهد. هم‌زمان، جرایم مجازی و نبردهای مجازی وارد مرحله جدیدتری شده است. در چنین وضعیتی باید انتظار موج جدیدی از شکایت‌ها، سیاست‌ها و قوانین را هم داشت. آیا باید آزادی دیجیتال برقرار شود یا آن که «برادر بزرگ» در فضای مجازی نیز همه چیز را در کنترل خود داشته باشد؟

۱۰ اصلاً بانک‌ها به چه دردی می‌خورند؟ به درد شکل دهی مجدد به نظام مالی

نظام مالی دنیا فرسوده و شکست خورده است. قانونگذاران به دنبال ایجاد تغییراتی در این مسیر هستند؛ صاحبان کسب و کار دنبال ابزارهای مالی بیشتری هستند؛ و مصرف‌کنندگان هم دنبال گزینه‌های بیشتر. «بانک»‌های آینده احتمالاً از موجودیت دولتی استفاده خواهند برد اما در عین حال شاید شرکت‌هایی نیز وجود داشته باشند که دیگر به پول نقد توجهی نشان ندهند؛ آنها به دنبال معاملات تهاثری و واحدهای پول اجتماعی خواهند بود. در چنین شرایطی، کیف پولهای دیجیتال و بانکداری متحرک مورد توجه قرار خواهد گرفت و راه را برای نقش آفرینان عرصه نرم افزار و شرکت‌های مخابراتی هموار خواهند کرد. در دنیایی که به شکل فزاینده‌ای شلوغ شده و نظام مالی‌اش هم عاری از پول نقد است، بانک‌ها دیگر نقش آفرینان مهم و کلیدی نخواهند بود. خلاصه اینکه توزیع قدرت اقتصادی هم مثل هر تغییر بزرگ دیگری، نمایانگر چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی خواهد بود. آیا شما و کسب و کارتان آماده بهره بردن از این ده الگو برای آینده هستید؟

آنها. یک جنبه منفی قضیه هم این است: موج آینده ماشین آلات هوشمند نیز به ایجاد شغل‌های جدیدی خواهد انجامید. چالشی که وجود دارد، اطمینان یافتن از این قضیه است که نیروی کار جدید کاملاً آماده و ماهر است.

۵ رقابت فضایی جدید: جابجایی مجدد مرزهای تکنولوژی

پیشرفت‌های علمی که از برنامه‌های فضایی حاصل شد، تاثیر زیادی بر نحوه زندگی و کار ما داشته است؛ به خصوص در نحوه انجام مخابرات جهانی. حالا دیگر سفر تجاری فضایی و اکتشاف به یک واقعیت بدل شده است و این در حالی است که مسابقه فضایی بین آمریکا، چین و اروپا همچنان دارد داغ‌تر و پیچیده‌تر می‌شود. پیشرفت‌های جدیدی حتماً انجام خواهد شد، اما پرسشی که در آینده بیشتر در این خصوص مطرح خواهد شد، مالکیت دارایی‌های «فضایی» است و این که پیشرفت‌ها در حوزه فضا چه قدر به سود عمومی تمام خواهد شد.

۶ جنگ‌های ژئوپلیتیکی: نبرد برای کنترل آینده

اقتصادهای نوظهور جهان و سایر اقتصادهای رو به رشد، در جریان نبرد برای کنترل رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی آینده حاضر خواهند بود. این چشم اندازی چندقطبی از بازار است که مبنایش نظام‌های کاملاً متفاوت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده است. سیاستمداران و شرکت‌های مختلف هنوز دارند تلاش می‌کنند جایگاه خودشان را در نظم نوین جهانی پیدا کنند و کنترل آن را به دست بگیرند؛ حتی در شرایطی که اعتماد به حکومتها کم شده، احساسات ناسیونالیستی بالا گرفته، و قدرت بیشتر در دست مردم قرار گرفته است. پتانسیل تغییرات سیاسی رادیکال در داخل کشورها و بین کشورهای مختلف نیز بالا رفته است.

۷ تشدید جنگ بر سر منابع: از دنیای فراوانی به دنیای کمبود

جمعیت جهان تا سال ۲۰۵۰ میلادی به ۹ میلیارد نفر خواهد رسید و به همین جهت، استفاده از منابع مختلف نیز دشوارتر خواهد شد؛ به خصوص با توجه به شرایطی که از تغییرات آب و هوایی در سطح جهان ناشی شده است. در سال ۲۰۳۰ میلادی، تقاضای منابع از سوی انسانها دو برابر بیشتر از آن چیزی است که سیاره زمین می‌تواند در اختیارشان قرار دهد. در چنین شرایطی، ناآرامی‌های اجتماعی و مناقشات بالا خواهد گرفت؛ زیرا که همگی بر سر به دست آوردن منابع نایب‌تر با هم وارد رقابت خواهند شد. نایب بودن منابع از قبل هم باعث شده که قیمت‌ها بی‌ثبات و شکننده باشند و سرمایه‌گذاری‌ها گاه در خارج از کشورهای خاصی انجام بگیرد. با این اوصاف، تکنولوژی‌های جدید و تجدیدنظر در مورد مصرف می‌تواند در آینده زمین بسیار موثر و مهم باشد. در چنین راهی، حکومت‌ها پیش‌تاز نیستند؛ بلکه صاحبان کسب و کار هستند که گام‌های اول را برمی‌دارند.

۱ همه چیز اجتماعی است: نسل‌های جدید و دنیای دیجیتال‌شان دارند پیش می‌آیند

تکنولوژی‌های اجتماعی حالا بخشی مرکزی از زندگی و کار روزمره ما را تشکیل می‌دهند. نسل‌های اجتماعی امروزی دارند تعریفی جدید و درونی برای شرکت‌های ما ارائه می‌دهند و به آنها یاری می‌رسانند تا شبکه‌های بزرگ‌تر، حرفه‌ای‌تر و خلاقانه‌تری به راه بیندازند. واقعیت این است که قدرت تحرک و ارتباط، مهم‌ترین و اساسی‌ترین نکته در فضای کسب و کار آینده را شکل می‌دهد: ارتباطات و بازاریابی نیز در همین راستا باید مورد توجه قرار بگیرد.

۲ بازتعریف ارزش: مصرف‌کننده دنبال سهم مشترک است

مساله «ارزش» در قرن بیست و یکم میلادی دارد بازتعریف می‌شود. در این راستا، مصرف‌کنندگان گزینه‌هایی در اختیار دارند. آنها دنبال شخصی شدن مسائل و نیز مشارکت در امر خلق ارزش هستند. ذهنیت آنها دارد به سمت «همراهی با من» حرکت می‌کند. در عین حال توسعه اقتصاد بی‌مالک مورد توجه قرار گرفته است، یعنی از نظر مصرف‌کننده، ارزش در چیزی است که «با من تقسیم شده باشد». این مساله به خصوص در نسل‌های جوان‌تری دیده می‌شود که به تجربیات قابل اشتراک با دیگران اهمیت زیادی می‌دهند و به لحاظ اجتماعی نیز منفعت زیادی به وجود می‌آورند.

۳ همه چیز توزیع شده است: قدرت تحرک در تولید و مصرف

قدرت تحرک و پویایی دارد وارد مرحله جدیدی می‌شود. مصرف در چنین شرایطی نه تنها در همه جا و همه زمان رخ می‌دهد، بلکه ابزارها و منابع آن برای خلق و ثبت ارزش هم در شرایطی بهتر از گذشته توزیع می‌شود. کار به شدت در حال توزیع است. تولیدات در ابعاد کوچک-مثلاً چاپ سه بعدی- دارند تعریفی جدید از تولید ارائه می‌دهند. تکنولوژی‌های تجدیدپذیر هم مساله توزیع تولید انرژی را ممکن ساخته‌اند و این در حالی است که موقعیت‌ها و سکوه‌های پرتاب جدید در عرصه آموزش دارد به شدت این حوزه را دگرگون می‌کند. سوالی که اینجا باید از خودتان پرسید این است که چه چیزی را نمی‌توان توزیع کرد. از آن دوری کنید

۴ انقلاب «صنعتی» بعدی: روبات‌ها و ماشین آلات هوشمند در عرصه کار

ماشین‌آلات هوشمند و روبات‌ها دارند تعریف جدیدی از جامعه ارائه می‌دهند. روبات‌ها حالا در عنوان‌هایی شغلی مثل مسئول پذیرش، کارمند بانک و حتی نگهبان زندان کاملاً پذیرفته شده‌اند و این در حالی است که تکنولوژی امروزی به آمازونها اجازه می‌دهد همان کارهایی را انجام بدهند که حرفه‌ای‌ها انجام می‌دادند. یک جنبه مثبت این قضیه را می‌توان اینجا دید: رسیدگی به جمعیت سالمند و مراقبت از

ماجراجویی‌های اقتصادی

بحران اقتصادی در راه است: دردهای مزمن اقتصاد جهان اصلا درمان نشده است



■ رابین بیو
اقتصاددان و
تحلیلگر آینده‌نگری
در موسسه
اکنومیسیت

شش سال از زمانی که اولین نشانه‌های بحران مالی جهانی بروز کرد می‌گذرد. شاید فکر کنید که حالا دیگر بدترین وضعیت را رد کرده و اقتصاد جهان به زودی نفسی به راحتی خواهد کشید. اما برخلاف انتظار شما، بخش‌های زیادی از دنیا دارند رکودی درازمدت از نوع ژاپنی‌اش را تجربه می‌کنند.

اروپا واضح‌ترین نمونه‌اش است. تولید ناخالص داخلی منطقه یورو در سال ۲۰۱۳ میلادی تنها نیم درصد رشد نشان خواهد داد. آلمان و فرانسه خیلی حرکت رو به جلویی نخواهند داشت. یونان برای ششمین سال متوالی درگیر رکود خواهد ماند و اقتصاد اسپانیا و پرتغال هم برای چهارمین بار ظرف پنج سال کوچک خواهد شد. پس مصائب اقتصاد این قاره همچنان تداوم دارد؛ و البته خشم عمومی از سیاستمداران و سیاست‌گزاران هم به شدت رو به افزایش است. حتما نمونه‌هایش را در اعتراضات مردمی مختلف دیده‌اید.

اما این وسط حقیقت دیگری هم وجود دارد؛ اینکه هیچ گزینه‌ای برای اروپا باقی نمانده است. فرصت‌هایی که برای پیشگیری از مشکلات وجود داشت حالا به کل از بین رفته است. رهبران اروپایی باید در مورد یک مساله مهم و جدی تصمیم بگیرند: آیا آنها باید گسست در منطقه یورو را بپذیرند و با این موضع، منطقه را مستقیماً به سمت رکود پیش ببرند؟ یا اینکه باید راه مقابل را در پیش بگیرند و دنبال تحکیم اتحاد و همبستگی در منطقه یورو باشند؟ پذیرش وضع دوم به معنای آن است که کشورهای مهمی مثل آلمان مجبورند مسئولیت مشکلات کشورهای کم‌اهمیت‌تر در منطقه یورو را قبول کنند. پس

سیاستمداران اروپایی در چنین مرحله‌ای دچار تردیدها و دردهای بیشتری خواهند شد. بعد بانک مرکزی اروپا مداخله خواهد کرد تا وقت بیشتری برای دولت‌ها ببرد و بعد هم باز سیاستمداران قادر به برآورد کردن انتظارات نخواهند بود. با این اوصاف، منطقه یورو به تدریج دچار اضمحلال خواهد شد. اما خیلی‌ها می‌گویند هنوز زمان این اضمحلال کامل فرا نرسیده و راه‌هایی برای درمان زخم‌های این منطقه وجود دارد که شاید در سال آینده به کار بیاید.

در این میان آمریکا فقط در مقایسه با اروپا در وضع بهتری قرار دارد. اقتصاد آمریکا در سال آینده کمی بیش از دو درصد رشد خواهد داشت و این خیلی بر اساس استانداردهای آمریکایی رقم بالایی نیست. اما اگر وضع اروپا را با آمریکا مقایسه کنیم، همین دو درصد هم اهمیت زیادی پیدا می‌کند. با این وجود، شکی نیست که آمریکا هم مجبور است سیاست مالی سختگیرانه‌تری را در پیش بگیرد. نتیجه‌اش اینکه نیروی اصلی لازم برای سالم نگه داشتن اقتصاد آمریکا در اختیار خزانهداری این کشور خواهد بود.

در عین حال، مجموعه بادهای مخالفی که از سوی اروپا و آمریکا می‌وزد، کار را برای کشورهای در حال توسعه هم سخت می‌کند. مصرف‌کنندگان در بازارهای نوظهور دارند به شدت خرج می‌کنند و تولید کلی کشورهای در حال توسعه هم در سال ۲۰۱۳ میلادی شش درصد افزایش خواهد داشت، یعنی تقریباً چهار برابر سریع‌تر از آنچه که در کل کشورهای ثروتمند رخ خواهد داد. اما حالا که غرب دچار این وضعیت بی‌رونق و رکود شده، کمتر کشوری در میان کشورهای در حال توسعه می‌تواند حتی اگر بخواهد-

رشد سریعی داشته باشد. مثلاً برزیل شاید بتواند در سال ۲۰۱۳ میلادی رشدی ۴ درصدی داشته باشد. هند شاید رشدش به سطح ۶.۵ درصد برسد؛ اما مجبور است تلاش کند که رشد و شادابی گذشته‌اش را دوباره به دست بیاورد. با این اوصاف، بیشتر امیدها و نگاه‌ها معطوف به چین خواهد بود.

دومین اقتصاد بزرگ دنیا احتمالاً در سال آینده رشدی ۸.۶ درصدی خواهد داشت. اما این رقم با آن جهش‌های دورقمی سالانه-که چین بهشان عادت کرده- خیلی فاصله دارد. چین برای افزایش رشدش باید سیاست‌های پولی آسانگیرتری را به کار ببندد و راحت‌تر خرج کند. در غیر این صورت، ممکن است دائم سکندری بخورد و این چیزی است که رهبران امروزی چین اصلاً دوست ندارند شاهدش باشند. اما حتی اگر چین همین مسیر را پیش برود هم ترک‌هایی در رشد اقتصادی‌اش مشاهده خواهد شد. سرمایه‌گذاری‌هایی که به دور ریختن پول شباهت دارند و نیز کارخانه‌هایی که محصولات خودشان را نمی‌توانند بفروشند، از جمله این عوارض برای چین خواهند بود. شرکت‌های غربی که در چین کار می‌کنند و شاهد رکود در غرب بوده‌اند، قطعاً ترجیح می‌دهند که حداقل چین رشد اقتصادی‌اش را حفظ کند. اما اعدا کار کردن آنها در این شرایط هم خیلی آسان نیست.

خب پس بالاخره در سال آینده باید برای کدام کشور هورا بکشیم و کجا سرمایه‌گذاری کنیم؟ سرمایه‌گذارانی که کمی روحیه ماجراجویی داشته باشند می‌توانند دنبال جایی فراتر از بازارهای متعارف بگردند و این بار مقاصد عجیب و غریبی را برای سرمایه‌گذاری خودشان انتخاب کنند. از جمله این جاهای عجیب و غریب، لیبی است. لیبی با پشت سر گذاشتن جنگ داخلی دارد دوران جدیدی از کسب‌وکار و تجارت را کلید می‌زند و گزینه خوبی برای ماجراجویی است. از دیگر کشورهای عجیب و غریب ولی مناسب می‌توان به مغولستان اشاره کرد. بخش معدن در این کشور وضعیت خوبی دارد و دوران شکوفایی‌اش را آغاز کرده است. مثلاً تولید مس در معدن اویو تولگوی در صحرای گوبی در این کشور آغاز شده و رونق دارد.

اما اگر خیلی دوست دارید که ذهن‌تان را از وضعیت بد اقتصاد جهان دور کنید، بهتر است به ماکائو سری بزنید. بر اساس پیش‌بینی‌ها، اقتصاد ماکائو در سال آینده میلادی رشدی حدود ۱۴ درصد خواهد داشت. پس برای موفقیت و پول درآوردن در این کشور، درها به روی شما باز است. می‌توانید رویش حساب باز کنید. روی چین و رنگ سرخ.



نجات علم اقتصاد از دست اقتصاددانان

چرا علم اقتصاد حرف چندان برای مدیریت شغلی و کارآفرینی ندارد؟



رونالد کوز

برنده جایزه نوبل
اقتصاد و استاد
باننشستمدانشکده
حقوق دانشگاه
شیکاگو
ترجمه:
سیاوش سرقینی



بشر، خانواده‌ها و قبایل تا حد زیادی بر پایه اقتصاد معیشتی زندگی می‌کردند. چرا که ارتباط آن‌ها با دنیای بیرون ناچیز و مقطعی و متناوب بود. این شرایط با ظهور جامعه تجاری به طور کامل دگرگون شد. امروز، اقتصاد بازار مدرن نیازمند شبکه درهم پیچیده‌ای از مؤسسه‌های مختلف برای متناسب کردن مرزهای گسترده‌اش است. در چنین شرایطی، تنزل علم اقتصاد به تئوری قیمت‌گذاری و رفتار بازار به قدر کافی مشکل‌ساز است. نادیده گرفتن تأثیرات جامعه، تاریخ، فرهنگ، و سیاست در کارکرد اقتصاد، به نوعی خودکشی این رشته است. اکنون زمان درگیر کردن علم به شدت تضعیف شده اقتصاد با مسائل اقتصادی است. شکوفایی اقتصاد بازار در چین، هند، آفریقا و مناطقی دیگر خبر از دوران نوینی در کارآفرینی می‌دهد که جدا از آن نگاه‌های کل‌گرایانه و غرب‌گرایانه درباره اقتصاد است. فرصت‌های بی‌سابقه‌ای در مقابل اقتصاددان‌ها قرار گرفته است. مطالعه اینکه چگونه اقتصاد بازار در جوامعی با تنوع فرهنگی و زیرساختی، و سازمانی به حرکت رو به رشد خود ادامه می‌دهد تنها در صورتی ممکن است که اقتصاددانان دوباره به مطالعه انسان چنانکه هست و سازوکار اقتصادی چنانکه وجود دارد برگردند. تنها در این صورت است که آگاهی و دانش دوباره به دست خواهد آمد.

اقتصاد در یک گذار و پارادایم شیفت، به تدریج خود را به شکل رویکردی نظری در مورد اقتصادی‌سازی شناساند و مسائل اقتصادی دنیای واقعی را به عنوان موضوع اصلی بحث رها کرد. آن‌چنانکه امروز دیگر در علم اقتصاد، تولید به حاشیه رانده شده و سوال اساسی صرفا به تخصیص منابع برمی‌گردد؛ چیزی که برای کارآفرینان و مدیریت مشکلات تولید برای مصرف‌کنندگان کم درآمد بسیار انتزاعی و نظری و بدون کارکرد است. جدایی علم اقتصاد از کارکرد اقتصادی هم برای بازار و هم برای این رشته دانشگاهی آسیب شدیدی داشته است. وقتی که علم اقتصاد بینش محدودی در راستای عمل ارائه بدهد، مدیران و کارآفرین‌ها در تصمیم‌گیری‌هایشان به هوش و حدس و گمان و محاسبات سرانگشتی روی می‌آورند. در غیاب اقتصاد کاربردی و در دوران بحران که اعتماد به نفس پیشگامان تجارت از بین می‌رود، آن‌ها غالب اوقات برای پر کردن خلاء تصمیم‌گیری‌شان، چشم به قدرت سیاسی دولت می‌دوزند و دولت به گونه‌ای فزاینده همچون راه‌حل نهایی برای مشکلات سخت اقتصادی، از نوآوری تا اشتغال، به نظر می‌آید. در نتیجه علم اقتصاد به جای آنکه ابزاری برای روشنگری مردم از چگونگی عملکرد اقتصاد شود، آلت دست دولت برای مدیریت اقتصاد می‌شود. در طول تاریخ

علم اقتصاد به گونه‌ای که هم‌اکنون در دانشگاه‌ها و متون درسی ارائه می‌شود، حرف چندان برای گفتن در مدیریت شغلی و کارآفرینی ندارد. جدایی علم اقتصاد از مشاغل زندگی روزمره تا این حد و اندازه، غیر معمول و تأسف بار است. اما در گذشته هنگامی که اقتصاد مدرن متولد شد، اوضاع چنین نبود. آدام اسمیت اقتصاد را مطالعه‌ای در «ماهیت و علل ثروت ملل» خواند. کتاب او یک نقطه عطف بود و به طور گسترده‌ای توسط بازرگانان خوانده شد اگرچه اسمیت آن‌ها را نسبتاً بی‌پرده به خاطر طمع، کوتاه‌بینی و ایرادهای دیگرشان، تحقیر کرده بود. این اثر شور و تحرکی برانگیخت و به مباحثات گسترده‌ای درباره سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و بازرگانی در میان سیاستمداران دامن زد. در آن روزگار جامعه دانشگاهی کوچک بود، و اقتصاددانان باید پاسخگوی مخاطبان گسترده‌ای می‌بودند. حتی در آغاز قرن بیستم نیز که آلفرد مارشال موفق شد علم اقتصاد را به عنوان «مطالعه‌ای درباره ثروت» و هم شاخه‌ای از «مطالعه انسان» تثبیت کند همچنان علم اقتصاد در ارتباط با صنعتگران باقی ماند. اما در قرن بیستم علم اقتصاد به عنوان رشته‌ای تخصصی جای خود را محکم کرد و اقتصاددان‌ها به نوشتن تخصصی و علمی درباره اقتصاد روی آوردند. در این دوره، رشته علم

بازی ادامه دارد

مصائب سوری: احتمال تداوم بن بست خونی



زان اسمالی

تحلیل‌گر مسائل
خاورمیانه و آفریقا

از دست بدهند. بزرگ‌ترین پرسش این است که آیا ترکیه و غرب-مشخصاً آمریکا و ائتلاف در ناتو- تحت فشارهای موجود سر خم خواهند کرد و منطقه پرواز ممنوع را بر فراز مرز ترکیه با سوریه برقرار خواهند کرد یا نه. چنین اقدامی می‌تواند به نوعی اعلان جنگ تعبیر شود، زیرا برای تحقق چنین هدفی باید سیستم موشکی حکومت بشار اسد از کار انداخته شود. خطر آن که جنگ داخلی در سوریه وضعیت شدیدتری پیدا کند بالاست، به خصوص از این جهت که در لبنان-کشور همسایه سوریه-نیز همواره خطر بروز مناقشات قومی وجود دارد. ممکن است ترکیه و آمریکا از ارائه کمک نظامی به گروه‌های مخالف حکومت سوریه خسته شوند اما کشورهایمانند قطر و عربستان سعودی همچنان به ارائه این کمک‌ها-به گروه‌های مسلح مورد نظر خودشان-ادامه خواهند داد. ارتش آزاد سوریه احتمالاً در سال ۲۰۱۳ میلادی قادر نخواهد بود بر سر یک رهبری واحد به توافق برسد و یا ساختاری متحد به وجود آورد. به عبارت دیگر، موقعیت بدی که فعلاً در سوریه وجود دارد در سال ۲۰۱۳ میلادی حتی بدتر از گذشته هم خواهد شد. مشخص نیست که تا پایان این سال میلادی سرنوشت سوریه چه خواهد بود.

اطمینان داده شود که حقوق شان در آینده سوریه حفظ خواهد شد. اینکه اقلیت‌ها چنین تضمینی را بپذیرند یا نه، اصلاً مشخص نیست. اما در کشوری مثل سوریه که جمعیتی بالغ بر ۲۳ میلیون نفر دارد، چاره‌ای نیست جز آنکه درگیری‌های قومی کنار گذاشته شود و جلوی بحران‌های جدید گرفته شود. اما سناریوی دیگری را هم می‌توان برای سوریه در سال ۲۰۱۳ میلادی متصور شد که محتمل‌تر از سناریوی اول است. احتمال آن می‌رود که بن بست خونین میان دو طرف درگیری همچنان نفوذ ادامه یابد. در چنین شرایطی، شورشیان همچنان نفوذ بیشتری در شمال و غرب کشور خواهند داشت و شاید بخشی از جمعیت سوریه نیز از آنها حمایت کنند. اما حکومت بشار اسد احتمالاً دست بالا را در مناطق مرکزی و شهرهایی مانند دمشق، حلب و حمص خواهد داشت؛ هرچند ممکن است که نیروهای دولتی کنترل بخش‌هایی از حومه شهرهای بزرگ و یا کنترل شهرهای کوچک را

یکی از نکات بدیهی در مورد سال ۲۰۱۳ میلادی این است: بحران سوریه ادامه خواهد یافت. کنار رفتن و یا ماندن بشار اسد و خانواده اش-که از سال ۱۹۷۰ میلادی تاکنون بر سر قدرت بوده‌اند-در هر صورت باعث بروز شرایطی نامشخص و بی‌ثبات در این کشور خواهد شد. مخالفان اسد دوست دارند چنین سناریویی را برای آینده سوریه در سال ۲۰۱۳ میلادی ترسیم کنند: بشار اسد توسط گروهی از ژنرال‌ها از قدرت کنار زده شود، روسیه یا متحدان دیگر رژیم اسد به او پناهندگی بدهند و بعد تحت نظارت اخضر ابراهیمی-وزیر خارجه سابق الجزایر و نماینده سازمان ملل متحد و اتحادیه عرب در امر مذاکره با حکومت سوریه-مذاکراتی با شورشیان صورت بگیرد و زمینه برای برگزاری انتخابات سراسری در آینده فراهم شود. طرفداران این سناریو امیدوارند که ائتلافی از احزاب اسلام‌گرا و سنی در عرصه سیاسی آینده سوریه قدرت بگیرند و به علویان، مسیحیان و اقلیت کرد این

پرونده‌ای درباره‌ی
عوامل موثر بر گسترش قاچاق در اقتصاد ایران
و تأثیرات آن بر تولید ملی

قاچاق اقتصاد پنهان



- | | |
|----|---|
| ۱۵ | اقتصاد سیاه — اقتصاد سفید
جمشید عدالتیان |
| ۱۵ | ریشه‌های اقتصادی قاچاق
فاطمه دانشور |
| ۱۶ | اقتصاد پنهان
توفیق مجدپور |
| ۱۷ | مانعی برای رشد اقتصادی
مرسل صدیق |
| ۱۸ | مبارزه با قاچاق، راه حل اقتصادی دارد
بهرامی ارض اقدس، مسعود دانشمند و عبدالمجید اجتهادی |
| ۲۳ | قاچاق در اقتصاد ایرانی
علی نقیب |
| ۲۴ | بازار علیه بازار
محمدرضا بهرامن |
| ۲۴ | آماري که واقعی نیست
غلامحسین امیری |
| ۲۶ | کالاهای قاچاق از مرزهای قانونی وارد می‌شوند
محمدعلی‌پور |



چاقوی دولبه

قاچاق کالا؛ عامل تنظیم بازار یا بخش مشهود کوه یخ نابسامانی‌ها؟

وضعیت قاچاق کالا در کشور به گونه‌ای شده که از یک پدیده فرعی و حاشیه‌ای به موضعی در متن اقتصاد تبدیل گردیده است. برخی آمار و ارقام حکایت از آن می‌کند که از مجموع ۸۰ میلیارد دلار واردات سالانه کالا، حدود ۲۰ میلیارد دلار یا ۲۵ درصد آن به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود و ریاست محترم مجلس شورای اسلامی در آخرین سخنرانی خود درباره مبارزه با جرایم اقتصادی این رقم را ۱۸ میلیارد دلار اعلام کرد. روشن است که این مقدار قاچاق کالا را نمی‌توان از طریق کول‌بران و یا با استفاده از قاطر وارد کشور و یا از آن خارج نمود. به همین دلیل است که برخی اعتقاد بر آن دارند که بخش مهمی از آنها از مبادی قانونی و گمرکی کشور وارد می‌شود، ولی مسیر ضوابط قانونی را طی نمی‌کند. به عنوان یک نمونه می‌توان به آخرین اظهار نظر مدیرعامل شرکت پخش و فرآورده‌های نفتی اشاره کرد که اعلام نمود، به اسم فرآورده‌های نفتی، آب وارد کشور می‌کنند، و سپس معادل آن نفت و گاز از کشور خارج می‌کنند! روشن است وقتی که قاچاق هر لیتر بنزین تا حدود ۱۵۰۰ تومان سود داشته باشد این روند ادامه خواهد داشت.

کالاهای قاچاق را باید به چند گروه تقسیم کرد. یک گروه کالایی است که وجود یا دسترسی به آنها در داخل کشور نیز ممنوع است، مثل مواد مخدر، اسلحه و مشروبات الکلی. بخش دیگری از کالاهایی هستند که ورودشان ممنوع نیست، بلکه ضوابط قانونی واردات آنها رعایت نشده، برای مثال پرداخت تعرفه یا رعایت استانداردها انجام نشده است. منظور ما از قاچاق کالاهای نوع دوم است. این نوع قاچاق، بیش از آنکه یک پدیده مجرمانه (مثل قاچاق مواد مخدر یا دزدی) تلقی شود، نوعی پدیده اقتصادی است و نحوه مواجهه با آن نیز در درجه اول براساس سازوکارهای اقتصادی است. ولی در هر حال برخورد جامع و کارآمد با پدیده قاچاق تا هنگامی که میان مردم و دست‌اندرکاران امور نگرش مشترکی نسبت به آن پیدا نشود، عملی و امکان‌پذیر نیست. در حال حاضر دو نوع نگرش نسبت به قاچاق را می‌توان در مقابل یکدیگر دید. نگرش اول، قاچاق را عامل تنظیم بازار و راهی برای خنثی کردن تحریم‌ها و نیز راهی برای دستیابی مرزنشینان به درآمد و شغل می‌داند. در حالی که نگرش دوم، قاچاق را بویژه هنگامی که در ابعاد وسیع صورت می‌گیرد، عامل بی‌ثباتی اقتصادی و تشدیدکننده بیکاری، کاهش‌دهنده درآمد‌های دولت، عامل رکود در تولیدات داخلی، به هم زنده سطح استانداردهای ایمنی و بهداشتی، و در کنار همه اینها تخریب فضای فرهنگی و اخلاقی حرفه‌ای می‌داند. از این دیدگاه نابسامانی‌های منجر به بروز پدیده قاچاق، نشان‌دهنده واقعیت همه نابسامانی‌های اقتصادی نیست، بلکه فقط ۱۰ درصد قله کوه یخ نابسامانی‌های اقتصادی است که در شکل قاچاق از درون آب بیرون مانده و دیده می‌شود و ۹۰ درصد بقیه نابسامانی‌ها در زیر آب است و دیده نمی‌شود.

ریشه این کشمکش در کجاست؟ گروه اول وضع موجود را می‌پذیرد، در واقع اعتراضی به آن ۹۰ درصد زیر آب ندارد، لذا ۱۰ درصد بیرون آمده را نه تنها مهم ندانسته،

بلکه طبیعی نیز می‌داند، و در موارد خاص فقط درصدی تعدیل آن برمی‌آید، و مبارزه با معلول را بجای مبارزه با علت سرلوحه کار خود قرار می‌دهد. همین نگاه هم در مورد رشوه وجود دارد. با وضعیتی که در نظام اداری وجود دارد، انجام یک کار عادی ممکن است مدت‌های زیادی طول بکشد و هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیم زیادی را به ارباب رجوع تحمیل کند. لذا برای ارباب رجوع صرف می‌کند که بخشی از این هزینه را به عنوان رشوه پردازد تا کارش سریع‌تر انجام شود. ظاهراً این گزاره منطقی است و دریافت و پرداخت رشوه به مثابه روغن کاری چرخ‌های زنگ زده نظام اداری عمل می‌کند. ولی کیست که نداند اینگونه فسادها به سرعت و به صورت تصاعدی رشد کرده و هزینه رفتار اجتماعی و تولید را به شدت افزایش داده و موجب اختلال در نظام اقتصادی می‌شود.

تا وقتی که نابرابری‌ها میان پیرامون (مرزنشینان) و مرکز وجود دارد، تا وقتی که سیاست‌های چند نرخ ارز وجود دارد، و ارز رسمی ۱۲۰۰، ارز مبادله‌ای ۲۵۰۰ و ارز آزاد ۳۲۰۰ تومان باشد، تا وقتی که شفافیت در نظام اداری حداقل است، تا وقتی که قوانین و مقررات رانتی وجود دارد، تا وقتی که شاخص فضای کسب و کار در سطوح پایین و ائتلاف زمان برای انجام کارها زیاد است، تا وقتی که بجای استفاده از ابزارهای تعرفه‌ای، از ابزارهای امنیتی و

پلیسی استفاده کنیم، مسأله قاچاق نه تنها حل نمی‌شود، که تشدید هم خواهد شد. وجود این نحوه نگرش است که موجب گزیده شدن چند باره ما از سوراخ قاچاق شده است. تا وقتی که برای یک کالای معین تقاضا وجود دارد، منطق اقتصادی حکم می‌کند که عده‌ای هم در مقام تأمین آن کالا برآیند و برای کشوری مثل ایران با هزاران کیلومتر مرزهای خاکی، و هزاران کیلومتر مرزهای آبی و نظام اداری و دستگاه‌های نظارتی ناکارآمد، راهی برای جلوگیری از قاچاق باقی نخواهند ماند، و تنها نتیجه‌ای که از این شیوه‌های تکراری حاصل می‌شود، سخت‌تر کردن مسیر واردات و صادرات برای بازرگانان و صنعتگران خلق و کارآفرین است.

برای آشنایی با ذهنیت مردم نسبت به کالاهای ایرانی و فهم این نکته که کدام یک از کالاها، ظرفیت بیشتری برای قاچاق دارند و باید به این ظرفیت‌ها توجه داشت، در اینجا خلاصه‌ای از مطالعه‌ای که مرکز افکارسنجی دانشجویان (ایسپا) در خرداد ماه سال جاری (۱۳۹۱) انجام داده است ارائه می‌شود. این گرایش‌سنجی از میان ۱۳۰۰ نفر از ساکنان تهرانی انجام شده است.

همان طور که در جدول یک مشاهده می‌شود پس از در دسترس بودن که شاخص ارزیابی آن بسیار مثبت است، تنوع مارک و کیفیت کالا نیز ارزیابی مثبت‌تری داشته‌اند،

جدول ۱- شاخص توزیع پاسخگویان بر حسب ارزیابی آنان از کالاهای ایرانی

ویژگی	خیلی بد	بد	متوسط	خوب	خیلی خوب	بی‌پاسخ	شاخص ارزیابی مثبت*
کیفیت	۴/۲	۱۴/۶	۴۲/۸	۳۴/۹	۲/۶	۵/۹	۱/۷۴
قیمت	۸/۲	۲۸/۴	۳۱/۵	۳۵/۵	۵/۷	۱/۲	۵/۷۱
شکل ظاهری و بسته‌بندی	۶/۲	۲۵/۲	۳۱/۵	۳۹/۱	۱/۳	۱/۷	۱/۲۸
تنوع مارک	۴/۱	۱۸/۵	۲۴/۹	۴۳/۸	۳/۹	۵/۳	۱/۹۷
در دسترس بودن	۵/۸	۵/۲	۱۴/۷	۶۳/۹	۱۴/۵	۱/۴	۱۳/۵
خدمات پس از فروش	۲۵/۴	۲۲/۵	۲۱/۵	۲۷/۷	۱/۸	۷/۱	۵/۳۷
میزان مصرف انرژی	۷/۶	۲۲/۵	۲۷/۱	۲۷/۵	۱/۲	۱۵/۱	۵/۷۹

* میزان ارزیابی مثبت از تقسیم (۲ × (خیلی خوب) + خوب) بر (۲ × (خیلی بد) + بد) به دست می‌آید.

جدول ۲- توزیع پاسخگویان بر حسب ارزیابی و مقایسه آنان از کیفیت انواع کالاهای موجود

کالا	کالای ایرانی	کالای چینی	کالای خارجی (غیر چینی)	بی‌پاسخ
پوشاک	۳۲/۴	۱/۲	۶۴/۹	۱/۵
کیف و کفش	۴۳/۸	۱/۴	۵۳/۲	۱/۶
لوازم خانگی و برقی	۱۱/۲	۵/۶	۸۷/۵	۱/۲
لوازم آرایشی و پیرایشی	۱۷/۷	۵/۸	۷۲/۵	۹/۵
لوازم بهداشتی	۵۳/۹	۵/۸	۴۵/۸	۴/۵
دخانیات	۹/۶	—	۲۹/۹	۶۵/۵
خودرو	۱۶/۹	۵/۵	۷۶/۵	۶/۱
لوازم التحریر	۴۵/۸	۱/۵	۴۷/۱	۱۵/۶
میلگین	۲۸/۳	۵/۹	۵۸/۹	۱۱/۹

تا وقتی شاخص

فضای کسب و کار

در سطح پایین و

ائتلاف زمان زیاد

است، تا وقتی که

بجای استفاده از

ابزارهای تعرفه‌ای،

از ابزارهای پلیسی

استفاده کنیم،

مسأله قاچاق نه

تنها حل نمی‌شود،

که تشدید هم

خواهد شد

خواهد شد



جدول ۳-ارزیابی پاسخگویان از کیفیت اقلام خوراکی ایرانی و خارجی

نام کالا	ایرانی	خارجی	بی‌پاسخ
گوشت	۹۸/۶	۵/۵	۰/۹
برنج	۹۸/۰	۱/۸	۰/۲
چای	۵۵/۹	۴۳/۸	۰/۳
روغن	۹۲/۶	۷/۰	۰/۴
شکلات	۴۳/۶	۵۰/۸	۵/۶
آدامس	۳۵/۱	۵۷/۱	۷/۸
میلکین	۷۰/۶	۲۶/۸	۲/۶

جدول ۴-توزیع پاسخگویان بر حسب تمایل به خرید کالای ایرانی

جهت حمایت از تولید داخلی حتی در صورت کیفیت پایین‌تر

تمایل	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر
خیلی زیاد	۹۰	۶/۹	۷/۳
زیاد	۲۹۱	۲۲/۴	۲۳/۷
متوسط	۲۸۱	۲۱/۶	۲۲/۹
کم	۲۳۲	۱۷/۹	۱۸/۹
خیلی کم	۳۳۵	۲۵/۸	۲۷/۲
بی‌پاسخ	۶۹	۵/۴	—
جمع	۱۲۹۸	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

جدول ۵-توزیع پاسخگویان بر حسب استفاده از کالای مصرفی ایرانی یا خارجی

کالا	کالای ایرانی	کالای خارجی	مصرف ندارند
مواد غذایی	۹۸/۳	۱/۵	—
پوشاک	۶۸/۶	۳۰/۷	—
کیف و کفش	۷۵/۳	۲۳/۸	—
لوازم خانگی و برقی	۳۳/۱	۶۶/۶	—
لوازم آرایشی و پیرایشی	۴۲/۴	۵۱/۹	۴/۶
لوازم بهداشتی	۸۴/۴	۱۴/۷	—
لوازم التحریر	۸۳/۷	۱۳/۶	۱/۸
طلا و جواهرات	۹۱/۱	۵/۲	۲/۹
میانگین بر حسب درصد فراوانی	۷۲/۱	۲۶	۱/۲
میانگین بر حسب درصد معتبر	۷۳/۵	۲۶/۵	—

جدول ۶-توزیع پاسخگویان بر حسب استفاده از اقلام خوراکی ایرانی یا خارجی

کالا	کالای ایرانی	کالای خارجی	مصرف ندارند
برنج	۷۸/۴	۲۰/۶	—
گوشت	۹۰/۰	۷/۶	۰/۵
چای	۴۵/۱	۵۳/۵	—
روغن	۹۷/۸	۱/۸	۰/۱
شکلات	۵۳/۵	۱۷/۳	۲۸/۷
آدامس	۲۸/۸	۳۷/۸	۳۲/۷
دخانیات	۹/۲	۱۰/۴	۸۰/۱
کمپوت	۴۱/۵	۵/۸	۵۲/۲
کنسرو	۶۱/۴	۱/۰	۳۶/۶
کره	۸۹/۲	۰/۲	۹/۹
پنیر	۹۷/۸	۰/۲	۰/۸

در حالی که شاخص قیمت و میزان مصرف انرژی به نسبت منفی هستند ولی کالای ایرانی بدترین شاخص را در خدمات پس از فروش به دست آورده است. از سوی دیگر در هیچ یک از کالاهای مورد بررسی (جدول ۲)، میانگین کسانی که کیفیت کالاهای چینی را نسبت به سایر کالاهای بالا عنوان کرده‌اند، حتی به عدد دو هم نرسیده است. با این وجود وقتی سیاست درستی اجرا نشود همین کالاهای بدون کیفیت نیز بازار قاچاق را در دست می‌گیرند.

نظرات پاسخگویان درباره کیفیت مواد خوراکی تولیدات داخل کشور تفاوت چشمگیری با ارزیابی آنان از کیفیت سایر کالاها دارد. همان طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود در تمام اقلام خوراکی مورد بررسی جز شکلات و آدامس، کیفیت کالاهای ایرانی نسبت به کالاهای خارجی بهتر ارزیابی شده است. میانگین کسانی که کیفیت اقلام خوراکی ایرانی را بهتر از کالاهای خارجی می‌دانند برابر با ۷۰/۶ درصد است در حالی که این میزان برای کالاهای خارجی برابر با ۲۶/۸ درصد می‌باشد. پاسخگویان هنگام مواجه شدن با این پرسش که برای حمایت از تولید داخلی تا چه حد آمادگی نادیده گرفتن کیفیت کالای ایرانی را دارید، به صراحت نشان داده‌اند که مسأله کیفیت برای آنان اهمیت دارد. از پاسخگویان پرسیده شده (جدول ۴) «برای حمایت از کالاهای داخلی تا چه حد حاضرید کالای ایرانی استفاده کنید؛ حتی اگر کیفیت‌اش نسبت به کالای خارجی پایین‌تر باشد؟». ۲۹/۳ درصد از پاسخگویان به میزان زیاد و خیلی زیاد و ۲۱/۶ درصد به میزان متوسط مایلند برای حمایت از تولید داخلی، کالای ایرانی استفاده نمایند. ۴۳/۷ درصد در مواجهه با این سوال، گزینه‌های خیلی کم و کم را انتخاب کرده‌اند.

نتایج جدول ۵ در خصوص ۸ قلم کالای مصرفی نشان می‌دهد که اکثریت خانوارها (۹۸/۳) بیشتر مواد غذایی مورد نیاز خود را از محصولات داخلی تأمین می‌نمایند. ۶۸/۶ درصد از پاسخگویان پوشاک خود را از محصولات داخلی تأمین می‌کنند و در مقابل ۳۰/۷ درصد نیز پوشاک خود را از محصولات خارجی موجود در بازار تهیه می‌کنند، ۷۵/۳ درصد از پاسخگویان کیف و کفش ایرانی استفاده می‌کنند و در مقابل ۲۲/۸ درصد در این مقوله از محصولات خارجی استفاده می‌کنند. اما نکته قابل تأملی که در مورد لوازم خانگی و برقی وجود دارد این است که ۶۶/۶ درصد از خانوارها از لوازم خانگی و برقی خارجی استفاده می‌کنند. این در حالی است که ۳۲/۱ درصد خانوارها نیز از لوازم خانگی و برقی داخلی استفاده می‌کنند. در حال حاضر در بسیاری از حوزه‌های لوازم خانگی، برندهای خارجی توانسته‌اند جای پای خود را در بازار ایران محکم کرده و سهم قابل توجهی از بازار را به خود اختصاص دهند. از برندهای کرای و ژاپنی گرفته تا برندهای سایر کشورها، هر یک توانسته‌اند بخشی از سهم بازار لوازم خانگی ایران را در اختیار بگیرند. طبق آمار غیر رسمی، حدود ۷۰ درصد از بازار لوازم خانگی در دست کشورهای خارجی است که در این میان طبق آمار، سهم کره از بقیه بیشتر است تا جایی که یکی از اعضای اتحادیه تولیدکنندگان لوازم خانگی درباره سهم لوازم خانگی در بازار ایران گفته: «هم اکنون بیش از ۵۰ درصد سهم بازار لوازم خانگی متعلق به دو برند کره‌ای است.» سهم قابل توجهی از مصرف لوازم آرایشی و پیرایشی نیز مربوط به محصولات خارجی می‌باشد. مطابق یافته‌ها، ۵۱/۹ درصد از خانوارها از لوازم آرایشی و پیرایشی خارجی و ۲۲/۴ درصد نیز از لوازم آرایشی و پیرایشی داخلی استفاده می‌کنند. این در حالی است

که ۴/۶ درصد مردم نیز از لوازم آرایشی و پیرایشی استفاده نمی‌کنند. ۸۴/۴ درصد از پاسخگویان از لوازم بهداشتی ایرانی و ۱۴/۷ درصد از لوازم بهداشتی خارجی استفاده می‌کنند. هم‌چنین ۸۲/۷ درصد لوازم التحریر داخلی و ۱۳/۶ درصد لوازم التحریر خارجی استفاده می‌کنند. هم‌چنین جدول فوق نشان‌دهنده آن است که اکثر شهروندان از طلا و جواهرات ایرانی استفاده می‌کنند. ۹۱/۱ درصد پاسخگویان از طلا و جواهرات ایرانی استفاده می‌کنند. این در حالی است که فقط ۵/۲ درصد پاسخگویان از طلا و جواهرات خارجی استفاده می‌کنند. نکته مهم دیگری که این یافته در اختیار ما قرار می‌دهد این است که فقط ۳ درصد از خانوارها طلا و جواهرات استفاده نمی‌کنند. در مجموع اگر از اقلام موجود در جدول پنج میانگین بگیریم، میزان استفاده‌کنندگان از اجناس ایرانی برابر با ۷۲/۱ درصد و میزان استفاده‌کنندگان از کالاهای خارجی برابر با ۲۶ درصد است.

تأمل در جدول شماره ۶ این نکته را خاطر‌نشان می‌سازد که خانوارهای تهرانی بیشتر مواد خوراکی مورد نیاز خود را از اجناس ایرانی تأمین می‌کنند. یکی از مهم‌ترین داده‌های جدول فوق مربوط به مصرف برنج می‌باشد. در حالی که اکثر مارک‌های برنج ایرانی قیمت بالاتری نسبت به برنج‌های خارجی مثل هندی، تایلندی، پاکستانی و... دارند. اما ۷۸/۴ درصد از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که از برنج ایرانی بیشتر استفاده می‌کنند. این نتیجه شاهدهی برای تأکید خانوارها بر اهمیت کیفیت نسبت به قیمت می‌باشد. هم‌چنین ۹۰ درصد خانوارها در مصرف گوشت، بیشتر گوشت ایرانی استفاده می‌کنند. علی‌رغم کشت گسترده چای در داخل کشور، ۵۳/۵ درصد از خانوارهای تهرانی از چای خارجی استفاده می‌کنند و در مقابل ۴۵/۱ درصد نیز از چای ایرانی استفاده می‌کنند. براساس گزارش فائو، ایران هر سال بیش از ۷۵ هزار تن چای معادل ۲۸۰ میلیون دلار وارد می‌کند که این رقم فقط از واردات چای روسیه، امارات، انگلیس و آمریکا کمتر است. (ایران پنجمین واردکننده بزرگ چای در جهان شناخته شد. فارس، ۱۳۹۰/۳/۲۹). این در حالی است که مصرف چای در ایران، حدود ۴ درصد مصرف کل جهان است. در سال ۱۳۸۸، هم‌زمان با کاهش قابل توجه واردات به کشور در تمام اقلام، واردات چای نیز کاهش کمی داشت و با حدود ۴ درصد کاهش، ارزش واردات چای قلمای به کشورمان به ۲۷/۴۰۸/۶۶۶ دلار رسید. نکته مهم در مورد آمار خانوارهایی است که دخانیات مصرف می‌کنند. طبق نتایج تحقیق در درون ۸۰ درصد از خانوارهای تهرانی، فردی وجود ندارد که دخانیات مصرف نمایند و ۲۰ درصد از خانوارهای تهرانی نیز در درون خود فردی را که دخانیات مصرف می‌کند دارند که از این میزان ۱۰/۴ درصد دخانیات خارجی و ۹/۲ درصد دخانیات ایرانی مصرف می‌کنند. طبق نتایج مطالعه‌ای با حجم ۲۴۰۰۰ نفر در کشور با واحد تحلیل فرد در سال ۱۳۸۸، حدود ۷۵ درصد پاسخگویان سیگار مصرف نمی‌کردند که این میزان برای تهران برابر با ۷۰ درصد بوده است. به نظر می‌رسد اکثر مصرف لبنیات خانوارها از محصولات داخلی تأمین می‌شود. نتایج پیمایش حاضر نشان می‌دهد که ۹۷/۸ درصد از پاسخگویان پنیر ایرانی استفاده می‌کنند. این یافته نشان‌دهنده اهمیت کالای پنیر در سبد کالای خانوارها می‌باشد. هم‌چنین ۹۸/۲ درصد نیز کره ایرانی مصرف می‌کنند. در مجموع اگر از اقلام خوراکی موجود در جدول شماره ۶ میانگین بگیریم میزان استفاده‌کنندگان از کالاهای ایرانی برابر با ۶۳ درصد و میزان استفاده‌کنندگان از کالاهای خارجی برابر با ۱۴/۲ درصد است.

اقتصاد سیاه – اقتصاد سفید

فرهنگ مبارزه با قاچاق باید در اذهان مدیران جامعه نهادینه شود



■ جمشید عدالتیان

عضو هیات
نمایندگان اتاق
تهران

توان خود را برای مبارزه با قاچاق کالا به کار گیرد. اگر قرار باشد اقتصاد کشور سفید و شفاف شود و این مدل فعالیت اقتصادی در کشورمان نهادینه شود به آینده‌نگری و برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در بلندمدت نیاز است چراکه باید با همه ریشه‌های فرهنگی و اقتصادی اقتصاد خاکستری برخورد مسئولانه کرد. در حین فرهنگ‌سازی و تدبیر در برخورد و مداوای اقتصاد خاکستری نباید مبارزه با علل و مبادی اقتصاد سیاه را فراموش کرد. شدت و حدت مبارزه با اقتصاد خاکستری می‌تواند به بزرگ شدن اقتصاد سیاه منجر شود. تنها راهبرد کلیدی در این مبارزه، همراه کردن مسیر و ایجاد تسهیلات و راهکارهایی برای ورود فعالین حوزه اقتصاد خاکستری به اقتصاد سفید است و باید پیش از این که هزینه فعالیت در اقتصاد خاکستری را افزایش دهیم، راه ورود به اقتصاد سفید و شفاف را جذاب نماییم. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که مبارزه با قاچاق کالا، هرگز با بغیرو بند به نتیجه نمی‌رسد، بلکه باید هزینه فعالیت در اقتصاد سفید بسیار کم‌تر از اقتصاد خاکستری شود. فرهنگ مبارزه با قاچاق نباید در سطح بماند بلکه باید در اعماق ذهنیت جامعه نهادینه شود تا فعالین اقتصادی و مردم حس کنند در هوای پاک اقتصاد سفید نسبت به اقتصاد خاکستری، تنفس و کار کردن چقدر عالی است.

می‌کنند خود را محق می‌دانند و از نیرو و توانایی نیروی کار از نوار مرزی کشور گرفته تا کانال‌های توزیع سازمان دهی شده در داخل کشور بهره می‌برند. آنها به این علت خود را محق می‌دانند که بیکاری و فقر در کشور را بهانه کرده و استدلال می‌کنند که از این طریق به مرز نشینی و استان‌های فقیر کمک‌رسانی می‌کنند و در صورت قطع این کمک‌ها، نیروی کار این مناطق به حوزه اقتصاد سیاه وارد خواهند شد.

با در نظر گرفتن استدلال فعالین در حوزه اقتصاد خاکستری متوجه می‌شویم که مبارزه با قاچاق کالا امری پیچیده است و برای مبارزه با آن باید حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز وارد شوند. در حال حاضر تخمین زده می‌شود که حدوداً ۲۰ تا ۲۵ درصد از فعالیت‌های اقتصادی در کشور در حوزه خاکستری متمرکز شده است و در این حوزه هم تخمین زده می‌شود که حجم قاچاق کالا در حدود ۲۰ میلیارد دلار باشد. بنابراین اگر به صورت فایده و هزینه مبارزه با اقتصاد خاکستری را مورد بررسی قرار دهیم می‌توان استدلال کرد که ضرر مستقیم فعالیت در زمینه قاچاق کالا به درآمد گمرکی کشور چیزی در حدود ۵ میلیارد دلار است.

واقعیت این است که کشور ما به دلیل داشتن مرزهای طولانی بعضاً با فقیرترین کشورهای جهان و به دلیل مسائل و مشکلات مختلف در داخل کشور نمی‌تواند همه

فعالیت‌های اقتصادی اگر به لحاظ قانونی، مشروعیت، اخلاقی و شرعی مورد بررسی قرار گیرند و برای سهولت گفت‌وگو درباره این بررسی با رنگ توصیف شوند، معمولاً نمودار رنگی این پدیده میان طیفی از رنگ سفید که نماد شفافیت کامل فعالیت اقتصادی که همانا مشروع، قانونی، اخلاقی و شرعی است تا رنگ سیاه که نماد غیر مشروع و غیر قانونی و غیر شرعی است امتداد می‌یابد. در میانه این دو رنگ سفید و سیاه، رنگ خاکستری نماد آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی است که غیر قانونی اما شرعی است.

در محدوده اقتصاد سیاه، مبادلات و فعالیت‌ها حول محور قاچاق مواد مخدر، انسان، اسلحه و نظایر آن در جریان است. در این حوزه‌ها که از سازمان دهی وسیعی در سطح جهانی نیز برخوردار هستند، گردش حجم پولی بیشتر از هزار میلیارد دلار در سال تخمین زده می‌شود. همه دولت‌ها در حال مبارزه با این حوزه از فعالیت‌های اقتصادی هستند و کشور ما نیز از این امر مستثنی نیست و هر ساله هزینه سنگین انسانی و مالی در این مبارزه پرداخته و می‌پردازد.

از سوی دیگر اما مبارزه علیه اقتصاد پنهان و قاچاق کالاهای غیر قانونی ولی فاقد مشکلات اخلاقی برای جامعه همچون سوخت، دارو، سیگار و نظایر آن، مبارزه مشکلی است، چراکه کسانی که در این حوزه فعالیت

ریشه‌های اقتصادی قاچاق



■ فاطمه دانشوار

عضو هیات
نمایندگان اتاق
تهران

انتظامی در دومین سالگرد اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها مهر تأییدی است بر این ادعا آنجا که از ۸ برابر شدن حجم کالاهای قاچاق در شهریور امسال نسبت به زمان آغاز اجرای قانون هدفمندی خبر می‌دهد. اکنون با در نظر گرفتن این آمار و ارقام سخن بر سر این است که در شرایطی که افزایش نرخ ارز دستاوردهای هدفمندی یارانه‌ها را تا حدود زیادی خنثی کرده و خصوصاً قاچاق را دوباره دارای توجیه اقتصادی ساخته است، چاره کار چیست و اقدام آینده‌نگرانه برای مواجهه با قاچاق کالا چه می‌تواند باشد؟ آیا چاره در وضع قوانین متعدد، دشوار و هراس‌انگیز برای واردات و صادرات است یا باید همان‌گونه که بخش خصوصی دائماً تکرار می‌کند به دنبال تسهیل تجارت رسمی در کشور باشیم؟ بدون تردید در وضعیت فعلی که علاوه بر تأثیر قیمت ارز بر هدفمندی یارانه‌ها، تحریم‌های اعمال شده علیه کشورمان نیز تجارت بین‌المللی را دست‌خوش دشواری‌هایی کرده است، تنها راهکار معقول باز کردن ریسک‌های پیچیده شده به دست فعالان اقتصادی و تجارت ایرانی است تا به وسیله آن بتوان با استفاده از شرایط ساده و شفاف قانونی، تمام نیازهای کشور را از مبادی مرزی قانونی و رسمی تأمین کرد و همچنین با استفاده از فرصت افزایش نرخ ارز، صادرات کشور را نیز تقویت کرد.

که قاچاق کردن را به رفتاری اقتصادی تبدیل کرده است. نگاهی به فراز و فرودهای آمار تجارت خارجی کشور ما ایران در دو سالی که از آغاز اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها گذشته و مقایسه تحلیلی این آمارها با میزان قاچاقی که در این مدت از مرزهای کشور انجام گرفته است، به خوبی گویای صحت ادعای پیش گفته خواهد بود.

به عنوان نمونه می‌توان به آمار رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز استناد کرد؛ بنابر آمار این نهاد نظارتی، ارزش کالای قاچاق کشور از حدود ۲۰ میلیارد دلار در سال ۸۷ به کمتر از ۱۴ میلیارد دلار در سال ۹۱ کاهش یافته است. پرسش این است که عمده‌ترین دلیل این تغییر معنادار چه می‌تواند باشد؟ آیا غیر از این است که افزایش چشمگیر قیمت حامل‌های انرژی در داخل کشور، قاچاق این محصولات را به خارج فاقد توجیه اقتصادی کرده است؟ بدون شک پاسخ مثبت است. از طرف دیگر و باز هم بر مبنای آمارها و سخنان مقامات مسئول، طی یک سال اخیر به علت افزایش قیمت ارز در ایران، بهای حامل‌های انرژی خصوصاً بنزین و گازوئیل در ایران بسیار کمتر از کشورهای همسایه شده و لذا در ماه‌های اخیر قاچاق این دو محصول باز هم به تجارتی پررونق تبدیل شده است. سخنان سردار احمدی‌مقدم، فرمانده نیروی

قاچاق کالا همچون هر پدیده اقتصادی دیگری ریشه‌ها و مشوق‌های منفعت‌طلبانه دارد. هر زمان و در هر مکان که با قاچاق کالا روبرو هستیم بدون تردید باید به دنبال مجموعه عللی بگردیم که وجود آنها در یک اقتصاد، ریسک قاچاق را برای قاچاقچیان دارای توجیه اقتصادی می‌کند. به دیگر سخن آنچه برخی افراد را متقاعد می‌کند که دست به اقدامی پرخطر همچون قاچاق کالا بزنند، این است که این اقدام واجد سود و منفعتی است که به جان خریدن ریسک‌های بالا را توجیه می‌کند. براین مبنا قاچاق بیش و پیش از آن که اقدامی مجرمانه باشد، عکس‌العمل طبیعی عده‌ای از انسان‌ها در قبال وسوسه منفعت بیشتر با دور زدن محدودیت‌ها و پذیرفتن خطرهای است و باز هم بر این اساس است که وضع محدودیت‌های بیشتر و سخت‌گیری‌های افزون‌تر برای کاستن از قاچاق نه تنها نتیجه بخش نیست بلکه پیامدهایی معکوس به دنبال دارد.

ایمن رابطه علی و معلولی دقیقاً همان نکته مغفول مانده‌ای است که اگر مورد توجه دولت‌مردان و مسئولان اجرایی کشور قرار بگیرد، بی‌تردید سیاست‌گذاران بعد از آن راهی متفاوت با تمام مسیرهایی که این سال‌ها برای مبارزه با قاچاق پیموده‌اند، در پیش خواهند گرفت و به جای برخورد با معلول، به سراغ علت خواهند رفت. سراغ علت رفتن یعنی آینده‌نگری و یافتن توجیهی اقتصادی

اقتصاد پنهان

وقتی قواعد رسمی بازار و اقتصاد روشن و تجارت شفاف نیست

جامعه‌ها باز می‌گردند. اقتصاد کلان، فقط به بحث‌ها و نظریه‌های دانشگاهی محدود نمی‌شود. امروزه، موضوع‌هایی هم‌چون تجارت آزاد و توجه به بازاریابی و جذب مشتری، به عنوان یکی از عوامل موثر در رشد و توسعه اقتصادی مطرح هستند. بر این اساس «دادوستد در عرصه بین المللی»، یکی از مهم‌ترین سیاست‌های کلان اقتصادی را تشکیل می‌دهند. در همین ارتباط، با اطمینان می‌توان گفت اکثر کشورهای که با پدیده «اقتصاد پنهان» و یا «اقتصاد سایه» مواجه هستند، جنبه‌های بسیاری از حل مشکلات خود را، از طریق «اصلاح سیاست‌های اقتصادی» امکان‌پذیر می‌دانند. امکانی که با بهره‌مندی از رویکرد اقتصاد کلان، عملاً راه‌کاری موفقیت‌آمیز خواهد بود.

آیا تاکنون از خود پرسیده‌ایم که چرا مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای، ماشین‌آلات صنعتی و یا کالاهای سرمایه‌ای در فضای اقتصاد پنهان مورد دادوستد قرار نمی‌گیرند. و یا آن که چرا نوعی از کالاها، فقط در مکان‌های جغرافیایی خاصی، در زیر چتر اقتصادهای سایه و پنهان مبادله می‌شوند. به عنوان مثال مبادله بنزین و گازوئیل در جاهایی خاص و یا اعضای انسانی و پوست حیوانات و گیاهان دارویی در جاهایی دیگر، مبادله می‌شوند. این نوع از مشخصه‌ها می‌تواند راهنمای بسیار خوبی برای موشکافی و تجزیه و تحلیل باشد. در بررسی مسایل اجتماعی و از جمله آن‌ها، مسایل اقتصادی، مطالعه بر ویژگی‌هایی از این دست، هم بسیار جالب و هم دقیقاً راه‌گشاست. وقتی که نسبت به «موضوع کیفیت کالاها و استانداردها» اطلاع‌رسانی و فرهنگ سازی صورت نگیرد و اهمیت دقت به آن برای مصرف‌کنندگان کالاهای مصرفی مختلف (کالاهای سوپرمارکتی، البسه و پوشاک و کفش، وسایل برقی خانگی، لوازم آرایشی و زیبایی، اسباب‌بازی، مواد خوراکی و کنسروها و آب میوه‌ها و نوشیدنی‌ها و ...) تشریح نشود، طبیعی خواهد بود که کالاهای با کیفیت پایین و غیراستاندارد انگیزه بسیار خوبی برای راه‌یافتن به کشورها، از طریق اقتصاد پنهان (قاجاق) پیدا می‌کند. ناآشنایی با موضوع کیفیت و استاندارد و فرهنگ نشدن این رفتار که حتماً کالاهای مصرفی را از آن دسته از کالاها انتخاب کنیم که استاندارد و با کیفیت باشند، نقطه کور خوبی برای عرضه کالاها از مسیر اقتصاد پنهان می‌شود. نکته دیگر آن که چنانچه تولید لباس و پوشاک و کفش و اقلام دیگری از این دست، در کشور گران تمام شود و علاوه بر گران بودن از جلوه‌های زیبایی در طرح و رنگ و برازندگی سنی و ... نیز بی‌بهره باشد، این نیز به انگیزه‌های تبدیل می‌شود که ظرفیت ریسک را برای فعالان اقتصاد پنهان (قاجاق) ارزشمند می‌سازد. چرا که فعالان این بازار می‌توانند با تهیه و خرید کالاهایی از این دست آن هم به صورت ارزان و بدون رعایت تشریفات گمرکی، بازار تقاضا را با

هفت درصد اقتصاد سایه را در کنار حجم کلی اقتصاد روشن و آشکار خود، جزئی از «طبیعت» رفتارهای تجاری می‌دانند. برای آن نیز دلایل روشنی دارند. برخی از این دلایل، گاه سیاسی، گاه فرهنگی و گاه اقتصادی هستند که در دیدگاه اقتصادی برخی مواقع در حوزه اقتصاد کلان دیده می‌شوند و در مواقعی دیگر در حوزه اقتصاد خرد تحلیل می‌شوند.

از منظر فرهنگی - اجتماعی اما پیشتر به موقعیت‌های جغرافیایی، شرایط فرهنگی کار، فعالیت‌های مرزنشینی، پیله‌وری و ... توجه می‌شود. در حوزه سیاسی نیز، به نوع کنش و روابط سیاسی کشورهای همسایه تأکید می‌شود. این جهت‌گیری‌های سه گانه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، در حل مشکلات ناشی از اقتصاد سایه و یا اقتصاد پنهان فوق‌العاده حایز اهمیت هستند. به عنوان مثال اگر علت شکل‌گیری اقتصاد پنهان (قاجاق) ناشی از اثر نهادهای حقوقی و محدودیت‌های رسمی ناشی از قوانین و مقررات و نحوه اجرای آن‌ها در جامعه اقتصادی باشد، به هیچ‌وجه نمی‌توان آن را با تدبیرهای پلیسی و فرهنگی و اقتصادی حل و فصل کرد. به عبارتی، وقتی که شکل‌گیری «اقتصاد پنهان» به دنبال اثر پیش‌بینی نشده یک قانون، به هنگام تصویب آن باشد بسیار طبیعی خواهد بود که دست و مغز «پنهان اقتصاد» فعال شده و هم‌چون آب که مسیر خود را می‌یابد، این راه نیز به مسیر «اقتصاد پنهان» هدایت شود. از طرف دیگر «موقعیت جغرافیایی» و چگونگی آن، هم‌چنین، هم‌مرز بودن با موقعیت‌های تجاری مرزی و سواحل آب‌های سرزمین ملی که متصل به آب‌های بین‌المللی و جزایر و بنادر مستقل تجاری هستند، بر شکل‌گیری اقتصاد پنهان موثر هستند. علاوه بر این ثبات ضعیف و نامتعادل بودن وضعیت سیاسی و اقتصاد کشورهای همسایه نیز بر شکل‌گیری اقتصاد پنهان موثر است. همسایگی و یا برخورداری از مناطق آزاد تجاری نیز در شکل‌گیری نوع دیگری از «اقتصاد پنهان» اثربخش می‌تواند باشد. با اینهمه عوامل موثر بر شکل‌گیری اقتصاد پنهان بسیار متنوع هستند و بر اثر وجود همین تنوع است که حل موضوع همیشه با مشکل مواجه است و تنوع در «شکل ایجاد»، «شکل برخورد» و نحوه مبارزه با اقتصاد پنهان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در این میان، باید به نکته‌های دیگری نیز اشاره کرد. نکته‌هایی که به شرایط نوین و معاصر «اقتصاد پول و بانک و گمرک» و «تولید و بازاریابی و تجارت» مرتبط می‌شود. امروزه هیچ کشوری نمی‌تواند جدای از سازوکارهای جهانی، دارای فعالیت‌های بهره‌ور اقتصادی باشد. امروزه، شرایط فعالیت در جهان معاصر، دارای سازوکارهای تثبیت شده خاص خود است، طبعاً دست‌کاری آن هم‌وقایبی خواهد داشت که از آن هیچ گریزی نیست. متغیر دیگر، به موضوع اقتصاد کلان

اگر برای شب و روز، روشن و تاریکی را می‌شناسیم، همین شناخت برای اقتصاد هم مطرح است. به عبارتی اقتصاد نیز به عنوان زیرمجموعه‌ای از «طبیعت و جامعه» دارای نقاط روشن و تاریک و یا به عبارتی دارای «شب و روز» است. روز را مترادف با شفافیت و شب را مترادف با پنهانی و غیر شفاف بودن فعالیت‌های اقتصادی باید در نظر گرفت.

بخش روشن، چهره واقعی و مطلوب و هنجار یک فعالیت اقتصاد است. این چهره، تا آن هنگام که به رفتارها و عملکردش آسیبی وارد نشود همواره بر محور «قانون و اخلاق» حرکت می‌کند. این اقتصاد، دارای اصول بازی، قواعد و فرایندهای خاص خود است و تا آن هنگام که بر حلقه‌های از حلقه‌های «طبیعی و اجتماعی» آن آسیبی وارد نشود، چهره به پنهان‌کاری نمی‌برد. این پنهان‌کاری، همان چهره شبانه و سمت تاریک اقتصاد است.

تمامی متفکرین اجتماعی این نظریه را قبول دارند که مسایل اجتماعی، به مانند یک «زنجیره» هستند. یا بهتر گفته شود به مانند یک تخته فرش بافته شده از گرہ‌ها و رج‌ها و خانه‌ها هستند. حال و چنانچه به یکی از حلقه‌های این زنجیره آسیبی وارد شود، در پیوستگی و همبستگی این زنجیره اختلال و شکاف ایجاد می‌شود. اگر گرہ‌ای از گرہ‌های آن تخته فرش را نخ‌کش کنیم، می‌توان حدس زد که چه اتفاقی خواهد افتاد، به ترتیب، اول رج‌ها و بعد خانه‌ها آسیب می‌بینند و آرام آرام تمام فرش آسیب می‌بیند. زنجیره و یا فرش آسیب دیده را می‌توان وصله زد. اما چقدر می‌توان وقت و توان و پول و سرمایه و مدیریت را، صرف مراقبت از وصله‌ها کرد. اقدام مهم و اثربخش، آن اقدامی است که مانع آسیب دیدن حلقه‌ها و گرہ‌های اقتصادی - اجتماعی شود. مهم آن اقدامی است که به «شفافیت» و «همبستگی» رفتارهای اقتصادی - اجتماعی آسیب نرساند. مهم آسیب ندیدن «اصول طبیعی و ناظر بر روابط اقتصادی - اجتماعی» است. چرا که موضوعات اقتصادی و اجتماعی را نمی‌توان با دیدگاه‌هایی غیراقتصادی و غیراجتماعی، دست‌کاری کرد. معمولاً مداخله‌های غیر تخصصی، باعث شکاف در حلقه‌ها و گرہ‌های همبستگی‌آور و سیر و سلوک طبیعی رفتارهای اقتصادی و اجتماعی می‌شوند.

چنانچه می‌دانیم تمامی کشورهای که مرزهای وسیع و گسترده با حوزه‌های «فعال» و «اقتصاد تجاری» دارند، سهمی از اقتصاد سایه و یا اقتصاد پنهان را در اقتصادشان پذیرفته‌اند. به عنوان مثال، کشورهای آمریکای لاتین مرتبط با حوزه اقتصاد تجاری، تا پنج و گاه تا



■ توفیق مجدپور
عضو هیات
نمایندگان اتاق
تهران



مانعی برای رشد اقتصادی

تاملی در علل و عوامل قاچاق کالا
و میل مردم به مصرف کالای خارجی



■ مرسل صدیق

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران

عرضه کالای مد روز، متنوع و با رنگ و طراحی زیبا
تأمین نمایند. فعالان تجارت و اقتصاد پنهان، به خوبی
اطمینان دارند که جامعه هدف آنان، خواهان خرید
کالایی هستند که ارزان باشد و نرخ تورمی نداشته
باشد. دستمزد بالای کارگر و ماشین آلات، هزینه های
تولید و تهیه مواد اولیه و بسیاری متغیرهای دیگر،
به سختی می تواند، محصولی نزدیک به قدرت خرید
مصرف کنندگان تولید کند. در حالی که در چارچوب
فعالیت های تجاری متعلق به یک اقتصاد پنهان،
«کالاها» بدون هیچ تشریفات هزینه بر و در طیف
گسترده ای از قیمت، که به راحتی می توانند تمامی
متقاضیان و با هر نوع درآمد و سلیقه ای را پوشش
دهند، وارد بازار شوند، موضوع حساس دیگری نیز
که در این میان مطرح می شود، مساله شرایط کلان
اقتصادی کشور است. اگر در اقتصاد جامعه ای، توزیع
ناعادله درآمد و نرخ بیکاری بالا و در نقطه مقابل
آن، راه اندازی کسب و کار نو به سختی صورت پذیرد،
طبیعی است که برون رفت از این وضعیت، در یک
رفتار حدقلی، مایل به انتخاب راه کاری است که او را
به این چالش های اداری و هزینه بر و وقت گیر نیندازد.
طبعاً انتخاب فرد در انتخاب بازار قاچاق و اقتصاد پنهان
مورد تأیید هیچ کس نیست اما این راه، راهی است که
دارای ریسک با ارزش و انگیزه برای تحقق آن است.

مبتنی بر جمع مواردی که ذکر شد، «اقتصاد
پنهان» را می توان این گونه دید: رفتاری است خارج
از قواعد رسمی بازار و اقتصاد روشن و تجارت شفاف
و عملکردی است که زمینه های اقتصادی و قانونی،
هم چنین وجود عوامل دیگری چون مسایل فرهنگی،
اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی به وجود آورنده آن
هستند. این ها همه نشان می دهند که مسایل اجتماعی
چگونه به مانند حلقه های یک زنجیره، به هم مرتبط
و متصل هستند. به عبارتی، هیچ مساله اجتماعی را
نمی توان یافت که با ده ها مساله و موضوع دیگر، ارتباط
نداشته باشد. می توان به نکاتی توجه کرد و آن ها را
مورد بررسی قرار داد. به عنوان مثال بررسی کرد و
دید که آیا بین «اصلاح نرخ تعرفه کالاهای وارداتی» و
«کاهش قاچاق» رابطه ای معنادار وجود دارد یا خیر؟ اما
آنچه که برای برنامه ریزان اقتصادی مهم است، تأکید بر
اصلاح سیاست های اقتصادی، اصلاح نرخ تعرفه کالا
و اصلاح سیاست های اطلاعاتی نظام بانکی، گمرکی
و مالیاتی است و تا این ها، مورد بازنگری قرار نگیرند،
اصلاح هیچ رفتاری را بین فعالان حوزه اقتصاد پنهان
نمی توان انتظار داشت. کارشناسان تأکید می کنند که
برای فعال شدن اقتصاد آشکار و کم رنگ شدن نقش
اقتصاد پنهان، ضرورت دارد تا سیاست های اطلاعاتی
بانکی، گمرکی و مالیاتی کنار هم قرار گیرند. منبعث
از این نکته لازم است تا مسیرهای قانونی صادرات
و واردات کالا و محصولات، کاملاً روان شوند. بر امر
کیفیت گرایی و استاندارد و فرهنگ سازی در این
باره تأکید و پافشاری صورت پذیرد و زنجیره گردش
اطلاعات و چرخه اطلاعات اقتصادی و گردش پول و
کالا به صورت پایدار همواره برقرار باشد و بزرگترین
موضوع در این مورد وجود قوانین مالیاتی دست و پاگیر
فعالان اقتصادی است که بدون بهره گیری از مشاورت
با آنها تدوین شده اند که امید است توجه خاصی
مبذول گردد.

پدیده قاچاق به عنوان معضلی مهم و چالش آفرین
در فرایند اقتصادی یک کشور محسوب می شود
و متأسفانه امروزه از نظر تنوع، کیفیت و کمیت
پیشرفت قابل توجهی نسبت به گذشته داشته و در
تمام شئون اجتماعی تأثیر گذاشته است. تا قبل از این
موارد قاچاق شامل مواد مخدر، کالای گمرکی، اشیاء
عتیقه و اسلحه بوده ولی امروزه قاچاق انسان، اعضای
بدن انسان، قاچاق نوار، فیلم، عکس، اسلاید، ماهواره،
مواد رادیواکتیو را نیز شامل می شود. چنانچه می دانیم
استکبار جهانی به دلیل به خطر افتادن منافعتش در
ایران که ذخایر دنیا در آن قرار دارد همواره در اندیشه
توطئه علیه آن بوده و هست، بنابراین قاچاق کالا و
ترویج فرهنگ استفاده از کالای خارجی با هدف به
چالش کشاندن اقتدار اقتصادی ایران به ویژه بعد از
ناکارآمد بودن تحریم ها یکی از توطئه ها و جنگ
نرم دشمن علیه کشور است تا در نتیجه آن بیکاری،
عدم سرمایه گذاری، ناامنی اقتصادی و عدم تولید را
جایگزین کند که متأسفانه به دلیل عدم حساسیت
مسئولین در سنوات گذشته باید گفت قاچاق کالا
در ایران قبل از اینکه یک پدیده مخرب و خطرناک
اقتصادی باشد یکی از توطئه ها و جنگ نرم دشمن
علیه ایران است. کالای قاچاق یعنی جابجایی کالا
بدون تشریفات قانونی و پرداخت حق و حقوق دولت
که متأسفانه در حال حاضر یک چهارم میزان واردات
را تشکیل می دهد. قاچاق کالا براساس میزان تقاضا و
کشش بازار از ناحیه شبکه ها و عناصر و عوامل فعال
در این شبکه ها و به صورت غیرقانونی شکل می گیرد.
علل و عوامل قاچاق کالا و میل مردم به مصرف کالای
خارجی را می توان در موارد زیر بر شمرد:
۱- بیکاری و محرومیت ساکنان نقاط مرزی.
۲- تنوع کالای خارجی.
۳- کیفیت بالاتر کالای خارجی.
۴- سودآوری قاچاق در استان و کشور.

۵- ارزان بودن قیمت کالای خارجی.
۶- همسایگی با کشورهای بی ثبات و دارای اقتصاد
نامتعادل.
مضافاً اینکه عدم رقابت تولیدات داخل با کالای
خارجی با توجه به مزیت های فوق الذکر و بالا بودن
هزینه های تولید به منظور تولید کیفی را می توان از
عوامل شکل گیری قاچاق دانست. قاچاق کالا یک
حرفه کاذب، آسان، سودآور و کم هزینه است. در
حال حاضر بیشترین کالای قاچاق را لوازم آرایشی
و بهداشتی، سوخت و در اولویت بعدی پوشاک، لوازم
خانگی، گوشی تلفن و دام زنده تشکیل می دهد.
پیشنهادهای و راهکاری که برای مبارزه با این پدیده
شوم اقتصادی به نظر می رسد عبارتند از:
۱- تدوین سند ملی راهبردی به منظور پی ریزی
برنامه های جامع و ترسیم مسیر پیش روی مبارزه با
قاچاق کالا و ارز.
۲- تصویب نهایی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با
توجه به ابهامات و قدمت قانون فعلی که مربوط به
سال ۱۳۱۲ یعنی حدود ۷۰ سال پیش است.
۳- پیشگیری جدی از مدگرایی و اسراف و تجمل گرایی
و تشریفات زائد و آشنا ساختن مردم به سیره عملی
بزرگان در زمینه الگوی مصرف و رویه خرج کردن با
تشکیل بسیج ویژه متشکل از فرهنگیان، مبلغین، علما
و نخبگان برای نهادینه کردن فرهنگ صرفه جویی.
۴- کنترل تبلیغات رسانه ها و جراید و مطبوعات برای
استفاده نامطلوب از سرمایه های ملی.
۵- برنامه ریزی درسی و تدوین کتاب های آموزشی
برای مقاطع مختلف تحصیلی در زمینه اقتصاد و
صرفه جویی.
چراکه تا وقتی خانه ما از کالای خارجی پر باشد
و از تولید داخل مصرفی درمیان نباشد، نه
صنعت ما پیشرفت خواهد کرد و نه توسعه شکل
خواهد گرفت.

تا وقتی خانه ما
از کالای خارجی
پر باشد و از تولید
داخلی مصرف
منطقه درمیان
نباشد، نه صنعت
کشور ما پیشرفت
خواهد کرد و نه
توسعه در کشور
ما شکل خواهد
گرفت

مبارزه با قاچاق، راه حل اقتصادی دارد

بررسی راه حل های مبارزه با قاچاق در میزگرد «آینده نگر» با حضور
محسن بهرامی ارض اقدس، مسعود دانشمند و عبدالمجید اجتهادی



عظیم محمودآبادی: قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز قانونی است که بیش از ۷۹ سال پیش نوشته شد. اما قرار است به زودی قانون جدیدی جایگزین این قانون که در سال ۱۳۱۲ تصویب شده، بشود. در اینکه قاچاق یکی از مهمترین معضلات اقتصادی امروز ما است کسی تردید ندارد اما اختلاف نظر دولت، بخش خصوصی و کارشناسان اقتصادی وقتی نمایان می شود که بحث از نحوه برخورد و مقابله با این پدیده شوم اقتصادی به میان می آید. در میزگرد «آینده نگر» از سید عبدالمجید اجتهادی مدیرکل مبارزه با قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتی، محسن بهرامی اراضی اقدس و همچنین مسعود دانشمند که هر دو از اعضای هیات نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع و

معادن تهران هستند دعوت کردیم تا در خصوص وضعیت قاچاق و راه کارهای مقابله با آن به بحث و تبادل نظر بپردازند. اجتهادی معتقد است طرح برچسب شبنم اگر به درستی اجرایی شود می تواند تخلفات را کاهش دهد و قاچاق را با محدودیت های زیادی مواجه کند. بهرامی اراضی اقدس معتقد است که پایین بودن و غیر واقعی بودن نرخ ارز در گذشته باعث انگیزه قاچاق در ابعاد گسترده شده که الان هم مقابله با آن به این راحتی ها نیست. او همچنین چند نرخ بودن ارز را از مهمترین عواملی می داند که به افزایش قاچاق در شرایط فعلی انجامیده است. دانشمند نیز شفافیت سیستمی در تمامی معاملات را راهکار مقابله با قاچاق و هر نوع فساد اقتصادی دیگر می داند.

در ابتدا خواهش می کنیم تعریفی از «قاچاق» به عنوان یک ضایعه اقتصادی ارائه دهید تا بدانیم مشخصاً در مورد چه چیزی قرار است بحث کنیم. اهمیت تعریف قاچاق از آن جهت است که در برخی موارد کالاهایی با حجم وسیع به صورت غیرقانونی اما بدون هیچ گونه پنهان کاری و حتی به قول یکی از نمایندگان مجلس از مرزهای قانونی وارد کشور می شوند و این همان چیزی است که برخی ها معتقدند دیگر نام این پدیده را نمی توان قاچاق گذاشت.

دانشمند: طبق قانون گمرکی هر کالایی که اظهار گمرکی نشود به عنوان کالای قاچاق محسوب می شود ولو اینکه آن کالا، صددرد مجاز و از کالاهای اساسی نظیر گندم باشد.

بهرامی: اگر بخواهیم کامل تر بگوییم باید گفت هر کالایی که بدون تشریفات قانونی از مرز کشور عبور کند به عنوان کالای قاچاق محسوب می شود که درواقع اظهار گمرکی مورد اشاره آقای دانشمند نیز یکی از موارد این تشریفات قانونی است. اما اینکه تا کجا این تلقی وجود دارد محل بحث است. برخی معتقدند کالاهایی که تشریفات قانونی را طی نکرده اند تنها در مرزها قاچاق تلقی می شوند. برخی دیگر محدوده آن را فراتر می دانند. چنانچه تعبیری که مقام معظم رهبری در دولت قبلی فرمودند این بود که محدوده قاچاق را از پیش از مرزها تا بازار عرضه دانستند. حالا باز خود این فرمایش هم محل بحث است چرا که برخی می گویند «تا» در فرمایشات ایشان یعنی این فرایند شامل بازار عرضه نمی شود اما برخی معتقدند که آن را هم در برمی گیرد.

البته طبق قانون قبلی یعنی قانونی که هنوز هم اعتبار و در دستور کار اجرایی قرار دارد محدوده قاچاق تنها محدود به مرزها بود و به صراحت گفته شده بود اگر هر کالای قاچاقی به هر ترتیبی از مرز گذشت دیگر به عنوان قاچاق تلقی نمی شود.

آقای اجتهادی درست می گویم؟

اجتهادی: اجازه بدهید من قبل از پاسخ به سؤال شما ابتدا عرض کنم که در بحث قاچاق هم آقای بهرامی و هم آقای دانشمند توضیحات خیلی خوبی را ارائه کردند و من همین جا باید بگویم ای کاش بعضی از همکاران قضایی ما به همین میزان تعریف از «قاچاق» توجه می کردند. توجه داشته باشید که وقتی از قاچاق صحبت می کنیم درواقع در مورد اقتصاد پنهان یا اقتصاد زیرزمینی صحبت می کنیم که تنها بخشی از آن قاچاق کالا است. همانطور که آقایان فرمودند مهمترین ویژگی کالای قاچاق عدم رعایت تشریفات

گمرکی است. این عدم رعایت هم تنها به لحاظ حقوق و عوارض گمرکی نیست، چرا که برای برخی کالاها در این خصوص معافیت هایی در نظر گرفته شده و مثلاً شمش طلا یکی از انواع کالاهایی است که شامل معافیت از حقوق و عوارض گمرکی می شود. از طرف دیگر پرداخت حقوق و عوارض گمرکی نیز تنها یکی از تشریفات گمرکی است چرا که در تشریفات گمرکی بحث هایی از قبیل مساله استاندارد، بهداشت (در خصوص مواد خوراکی و کالاهای آرایشی و بهداشتی) و غیره نیز مطرح است. حتی در مورد کالایی مانند شمش طلا که از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی معاف است باز هم باید بانک مرکزی اطلاع داشته باشد که چه حجمی از طلا و یا چه کیفیتی وارد کشور و یا از آن خارج شده است. بنابراین تعریف تشریفات گمرکی مطلقاً محدود به پرداخت عوارض و حقوق گمرکی نیست. نکته دیگری که اینجا لازم می دانم به آن اشاره کنم قانون مربوط به امور گمرکی است که در سال ۹۰ لغو شد؛ این قانون درواقع یکسان سازی تشریفات گمرکی کالاهای ورودی و خروجی بود. اتفاقاً بنده با نسخ این ماده واحد که در سال ۸۳ در مجلس تصویب شده بود خیلی مخالف بودم. دلیل مخالفت هم این بود که آن قانون جامع تمام موارد بود. اولاً هیچ استثنایی برای هیچ کالایی قائل نمی شد. همانطور که شما هم در سؤال اول خودتان به اظهارات سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس اشاره کردید ما متأسفانه در کشور قاچاق رسمی هم داریم. یعنی از خود گمرک و برخی اسکله های ویژه بعضاً شاهد ورود کالاها به صورت غیر قانونی هستیم. اما همه این نوع واردات ممنوعه ویژگی اصلی شان عدم رعایت تشریفات گمرکی است. حالاً یک بار هست که طرف کالای خودش را اظهار نمی کند و کالای خود را به صورت پنهانی وارد کشور می کند. یعنی گرچه از گمرک گذشته اما تشریفات آن را انجام نداده است. از سوی دیگر گاهی تشریفات گمرکی انجام می شود اما به صورت ناقص و مثلاً شخص برای واردات کالاهای خود از گمرک کم اظهار می کند. اخیراً هم شاهد بیش اظهارات هستیم یعنی فردی به دلیل مسائل ارزی که بعداً به آن خواهیم پرداخت بیش از آن حجم کالایی که وارد کرده را اظهار می کند. اما

در خصوص سؤال شما باید بگویم که در قانون گمرکی، «قاچاق» تنها محدود به ورود و خروج کالا می شود؛ جایی هم که ورود و خروج مصداق پیدا می کند همان مرز است. اما طبق قانون جدید آنچه مهم است اینکه کالایی بدون تشریفات

گمرکی وارد کشور شده باشد. به بیان دیگر کالایی که تشریفات گمرکی را رعایت نکرده باشد از همان مرزی که وارد شده قاچاق محسوب می شود و تا مرحله ای که در کشور کشف شود را در بر می گیرد و به اصطلاح «جرم مستمر» است. این همان چیزی است که با فرمایش مقام معظم رهبری هم انطباق دارد و قاچاق شامل هر کالایی که به صورت غیر قانونی وارد کشور شده از پیش از مبادی ورودی تا محل عرضه آن را شامل می شود.

آقای بهرامی شما بفرمایید که بیش اظهاری که آقای اجتهادی به آن اشاره کردند چیست و با چه انگیزه هایی این کار انجام می شود؟

بهرامی: ببینید هر زمان که بین نرخ ارز دولتی با نرخ ارز در بازار آزاد اختلاف ایجاد می شود برای کسانی که به امر تجارت خارجی به ویژه در زمینه واردات مشغول هستند مقرون به صرفه است که ارز را از شبکه بانکی به بهانه خریدن کالا دریافت کنند و بعد در بانک به قیمتی بالاتر از قیمت خرید که قیمت واقعی است ارز تهیه کنند در حالی که کالا را ارزان تر خریدند. این اتفاق محتمل است؛ اما توجه داشته باشید آن زمانی که نرخ ارز بازار آزاد و نرخ ارز دولتی اختلاف معناداری با هم نداشتند گمرک هم ادعای بیش اظهاری از جانب برخی تاجران را مطرح نمی کرد. اما الان که نرخ ارز مرجع هزار و ۲۲۶ تومان، نرخ مبادله ای آن ۲ هزار و ۵۰۰ تومان و نرخ بازار آزاد آن حدود ۳ هزار و ۲۰۰ تومان است این مسائل مطرح می شود. حالا یک واردکننده ممکن است کالایی که ۱۰۰ دلار ارزش دارد را ۱۲۰ دلار اظهار کند تا به اندازه مابه التفاوت ارز مرجع تا ارز مبادله ای یا بازار آزاد سود کند.

البته تاجر به میزانی که برای واردات ارز می گیرد باید مالیات و حقوق و عوارض گمرک و غیره پرداخت کند. آیا با این وجود برای او مقرون به صرفه است که بیش اظهاری کند ولی در عین حال از ارز دولتی بیشتر بر خوردار شود؟

بهرامی: درست است. در عین حال که این تاجر باید بیش از آنچه وارد کرده عوارض بپردازد - به دلیل بیش اظهاری که کرده است - اما باز هم آن مابه التفاوت نرخ ارز مرجع یا مبادله ای و نرخ بازار آزاد آن برای او مقرون به صرفه خواهد بود.

درواقع این فساد جدیدی است که به واسطه چند نرخ شدن ارز مجدداً به مفاسد قبلی تجارت افزوده شده است؟

بهرامی: یقیناً همینطور است. بنابراین اصلی ترین دلیل بیش اظهاری همان



مسعود دانشمند:

اگر بخواهیم برای

مقابله واقعی با

پدیده قاچاق

کالا راهکاری

آینده نگارانه

پیشنهاد دهیم

در اولین قدم باید

تمام معافیت های

مالیاتی نهادها و

سازمان های دولتی

را حذف کنیم.



اختلاف میان چند نرخ ارز است و ما باید به سمت یکسان سازی نرخ ارز حرکت کنیم که تکلیف دولت در برنامه های سوم، چهارم و پنجم توسعه بوده اما متأسفانه دولت به هر دلیل از انجام این تکلیف قانونی خود خواسته یا ناخواسته ناتوان بوده است. حالا در شرایطی که اختلاف چندانی میان نرخ ارز مرجع و نرخ بازار آزاد آن نبود برخی از تاجران راغب بودند کم اظهاری کنند تا رقم کمتری را برای حقوق و عوارض گمرکی پرداخت کنند.

البته فکر نمی کنم بحث کم اظهاری و بیش اظهاری چندان در مقوله قاچاق بگنجد.

بهرامی: اتفاقاً این موضوع دقیقاً نوعی از قاچاق است. همانطور که آقای دکتر اجتهادی هم اشاره کردند ما اگر صرفاً بگوییم که قاچاق مربوط به کالاهایی است که از طریق گمرک وارد کشور نشده اند، این یک تعریف خیلی محدود از قاچاق است. اما وقتی می گوییم قاچاق کالایی است که تشریفات قانونی و تشریفات گمرکی را رعایت نکرده باشد مساله کم اظهاری و بیش اظهاری هم در مقوله قاچاق می گنجد. چرا که کالایی که ۱۰۰ دلار خریداری شده را نباید ۱۲۰ دلار و یا ۸۰ دلار اظهار کرد.

دانشمند: اتفاقاً یکی از قوانین گمرکی این است که ارائه اسناد غیر واقعی جرم است.

بهرامی: درواقع ارائه اسناد غیر واقعی از مصادیق قاچاق است.

از این جهت می گویم با بحث قاچاق متفاوت است که به هر حال بیش اظهاری یا کم اظهاری در پوشش یک تجارت کاملاً رسمی و قانونی انجام می شود. یعنی تاجری هست که به صورت قانونی فعالیت می کند اما در خصوص اظهار ارزش کالاهای خود ممکن است تخلفاتی کرده باشد و این مساله به نظر می رسد با «قاچاق» اساساً متفاوت باشد. ضمن اینکه مگر تشخیص صحت و سقم اظهارات واردکنندگان برای بازرسان گمرک خیلی دشوار است؟

اجتهادی: در قانون بحث انضباط اقتصادی مطرح است. مهم این است که چرا تا قبل از تغییر نرخ ارز چنین مسائل و شبهاتی درخصوص بیش اظهاری پیش نمی آمد؟ پس توجه داشته باشید آنچه در بیش اظهاری یا کم اظهاری مهم است این است که به یک ناهنجاری اقتصادی انجامیده است.

دانشمند: به نظر من از آنجایی که معاملات ما غیر شفاف است زمینه برای به وجود آمدن چنین تحركاتی ایجاد می شود. به نظر من اگر شفافیت در اقتصاد ما باشد زمینه های برای بروز تخلف هم به وجود نمی آید. یکی از مشکلات ما در این خصوص این است که معاملات ما متأسفانه فاقد شناسنامه است. هرچقدر معاملات شفاف تر و به طور سیستماتیک تر انجام شود و هر خرید و فروشی مستند به فاکتور باشد حتماً تخلفات به مراتب کمتری بروز خواهند کرد. در کشورهای اروپایی اگر بخواهید کالایی بیش از دویست، سیصد یورو را خریداری کنید حتماً باید از طریق سیستم بانکی انجام شود و چنین خریدی از طریق پرداخت نقدی در آنجا امکان پذیر نیست. حالا برگردیم به بحث قاچاق که باز هم تأکید می کنم به نظر من این عارضه اقتصادی از نتایج عدم شفافیت است. من فکر می کنم مقایسه

میان میزان قاچاق در کشور ما با کشورهایی که طرف قاچاق ما هستند می تواند نشان دهنده وضعیت ما در این خصوص باشند. یعنی ببینیم مثلاً از امارات چقدر کالا برای ایران به صورت قاچاق خارج شده و چقدر از آن میزان وارد کشور ما شده است. این مساله از آن جهت مهم است که همه کالاهایی که از طریق قاچاق از امارات وارد کشور ما شده از آن طرف به صورت قانونی خارج شده است.

یعنی خیلی از کالاهای امارات به صورت قانونی خارج می شوند اما از طریق قاچاق وارد کشور ما می شوند؟

دانشمند: دقیقاً. اما مساله این است که حتماً برای فروش این کالاها در بازار داخلی ما زمینه وجود داشته که آنها به صورت قاچاق وارد شده اند. آماری که در مورد قاچاق در کشور ما گفته می شود رقم های بسیار بزرگی هستند و حتی نوزده و بیست میلیارد دلار در سال هم گفته شده است. اما وقتی ما به حجم کالاهای وارداتی نگاه می کنیم که چیزی حدود هشتاد میلیارد دلار است می بینیم عدد ۲۰ میلیارد دلار قاچاق در این حجم خیلی بالا است. حالا دقت داشته باشید اگر متوسط تعرفه ما چیزی حدود ۲۷ درصد گمرکی است می بینیم که حداقل چیزی حدود ۱۳ درصد حقوق و عوارض دولت پرداخت نشده است. این یعنی درآمد دولت کم می شود و از پی آن اتکالی دولت به درآمدهای نفتی بالا می رود.

از مهمترین روش های مبارزه با قاچاق در دنیا بالا بردن ریسک قاچاق از سویی و افزایش سهولت تجارت قانونی و همچنین ارائه تسهیلات به تاجران رسمی از سوی دیگر است. اما پیش از آغاز میزگرد در صحبتی که با آقای بهرامی داشتیم ایشان می گفتند شرایط برای بازرگانان ایرانی به قدری دشوار شده که هر کسی را ممکن است به فکر قاچاق و تخلفاتی از قبیل پرداخت رشوه و غیره بیاورد. چرا چنین وضعیتی به وجود آمده است؟

اجتهادی: اینجا این سؤال مطرح است که آیا سیاست های اقتصادی ما در خدمت مبارزه با قاچاق هست یا نه؟ که البته پرداختن به این سؤال در حیطه تخصصی آقایان بهرامی و دانشمند است. اما نکته ای که من می توانم در این مورد بگویم این است که وقتی پرونده هایی را در ستاد، مورد بررسی قرار می دهیم بعضاً با اعتراض هایی مواجه می شویم و از معترضان به احکام صادر شده همین چیزهایی را می شنویم که شما الان مطرح کردید. یعنی خیلی از افرادی که به عنوان متهم و یا محکوم به ما مراجعه می کنند عمدتاً می گویند قوانین، مقررات و سختگیری ها ما را به این مسیر رهنمون کرده است. من هم معتقدم خیلی وقت ها تعرفه گذاری های دولت باعث تشدید قاچاق می شود. برای نمونه وقتی نرخ تعرفه گوشی موبایل را ۶۰ درصد تعیین کردند در نتیجه کل بازار موبایل داخلی ما را گوشی های قاچاق پر کرد.

بهرامی: یعنی در شرایطی که ما دارای تولید داخلی نیستیم، از آن طرف ۱۲ اپراتور را آورده ایم که می خواهند میلیون ها سیم کارت تولید و واگذار کنند - درواقع واگذار کرده اند- بعد برای کالایی که دارای چنین بازاری در داخل است ۶۰ درصد تعرفه در نظر گرفته

می شود. آن هم کالایی کم حجم با حمل و نقل آسان که برای قاچاق بسیار مناسب است.

یعنی این تعرفه گذاری، اولاً هیچ منفعتی برای تولید داخلی نداشته، ثانیاً به تجارت و بازرگانی ما لطمه زده، به افزایش قاچاق منجر شده و عملاً در آمد دولت از این ناحیه را به دلیل واگذاری بازار آن به طور کامل به قاچاق نیز کاهش داده است؟

بهرامی: دقیقاً همینطور است. اجتهادی: اما نکته ای که اینجا مهم است اینکه این تصمیم دیگر اثر خودش را گذاشته است. یعنی وقتی تعرفه ۶۰ درصدی تعیین شد اولاً واردات رسمی متوقف می شود و یا فروشنده ۱۰۰ گوشی همراه را به صورت رسمی و هزاران گوشی را در پوشش اسناد آن ۱۰۰ عدد به صورت قاچاق وارد می کند.

دانشمند: این تصمیمی بود که سال ۸۵ گرفته شد و من در آن زمان به معاون وزیر صنایع عرض کردم این تصمیم گیری اشتباه است. من همان زمان از ایشان پرسیدم که در همین چهار، پنج ماهه اخیر چند سیم کارت صادر شده است؟ ایشان گفتند حدود ۲ میلیون و اندی سیم کارت صادر شده است. بعد از ایشان پرسیدم چه تعداد گوشی موبایل به صورت رسمی وارد شده است؟ ایشان گفتند نزدیک به هفتاد هزار گوشی هم رسماً وارد شده است. من از معاون وزیر پرسیدم آیا بقیه آن ۲ میلیون و خرده ای سیم کارت بدون استفاده نزد افراد مانده یا این مساله می تواند نشان دهد که مابقی تقاضای بازار موبایل از طریق قاچاق تأمین شده است. بعد از این بحث ها و آمارهای منطقی ایشان قبول کردند که تعرفه را ۲۵ درصد کنند. بنابراین لازم است برای هر تصمیم اقتصادی ابتدا تمام ابعاد و زوایای آن مورد بررسی قرار گرفته شود که به نظر من یکی از راه های آن نظرخواهی و مشورت با اتاق بازرگانی و صنایع و معادن است. اجازه بدهید من همین جا نکته ای را عرض کنم تا واقعاً بخشی از مشکلات تجارت رسمی و قانونی گفته شود. الان اگر بخواهم برای یکی از ماشین آلات، قطعه ای را وارد کنم که کارگر پای آن ایستاده ولی به دلیل نداشتن و یا معیوب بودن آن قطعه نمی تواند کار کند حقیقتاً راه دشواری در پیش خواهم داشت. حالا تصور کنید کارگر و مواد اولیه پای دستگاه مانده، تعهدات تولیدکننده به خریداران و مشتریانش هم معطل است و من هم به عنوان بازرگان می خواهم قطعه مورد نیاز را وارد کنم. اول باید به سازمان توسعه تجارت مراجعه کنم تا بعد از کلی بالا و پایین کردن اجازه واردات آن قطعه را به من بدهند. بعد از اینکه آنجا توانستم کسب اجازه کنم تازه باید به اتاق مبادلات بروم تا ارز مورد نیازم را تأمین کنم، بعد از آن باید به بانک عامل بروم و آنجا هم به من می گویند تقاضای شما باشد تا بانک مرکزی ارز بدهد. می گویم به من ال سی بدهید تا خودم از بازار، ارز مورد نیازم را تأمین کنم، آنجا به من خواهند گفت که بانک مرکزی گفته حق ندارند تا قبل از اینکه ارز در اختیارشان قرار داده شود برای کسی ال سی باز کنند. این فرایند را وقتی می بینم مجبور می شوم که از بانک عامل بیرون بیایم و با یک تلفن برای واردات قاچاق اقدام کنم. الان سازمان هایی در حواشی جنوبی خلیج فارس به وجود آمده اند که می گویند مبلغ جنس را با فلان درصد اضافه پرداخت کن تا ما کالایی را که خریداری کرده ای به صورت

تضمینی تحویل بدهیم.

بهرامی: یعنی وقتی ما تجارت رسمی خودمان را با موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای سخت‌تر و سخت‌تر می‌کنیم و از سوی دیگر هزینه تجارت غیر رسمی ما پایین می‌آید، فعالان اقتصادی به دلیل اینکه به هر حال به دنبال هزینه و فایده هستند اگر به این نتیجه برسند که فایده و مزایای تجارت قانونی کمتر از دشواری‌های آن است قطعاً به آن طرف می‌روند. بی‌تعارف فعال اقتصادی به دنبال حداکثر کردن منافعش است. بخش خصوصی و فعال اقتصادی که دولت نیست تا وظیفه‌اش حداکثر کردن میزان رفاه عمومی باشد تا بگوید که امنیت بهداشتی، فرهنگی، رفاهی و... جامعه برایش اولویت دارد. اینها اساساً وظیفه یک فعال اقتصادی نیست. به همین دلیل است که حجم ۲۰ میلیارد دلار قاچاق که اعلام شده واقعاً رقمی وحشتناک است و مهمتر اینکه این ۲۰ میلیارد دلار عمدتاً صرف کالاهایی شده که به احتمال زیاد امکان تولید آن در داخل هم وجود داشته است. اتفاقاً قاچاق در جایی صورت می‌گیرد که در پوشش حمایت از تولید داخلی آمده‌ایم و تعرفه را بالا برده‌ایم.

اجتهادی: آنچه مهم است اینکه متأسفانه وقتی ما در مورد تعرفه یک تصمیم اشتباه اتخاذ کردیم حتی زمانی که از آن تصمیم هم بر می‌گردیم دیگر اثرات منفی آن جبران نخواهد شد. مانند مساله سیگار؛ در سال ۸۲ یکی از تشکلهایی که در پی بالا بردن سطح سلامتی مردم بود با مجلس و نهادهای دیگر رایزنی کرد که تعرفه سیگار افزایش یابد. این تصمیم باعث شد که همه واردات سیگار از طریق قاچاق انجام شود. بعد در یک مقطع زمانی به دلیل اینکه شاهد اثرات افزایش تعرفه بودند، تعرفه سیگار را صفر کردند. اما به جهت اثری که آن تصمیم گذاشته بود در همان سالی که تعرفه صفر شده بود باز هم حجم واردات رسمی بسیار کم بود. دلیل آن هم این بود که وقتی تعرفه بالا رفت واردکننده سیگار رفت راه‌هایی غیر رسمی پیدا کرد تا برای فرار از پرداخت مبلغ تعرفه بتواند فعالیت کند. اما واقعیت این است که تعرفه فقط یک بعد قضیه بود. او وقتی این راه را پیدا کرد دیگر ترجیح می‌دهد به جای اینکه به دنبال آن باشد که از این سازمان نامه بگیرد و منتظر تایید فلان نهاد بماند و بسیاری دوندگی‌های دیگر انجام دهد از همان طریق قاچاق، کالای خودش را وارد کند.

بهرامی: همانطور که آقای اجتهادی فرمودند مصرف سیگار در کشور ما بسیار بالا است. تولید داخلی ما در دولت گذشته هم تنها سیگارهای «زر»، «وشنو» و «هما» بود که کمتر از ۱۵ درصد سیگاری‌های ما آنها را مصرف می‌کردند. یعنی اینها سیگارهایی بودند که شرکت دخانیات تولید می‌کرد اما به دلیل اینکه بازار فروش آن را نداشتند آنها را انبار می‌کردند. من زمانی که در ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز بودم می‌دیدم که واردات رسمی را همانطور که آقای دکتر هم اشاره کردند با هدف تأمین سلامتی مردم ممنوع کرده بودند. در صورتی که وقتی ۲۰۰ میلیارد نخ برای سیگار تقاضا وجود داشت و در آن زمان ۲۲۰ نوع سیگار قاچاق وارد کشور شده بود، خب طبیعی است که مبادی قاچاق شروع به فعالیت می‌کند و از مرزهای خاکی و آبی قاچاقچیان اقدام به واردات سیگار کردند. ما آن زمان

در ستاد گفتیم ممنوعیت واردات و تعرفه بالا برای آن باعث شده که سیگار به صورت قاچاق وارد کشور شود. در مورد چای نیز همین مساله وجود داشت. در سال ۸۴ تولید چای داخلی ما ۲۰ هزار تن و مصرف چای ما در کشور یکصد و ۲۰ هزار تن بود. اصلاً چای داخلی ما به تنهایی قابلیت مصرف ندارد. یعنی خود چایی کارهای ما نیز قبول دارند که چای تولید ایران را باید با اسانس و چای خارجی مخلوط کرد تا قابل استفاده باشد. اما ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز با هدف به ظاهر حمایت از چای تولید داخلی، واردات چای خارجی را ممنوع کرد. این در حالی بود که تمام سازمان‌های رسمی می‌گفتند که سالی یکصد و ۲۰ هزار تن چای خارجی وارد کشور می‌شود و دولت هم آن را رها کرده بود، نه سود و نه مالیات می‌گرفت و از سوی دیگر هدف اصلی هم که حمایت از تولید چای داخلی بود اساساً نقض غرض شده بود.

این قضیه مشخصاً مربوط به چه سالی است؟

بهرامی: سال‌های ۷۹ و ۸۰؛ در دوره قبلی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز زمانی که آقای قالیباف رییس ستاد و نماینده ویژه رییس جمهور بودند ما هم واردات چای و هم سیگار را آزاد کردیم. اما واردات آن را ساماندهی کردیم و گفتیم برای واردات هر کیلو چای باید هزار تومان حقوق و عوارض پرداخت کنند و ما این پول را هزینه اصلاح باغات چای کنیم و کارخانه‌های چای که فرسوده شده را ترمیم کنیم. در مورد سیگار نیز همینطور بود. نتیجه‌ای که اینجا می‌خواهم بگیرم این است که یکی از علل افزایش قاچاق تعرفه‌های غیر منطقی و بعد هم پایین نگه داشتن نرخ ارز بود. بنده و آقای دکتر معصومی از سال ۸۰ می‌گفتیم دلاری که شما روی قیمت هزار تومان نگه داشته‌اید پول نفت است و نه پول تولید. وقتی قیمت دلار را هزار تومان در کشوری که حداقل سالی ۲۵ درصد تورم دارد نگه می‌داریم نتیجه‌اش افزایش قاچاق می‌شود.

اجتهادی: در تایید صحبت‌های آقای بهرامی باید بگویم که جرم قاچاق پدیده‌ای ماهیتاً اقتصادی است که دولت‌ها همواره به عنوان بزه به آن نگاه می‌کنند و به جای مبارزه با علت مشغول مبارزه با معلول شده‌اند.

دانشمندان حدود ۱۰ سال پیش بین کشورهای حاشیه خلیج فارس مبادلات قاچاق رونق گرفته بود. یعنی کالاهایی از دبی به قطر و مثلاً از قطر به عمان قاچاق می‌شد. این کشورها کاری که کردند این بود که مقررات گمرکی و همچنین مقررات بانکی خودشان را چنان با یکدیگر هماهنگ کردند که الان بین این ۶ کشور اصلاً قاچاق به طور کامل از بین رفته است.

بهرامی: آنجا مساله قاچاق اساساً موضوعیت خود را از دست داده است. در همین کشور امارات یک قرص مسکن بدون مجوز قانونی و به صورت قاچاق وارد نمی‌شود. در امارات یک گرم هروئین پیدا نمی‌شود.

واقعاً چه عاملی باعث شده که امارات در بحث مبارزه با قاچاق تا این حد موفق باشد و با حجم وسیع مبادلات کالایی که دارد به گفته شما حتی یک گرم هروئین و یا کالاهایی که به صورت غیر قانونی وارد شده باشند پیدا نمی‌شود؟

اجتهادی: موفقیت آنها در گرو شفافیت گردش کالا و گردش پول در این کشور است. یعنی کالا از لحظه‌ای که در امارات بارگیری می‌شود توسط سیستم کنترل

می‌شود تا لحظه‌ای که آن کالا به دست مصرف‌کننده می‌رسد. یعنی هر کالا از زمان ورود تا زمانی که به دست مصرف‌کننده نهایی می‌رسد رصد می‌شود و نسبت به آن پاسخگویی وجود دارد. اما در کشور ما اصلاً اینچنین نیست. همانطور که آقای دانشمند هم اشاره کردند وقتی کالای قاچاق وارد می‌شود اینطور نیست که تنها دولت ضرر کند بلکه ضرر بیشتر را تاجر می‌بیند که به صورت قانونی مشغول تجارت است. الان تولیدکننده ما وام می‌گیرد، کارخانه می‌زند، کارگر استخدام می‌کند، مواد اولیه می‌خرد به امید اینکه کالایی که تولید می‌کند را در بازار داخل به فروش برساند. اما در همین امارات قالب می‌زنند و همانجا کالا را تولید و بعضاً به اسم کالای تولید داخل وارد کشور می‌کنند. بعضی برندهای داخلی ما واقعاً خوب و معتبر هستند اما می‌بینیم گاهی کالاهایی با برند ایرانی در چین تولید می‌شود. چنانچه چندی پیش یک آقای با یکی از نمایندگان مجلس به ما مراجعه کرده بود و می‌گفت کارخانه‌اش دارای ۶۰۰ کارگر است. آن وقت همان کالا را با برند کارخانه آن فرد در چین تولید کرده‌اند و از طریق قاچاق وارد کشور کرده و به فروش رسانده‌اند.

سردار ابوبی معاون پیشگیری ستاد مرکزی

مبارزه با قاچاق کالا و ارز اخیراً در اظهاراتی گفته

بودند انگار در برخی نهادهای دولتی اراده‌ای برای

مبارزه با قاچاق وجود ندارد و شاید این مساله به

دلیل منافی باشد که برخی‌ها را از مبارزه با آن

وا می‌دارد. آیا واقعاً چنین بی‌ارادگی در برخی

نهادهای دولتی وجود دارد و شما این بی‌اراده‌گی‌ها

را می‌بینید؟

بهرامی: اینکه قاچاق بتواند بازار را تنظیم کند نوعی نگاه غیر اقتصادی است. حتی زمانی که در بحث ارز و پایین نگه داشتن مصنوعی نرخ آن اشکال داشتیم و نظرات کارشناسی مفصل خودمان را ارائه کردیم می‌دیدیم که دولت به دلیل اینکه نتوانسته با سیاست‌های اقتصادی خود تورم را مهار کند در مورد قاچاق نوعی نگرش خوشبینانه برای تأمین کالا و تنظیم بازار دارد. به همین دلیل است که شاید برخی از دستگاه‌ها علاقه جدی به برخورد با قاچاق ندارند و شاید هم منافع سازمانی‌شان چندان ایجاب نمی‌کند که بخواهند خیلی سخت‌گیرانه با این مساله برخورد کنند. ضمن اینکه فساد اداری هم به هر حال در کشور ما بیداد می‌کند. برای نمونه گمرک وقتی می‌خواهد با یکی از پرسنل خاطی خود برخورد کند او را به محروم‌ترین گمرک می‌فرستند و این یعنی همان جایی که آن فرد خاطی راحت‌تر می‌تواند کار خودش را انجام دهد. یعنی با این سیاست تنبیهی به افراد خاطی در واقع جایزه داده می‌شود. بعد کارمندی که برای چند ساعت نگاه کردن و مراقبت کردن مثلاً ۱۰ هزار تومان دریافت می‌کند برای نیم ساعت نگاه نکردن و چشم بر هم گذاشتن ۱۰ میلیون تومان دریافت می‌کند.

دانشمندان ببینید در سال‌هایی که ما شاهد برخورد خشن با پدیده قاچاق بوده‌ایم حجم قاچاق کشور ما و همچنین پرونده‌هایی که برای آن موجود است و سال به سال افزایش یافت و لذا توفیق چندانی در کاستن از حجم قاچاق نداشته‌ایم. این نشان می‌دهد ما باید به طور سیستماتیک از الگوهای موفق دنیا در خصوص مبارزه



بهرامی: اصلی‌ترین

دلیل بیش اظهاراتی

اختلاف میان چند نرخ

ارز است. باید به سمت

یکسان‌سازی نرخ ارز

حرکت کنیم



اجتهادی: به عنوان کسی که در یک دستگاه اجرایی مسئولیت دارم واقعا می بینم که در دولت برای مقابله و مبارزه با قاچاق اراده واقعی وجود دارد هر چند شاید ما در اجرا موفق نبوده ایم امیدواریم که بخش خصوصی هم در این راستا به ما کمک کند

با قاچاق تقلید کنیم، مثلا اروپایی ها با برداشتن مرزهای خود و تنظیم و تدوین قانون جدید مساله خودشان را حل کردند یا ۶ کشور حاشیه خلیج فارس نیز به همین صورت قاچاق را در سرزمین های خود ریشه کن کردند. به هر حال این کشورها یک سری اقداماتی را انجام دادند تا توانستند موفق شوند اما ما به جای اینکه آن کارها را انجام دهیم متاسفانه همیشه در پی برخورد با معلول بوده ایم؛ در حالی که علت اصلی جریان اقتصادی ما است. اگر بخواهیم برای مقابله واقعی با قاچاق راهکاری آینده نگرانه را پیشنهاد دهیم به نظر من در اولین قدم باید تمام معافیت های مالیاتی را حذف کنیم، اینکه یک سازمان دولتی برای انجام یک فعالیت اقتصادی بتواند از مالیات معاف شود باعث می شود که برخی افراد در آن سازمان چند برابر نیاز خود مجوز به واردات بگیرند و میزان اضافی کالاهای وارداتی را بدون اینکه مالیاتش را پرداخت کرده باشند وارد بازار کنند.

درواقع شما معتقدید که معافیت از مالیات یعنی تبعیض و تبعیض هم به ایجاد رانت و فساد می انجامد و آینده نگری برای کم کردن قاچاق از اینجا می تواند آغاز شود؟

دانشمند: دقیقا همینطور است. البته اجازه بدهید بگویم من هم می فهمم که دولت حق دارد برای برخی از سازمان ها و نهادهای خود معافیت هایی را قائل شود. اما از آنجایی که ما می دانیم این معافیت ها مشکلات متعددی را برای کشور به وجود می آورد باید اولین کاری که می کنیم حذف هر نوع معافیت مالیاتی باشد. یعنی باید حقوق و عوارض دولتی به صورت یکسان از سوی هر شخص حقیقی یا حقوقی پرداخته شود اما اگر یک سازمان دولتی لازم است که آن مالیات را نپردازد شیوه آن باید اینگونه باشد که ابتدا مبلغ لازم را بپردازد و بعد به خزانه داری مراجعه کند و آن را پس بگیرد. این باعث می شود که آن پول به حساب خزانه داری آن سازمان ریخته شود و نه به حساب فردی که مامور آن سازمان است. این کار باعث از بین بردن انگیزه های می شود که کالا بدون پرداخت حقوق و عوارض وارد کنند. مثلا فلان نهاد می گوید که می خواهد برای خودروهای خودش لاستیک وارد کند. ایرادی ندارد لاستیک وارد کند اما باید حقوق و عوارض آن را هم بپردازد.

بهرامی: نه آقای دانشمند. من با این حرف هم مخالف هستم. چرا کار تجاری ای که من باید انجام دهم را وزارت دفاع انجام بدهد؟ اگر وزارت دفاع می خواهد لاستیک خودروهای سازمان خودش را تامین کند باید بیاید از من بخرد نه اینکه خودش اقدام به واردات لاستیک کند. سازمان بهزیستی هم باید به دنبال کارهای اصلی خودش برود و اگر لاستیک می خواهد من تاجر باید برای او فراهم کنم.

دانشمند: حالا من می گویم اگر برخی سازمان ها می خواهند کار تجاری هم انجام دهند باید مانند بقیه حقوق و عوارض را نیز بپردازند. نکته دوم هم ضرورت شناسنامه دار کردن معاملات به طور سیستمی است که واقعا از ضروریات است. مساله دیگری هم که باید به آن اشاره کنم مالیات بر مصرف است که در خیلی از کشورها پرداخت می شود و رقم آن هم بالا است که بعضا تا ۲۰ درصد هم می رسد. اما این مالیات را همان پای صندوق از مصرف کننده می گیرند و خیلی شفاف در

انتهای فاکتور هم مندرج است و به محض اینکه کالایی خریداری می شود آن رقم لازم از حساب مشتری کسر و به حساب دولت واریز می شود. اما حالا ببینید ما برای همین ارزش افزوده چه شرایط پیچیده ای داریم. **بهرامی:** شریطی که اساسا موجب نقض غرض مساله ارزش افزوده شده است. یعنی اینجا به جای اینکه مالیات را از مصرف کننده بگیرند از بازرگان می گیرند. یعنی می گویند باید از تاجری که رسما و قانونا در حال کار است و هم می شناسیمش و هم زورمان به او می رسد ۵ درصد مالیات بر ارزش افزوده دریافت کنیم. در صورتی که مالیات بر ارزش افزوده را کسی باید بپردازد که کالا را مصرف می کند. حالا نقض غرض هم شده و چنانچه می دانیم طلا فروش ها، فرش فروش ها و برخی اصناف دیگر کاری کردند تا بالاخره دولت آنها را از پرداخت آن معاف کرد.

اجتهادی: مشکل ما این است که در زیربناها مشکل داریم. من اتفاقا معتقدم که قوانین خیلی خوبی داریم اما اینها عملی نمی شوند. مثلا همین مالیات ارزش افزوده در همه جای دنیا وجود دارد. اساسا در کشورهای مختلف همین ارزش افزوده دارد چرخه اقتصادی را می چرخاند. اما از طرف دیگر هر کالایی به محض ورود به کشور تا مرحله مصرف، دارای شناسنامه و روندی کاملا شفاف است و به دلیل داشتن شناسنامه و شفاف بودن همه چیز هیچ گاه مالیات بر ارزش افزوده به طور مضاعف از کسی اخذ نمی شود در صورتی که ما در کشورمان گاهی شاهد اخذ مالیات بر ارزش افزوده به صورت مضاعف هستیم و تازه مبلغ آن هم به دولت نمی رسد.

آقای اجتهادی شما گفتید که ما در ایران سیستمی نداریم که کالاها را رصد کند. از طرف دیگر طبق قانون جدید که احتمالا از چند وقت دیگر قرار است اجرایی شود مقرر شده که ۷۰ درصد رسیدگی به پرونده های قاچاق واگذار به سازمانی شده که تحت ریاست شما است. به نظر شما چقدر برای شما و سازمان تحت ریاست تان این ظرفیت وجود دارد که به مبارزه با قاچاق آن هم در این ابعاد بپردازید؟

اجتهادی: ما این ظرفیت را الان نداریم اما واقعا شروع به ظرفیت سازی کرده ایم. ما یک سری مصوبات از دولت داریم که طبق آن مصوبات تعیین شده است که چطور باید از قاچاق کالا و ارز پیشگیری کنیم. مقام معظم رهبری در این خصوص فرمودند که قاچاق برای قاچاقچی بر خلاف صرفه باشد و خلاصه انقدر ریسک آن بالا باشد که برای کسی صرف نکند به آن بپردازد. این مصوبات اخیر هم برای مبارزه با قاچاق اقداماتی را تعیین کرده بود که از ما خواست برای مبارزه با قاچاق به انجام آن کارها بپردازیم. همان مصوبات به شکل بهتری در لایحه دولت تنظیم شد که شاید بتوان آن را قانون مبارزه با قاچاق کالا نامید. توجه داشته باشید که الان بعد از حدود ۷۹ سال است که ما داریم اقدام به نوشتن قانون برای مبارزه با قاچاق می کنیم. یعنی قوانینی که تاکنون داشته ایم و هنوز هم در حال اجرا است مربوط به سال ۱۳۱۲ است. بعد از آن ما در سال ۸۴ یک قانون نحوه تعزیرات حکومتی در رابطه با قاچاق کالا و ارز را تصویب کردیم که بیشتر شکل رسیدگی به جرایم مربوط به قاچاق را عوض کرد. **حالا قانون جدید از کی قرار است اجرایی شود؟**

اجتهادی: یک سری ایراداتی دارد که ما از طرف مرکز پژوهش ها الان درگیرش هستیم و قرار است در کمیسیون اقتصادی مجلس با حضور نماینده محترم شورای نگهبان آن اشکالات برطرف شود و امیدواریم که در سال جاری بتواند به مرحله اجرا برسد. **دانشمند:** اما باور کنید ما تا اقتصاد شفاف نداشته باشیم باز هم شاهد این وضعیت در خصوص قاچاق خواهیم بود.

یکی از اقداماتی که برای کنترل کالاهای وارداتی و مبارزه با قاچاق کالا اجرایی شده طرح شبنم است. سؤال این است که آیا کسانی که می توانند با آن حجم گسترده اقدام به قاچاق کالا آن هم از طریق مرزهای رسمی کنند آیا واقعا اینکه شبنمی هم تهیه کنند و به روی کالاهای خود بچسبانند خیلی برای شان دشوار است؟

دانشمند: اول از همه من به عنوان یک بازرگان باید یک کالایی را از گمرک آورده باشم، جوازی برای من صادر شده باشد تا به کالای من شبنم اختصاص داده شود. البته درست است که قاچاقچیان می توانند این شبنم را یک جایی به صورت جعلی بر روی کالاهای خود بزنند و به همین دلیل هم لازم است که یک نهادی به کنترل این قضیه بپردازد. اما همانطور که پیشتر هم تاکید کردم قبل از مساله شبنم و هر اقدام دیگری تجارت شفاف است که ضرورت دارد. یعنی شفافیت سیستم به گمان من می تواند مفاسد اقتصادی و اداری را از بین ببرد. یک کارمند وزارتخانه در سوئیس اساسا نمی تواند رشوه بگیرد؛ چرا که در آنجا همه چیز روشن است و هر پولی که می گیرد مشخص است که از کجا به چه دلیل به حسابش وارد شده است. به همین دلیل است که او اصلا نمی تواند رشوه بگیرد. اگر معاملات ما تماما به سیستم بانکی منتقل شود اقتصاد ما رنگ سلامت به خودش خواهد گرفت. من نمی گویم در این صورت مفاسد اقتصادی ما به صفر می رسد اما باور کنیم که تخلفات اقتصادی به سمت صفر شدن میل می کند.

اجتهادی: ببینید در خصوص طرح شبنم خود من هم خیلی ایراد به آن دارم. در یک سری جلساتی که الان دیگر تعطیل شده ما خدمت آقای مهندس مفتاح می رسیدیم و در دفتر ایشان در وزارت صنایع سابق می گفتم ما در این طرح شبنم تا به حال که حسنی ندیدیم و فقط به محلل اجناس قاچاق تبدیل شد. **بهرامی:** احسنت. اصلا خود این شبنمها دارد به صورت قاچاق خرید و فروش می شود.

اجتهادی: حالا فرد می آید کالای قاچاق را وارد کشور می کند و بعد هم از اتحادیه برچسب های طرح شبنم را می گیرد و به محض اینکه ما به آقای مفتاح می گفتم یا باید این کالاها را بگیریم و برای شان تشکیل پرونده دهیم و یا اساسا باید آنها را رها کنیم و به سراغشان نرویم، آقای مفتاح می گفتند ایرادی ندارد و همه خرج آن تنها ۹۰ تومان است. یعنی یک برچسب شبنم به راحتی می توانست کالایی را که به صورت قاچاق وارد کشور شده را به کالای قانونی و غیر قاچاق تبدیل کند. **بهرامی:** این طرح اشکالات اجرایی بسیار زیادی دارد. اولاً قرار نبود که قیمت برچسب ۹۰ تومان باشد. خودکاری که قیمت آن ۱۰۰ تومان است را که نمی شود به روی آن برچسبی که قیمتش ۹۰ تومان است چسبانند. ضمن اینکه فردی می تواند ۱۰ هزار کالا را ثبت سفارش و

قاچاق در اقتصاد ایرانی

درباره هزینه‌هایی که مصرف کالاهای قاچاق بر اقتصاد کشور تحمیل می‌کند



■ علی نقیب
عضو هیات
نمایندگان اتاق
تهران

یکی دیگر از مشکلاتی که در نتیجه ورود کالاهای قاچاق به اقتصاد کشور به وجود می‌آید عدم پرداخت عوارض قانونی مربوط به ورود کالا و همچنین پنهان ماندن میزان گردش مالی آن و عدم پرداخت مالیات است که موجب کاهش درآمد دولت می‌شود و در عوض دولت باید از محل درآمدهای حاصل از مالیات و نفت، هزینه‌های سنگینی را برای جبران آثار سوء ناشی از واردات قاچاق در جامعه متحمل شود. امروزه اما اهمال دستگاه‌های نظارتی و مسئول در مبارزه با قاچاق محصولات آرایشی و بهداشتی خصوصا در حوزه وزارت بهداشت و عدم جمع‌آوری محصولات قاچاق شده از سطح بازار و همچنین عدم اطلاع رسانی عمومی به منظور هشدار به مردم در جهت استفاده نکردن از اینگونه محصولات، باعث شده که حتی در مراکز بزرگ خرید و فروش و توزیع محصولات آرایشی و بهداشتی شاهد عرضه وسیع کالاهای قاچاق و غیر قانونی باشیم. این در حالی است که تولیدکننده داخلی تحت سخت‌گیرانه‌ترین شرایط نظارتی توسط دستگاه‌هایی مانند وزارت بهداشت، موسسه استاندارد، سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و همچنین سایر دستگاه‌های ذیربط قرار داشته و کوچکترین مورد تخلف با اشد مجازات مواجه می‌شود.

بی شک توفیق در مبارزه با پدیده مذموم قاچاق کالا و جلوگیری از ورود کالای قاچاق شده به بازار داخلی، نیازمند عزم جدی و همراهی قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضاییه را در تصویب و اجرای صحیح و هماهنگ قوانین و دستورالعمل‌های اجرایی لازم و تعیین وظایف هریک از دستگاه‌ها و برخورد جدی با متخلفین است که در این صورت امنیت شغلی نیروی انسانی و حفظ فرصت‌های شغلی و استمرار فعالیت واحدهای تولیدی تضمین شده و در سایه این آینده‌نگری‌ها و تدابیر اقتصاد کشور می‌تواند در مسیر توسعه قدم برداشته و دست سوداگران اقتصادی را کوتاه کند. در همین راستا به نظر می‌رسد یکی از اقدامات و طرح‌های ارزشمندی که از تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۹۱ اجرایی شده طرح برچسب شبنم است که راهکار مناسبی برای مبارزه با معضل قاچاق محسوب می‌شود و در بسیاری از کشورها روش مشابه آن اجرا می‌شود که بر این اساس تمامی اقلام وارداتی ملزم به طی مراحل قانونی مربوطه و اخذ برچسب شبنم می‌شوند. درواقع به این وسیله کالاهای وارداتی صاحب شناسنامه شده تا هم مسئولین بتوانند نسبت به کنترل بازار براساس برچسب الصاقی بروی کالا و برخورد با عرضه کنندگان کالای غیرمجاز اقدام کنند و هم از سوی دیگر مصرف‌کنندگان با مشاهده برچسب شبنم و کنترل صحت اطلاعات مندرج بروی آن از طریق پیامک بتوانند اصالت آن کالا را تشخیص دهند.

در سال‌های اخیر رشد نگران‌کننده ورود کالاهای قاچاق و غیر مجاز به ایران به دلیل عدم برخورد مناسب و مسئولانه با این پدیده مخرب اقتصادی و ضعف در مدیریت کنترل بازار، به اقتصاد ایران آسیب‌های جدی وارد کرده است. بی‌توجهی‌ها موجب شده است که کالاهای قاچاق در قالب یک شبکه سازمان یافته قوی و قدرتمند غیررسمی در کشور توانایی خود را به رخ بکشد و همچون اختاپوس بر مجاری اقتصادی چنگ بیندازد و به دور از چشم دستگاه‌های کنترلی و نظارتی زیربط و بدون پرداخت حقوق قانونی مربوطه، در برخی از کالاها قدرت و نبض کنترل بازار را نیز در دست داشته باشد. در اینگونه موارد اگر تصور این باشد که شبکه قاچاق به صورت مافیایی عمل می‌کند، تصویری دور از واقعیت و سخنی به گراف نیست. قاچاق کالا و اقتصاد زیرزمینی نتیجه یک اقتصاد بیمار و بی‌برنامه است و بروز و ظهور کالاهای بی‌شناسنامه و غیر مجاز در بازار یک کشور آفتی است که علاوه بر مضراتی همچون رشد پول‌شویی و خروج ارز به صورت غیرقانونی از کشور و ورود کالاهای بی‌کیفیت، خطرات و زیان‌های فراوانی در رابطه با سلامت جامعه را نیز به همراه خواهد داشت. به خصوص ورود قاچاقی کالاهایی که ارتباط مستقیم با سلامت و بهداشت مردم دارند، ممکن است عواقب بسیار خطرناکی برای مصرف‌کننده کالا در پی داشته باشد. عواقبی که جبران و درمان آن نیز خود هزینه‌های بسیار سنگینی به جامعه تحمیل می‌کند از جمله اینکه بخشی از هزینه درمان و جبران آن باید با استفاده از خروج ارز از کشور به منظور تامین دارو و اقلام درمانی مورد نیاز صورت گیرد. از طرف دیگر ورود هر نوع کالای قاچاق علاوه بر اینکه سلامت عمومی را به مخاطره می‌اندازد موجب حذف فرصت‌های شغلی برای نیروی انسانی و افزایش نرخ بیکاری و همچنین رکود فعالیت واحدهای تولیدی در کشور خواهد شد. باتوجه به بازار پر مصرف محصولات بهداشتی و آرایشی در کشور ایران، وارد کردن قاچاق این محصولات انگیزه خوبی برای سودجویان فراهم می‌کند و سرمایه‌گذاری در ورود آن را بدون توجه به اثرات غیر انسانی ماجرا افزایش می‌دهد، به طوری که قریب به ۴۰ درصد اقلام آرایشی و بهداشتی خارجی موجود در بازار کشور را کالاهای غیر بهداشتی و بعضا بی‌کیفیت تشکیل می‌دهند که بخش عمده‌ای از آنها نام‌های شناخته‌نشده بین‌المللی هستند. این کالاهای ناشناخته یا به صورت تقلبی تولید شده و یا به دلیل پایان تاریخ مصرف و فاسد شدن به جای امحاء توسط قاچاقچیان کالا و در بدترین شرایط حمل‌ونقل و نگهداری وارد کشور شده و مصرف‌کننده ناآگاه به دلیل عدم اطلاع، آن را تهیه کرده و بعد از استفاده دچار مشکلات پوستی و سایر عوارض ناشی از آثار سوء برخی اقلام شیمیایی غیر مجازی می‌شود که در این کالاها به کار رفته است.

به صورت قانونی وارد کشور کند و از طرف دیگر ۲۰۰ هزار از همان کالا را نیز به صورت قاچاق وارد کند و بعد آن ۱۰ هزار کالا در واقع وسیله و پوششی باشد برای ۲۰۰ هزار کالایی که اصل قضیه است و او می‌تواند تمام کالاهای قاچاق را هم با طرح شبنم به فروش برساند...
اجتهادی: این ایرادات به خاطر همان عدم وجود ساختار است.

بهرامی: زیر ساخت‌ها، ساختار و همچنین زمان مناسب برای اجرایی کردن چنین طرحی از مهمترین مسائلی است که باید به آن توجه می‌شد. واقعیت این است که الان مادر بدترین شرایطی که نیازمند تسهیل شرایط اقتصادی‌مان هستیم قرار داریم و حالا آمده‌ایم یک ایستگاه به ایستگاه‌های دیگر واردات قانونی‌مان اضافه کرده‌ایم. این کار واقعا نابخردانه است. یعنی زمان اجرای این طرح با همه محسناتی که دارد به گونه‌ای است که می‌تواند در نطفه خفه شود و طوری شود که دیگر هرگز نتوان حتی نام شبنم را بر زبان آورد. این در حالی است که ما هنوز نتوانستیم فرم‌های تجارت رسمی‌مان را به فرم‌های واحدی تبدیل کنیم.

اجتهادی: اما اجازه بدهید این را عرض کنم که گرچه باید خیلی پیش‌تر از این‌ها زیر ساخت‌ها را فراهم می‌کردیم اما همین اندازه که توانستیم چنین فرایندی را شروع کنیم باید آن را به فال نیک بگیریم. **بهرامی:** البته به شرطی که تالی فاسد نداشته باشد...

اجتهادی: من فکر می‌کنم اگر این طرح به درستی راه‌اندازی شود و به درستی هم اجرا شود امکان جعل نخواهد داشت. چراکه این کار یک طرفش در دست فروشنده و طرف دیگر آن در سیستم نهاده‌ای شده است. اما ایراد من به این طرح این است که اگر کالایی برچسب طرح شبنم هم داشته باشد ولی همکاران ما به این نتیجه برسند که این کالا به صورت قاچاق وارد شده است ما خودمان را موظف به برخورد می‌دانیم. از طرف دیگر اگر از مغازه‌ای بازدید کردیم و دیدیم کالایی فاقد برچسب شبنم است اما اسناد و مدارکی دارد که نشان می‌دهد آن کالا به صورت قانونی وارد کشور شده است سازمان حمایت از مصرف‌کننده و شورای اصناف هر چقدر هم گزارش بدهند، ما برخورد نخواهیم کرد. توجه داشته باشید که طبق برخی مصوبات از ما خواسته بودند هر کالایی ولو به صورت قانونی وارد شده باشد اما در صورتی که مجهز به برچسب شبنم نباشد حکم قاچاق را دارد و مستلزم برخورد است.

البته این وضعیت ناهماهنگ بین دستگاه‌های

مختلف هم خودش می‌تواند به یک ابهام، سردرگمی و پیچیده شدن کار بیانجامد. اینگونه نیست؟

اجتهادی: من در پایان ضمن تشکر از مجله «آینده‌نگر» لازم می‌دانم عرض کنم که خیلی هم ناامید نباشیم. امسال را که مقام معظم رهبری سال حمایت از کار و سرمایه ایرانی نامیدند یکی از محورهای اصلی آن بحث مبارزه با قاچاق است. من هم به عنوان کسی که در یک دستگاه اجرایی مسئولیت دارم واقعا می‌بینم که در دولت برای مقابله و مبارزه با قاچاق اراده واقعی وجود دارد هر چند شاید ما در اجرا موفق نبوده‌ایم اما اراده برای محقق شدن شعار مقام معظم رهبری واقعا وجود داشته و دارد و امیدواریم که بخش خصوصی هم در این راستا به ما کمک کند.

بازار علیه بازار

نوسانات بازار ارز یکی از پیامدهای قاجاق است



■ **محمد رضا بهرامن**
عضو هیات
نمایندگان اتاق
تهران

قاجاق کالا پدیده‌ای اقتصادی و اجتماعی با پیامدهای گوناگون اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است که اقتصاد بسیاری از کشورهای جهان با آن دست و پنجه نرم می‌کند. در علم اقتصاد مشخصاً به ورود و خروج غیر قانونی کالا از مرزهای یک کشور، «قاجاق» گفته می‌شود و کالای اقتصادی که مورد قاجاق قرار می‌گیرد را کالای قاجاق می‌نامند.

در حقیقت قاجاق کالا موجب هرز رفتن انرژی جامعه، دامن زدن به بیکاری در کشور و رشد اقتصاد زیرزمینی می‌شود که خود پیامدهای اجتماعی و فرهنگی قابل بررسی زیادی دارد.

یکی از مضللات وجود پدیده قاجاق در یک کشور، ماهیت پنهان فعالیت‌های تولیدی غیر قانونی است که بدون ثبت در حساب‌های ملی یک کشور و بسته به میزان گستردگی حجم تولیدات، می‌تواند حساب‌های ملی و تحلیل‌های مرتبط با آن را دچار انحراف کند. بنابراین می‌توان گفت که بروز پدیده قاجاق علاوه بر اثرات نامطلوبی که بر آمار و اطلاعات اقتصادی هر کشور تحمیل می‌کند، می‌تواند به دقیق نبودن تحلیل‌های آماری پژوهش‌گران و تحلیل‌گران در حوزه‌های خرد و کلان اقتصاد منجر شده و در نهایت عدم تحقق صحیح اهداف سیاست‌های اتخاذ شده مختلف از سوی دولت را همراه داشته باشد.

دنبال دارد. در واقع شیوع پدیده قاجاق علاوه بر ضربه وارد کردن به تولید داخلی، حقوق مصرف‌کنندگان را نیز ضایع می‌کند. با بررسی کالاهای قاجاق وارداتی موجود در بازار ایران معلوم می‌شود که بسیاری از این کالاها فاقد ضمانت و نیز فاقد خدمات پس از فروش در کشور هستند. قاجاق همچنین باعث می‌شود انگیزه سرمایه‌گذاری مولد اقتصادی کاهش یابد، در نتیجه سرمایه به جای اینکه در امور مولد اقتصادی به کار گرفته شود و باعث تولید و اشتغال شود، به سوی قاجاق منحرف می‌شود و به این ترتیب بخشی از منافع در دسترس جامعه از چرخه اقتصاد مولد خارج می‌شود.

سرمایه‌گذاری در امور تولیدی کلید رونق فعالیت‌های اقتصادی، رشد تولید ناخالص داخلی، افزایش اشتغال، رشد درآمد سرانه و... است. رواج قاجاق کالا، موجب می‌شود که سرمایه‌گذاری در امور تولیدی و اشتغال‌زا کاهش یابد. در نتیجه زمینه اشتغال افراد و نیز تولیدات ملی و داخلی کاهش یافته و نیز منجر به کاهش درآمد سرانه و به تبع گسترش بیش از پیش فقر در جامعه می‌شود. نکته اینجاست که درآمدهای کلان و بادآورده نیز از این رهگذر نصیب قاچاقچیان می‌شود. گسترش قاجاق می‌تواند بر قیمت‌های بازار داخلی اثرات نامطلوبی به جا گذارد، زیرا تقاضای کل را افزایش می‌دهد و با محدودیت عرضه کالا به

واقعیت این است که دولت برای کمک به رشد اقتصادی و صنعتی کشور، غالباً سیاست‌های حمایت از صنایع داخلی خصوصاً نوپا را اتخاذ می‌کند. اما کالاهای مشابه خارجی که به صورت قاجاق وارد کشور می‌شوند، به علت نپرداختن حقوق گمرکی و سود بازرگانی (حقوق ورودی) قیمتی پایین‌تر از کالاهای تولید داخلی دارند. در نتیجه رقابت برای صنایع داخلی حتی در بازارهای داخلی هم دشوار می‌شود و چه بسا این مسئله به زیان‌دهی، ورشکستگی و در نهایت تعطیلی فعالیت واحدهای تولیدی و صنعت بیانجامد که این مسئله از یک طرف موجب بیکاری افراد مشغول به کار در این واحدهای تولیدی خواهد شد و از طرف دیگر رکود فعالیت‌های صنعتی را به دنبال خواهد داشت. بنابراین ورود کالای قاجاق، سیاست‌های اجرایی دولت را مختل ساخته و به عنوان تهدیدی برای تولیدات داخلی که توان کافی برای رقابت با تولیدات مشابه خارجی را ندارند، محسوب می‌شود.

قاجاق کالا همچنین در بازار ارزی کشور نیز اثرات منفی ایجاد می‌کند، بدین ترتیب که قاجاق کالا به علت افزایش تقاضای ارز در بازار آزاد با هدف واردات غیرقانونی کالا، موجب به هم خوردن تعادل عرضه و تقاضای ارز شده و نرخ ارز را افزایش می‌دهد که این امر فشارهای زیادی را متحمل پول رسمی کشور می‌کند و آثار تورمی زیادی به

آمار قاجاق واقعی نیست

راهکارهایی برای مبارزه بهینه و ریشه‌ای با پدیده قاجاق کالا

بر طبق مقررات ناصواب مربوطه می‌بایست تشریفات گمرکی آن در مرز انجام شود را ناگهان در میانه راه‌های کشور به جرم قاجاق متوقف می‌کنند و بعد هم جزو آمار قاجاق محسوب می‌شود و از این حیث صاحب کالا و راننده و کمپون خسارت می‌بینند. و یا اینکه کالاهای خارجی که به وفور در انبارها و مغازه‌های بنادر و دیگر مناطق مرزی وجود دارد قاجاق تلقی نمی‌کنیم و لیکن همین که خریداری شد و به وسیله وسایل حمل‌ونقل به شهری دیگر فرستاده شد قاجاق تلقی می‌شود. برخی هنوز به درستی تفاوت میان اتهام قاجاق و جرم قاجاق را نمی‌دانند و بدون اینکه پرونده مورد رسیدگی قرار گیرد و اتهام به اثبات برسد و حکم قاجاق توسط مرجع ذیصلاح صادر شود آن را جزو آمار قاجاق محسوب می‌کنند. آمار دادن‌های اینچنینی و برخوردهای ناصواب در امر تجارت و حمل‌ونقل جامعه را با التهاب و سردرگمی مواجه می‌کند و در این سردرگمی به واقعیت‌ها توجه نمی‌شود و تصمیمات اشتباه اتخاذ می‌شود و مشکل دیگری بر مشکلات قبلی اقتصاد کشور اضافه می‌شود. بارها مشاهده شده که در این بزنگامی‌های کارشناسان ذریبط نیز در جلسات کارشناسی به منظور جلوگیری از متهم شدن به هم‌دستی با قاچاقچیان جرات ابراز نظرات کارشناسی خود را ندارند.

تعیینات حکومتی و آیین‌نامه مربوطه این سازمان، در مناطقی که محاکم قضایی وجود ندارد و یا محاکم قضایی طرف مهلت یک ماه به پرونده‌های ارجاعی رسیدگی نکنند و یا حکم صادر نکنند، در صورت درخواست شاکی این سازمان می‌تواند از ابتدا یا از مرحله‌ای که پرونده را کد مانده به آن رسیدگی کند. این امر خود یک مشکل عمده دارد زیرا که سازمان تعزیرات حکومتی یک سازمان دولتی است و شاکیان پرونده‌های قاجاق نیز سازمان‌های دولتی هستند. لذا این مرجع نمی‌تواند نقش یک مرجع قضایی را ایفا کند و اعطای اختیار ضبط کالا و از همه مهم‌تر صدور حکم زندان تا دو سال و نیز صدور حکم شلاق تا ۷۴ ضربه توسط شعب سازمان مذکور امری خلاف اصول و قواعد مسلم دادرسی است.

از طرف دیگر بعضاً آمارهای عجیب و غریب واقعی از میزان قاجاق کالا در کشور ارایه می‌شود. واقعیت این است ارقامی که درباره آمار کشف قاجاق کالا در کشور اظهار می‌شود متناقض و به دور از واقعیت است. به نظر می‌رسد میزان قاجاق کمتر از آن چیزی است که توسط دستگاه‌های رسمی اعلام می‌شود. این اشتباه ناشی از عدم شناخت مقوله قاجاق است زیرا هر اتفاقی که به نظرمان خلاف است را قاجاق تلقی می‌کنیم. برای نمونه وسیله نقلیه‌ای که حامل کالایی است و

برای بررسی آسیب‌ها و مضرات پدیده قاجاق کالا در اقتصاد کشور قبل از هر چیز باید تعریفی از معنی و مفهوم قاجاق ارایه شود. واقعیت این است که تاکنون تعریف روشن و دقیقی از قاجاق ارایه نشده و در قوانین و مقررات مربوطه نیز بیشتر به مصادیق قاجاق اشاره شده و همین امر نیز یکی از موارد ضعف در مسئله مبارزه با قاجاق است. از طرف دیگر شاید به لحاظ پیچیدگی و ابعاد گسترده این مقوله ارایه تعریفی دقیق و جامع و شفاف از قاجاق ناممکن به نظر برسد. با اینهمه شاید این پرسش جای طرح داشته باشد که سیاست‌های تقنینی چگونه و چقدر می‌تواند در امر مبارزه با قاجاق موثر باشند؟ پاسخ این است: زمانی این امر محقق خواهد شد که قوانین وارداتی، صادراتی، مالیاتی و گمرکی هم‌پای قوانین کیفری باشند و با یکدیگر همخوانی داشته باشند. سیاست‌های تقنینی تنها بخشی از کار مبارزه با قاجاق است و تا اقتصاد کشور سروسامان نگیرد و بیکاری در کشور کاهش نیابد و تولید محصولات داخلی از کیفیت لازم برخوردار نشود و نیازهای وارداتی برطرف نشود، قوانین کیفری هرچند هم که شدید و سخت‌گیرانه باشد اما راهگشا نخواهد بود. اما خب نقش سازمان تعزیرات حکومتی در امر مبارزه با قاجاق کالا چیست؟ براساس قانون نحوه اعمال

■ **غلامحسین امیری**
عضو کمیسیون
حمل‌ونقل و
ارتباطات اتاق
بازرگانی تهران



آینده اقتصاد جهان

در سال ۲۰۱۳ جهان به کجا می‌رود؟

آینده‌نگر: سال گذشته در همین روزها بود که در آینده‌نگر ویژه‌نامه‌ای درباره «جهان در سال ۲۰۱۲» منتشر کردیم. امسال هم طبق همان روال گزیده تحلیل‌هایی از جمله پیش‌بینی‌های موسسه اکونومیست برای اقتصاد سال آینده را انتخاب کردیم تا ببینید که تحلیلگران جهان ۲۰۱۳ را چگونه می‌بینند. طبق معمول هم تکرار می‌کنیم که آینده را ننوشته‌اند و هر کدام از این پیش‌بینی‌ها ممکن است اشتباه از آب درآیند - همان طور که سردبیر اکونومیست در سرمقاله امسال به اشتباهات سال قبل آنها اعتراف کرده - اما بدون تردید با خواندن این ویژه‌نامه در برابر چالش‌ها و فرصت‌های سال آینده آماده‌تر خواهید بود. این شما و این جهان در سال ۲۰۱۳.

پیش‌بینی‌های «جهان در سال ۲۰۱۲» چقدر درست از آب درآمدند؟ می‌توان آنها را با المپیک لندن مقایسه کرد: چنداشتباه و چند لحظه غیرعادی، اما کلیت ماجرا به طرز شگفت‌آوری خوب برگزار شد. ما درباره بحران منطقه یورو درست حدس زدیم. انتظار داشتیم که سوراخ‌های نقشه نجات اکتبر ۲۰۱۱ بیش از پیش مشخص شوند و سیاستمداران تنبل اروپا همچنان کم‌کاری کنند - همین طور هم شد - اما ماریو دراگی، رئیس جدید بانک مرکزی اروپایی قدرت این را داشت که جلوی نابودی یورو را بگیرد، اگرچه هنوز اوضاع یورو سروسامان نگرفته و دراگی فقط از فروپاشی جلوگیری کرده است. ما گفته بودیم موسسات اعتبارسنجی رتبه اعتبار مالی فرانسه را پایین می‌آورند و اعتبار مالی فرانسه پایین آمد. پیش‌بینی کرده بودیم که سیلیویو برلوسکونی در ایتالیا جای خود را به نخست‌وزیری تکنوکرات می‌دهد که همین طور هم شد. ما گفته بودیم اگر انگلیس در سال ۲۰۱۲ فقط یک فصل دچار انقباض اقتصاد نشود شانس آورده است. انگلیس در سال ۲۰۱۲ وارد رکود W شکل شد، یعنی اول رکود، بعد دوره کوتاه رشد، و بعد رکود.



■ دانیل فرنکلین

سردبیر اکونومیست

ترجمه: کاوه شجاعی

اشتباهاتی هم داشتیم. ما پیش‌بینی کرده بودیم که مبارزات انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا پرهزینه و خشن خواهد بود که اینطور هم شد، اما گفته بودیم که حزب جمهوریخواه بخش اعظم سال ۲۰۱۲ را به جدال میان میت رامنی و ریک پری دو نامزد اصلی خود در انتخابات می‌گذرانند. اینگونه نشد و ریک پری افراطی خیلی زود از رقابت‌های درون حزبی کنار گذاشته شد.

اشتباه جدی‌تر ما در مورد سوریه بود. ما اصلاً فکر نمی‌کردیم که اوضاع سوریه این چنین خونبار شود. خوشبختانه ما قدرت‌گیری اسلام‌گرایان در پیامد بهار عربی را پیش‌بینی کرده بودیم و گفته بودیم که آنها راه عملگرایی را در پیش می‌گیرند.

ما به‌اشتباه گفتیم که تیم کوک رئیس شرکت اپل سال دشواری را پیش رو خواهد داشت. اینگونه نشد و سال ۲۰۱۲ سال موفقی برای اپل بود. و ما توفان سندی را هم پیش‌بینی نکردیم. پس با علم به اشتباهات گذشته‌مان این شماره «جهان در سال...» را بخوانید.



ژانویه

■ ایرلند ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را بر عهده می‌گیرد. انگلستان هم رئیس گروه هشت کشور صنعتی می‌شود.

■ لندن صد و پنجاهمین سالگرد تاسیس اولین خط آهن مسافرتی زیرزمینی در دنیا را جشن می‌گیرد.
■ مراسم تحلیف باراک اوباما در واشنگتن دی سی برگزار می‌شود تا او دومین دوره ریاست جمهوری‌اش را آغاز کند.

فوریه

■ آفریقای جنوبی میزبان بیست و نهمین دوره مسابقات فوتبال جام ملت‌های آفریقا می‌شود.
■ هشتاد و پنجمین دوره اهدای جوایز سینمایی اسکار در هالیوود برگزار می‌شود.
■ چینی‌ها در سراسر دنیا آغاز سال مار را جشن می‌گیرند. آنها مار را نشانه برکت، هوشمندی و دستاوردهای مادی می‌دانند.

مارس

■ لطفاً لبخند بزنید! سازمان ملل روز بین‌المللی شادی را در ۲۰ مارس گرامی می‌دارد.
■ پارلمان چین جلسه سالانه‌اش را برگزار و رسماً رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر را منصوب می‌کند.
■ انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی در کنیا برگزار می‌شود.

آوریل

■ دور دوم انتخابات ریاست جمهوری در اکوادور برگزار می‌شود.

می

■ صنعت فیلم هندوستان صد ساله می‌شود. اولین فیلم بلند هندی راجاها ریش چاندرام نام داشت که در ۱۹۱۳ بر پرده سینماها رفت.

ژوئن

■ در ایران انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌شود تا جانشین محمود احمدی‌نژاد پست ریاست جمهوری را از او تحویل بگیرد.

جولای

■ کرواسی به عنوان بیست و هشتمین عضو اتحادیه اروپا پذیرفته می‌شود. لیتوانی ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را بر عهده می‌گیرد.

سپتامبر

■ مردم آلمان، اتریش و نروژ در انتخابات عمومی شرکت می‌کنند.
■ اعضای کمیته بین‌المللی المپیک در بوینس آیرس جمع می‌شوند تا نام میزبان مسابقات المپیک تابستانی ۲۰۲۰ را اعلام کنند.
■ ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه میزبانی سران جهان را بر عهده می‌گیرد که برای شرکت در اجلاس گروه ۲۰ به سنت پترزبورگ می‌آیند.

اکتبر

■ در جمهوری آذربایجان انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌شود.

نوامبر

■ عاشقان رمز و راز و مدافعان نظریه توطئه، پنجاهمین سالگرد ترور جان اف. کندی را گرامی می‌دارند.
■ ناسا فضایی‌های مایون را برای مأموریتی یک ساله به مریخ می‌فرستد.
■ سران کشورهای مشترک المنافع برای شرکت در اجلاس دوسالانه خود در سریلانکا جمع می‌شوند.



آینده نگری در پنج قاره

پیش بینی های کوتاه برای ۸۰ کشور مهم جهان

میزان تورم، اوضاع کسری بودجه یا تولید ناخالص داخلی

کشورهای دیگر در سال آینده را از همین حالا بدانید تا در ماه های بعد غافلگیر نشوید.

الجزایر

رشد تولید ناخالص داخلی: ۵ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۶۸۱۰ دلار
تورم: ۳.۴ درصد
توازن بودجه ای: ۲.۹- درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۲۷.۱ میلیون نفر



انتخابات ریاست جمهوری که قرار است در سال ۲۰۱۴ برگزار شود صحنه سیاسی الجزایر را در سال جاری تحت

تأثیر خود قرار خواهد داد. هنوز مشخص نیست چه کسی می تواند جایگزین عبدالعزیز بوتفلیقه شود که از ۱۹۹۹ تاکنون - سه دوره - رئیس جمهور الجزایر بوده و احتمالاً به خاطر سن بالای خود در دور بعدی شرکت نخواهد کرد. احتمال وقوع ناآرامی های اجتماعی اما در الجزیره خیلی بالا نیست چرا که هم ارتش قدرتمند است، هم مردم خاطره جنگ داخلی قبلی را فراموش نکرده اند و هم اصلاحات سیاسی محدودی در کشور انجام شده است. درآمدهای صادرات نفت و گاز باعث افزایش سرمایه گذاری های دولتی در حوزه های مختلف خواهد شد در نتیجه اوضاع اقتصادی بهبود می یابد. *تولید ناخالص داخلی ارزش مجموع کالاها و خدماتی است که طی یک سال، در یک کشور تولید می شود.

■ ■

آنگولا

رشد تولید ناخالص داخلی: ۷ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۶۸۶۰ دلار
تورم: ۸.۶ درصد
توازن بودجه ای: ۷.۳ درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۲۰.۷ میلیون نفر

قرار است انتخابات شهرداری ها در سال ۲۰۱۳ یا ۱۴ برگزار شود و این بهترین فرصت مخالفان دولت برای عرض اندام به حساب می آید چرا که در مقیاس کشوری، حوزه ادواردو دوس سانتوس رئیس جمهور (از ۱۹۷۹) و حزبش قدرت را چسبیده اند و رهانمی کنند. رئیس جمهور بدون تردید از خزانه پرپول کشور برای تقویت و جلب رضایت حامیان استفاده خواهد کرد. به کمک افزایش تولید نفت و قیمت بالای آن، اقتصاد آنگولا در سال ۲۰۱۳ روزهای خوشی را سپری خواهد کرد.



■ ■

کامرون

رشد تولید ناخالص داخلی: ۴.۷ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۳۱۰ دلار
تورم: ۳.۱ درصد
توازن بودجه ای: ۰.۷- درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۲۱ میلیون نفر



حزب حاکم در انتخابات به تعویق افتاده ای که قرار است اوایل امسال برگزار شود برنده خواهد بود و این یعنی اوضاع در کامرون مثل همیشه خواهد ماند. پال بیا، رئیس جمهور، حدود چهار دهه است که قدرت را در اختیار دارد و حالا وارد نهمین دهه زندگی اش می شود. بزرگترین دشمن او پیری و ناتوانی ناشی از آن است و متأسفانه هیچ مکانیسمی برای انتقال قدرت در این کشور وجود ندارد و معلوم نیست جدال بر سر جانشینی او به کجا منجر خواهد شد. کامرون کشوری غنی به حساب می آید و در سال آینده شرکت های چینی بیشتری به طمع

منابع طبیعی اش به آنجا هجوم خواهند آورد.

■ ■

مصر

رشد تولید ناخالص داخلی: ۷ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۳۰۰۰ دلار
تورم: ۹.۱ درصد
توازن بودجه ای: ۱۱.۲- درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۸۵.۶ میلیون نفر



هنوز اوضاع کشور آرام نشده و باید دید توازن قوا میان محمد مرسی رئیس جمهور اسلام گرای کشور، قانونگذاران و ارتش

سکولار چطور رقم می خورد. انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۳ نشان خواهد داد که اوضاع مصر به کدام سمت خواهد رفت. اوضاع اقتصاد بهتر خواهد شد، اما نه خیلی زیاد.

■ ■

عراق

رشد تولید ناخالص داخلی: ۸.۲ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۵۸۹۰ دلار
تورم: ۵.۳ درصد
توازن بودجه ای: ۴.۲ درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۳۳.۹ میلیون نفر



دولت وحدت ملی آنچنان هم باعث وحدت نشده و به احتمال زیاد هر چه بگذرد چند دستگی در آن افزایش خواهد یافت، اما پیکارها در عرصه سیاسی خواهد بود نه در میدان جنگ. شرکت های بزرگ نفتی برای استخراج نفت عراق رقابت سختی خواهند داشت و افزایش تولید نفت باعث تداوم رشد بالای ۸ درصدی اقتصاد می شود.

ایران

رشد تولید ناخالص داخلی: ۱.۱- درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۶۹۷۰ دلار

تورم: ۲۱ درصد

توازن بودجه‌ای: ۵.۹- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۷۷.۶ میلیون نفر



طبق قانون اساسی، محمود احمدی‌نژاد نمی‌تواند برای سومین بار در انتخابات شرکت کند و ایرانیان شاهد پایان دوره

او در ماه ژوئن خواهند بود. حمایت گسترده داخلی از برنامه اتمی ایران به معنای تداوم تحریم‌های غرب است و تهدید جنگ اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۳ منقبض خواهد شد. در مورد تهدیدات اسرائیل هم باید گفت که اگر چه دولت نتانیاهو احتمالاً در سال آینده راست‌گراتر خواهد شد، اما به احتمال زیاد علیه تاسیسات اتمی دست به حمله نمی‌زد. البته آنها تلاش می‌کنند تهدید حمله را خیلی جدی نشان دهند.

اتیوپی

رشد تولید ناخالص داخلی: ۷.۵ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۴۹۱ دلار

تورم: ۱۰.۸ درصد

توازن بودجه‌ای: ۳.۵- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۷۸.۴ میلیون نفر



اوضاع دانداری و کشاورزی در اتیوپی خوب خواهد بود و این به نفع اقتصادی است که آرام آرام تجاری می‌شود. بهبود وضعیت زیرساخت‌های کشور باعث شده صنایع اتیوپی با سرعت بیشتری به پیش بروند. امسال هم اقتصاد اتیوپی شاهد رشد خوبی خواهد بود.

اردن

رشد تولید ناخالص داخلی: ۳.۸ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۵۱۱۰ دلار

تورم: ۳.۵ درصد

توازن بودجه‌ای: ۱۱- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۶.۶ میلیون نفر



اصلاحات نیم‌پند سیاسی شاه اردن نتوانسته مردم این کشور را که از بهار عربی الهام گرفته‌اند آرام کند. دولت مجبور شده طرح ریاضت مالی را اجرا کند و این باعث نارضایتی بیشتر شده است. اما مخالفان بیشتر حرف می‌زنند و آن چنان اهل عمل نیستند، به علاوه ارتش قدرتمند اردن کاملاً به عبدالله دوم وفادار است. اقتصاد کشور به خاطر تقاضای پایین در داخل و خارج دچار مشکل شده است اما رشد اقتصاد سرعت خواهد گرفت.

کنا

رشد تولید ناخالص داخلی: ۴.۸ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۹۴۶ دلار

تورم: ۵.۶ درصد

توازن بودجه‌ای: ۶.۱- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۴۳.۹ میلیون نفر



انتخابات مارس ۲۰۱۳ که اولین رای‌گیری پس از تصویب قانون اساسی جدید به حساب می‌آید احتمالاً باعث انتقال نرم قدرت و دوره‌ای از ثبات خواهد شد. رایا اودینگا نخست‌وزیر کشور احتمالاً رئیس‌جمهور کنونی موی کیباکی را در انتخابات شکست می‌دهد. اگر چه پایان دادن به اختلافات عمیقی که پس از انتخابات مشکوک ۲۰۰۷ و خشونت‌های پس از آن رخ داد دشوار به نظر می‌رسد اما محاکمه چهار تن از سیاستمداران متهم به شرکت در کشتار مردم - که از آوریل در لاهه آغاز شده - احتمالاً باعث کاهش تنش میان گروه‌های مختلف مردم خواهد شد. دولت بسته‌های محرک مالی به اقتصاد تزریق کرده و این باعث افزایش تقاضا و در نتیجه حفظ روند رشد کنونی اقتصاد است.

لبنان

رشد تولید ناخالص داخلی: ۳ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۱۱۳۰ دلار

تورم: ۲.۲ درصد

توازن بودجه‌ای: ۶.۸- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۴.۴ میلیون نفر



سر و صدای دعوی کشورهای همسایه لبنان، همیشه در خیابان‌های بیروت شنیده می‌شود و با تداوم شورش‌ها در سوریه، سال ۲۰۱۳ سال آرامی برای لبنان نخواهد بود. اعضای دولت نجیب میقاتی عموماً حامی رژیم سوریه‌اند و مخالفان دولت از مخالفان اسد حمایت می‌کنند. اگر چه احزاب لبنان خواستار آرامش هواداران‌شان شده‌اند، اما گروه‌هایی که این احزاب نمایندگی‌شان را برعهده دارند احتمالاً در سال ۲۰۱۳ جدال را به خیابان‌ها می‌کشانند.

لیبی

رشد تولید ناخالص داخلی: ۱۲.۲ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۶۷۲۰ دلار

تورم: ۳.۳ درصد

توازن بودجه‌ای: ۱۱.۹ درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۶.۳ میلیون نفر



تاسیس نظام کارآمد سیاسی بر ویرانه‌های لیبی معمر قذافی آسان نخواهد بود. علی زیدان نخست‌وزیر انتخاب شده توسط نمایندگان مجلس بر روند نوشتن قانون اساسی جدید لیبی نظارت خواهد کرد. عمر دولت انتقالی زیدان کوتاه خواهد بود چرا که او تا زمان برگزاری انتخابات جدید بر اساس قانون اساسی جدید بر سر کار خواهد ماند. اقتصاد کشور که در جریان جنگ داخلی موافقان و مخالفان قذافی فلج شده بود به حالت قبل بازخواهد گشت اما رشد از ۳۰ درصد سال ۲۰۱۲ به ۱۲ درصد خواهد رسید.

مراکش

رشد تولید ناخالص داخلی: ۴ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۲۹۶۰ دلار

تورم: ۲.۲ درصد

توازن بودجه‌ای: ۶.۷- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۳۳.۴ میلیون نفر



اعتراضات به شیوه بهار عربی به مراکش هم رسید اما به ملک محمد ششم پادشاه این کشور ضربهای وارد نکرد، اگرچه باعث اصلاحات در قانون اساسی و موجی از سرمایه‌گذاری در بخش مسکن و زیرساخت‌ها شد. دولت در سال ۲۰۱۳ بر حوزه‌های رفاه اجتماعی، آموزش و بهداشت تمرکز خواهد کرد و رشد اقتصادی همچنان زیر ۵.۵ درصد خواهد بود که دولت رسیدن به آن را هدف خود قرار داده است.

نیجریه

رشد تولید ناخالص داخلی: ۶.۷ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۵۶۰ دلار

تورم: ۱۰.۷ درصد

توازن بودجه‌ای: ۲- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۱۷۴.۵ میلیون نفر



گوداک جاناتان رئیس‌جمهور نیجریه با چالش‌های فراوانی روبروست اما در سال ۲۰۱۳ سقوط نخواهد کرد. تنش میان گروه‌های شبه نظامی اسلام‌گرا در شمال و مسیحیان در جنوب کشور باعث ضربه خوردن پروژه‌های زیربنایی خواهد شد. باین حال اقتصاد به رشد بالای ۶ درصدی خود ادامه خواهد داد.

عربستان سعودی

رشد تولید ناخالص داخلی: ۴.۳ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۲۱۰۴۰ دلار

تورم: ۴.۵ درصد

توازن بودجه‌ای: ۲.۷ درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۲۹.۸ میلیون نفر



اولین نسل از وارثان حکومت آل سعود در عربستان سعودی یا مردانند یا بیماری جدی دارند و این یعنی اوضاع عربستان تا اندازه‌ای آتش زیر خاکستر است. اگرچه این روند حکمرانی این خاندان را مورد تهدید واقعی قرار نمی‌دهد. اگرچه حاکمان سعودی از اصلاحات صحبت می‌کنند و خواهند کرد اما احزاب سیاسی در سال ۲۰۱۳ هم غیرقانونی خواهند ماند. در این میان کشور آرام آرام به سمت خصوصی سازی حرکت خواهد کرد. طرح‌هایی در دست است که اگر مورد تایید قرار بگیرند هفته کاری در بخش خصوصی ۵ روزه خواهد شد - به جای ۶ روز - و این بدون شک به افزایش تمایل سعودی‌ها به کار در شرکت‌های خصوصی منجر می‌شود.

آفریقای جنوبی

رشد تولید ناخالص داخلی: ۳ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۷۵۸۰ دلار

تورم: ۴.۲ درصد

توازن بودجه‌ای: ۵- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۴۸.۶ میلیون نفر



جاکوب زوما، رهبر کنگره آفریقا - حزب حاکم - و رئیس‌جمهور برای بقا ائتلافی از میانه‌روها و چپ‌گرایان تشکیل

عربستان آرام

آرام به سمت

خصوصی سازی

حرکت خواهد

کرد. طرح‌هایی

در دست است که

اگر مورد تایید

قرار بگیرد هفته

کاری در بخش

خصوصی ۵ روزه

خواهد شد - به

جای ۶ روز - و

این بدون شک به

افزایش تمایل

سعودی‌ها به کار

در شرکت‌های

خصوصی منجر

می‌شود

داده و احتمالاً در سال ۲۰۱۳ میان‌روها قدرت بیشتری در ائتلاف حاکم خواهند یافت. این باعث اعتراضات فقرا و بی‌زمینان می‌شود. دولت بسته‌های محرک مالی به اقتصاد تزریق می‌کند و همین باعث تکان خوردن آن خواهد شد، اما رشد همچنان پایین‌تر از توان بالقوه کشور خواهد بود.

امارات متحده عربی

رشد تولید ناخالص داخلی: ۴.۳ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۵۶۹۴۰ دلار
تورم: ۲.۲ درصد
توازن بودجه‌ای: ۲.۳ درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۷.۹ میلیون نفر



سیاست در اینجا مسئله‌ای مربوط به خانواده‌های سلطنتی است و اکثریت ساکنان این امارت، با این نوع زندگی مشکلی ندارند، اما اقلیتی ناراضی هم در اینجا حضور دارند که البته به خاطر ترس از سرکوب حتمی، سر و صدا نخواهند کرد. در سال ۲۰۱۳ هم خلیفه بن زاید آل نهیان رئیس‌جمهور امارات، به حکمرانی شاهانه‌اش ادامه خواهد داد، اگر چه خیلی اوقات خانواده‌های حاکم بر ۷ امارت از دستورات او راضی نخواهند بود.

زیمبابوه

رشد تولید ناخالص داخلی: ۲.۲ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۹۷ دلار
تورم: ۸ درصد
توازن بودجه‌ای: ۴.۴ درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۱۲.۶ میلیون نفر



اگر قانون اساسی جدیدی تأیید شود احتمال برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۳ وجود دارد. اگر به دموکراسی اجازه ظهور دهند مورگان چانگیزی نخست‌وزیر و رهبر حزب مخالف که به همراه رابرت موگابه رئیس‌جمهور دولت وحدت ملی تشکیل داده است، در انتخابات پیروز خواهد شد. اما مسئله اینجاست که رابرت موگابه بیش از سه دهه است که قدرت را قبضه کرده و احتمالاً هر کاری خواهد کرد که از جای کنونی‌اش تکان نخورد.

کانادا

رشد تولید ناخالص داخلی: ۱.۹ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۵۳۱۶۰ دلار
تورم: ۱.۹ درصد
توازن بودجه‌ای: ۲.۳ درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۳۵ میلیون نفر



جدایی طلبان کبکی دوباره بر این استان حکومت می‌کنند اما این دولت اقلیت در وضعیتی نیست که بتواند مسئله استقلال را به رفراندوم بگذارد. و این یعنی حزب محافظه‌کار کانادا که حالا بعد از هفت سال رهبری دولت اقلیت، کنترل کامل اوضاع کشور را در دست گرفته، در دسره‌های زیادی نخواهد داشت. دولت احتمالاً به دنبال

اصلاح قوانین مالیاتی، کاهش سخت‌گیری‌های مالی و مقابله جدی‌تر با جرم و جنایت خواهد بود و اقتصاد هم که به خاطر بهای بالای اجناس تکان خورده به رشد حدود ۲ درصدی‌اش ادامه خواهد داد.

ایالات متحده

رشد تولید ناخالص داخلی: ۲.۱ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۵۱۵۲۵ دلار
تورم: ۲.۱ درصد
توازن بودجه‌ای: ۶.۱ درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۳۱۷ میلیون نفر



آمریکا در آستانه یک پرنگاه مالی قرار گرفته است. پرنگاه مالی (یا صخره مالی آمریکا) اصطلاحی است که به آثار اقتصادی تعدادی از قوانین آمریکا اشاره دارد که (اگر تغییر نکنند) از ابتدای سال ۲۰۱۳ به افزایش مالیات‌ها، کاهش هزینه‌های دولت و به تبع آن کاهش کسری بودجه منجر می‌شود. مسئله اینجاست که اگرچه این قوانین باعث کاهش کسری بودجه هنگامت آمریکا می‌شوند اما این کشور را وارد یک رکود دیگر می‌کنند. ممکن است کنگره در آخرین لحظه با توافقی جلوی اجرای این قوانین را بگیرد و برای اوباما زمان بخرد تا او بتواند به راه حل معقول‌تری برای بحران مالی آمریکا دست پیدا کند. بانک مرکزی در آمریکا همچنان به چاپ اسکناس ادامه می‌دهد و این رشد تولید ناخالص داخلی را در همان حدود ۲ درصد حفظ خواهد کرد.

آرژانتین

رشد تولید ناخالص داخلی: ۲.۶ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۲۴۹۰ دلار
تورم: ۹.۳ درصد
توازن بودجه‌ای: ۲.۴ درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۴۱.۷ میلیون نفر



سال‌ها سیاست‌های فی‌البداهه کریستینا فناندز کرچنر رئیس‌جمهور آرژانتین این کشور را در وضعیت مخاطره‌آمیزی قرار داده است. تورم بالاست، فساد اداری وحشتناک است و دولت به سختی می‌تواند حقوق کارمندان را بدهد و به همین خاطر آرژانتین به بمب ساعتی‌ای با چندین فتنه شبیه شده است. تاکتیک‌های کهنه این بار جواب نمی‌دهند. دولت نه توانایی تغییر سیاست‌هایش را دارد و نه می‌تواند به رشد اقتصادی بالای شرکای تجاری‌اش امید ببندد. (چون رشد اقتصادی هیچ کدام از این شرکا مثل گذشته بالا نیست و بازرگانی با آنها مثل گذشته سود ندارد). پس خاتم کرچنر در سال ۲۰۱۳ باید با اعتراضات سازمان یافته و سازمان نیافته فراوانی دست و پنجه نرم کند.

مکزیک

رشد تولید ناخالص داخلی: ۳.۷ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۰۴۲۰ دلار
تورم: ۴ درصد
توازن بودجه‌ای: ۱.۴ درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۱۱۶.۲ میلیون نفر

حزب انقلابی نهادین بعد از یک دوره فترت ۱۲ ساله دوباره قدرت را در دست گرفته اما آنها با اختلاف اندکی در



انتخابات پیروز شده‌اند: اکثریت قاطع به حساب نمی‌آیند و برنامه اصلاحی‌شان سنگین و دشوار است پس آنها روزهای بی‌دردسری را پیش رو ندارند. انریکو پنا نیتو تلاش خواهد کرد پیش از سر و کله زدن با موضوعات پیچیده اصلی - مثل اصلاحات در قانون کار یا آزادسازی قوانین انرژی - در مسائل ساده‌تری پیروزی‌های آسان به دست آورد. احزاب دسته راستی مخالف دولت، موافق این اصلاحاتند و احزاب دست چپی اتحاد لازم را ندارند. دورنمای اقتصاد مکزیک همچنان به بازار آمریکا وابسته است اما مکزیک در سال ۲۰۱۳ بیشتر از گذشته از وضعیت خوب صادرات کارخانه‌های خود سود خواهد برد. ارزش پایین پزو، واحد پول مکزیک، به نفع کارخانه‌های خودروسازی آمریکایی و آسیایی (به خصوص ژاپنی) مستقر در مکزیک است و سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور در سال ۲۰۱۳ روند رو به رشد خود را ادامه خواهد داد.

بولیوی

رشد تولید ناخالص داخلی: ۴.۷ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۲۸۲۰ دلار
تورم: ۶.۲ درصد
توازن بودجه‌ای: ۰.۵ درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۱۰.۴ میلیون نفر



شکاف میان وعده‌های دولت چپ‌گرای ایوو مورالس و زندگی واقعی در حال افزایش است. اما دولت از فروش ثروت بادآورده گاز طبیعی استفاده می‌کند و با خرج کردن در جامعه - و نه امور زیربنایی - جلوی نارضایتی‌ها را می‌گیرد. صادرات گاز طبیعی یعنی اوضاع مالی و بازرگانی بولیوی خوب است و اقتصاد رشد خواهد داشت. این روند و همچنین چنددستگی میان مخالفان به این معناست که مورالس در سال ۲۰۱۴ برای سومین بار رئیس‌جمهور بولیوی خواهد شد.

برزیل

رشد تولید ناخالص داخلی: ۴.۲ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۲۶۷۰ دلار
تورم: ۵.۵ درصد
توازن بودجه‌ای: ۲.۲ درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۱۹۶.۵ میلیون نفر



دیلماسی روسف، رئیس‌جمهور برزیل علیه فساد و پارتی بازی موضع سختگیرانه‌ای اتخاذ کرده و رای دهندگان او را دوست دارند. اما او در میان اعضای پرشمار ائتلاف خود آنقدرها هم محبوب نیست چرا که در ازای وفاداری به دنبال سمت‌های دولتی و دیگر الطاف رئیس‌جمهور هستند. این شرکای اشکال تراش بیشتر از مخالفان سردرگم دولت باعث دردسر خواهند شد و نخواهند گذاشت مجلس قوانین مورد نیاز رئیس‌جمهور را به راحتی امضا کند. باین همه برنامه اصلاحات برزیل از مدت‌ها پیش دقیقاً مشخص شده و در سال ۲۰۱۳ باید منتظر پیشرفت‌هایی هر چند کوچک

خواهیم بود. اقتصاد بعد از یک سال کاهش رشد، رشد تقریباً مناسبی را پیش رو خواهد داشت.

■ ■

کوبا

رشد تولید ناخالص داخلی: ۴.۴ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۶۰۴۰ دلار

تورم: ۶ درصد

توازن بودجه‌ای: ۲.۶- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۱۱.۲ میلیون نفر

با پیر شدن دو برادر، عصر کاستروها در کوبا واقعا به پایان خود نزدیک می‌شود: رائول برادر کوچکتر و رهبر کنونی در سال ۲۰۱۳ هشتاد و دو ساله می‌شود. ستون‌های نظم کهنه - از استخدا همگانی در بخش دولتی و سهمیه غذای دولتی - آرام آرام ناپدید می‌شوند و کسب‌وکارهای خصوصی و نیروهای بازار نقش بیشتری را برعهده می‌گیرند. با این حال روند این جایگزینی مشخص نیست و کسی نسل بعدی رهبران کوبا را نمی‌شناسد.

■ ■

باراگوئه

رشد تولید ناخالص داخلی: ۶ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۳۴۶۰ دلار

تورم: ۴.۸ درصد

توازن بودجه‌ای: ۱.۵- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۶.۸ میلیون نفر

بی ثباتی سیاسی سال ۲۰۱۲ که باعث استیضاح و برکناری فرناندو لگوو رئیس جمهور چپ‌گرای پاراگوئه شد، در دوران ریاست موقت فردریکو گارسیا معاون او بر کشور در سال ۲۰۱۳ هم ادامه خواهد داشت چرا که کشور برای انتخابات ماه آوریل آماده می‌شود. هوراسیو کارتر، نامزد احتمالی حزب دست راستی کلرادو بیشترین احتمال پیروزی را دارد اما حزب او احتمالا نمی‌تواند اکثریت را از آن خود کند. تنش‌های اجتماعی در کشور در حال افزایش است و دولت باید با کشاورزان بی‌زمین، حامیان عصبانی لوگو و چریک‌های دست چپی دست پنجه نرم کند. سخاوتمندی‌های پیش از انتخابات، آب و هوای بهتر برای کشاورزی و همچنین تقاضای بیشتر برزیل برای صادرات از پاراگوئه باعث افزایش تولید ناخالص داخلی می‌شود.

■ ■

پرو

رشد تولید ناخالص داخلی: ۶.۱ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۶۹۵۰ دلار

تورم: ۲.۱ درصد

توازن بودجه‌ای: ۱.۵ درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۳۱.۲ میلیون نفر

اویانتا هومالا، دومین سال ریاست جمهوری‌اش برنامه‌های میان‌روانه را با هدف حمایت از بازرگانی داخلی و خارجی پیش خواهد برد و مردم که در دوران مبارزات انتخاباتی او را چپ‌گرا به حساب آورده بودند غافلگیر خواهند شد. پس مهم‌ترین چالش او خیانت به انتظارات مردمی است: او رای آنها را از دست خواهد داد و البته چپ‌ها هم

دشمن او خواهند شد. باین حال بهای بالای فلزات و همچنین افزایش ظرفیت کشور در حوزه معدن باعث تقویت اقتصاد پرو خواهد شد.

■ ■

اروگوئه

رشد تولید ناخالص داخلی: ۴ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۴۸۷۰ دلار

تورم: ۶.۷ درصد

توازن بودجه‌ای: ۱.۱- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۳.۴ میلیون نفر

سیاست‌های دولت همچنان به نفع تاجر خواهد بود، اما حوزه موخیکا، رئیس جمهور این کشور مجبور است با جناح چپ در ائتلاف چپ میانه‌ای که او با کمک آنها دولت تشکیل داده دست و پنجه نرم کند و این باعث کند شدن روند اصلاحات می‌شود. البته تلاش‌های او برای اصلاحات که با هدف جلب رضایت سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی صورت می‌گیرد، مورد حمایت اپوزیسیون دست راستی قرار دارد، اما با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ باید منتظر فاصله گرفتن طرفین باشیم. مصرف‌کنندگان اروگوئه‌ای بیشتر از قبل خرید می‌کنند و این به نفع رشد اقتصادی کشور است.

■ ■

ونزوئلا

رشد تولید ناخالص داخلی: ۱.۴ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۲۹۶۰ دلار

تورم: ۳۱ درصد

توازن بودجه‌ای: ۶.۷- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۳۰ میلیون نفر

اگر اوضاع سلامتی‌اش اجازه دهد، هوگو چاوز چهارمین دوره پیاپی رئیس جمهوری‌اش را در سال ۲۰۱۳ آغاز خواهد کرد، اما سرطانی سخت باعث شده آینده چاوز و ونزوئلا در ابهام فرو رود. مخالفان چاوز اخیرا نشان دادند که بعد از سالها چند دستگی توانایی اتحاد را دارند و در سال ۲۰۱۳ همچنان بر چاوز فشار خواهند آورد. دولت در خرج کردن درآمدهای نفتی بی‌برنامه است و اقتصاد اوضاع خوبی ندارد. در ماههای آینده هم تورم بالا خواهد رفت و هم سرمایه‌داران ثروت خود را از کشور بیشتر خارج خواهند کرد.

■ ■

شیلی

رشد تولید ناخالص داخلی: ۴.۷ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۶۳۷۰ دلار

تورم: ۲.۶ درصد

توازن بودجه‌ای: ۱.۷ درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۱۷.۶ میلیون نفر

میشل باشله، رئیس جمهور سابق شیلی به احتمال زیاد پس از انتخابات ماه نوامبر به عنوان رهبر ائتلاف چپ میانه به دولت باز خواهد گشت و جایگزین سباستین پینرای راست‌گرا خواهد شد که بر اساس قانون اساسی دیگر نمی‌تواند در انتخابات نامزد شود. البته‌تاین تغییر دولت تاثیر چندانی بر سیاست‌های اقتصادی نخواهد گذاشت:

هر دو طرف مدافع سیاست‌های سخت‌گیرانه مالی و توسعه به نفع بازار آزاد هستند. اقتصاد آزاد شیلی اگر چه در برابر نوسانات بازار آسیب‌پذیر می‌نماید، اما در سال ۲۰۱۳ عملکرد خوبی خواهد داشت.

■ ■

کلمبیا

رشد تولید ناخالص داخلی: ۴.۶ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۷۹۶۰ دلار

تورم: ۳.۱ درصد

توازن بودجه‌ای: ۰.۵- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۴۸.۸ میلیون نفر

خوان مانوئل سانتوس، رئیس جمهور برزیل پس از شروعی قدرتمند در حوزه‌های مالی و امنیتی، ضعیف عمل کرد و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی او در سال ۲۰۱۳ تلاشی برای جلوگیری از افزایش شکاف ائتلاف حاکم و کاهش حمایت عمومی خواهد بود. اقتصاد کشور با چالش کاهش صادرات روبرو خواهد بود اما پروژه‌های زیربنایی و مصرف داخلی باعث رشد اقتصاد می‌شوند. آلواریو اوربیه، رئیس جمهور محبوب قبلی اگر چه بر اساس قانون اساسی نمی‌تواند در انتخابات شرکت کند اما ممکن است ائتلافی از راست‌گرایان را تشکیل دهد و پست معاونت ریاست جمهوری را نشانه بگیرد.

■ ■

اکوادور

رشد تولید ناخالص داخلی: ۴ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۵۰۶۰ دلار

تورم: ۵ درصد

توازن بودجه‌ای: ۱.۷- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۱۵.۱ میلیون نفر

رافائل کوره آ، رئیس جمهور اکوادور با نیروهایی سیاسی دست و پنجه نرم می‌کند که اگر چه به شدت با پوپولیسیم دست چپی او مخالفند اما خود درگیر اختلاف نظرهای ایدئولوژیک هستند. به همین خاطر، اگر چه او در دوره اول ریاست جمهوری‌اش بخشی از اقبال عمومی را از دست داده، اما احتمالا در انتخابات ماه فوریه پیروز میدان خواهد بود. با ضعف بازارهای نفتی، او احتمالا در پیشبرد سیاست‌های اقتصادی‌اش - که هدفی جز جلب رضایت توده‌ها ندارد - دچار مشکل خواهد شد.

■ ■

قزاقستان

رشد تولید ناخالص داخلی: ۵.۱ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۲۲۱۰ دلار

تورم: ۷ درصد

توازن بودجه‌ای: ۱.۸- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۱۷.۱ میلیون نفر

دورنمای اوضاع قزاقستان در سال ۲۰۱۳ درست مثل سال‌های گذشته است: نورسلطان نظربایف به کمک صادرات نفت‌گران، بی‌رقیب حکم می‌راند. قرار نیست مردم علیه او شورش کنند و رئیس جمهور قرار است تا سال‌های سال بدون هیچ دردسر خاصی - جز سن و سالی - بر کشور حکومت کند.

←



سرطانی سخت

باعث شده آینده

چاوز و ونزوئلا

در ابهام فرو رود.

مخالفان چاوز

نشان دادند که

توانایی اتحاد

دارند و در سال

۲۰۱۳ همچنان

بر چاوز فشار

خواهند آورد.

دولت در خرج

کردن درآمدهای

نفتی بی‌برنامه

است و اقتصاد

اصلا اوضاع خوبی

ندارد. در ماه‌های

آینده هم تورم بالا

خواهد رفت

خواهد رفت

مالزی

رشد تولید ناخالص داخلی: ۴.۶ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۱۵۸۰ دلار
تورم: ۲.۴ درصد

توازن بودجه‌ای: ۴.۷- درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۲۹.۴ میلیون نفر



ائتلاف حاکم باریسان ناسیونال (جبهه ملی) در انتخابات سال ۲۰۱۳ پیروز خواهد شد و تلاش خواهد کرد به اکثریت قاطع دو سومی‌ای دست یابد که تا سال ۲۰۰۸ در اختیار داشت. اگر ائتلاف نتواند به این هدف خود برسد اوضاع نجیب رزاق، نخست وزیر این کشور متزلزل خواهد شد. اقتصاد رشد بالای ۴ درصد خواهد داشت و این به دولت برای رسیدن به هدف سال ۲۰۲۰ خود کمک خواهد کرد: قرار است مردم مالزی تا سال ۲۰۲۰ به جمع مردم با درآمد بالای دنیا بپیوندند.

نیوزلند

رشد تولید ناخالص داخلی: ۲.۳ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۳۳۱۶۰ دلار
تورم: ۱.۸ درصد

توازن بودجه‌ای: ۲.۲- درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۴.۵ میلیون نفر

حزب ملی که برای دومین دوره پیاپی دولت را در دست دارد برای حفظ اکثریت شکننده‌اش به اتحاد به احزاب کوچک‌تر وابسته است، اما از سوی حزب مخالف کارگر با تهدیدی جدی روبرو نیست چرا که چپ‌ها در نظر سنجی‌ها ضعیف ظاهر شده‌اند. اوضاع کسری بودجه در سال ۲۰۱۳ بهتر خواهد شد. دولت به دنبال خصوصی‌سازی بیشتر سرمایه‌هایش است، اما ۷۵ درصد رای دهندگان با این روند مخالف اند. در سال ۲۰۱۳ باید شاهد اعتراض مردم و شاید عقب نشینی دولت باشیم.

فیلیپین

رشد تولید ناخالص داخلی: ۶ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۲۶۵۰ دلار
تورم: ۴.۳ درصد

توازن بودجه‌ای: ۲.۴- درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۱۰۵.۷ میلیون نفر



بنیگنو آکونینو، هم‌بارای بالایی به ریاست جمهوری رسیده و هم‌از خانواده محبوبی می‌آید - مادرش کرازون آکونینو رئیس جمهور فقید فیلیپین بود - اما او به سختی به انتظارات پاسخ داده است. انتخابات پارلمانی که قرار است در ماه می برگزار شود ممکن است نتیجه‌ای جز شکست حزب لیبرال آکونینو و ائتلاف تحت رهبری او نداشته باشد. دولت تلاش می‌کند با سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی، رشد را تداوم بخشد اما شرکای خصوصی‌اش نسبت به وضعیت پا در هوای قراردادهای خود اعتراض دارند.

سنگاپور

رشد تولید ناخالص داخلی: ۴ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۵۳۳۷۰ دلار
تورم: ۳.۵ درصد

توازن بودجه‌ای: ۰.۸ درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۵.۵ میلیون نفر



نظام انتخاباتی‌ای که در آن مخالفان ۴۰ درصد آرا را به دست آورند اما انحصار قدرت در دست حزب همیشه بر سر کار «قدم خلق» بماند واقعا شگفت‌آور است. البته ممکن است دولت از مشورت دیگر احزاب هم بهره بگیرد اما در سنگاپور منتظر تغییرات بنیادین نباشید. با وجود اوضاع خراب بازرگانی بین المللی دولت توانست مانند گذشته مدیریت اقتصادی بسیار خوبی را از خود به نمایش بگذارد. و اگر در سال ۲۰۱۳ اوضاع بازارهای غربی بدتر نشود، رشد اقتصادی سنگاپور سرعت خوبی خواهد داشت.

سریلانکا

رشد تولید ناخالص داخلی: ۶.۸ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۳۱۵۰ دلار
تورم: ۵.۷ درصد

توازن بودجه‌ای: ۶.۹- درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۲۱ میلیون نفر



ماهیندا راجاپاکسا که دومین دوره ریاست جمهوری خود را می‌گذراند اکثریت قاطع پارلمان را پشت خود دارد و مردم هم از او حمایت می‌کنند. به هر حال او کسی بود که در سال ۲۰۰۹ نیروهای جدایی طلب تاملیل را خلع سلاح کرد. صلح و آرامش باعث بهبود اوضاع اقتصاد شده و به همین خاطر راجاپاکسا رئیس جمهور دو دوره‌ای نخواهد ماند و تا چندین سال آینده قدرت را در دست خواهد داشت.

تایوان

رشد تولید ناخالص داخلی: ۳.۶ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۲۲۰۲۰ دلار
تورم: ۲.۲ درصد

توازن بودجه‌ای: ۲.۸- درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۲۳.۱ میلیون نفر



در سال ۲۰۱۲ مایینگ-جنو رئیس جمهور و دولتش تحت رهبری حزب کومینتانگ آنقدر هوادار داشتند که بتوانند برای دومین بار در انتخابات ریاست جمهوری برنده شوند اما در طول ماه‌های گذشته آنقدر قدم‌های اشتباه برداشته‌اند که محبوبیتشان به طور مداوم پایین آمده است. با این همه امسال صادرات پس از کاهش در سال ۲۰۱۲ افزایش خواهد داشت.

تایلند

رشد تولید ناخالص داخلی: ۴.۷ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۵۸۰۰ دلار
تورم: ۲.۵ درصد

توازن بودجه‌ای: ۲.۴- درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۶۹.۳ میلیون نفر



یینگلوک شیناواترا، نخست وزیر و رئیس دولت اکثریت پولولیس یک هدف مهم دارد: برگرداندن برادر بزرگترش

تاکسین شیناواترا - نخست تایلند از ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ - به صحنه سیاسی. مهم‌ترین ابزار او هم اصلاح قانون اساسی و طرح آشتی ملی است که بر اساس آن تاکسین می‌تواند به کشور بازگردد بدون آنکه نیاز باشد مجازات زندانش را - به اتهام فساد مالی - بگذراند. به‌این دردرس، ماجرای شاه بیمار کشور را هم اضافه کنید که احتمالا شاهدادهای غیرمحبوب جانشین او خواهد شد. سال ۲۰۱۳ برای تایلند سال ناآرامی خواهد بود.

ازبکستان

رشد تولید ناخالص داخلی: ۶.۷ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۹۲۰ دلار
تورم: ۱۲.۶ درصد

توازن بودجه‌ای: ۰.۲- درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۲۹.۵ میلیون نفر



اسلام کریم اف، دیکتاتور پا به سن گذاشته کشور سه نقطه قوت دارد: ۲۴ سال است که قدرت را در اختیار دارد، بخش تولید و استخراج مواد اولیه پررونق است و صادرات قدرتمند. به علاوه، همچنان که سربازان خارجی برای خروج از کشور همسایه - افغانستان - آماده می‌شوند ازبکستان برای ایالات متحده اهمیت استراتژیک بیشتری پیدا می‌کند. تنها رقیب و دشمن کریم اف ۷۵ ساله در این میان وضعیت سلامتی‌اش است.

ویتنام

رشد تولید ناخالص داخلی: ۶ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۸۰۰ دلار
تورم: ۶.۲ درصد

توازن بودجه‌ای: ۴.۱- درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۹۰.۴ میلیون نفر



مجلس به رهبری نگوین سین هونگ آرام آرام نقش قوه مقننه را پررنگ‌تر می‌کند و نگوین تان دونگ، نخست وزیر ویتنام، باید شرایط جدید را بپذیرد. سیاستمداران در ویتنام کم‌کم می‌گیرند که بدون توافق دو قوا نمی‌توانند کاری از پیش ببرند. در کشوری که یکی از دلایل رشد اقتصاد، ثبات قیمت‌ها بوده، تورم می‌تواند دردرس ساز باشد و در سال ۲۰۱۳ باعث نگرانی اقتصاددانان شود.

پاکستان

رشد تولید ناخالص داخلی: ۳.۳ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۴۱۰ دلار
تورم: ۹.۱ درصد

توازن بودجه‌ای: ۵.۷- درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۱۸۲.۵ میلیون نفر



تنش میان قوای مجریه و قضائیه جدی‌تر خواهد شد و عداوت رئیس جمهور و قضات به اوج خود می‌رسد. حزب مردم پاکستان چون نذیرفت آصف علی زرداری، رئیس جمهور، به اتهام فساد محاکمه شود، یک نخست وزیر از دست داد و احتمالا به همین خاطر جانشین زرداری از

حزب مردم نخواهد بود. قرار است انتخابات در ماه ژوئن برگزار شود اما ممکن است بحران به جایی برسد که پاکستانی‌ها انتخابات زودهنگام برگزار کنند. بدهی‌های بالای دولتی مختص اروپا نیست، وضع خراب دولت پاکستان در سال ۲۰۱۳ احتمالاً به بحران جدی مالی منجر خواهد شد. با وجود آنکه در اکثر کشورها پیش از انتخابات شاهد افزایش رشد خواهیم بود، اما اقتصاد پاکستان وارد دوران رشد کند خواهد شد.

■ ■

کره جنوبی

رشد تولید ناخالص داخلی: ۳.۷ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۲۴۵۹۰ دلار
تورم: ۲.۹ درصد

توازن بودجه‌ای: ۲.۶ درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۴۹.۹ میلیون نفر



با کنار رفتن لی میونگ-بانگ رئیس‌جمهور نامحبوب کنونی در ماه فوریه، پارک گیون هیه، هم حزبی او و اولین رئیس‌جمهور زن کره جنوبی قدرت را در دست خواهد گرفت. او سیاست‌های مدافع تجارت آزاد را ادامه خواهد داد و دولت برای صادرات بیشتر تلاش می‌کند اگر چه تقاضای خارجی به خاطر رکود و بحران مالی دنیا کاهش یافته است. خوشبختانه تقاضا در داخل خوب است و بعد از رکود سال ۲۰۱۲ شاهد رشد اقتصاد خواهیم بود.

■ ■

اتریش

رشد تولید ناخالص داخلی: ۱ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۴۶۹۶۰ دلار
تورم: ۲.۳ درصد

توازن بودجه‌ای: ۲.۴ درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۸.۵ میلیون نفر



ائتلاف حاکم حزب سوسیال دموکرات و حزب مردم اتریش به احتمال زیاد در انتخابات سپتامبر ۲۰۱۳ دست‌راستی‌های حزب آزادی را با ائتلاف اندکی شکست می‌دهند و بر سر قدرت باقی می‌مانند. اما در طول ماه‌های اخیر اتریش بارها شاهد تحقیقات در مورد فساد مالی دولتی‌ها بوده و این باعث کاهش محبوبیت ائتلاف حاکم شده است. بنابراین احتمالاً برای تشکیل دولت به حزب سوسی - احتمالاً سبزها - نیاز است. شکاف وضعیت بدهی‌های دولتی با مقیاس‌های اتحادیه اروپا عالی به حساب می‌آید و اقتصاد حدود ۱ درصد رشد خواهد داشت.

■ ■

بلژیک

رشد تولید ناخالص داخلی: ۰.۵ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۴۵۴۵۰ دلار
تورم: ۲.۴ درصد

توازن بودجه‌ای: ۲.۹ درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۱۰.۷ میلیون نفر



دولت ائتلافی که در پیامد خلاء سیاسی پس از انتخابات سال ۲۰۱۰ به وجود آمد دست کم تا پایان سال ۲۰۱۳ بر سر کار خواهد ماند. اقتصاد از وضعیت انقباضی سال

گذشته فاصله فاصله می‌گیرد و شاهد رشد خواهد بود، اما این رشد بسیار پایین است.

■ ■

بلغارستان

رشد تولید ناخالص داخلی: ۱.۹ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۷۱۵۰ دلار
تورم: ۲.۶ درصد

توازن بودجه‌ای: ۱.۸ درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۷.۳ میلیون نفر



اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۷ بلغارستان را به عضویت پذیرفت و همچنان روی آنها فشار می‌آورد تا برنامه اصلاحات را پیش ببرند و با فساد گسترده مقابله کنند. (بلغارستان یکی از فقیرترین کشورهای قاره به حساب می‌آید). قرار است انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۱۳ برگزار شود و حزب راست میانه «شهروندان برای توسعه اروپایی بلغارستان» همچنان حزب حاکم باقی خواهد ماند.

■ ■

کرواسی

رشد تولید ناخالص داخلی: ۰.۷ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۳۷۴۰ دلار
تورم: ۲.۶ درصد

توازن بودجه‌ای: ۴.۳ درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۴.۴ میلیون نفر



نگرانی‌ها نسبت به آینده اتحادیه اروپا فروکش نکرده و کرواسی مجبور است در چنین شرایطی در اواسط سال ۲۰۱۳ به این اتحادیه بپیوندد و البته تمامی احزاب در کرواسی مدافع الحاق به اتحادیه اروپا هستند. سخت‌گیری‌های بودجه‌ای و کاهش صادرات باعث پایین آمدن استانداردهای زندگی شده و احتمالاً در سال ۲۰۱۳ در کرواسی هم شاهد اعصاب و اعتراضات خواهیم بود. اقتصاد در سال ۲۰۱۲ منقبض شد اما در سال ۲۰۱۳ کمی رشد می‌کند و آمار بیکاری پایین می‌آید.

■ ■

جمهوری چک

رشد تولید ناخالص داخلی: ۰.۶ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۹۰۵۰ دلار
تورم: ۲.۶ درصد

توازن بودجه‌ای: ۳.۱ درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۱۰.۵ میلیون نفر



ائتلاف راست میانه دو حزبی حاکم همچنان قدرتمند نیست و برای حکمرانی بر حمایت متحدها پارلمانی‌اش تکیه کرده است. با این حال انتخابات منطقه‌ای و سنا که در اواخر ۲۰۱۲ برگزار شد آنها را بیشتر تضعیف کرد و احتمالاً برگزاری انتخابات زودهنگام عمومی پیش از ضرب الاجل سال ۲۰۱۴ را افزایش داد. اوضاع اقتصاد خوب نیست و هر دولتی که بر سر کار بیاید باید اصلاحاتی را پیش ببرد که مردم را در کوتاه مدت نارضاضی می‌کند. پس بی‌ثباتی سیاسی در چک ادامه خواهد یافت. اقتصاد پس از انقباض در سال ۲۰۱۲، کمی منبسط

خواهد شد. در این میان در اولین هفته‌های سال ۲۰۱۳ مردم چک برای اولین بار به طور مستقیم رئیس‌جمهور کشور را انتخاب می‌کنند.

■ ■

ایرلند

رشد تولید ناخالص داخلی: ۰.۵ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۴۵۱۴۰ دلار
تورم: ۱ درصد

توازن بودجه‌ای: ۸.۲ درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۴.۶ میلیون نفر



دولت ایرلند سیاست‌های ریاضت اقتصادی و اصلاحات در سیستم بانکداری را از سال ۲۰۱۰ آغاز کرد، یعنی از زمانی که اتحادیه اروپا و صندوق بین‌المللی پول به طور مشروط پذیرفتند که در چند مرحله به آنها وامی ۸۹ میلیارد دلاری بدهند. باید دید آیا دولت توانسته به تعهداتش وفادار بماند و سرمایه‌گذاران را به سمت خود بکشد یا نه. دولت در سال ۲۰۱۲ به فروش اوراق قرضه روی آورد تا بتواند بخشی از بدهی‌های خود را جبران کند. اما کسری بودجه نگران کننده - بیش از ۸ درصد تولید ناخالص داخلی - می‌تواند باعث بحران سیاسی و از بین رفتن اعتماد سرمایه‌گذاری شود که فکر می‌کردند با خرید اوراق قرضه، سرمایه خود را نجات داده‌اند.

■ ■

سوئد

رشد تولید ناخالص داخلی: ۱.۸ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۵۵۴۳۰ دلار
تورم: ۱.۱ درصد

توازن بودجه‌ای: ۰.۴ درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۹.۶ میلیون نفر



ائتلاف حاکم از شامل ۴ حزب است اما نتوانسته به اکثریت در پارلمان دست پیدا کند. مخالفان آنها باید با حزب راست‌گرای افراطی «دموکرات‌های سوئدی» وصلت کنند تا بتوانند انتخابات زودهنگام ترتیب بدهند و این یعنی به احتمال زیاد زیاد ائتلاف حاکم تا پایان دوره دولت تا سال ۲۰۱۴ بر سر کار خواهد ماند. دولت در سال ۲۰۱۳ براشتغال‌زایی، اصلاح سیستم مالیاتی و کمک به خاندان‌ها شدن مردم تمرکز خواهد کرد. پس رشد اقتصاد کمی سریع‌تر می‌شود.

■ ■

سوئیس

رشد تولید ناخالص داخلی: ۱.۲ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۷۷۳۴۰ دلار
تورم: ۰.۰ درصد

توازن بودجه‌ای: ۰.۴ درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۸ میلیون نفر



حزب دست راستی و مهم «مردم سوئیس» در سال ۲۰۱۳ بیشتر از چند سال اخیر علیه مهاجران خارجی موضع خواهد گرفت و این گونه گروه‌های فراوانی از مردم را به سمت خود جلب خواهد کرد. آنها را تبلیغات سنگینی که برای امسال تدارک دیده اند گناه جرم و جنایت‌ها را به گردن خارجی‌ها می‌اندازند تا قوانین ضد

←

مهاجرتی بیشتری تصویب شود. در ماههای آینده باید منتظر رفتارهای تند با مهاجران باشیم.

■ ■

ترکیه

رشد تولید ناخالص داخلی: ۴.۱ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۱۸۴۰ دلار

تورم: ۷.۳ درصد

توازن بودجه‌ای: ۱.۷- درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۷۵.۴ میلیون نفر



حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه که توسط نخست وزیر ترکیه، رجب طیب اردوغان، رهبری می‌شود، دهمین سالگرد حضور خود را در قدرت جشن می‌گیرد و به اعتقاد شمار زیادی از تحلیلگران آنها سال‌های بعد هم بازیگر اصلی صحنه سیاسی ترکیه خواهند بود. تمرکز عدالت و توسعه در سال ۲۰۱۳ بر توسعه اقتصادی به همراه اصلاح قانون اساسی خواهد بود. آنها در این سال موضوعی دوگانه علیه انقلاب خواهند داشت: در خانه مخالف شورشیان کرد خواهند بود و در خارج از کشور از شورشیان سوری حمایت خواهند کرد. اوضاع منطقه یورو، اصلی‌ترین شریک تجاری ترکیه، خوب نیست و اقتصاد ترکیه هم دچار دردهایی خواهد شد. با این حال رشد اقتصاد به بالای ۴ درصد می‌رسد و این در وضعیت کنونی اقتصاد دنیا خوب به حساب می‌آید.

■ ■

اوکراین

رشد تولید ناخالص داخلی: ۳ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۴۰۱۰ دلار

تورم: ۷.۸ درصد

توازن بودجه‌ای: ۲.۹- درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۴۵.۱ میلیون نفر



انقلاب نارنجی سال ۲۰۰۴ به تاریخ پیوسته و اوکراین پس از چند سال نزدیکی با غرب، آرام آرام به روسیه نزدیک می‌شود. ویکتور یانکویچ که در انقلاب نارنجی سرنگون شد و حالا رئیس جمهور به حساب می‌آید، در سال ۲۰۱۳ قدرت را بیشتر از گذشته در کنترل خود خواهد گرفت. نارضایتی از حکومت به شدت افزایش یافته و احتمال بروز ناآرامی‌های اجتماعی وجود دارد. در این میان دادگاه قانون اساسی تلاش خواهد کرد یانکویچ را به خاطر نقض قانون و مقابله با دموکراسی برکنار کند. آغاز این روند می‌تواند مخالفان او را دوباره زیر یک پرچم جمع کند.

■ ■

انگلیس

رشد تولید ناخالص داخلی: ۰.۵ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۳۸۸۵۰ دلار

تورم: ۲.۳ درصد

توازن بودجه‌ای: ۷.۸- درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۶۳.۶ میلیون نفر



نه محافظه کاران و نه لیبرال دموکرات‌ها جرئت آن را ندارند که از ائتلاف به شدت نامحبوب حاکم کناره بگیرند. در سال ۲۰۱۳ اختلاف میان این دو حزب بیشتر از آن خواهد شد

که بتوانند آن را مخفی کنند. مهم‌ترین اختلاف نظر بر سر نحوه و سرعت طرح‌های ریاضت اقتصادی خواهد بود. اقتصاد انگلیس ضعیف‌تر از پتانسیل خود کار می‌کند و بادهای ناموافقی که از سراسر اروپا می‌وزند اوضاع را بدتر کرده‌اند. انتظار می‌رود در سال ۲۰۱۳ حدود ۵۰۰ میلیارد پوند بسته محرک مالی به اقتصاد تزریق شود تا شاید اقتصاد از این رکود خارج شود.

■ ■

دانمارک

رشد تولید ناخالص داخلی: ۰.۹ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۵۶۲۸۰ دلار

تورم: ۲.۱ درصد

توازن بودجه‌ای: ۲.۱- درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۵.۶ میلیون نفر



بحران یورو ضربه شدیدی به دانمارک وارد نکرد و آنها بر خلاف اکثر اروپایی‌ها در پروژه‌های عمومی خوب پول خرج کردند اما قرار است در سال ۲۰۱۳ میزان تزریق این بسته‌های مالی به اقتصاد کشور کاهش یابد. اگر چه حامیان ائتلاف حاکم چپ میانه می‌گویند دولت به قول هایش عمل نکرده، اما به احتمال خیلی زیاد این ائتلاف بر سر قدرت باقی خواهد ماند.

■ ■

استونی

رشد تولید ناخالص داخلی: ۲.۹ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۷۱۱۰ دلار

تورم: ۲.۶ درصد

توازن بودجه‌ای: ۱.۲- درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۱.۳ میلیون نفر



سیاست‌های ریاضت اقتصادی دولت در سال ۲۰۱۳ احتمالاً باعث افزایش تنش‌های اجتماعی می‌شود اما جلوی پیشبرد اصلاحات اقتصادی را نمی‌گیرد. اقتصاد کشور هم شاهد رشد خواهد بود، اما نه به اندازه دوران خوش پیش از بحران.

■ ■

فنلاند

رشد تولید ناخالص داخلی: ۱.۲ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۴۷۷۴۰ دلار

تورم: ۲.۵ درصد

توازن بودجه‌ای: ۰.۹- درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۵.۴ میلیون نفر



ائتلاف شش حزبی که چپ و راست را زیر چتر خود گرفته خوب جواب داده و با تهدیدات اندکی روبروست. «فنلاندی‌های واقعی»، سومین حزب بزرگ فنلاند که به انتخاب خود خارج از ائتلاف قرار دارد از مخالفان ایده اتحادیه اروپا است و سعی می‌کند جلوی ارتباط اقتصادی بیشتر فنلاند با شرکای اروپایی‌اش را بگیرد. در سال ۲۰۱۳ میزان رشد اقتصادی فنلاند از میانگین منطقه یورو بالاتر خواهد بود اما این به دلیل ضعف بقیه است نه قدرت فنلاند.

■ ■

فرانسه

رشد تولید ناخالص داخلی: ۰.۴ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۴۰۹۳۰ دلار
تورم: ۲.۱ درصد

توازن بودجه‌ای: ۳.۵- درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۶۴ میلیون نفر



فرانسوا اولاند رئیس جمهور فرانسه حزب سوسیالیست را پشت خود دارد که برای اولین بار در ۳۰ سال گذشته اکثریت مطلق را در پارلمان از آن خود کرده، اما او برای احیای اقتصاد با دردهای فراوانی روبرو خواهد شد، به خصوص حالا که اقتصاد اتحادیه اروپا چنین حال و روزی دارد. تمرکز اولاند - بر خلاف سارکوزی - بر آشتی ملی خواهد بود و این اصلاحات را دشوارتر خواهد کرد. او در رابطه کلیدی با آلمان از خود انعطاف‌پذیری نشان داده اما به نظر نمی‌رسد که برای کنترل سفت و سخت بودجه آماده باشد. این آخری تنها راه مقابله با بحران یورو است.

■ ■

آلمان

رشد تولید ناخالص داخلی: ۰.۶ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۴۱۶۰۰ دلار

تورم: ۱.۶ درصد

توازن بودجه‌ای: ۰.۶- درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۸۱.۸ میلیون نفر



آلمان میان دوراهی گیر کرده: هم از یورو حمایت می‌کند و هم شدیداً مخالف کمک‌های سنگین مالی به اقتصادهای متزلزل عضو اتحادیه اروپا است. بحران یورو باعث افزایش اختلاف‌نظرها در ائتلاف حاکم شده و میزان حمایت مردم از آن را کاهش داده. اما آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان و حزبش پس از انتخابات عمومی سپتامبر ۲۰۱۳ هم قدرت را در اختیار خواهند داشت اگر چه ممکن است مجبور شوند متحدان دیگری را به ائتلاف حاکم اضافه کنند. اقتصاد آلمان در سال ۲۰۱۳ رمق سابق را نخواهد داشت اما دست کم شاهد رشد اندکی خواهد بود.

■ ■

یونان

رشد تولید ناخالص داخلی: ۱.۸- درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۲۱۷۵۰ دلار

تورم: ۰.۲ درصد

توازن بودجه‌ای: ۵.۴- درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۱۱.۴ میلیون نفر



جامعه یونان دو دسته شده: آنها که ریاضت اقتصادی کمتری می‌خواهند و آنها که اصلاً ریاضت اقتصادی نمی‌خواهند. و هیچ کدام از این انتخاب‌ها واقع‌گرایانه نیست. اوضاع سیاسی هم ناشی از وضعیت خراب اقتصاد، بی‌ثبات است و احتمال برگزاری انتخابات زودهنگام وجود دارد. در صورت برگزاری انتخابات ممکن است احزاب دست چپی ضد ریاضت اقتصادی پیروز شوند و آنها با حضور یونان در منطقه یورو مشکل جدی دارند. سال ۲۰۱۳ ششمین سال رکود در اقتصاد یونان است و اقتصاد این کشور در پایان این سال - نسبت به سال آغاز بحران - ۲۰ درصد کوچک‌تر شده است.

مجارستان

رشد تولید ناخالص داخلی: ۰.۶ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۳۷۶۰ دلار

تورم: ۴.۳ درصد

توازن بودجه‌ای: ۳- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۹.۹ میلیون نفر



دولت راست میانه حاکم بر مجارستان با رای خوبی به قدرت رسیده است و بیش از دو سوم کرسی‌های پارلمان را در اختیار دارد. آنها از این امر برای تغییر در قوانین انتخابات استفاده کرده‌اند تا قدرت دولت را افزایش دهند. با این همه آنها نمی‌توانند به همه آرزوهای پوپولیستی خود جامه عمل بپوشانند چرا که به خاطر رکود اقتصادی و کسری بودجه فزاینده، نیازمند کمک‌های مالی خارجی هستند. اقتصاد مجارستان در سال ۲۰۱۳ اگر چه از وضعیت خراب منطقه یورو ضربه می‌خورد، اما رشد کوچکی هم خواهد داشت.



ایتالیا

رشد تولید ناخالص داخلی: ۰.۳- درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۳۲۷۷۰ دلار

تورم: ۱.۲ درصد

توازن بودجه‌ای: ۱.۶- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۶۱.۱ میلیون نفر



ماریو مونتی نخست وزیر تکنوکرات ایتالیا در ازای تصویب بودجه کشور پذیرفت که از نخست وزیری استعفا دهد و انتخابات زودهنگام برگزار کند. انتخابات قرار است در ماه فوریه برگزار شود و این یعنی ایتالیا پس از یک دوره کوتاه آرامش دوباره وارد جنگ‌های سیاسی شده است. اصلاحات مونتی برای حفاظت از ایتالیا در برابر مشکلات رو به افزایش اتحادیه اروپا کافی نیست و احتمالاً بانک مرکزی اروپایی باید برای جلوگیری از سقوط مالی ایتالیا وارد عمل شود.



لتونی

رشد تولید ناخالص داخلی: ۲.۷ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۳۰۸۰ دلار

تورم: ۲.۲ درصد

توازن بودجه‌ای: ۲- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۲.۲ میلیون نفر



ائتلاف سه حزبی که پس از انتخابات سال ۲۰۱۱ تشکیل شد در حال حاضر پرثبات نشان می‌دهد اما موقعیت ضعیف آنها در پارلمان و نیاز کشور به آغاز طرح ریاضت اقتصادی به این معناست که آنها نمی‌توانند یک دوره کامل چهارساله دوام بیاورند. اقتصاد لتونی در سال ۲۰۱۳ همراه با اقتصادهای بزرگ اروپا، رشد اندکی خواهد داشت.



لیتوانی

رشد تولید ناخالص داخلی: ۲.۸ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۳۸۵۰ دلار

تورم: ۲.۷ درصد

توازن بودجه‌ای: ۳.۷- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۳.۲ میلیون نفر

دولت جدید چپ میانه که اواخر سال ۲۰۱۲ قدرت را در دست گرفت علاقه چندانی به طرح ریاضت اقتصادی نخواهد داشت اما اوضاع خراب اقتصاد و تعهدات سفت و سخت بودجه‌ای که جزء ضروریات عضویت در اتحادیه اروپاست دست و پای آنها را بسته است. ضعف شرکای بازرگانی لیتوانی در اتحادیه اروپا به اقتصاد این کشور صدمه می‌زند با این حال اقتصاد آنها در سال ۲۰۱۳ رشد حدود ۳ درصدی خواهد داشت و این آرزوی خیلی از کشورهای اروپایی خواهد بود.



هلند

رشد تولید ناخالص داخلی: ۰.۳ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۴۸۲۸۰ دلار

تورم: ۲ درصد

توازن بودجه‌ای: ۳.۸- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۱۶.۸ میلیون نفر



به نظر می‌رسد دولت ائتلافی بزرگی که پس از انتخابات زودهنگام اواخر ۲۰۱۲ تشکیل شد از دولت قبلی پرثبات‌تر باشد اما این دولت هم با همان انتخاب‌های دشوار روبروست: کسری بودجه باید کاهش یابد و راه درست ریاضت اقتصادی است. اما کدام بخش‌ها قربانی می‌شوند؟ امسال شکاف بودجه‌ای کوچک‌تر خواهد شد اما دولت قرار بود در سال ۲۰۱۳ آن را به ۳ درصد تولید ناخالص داخلی بگذارد که نتوانست. ریاضت اقتصادی باعث کند شدن حرکت اقتصاد می‌شود اما اقتصاد هلند در سال ۲۰۱۳ رشد خیلی کمی نشان خواهد داد.



نروژ

رشد تولید ناخالص داخلی: ۲.۷ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۰۰۳۴۰ دلار

تورم: ۱.۱ درصد

توازن بودجه‌ای: ۱۵.۷ درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۵ میلیون نفر



انتخابات پارلمانی نروژ در سپتامبر آینده برگزار می‌شود و این ماجرا بر صحنه سیاسی این کشور سایه انداخته است. جنرال آندرس بریویک، افراط‌گرای دست راستی که در سال ۲۰۱۱ دهها نفر را به قتل رساند، به نفع حزب کارگر بوده که ائتلاف حاکم را رهبری می‌کند اما حزب محافظه‌کار هم آرام آرام قدرت می‌گیرد و احتمالاً یک ائتلاف راست میانه را شکل خواهد داد. بهای بالای نفت به کمک نروژ آمده و نمی‌گذارد که آنها از اوضاع خراب اقتصاد جهان ضربه بخورند.



لهستان

رشد تولید ناخالص داخلی: ۲.۱ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۳۴۹۰ دلار

تورم: ۲.۹ درصد

توازن بودجه‌ای: ۱.۷- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۳۸.۱ میلیون نفر



دو حزب اصلی در ائتلاف راست میانه حاکم بر سر سیاست‌های مالی دولت اختلاف نظر دارند اما به نظر

نمی‌رسد که این اختلافات باعث فروپاشی ائتلاف شود. رشد اقتصادی لهستان رو به کاهش است و بازارهای خارجی‌اش ضعیف شده‌اند، پس آنها به کمک صندوق بین‌المللی پول دل خوش کرده‌اند و صندوق بین‌المللی پول طبق معمول برای کشورهای که به دنبال وام هستند یک شرط گذاشته: مدیریت دقیق بودجه.



پرتغال

رشد تولید ناخالص داخلی: ۲.۲- درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۹۵۸۰ دلار

تورم: ۱.۹ درصد

توازن بودجه‌ای: ۴.۶- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۱۰.۶ میلیون نفر



ائتلاف راست میانه حاکم بر پرتغال با مشکل جدی بدهی‌های دولتی و کسری بودجه روبروست و اگر چه کسری بودجه نسبت به سال ۲۰۰۹ نصف شده اما تا پایان سال ۲۰۱۳ به رقم همچنان زیاد ۴۶ درصد تولید ناخالص داخلی می‌رسد. اقتصاد کشور برای سومین سال پیاپی کوچک خواهد شد و آمار بیکاری افزایش خواهد یافت. مخالفت‌های سیاسی و اعتراضات خیابانی افزایش خواهند یافت اما دولت احتمالاً در سال ۲۰۱۳ سقوط نخواهد کرد.



رومانی

رشد تولید ناخالص داخلی: ۲.۵ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۸۰۷۰ دلار

تورم: ۳.۴ درصد

توازن بودجه‌ای: ۲.۷- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۲۱.۴ میلیون نفر



بر خلاف سال ۲۰۱۲، سال ۲۰۱۳ به لحاظ سیاسی سال نسبتاً آرامی برای رومانی خواهد بود. اوضاع اقتصاد در سال ۲۰۱۲ خوب نبود، اما در سال جاری اوضاع بهتر می‌شود تا کشور برای رشد قدرتمند ۲۰۱۴ آماده شود.



روسیه

رشد تولید ناخالص داخلی: ۳.۹ درصد

سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۴۵۷۰ دلار

تورم: ۶.۷ درصد

توازن بودجه‌ای: ۱.۱- درصد تولید ناخالص داخلی

جمعیت: ۱۴۲.۵ میلیون نفر



سومین دوره ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین بیشتر شبیه دو دوره اول ریاست جمهوری‌اش خواهد بود تا دوره نخست وزیری‌اش تحت ریاست دمیتری مدودف. پس در مقایسه با چند سال اخیر در سال ۲۰۱۳ تمرکز کمتری بر خصوصی سازی و ترویج سرمایه گذاری خارجی خواهد بود و تنش با غرب شدت می‌گیرد. پوتین البته مانند سال‌های پیش در روسیه محبوب نیست اما مخالفان او ضعیفند و قرار نیست قدرت او در سال ۲۰۱۳ به چالش کشیده شود. قیمت‌های بالای نفت صادراتی باعث می‌شود دولت دیگر آنچنان به فکر اصلاحات به نفع بازار آزاد نباشد و خزانه را پر کند و اقتصاد را به جلو پیش براند، اگر





خوش شانسی های زمانی و مکانی

کدام کشور برای متولد شدن در سال ۲۰۱۳ مناسب تر است؟

روزی روزگاری وارن بافت -موفق ترین سرمایه گذاری که در دنیا می شناسیم- گفته بود هر اتفاق خوبی که برایش در زندگی افتاده از یک عامل مهم ناشی شده است: تولد در مناسب ترین مکان و زمان؛ آمریکای دهه ۱۹۳۰ میلادی. خیلی ها به این موضوع فکر می کنند و در سالهای اخیر هم نظرات زیادی بر مبنای تحقیقات در این خصوص ابراز شده است. ربع قرن پیش - یعنی در سال ۱۹۸۸ میلادی - فهرست بهترین کشورها برای متولد شدن منتشر شد و سر و صدای زیادی به پا کرد. در میان پنجاه کشوری که نامشان در این فهرست آمده بود، آمریکا رتبه اول را داشت. اما حالا چطور؟ در دنیای سال ۲۰۱۳ میلادی کدام کشورها بهترین محل تولد هستند؟ واحد اطلاعات و تحقیقات نشریه اکونومیست برای بررسی این مساله وارد عمل شده و از مدتها قبل مشغول تحقیق در این موارد بوده است: کدام کشور بهترین موقعیت ها را برای زندگی سالم، امن و مرفه در سالهای پیش رو فراهم می کند. این شاخص کیفیت زندگی، نتایج تحقیقات مختلف ذهنی درباره رضایت از زندگی را با مشخصه هایی عینی از کیفیت زندگی در کشورهای مختلف ترکیب کرده است. ثروتمند بودن بیش از هر چیز دیگری اهمیت دارد، اما واقعا همه چیز را شامل نمی شود؛ بلکه مسائلی مانند اعتماد به نهادهای عمومی و سلامت زندگی خانوادگی هم از اهمیت زیادی برخوردارند. کلا ترکیبی پیچیده وجود دارد: از یک سو عوامل ثابتی مثل جغرافیا مطرح اند و از سوی دیگر، با عوامل متغیری مواجهیم که به تدریج و در طول زمان دستخوش تغییر می شوند. (مثل عوامل جمعیت شناختی و نیز مشخصه های اجتماعی و فرهنگی مختلف). برخی از عوامل نیز به سیاستها و نیز موقعیت اقتصاد جهانی وابسته اند. اما مساله دیگری نیز مطرح است. بسیاری از عوامل پیش برنده کیفیت زندگی در حال تغییر هستند و از آن جمله می توان به سطح درآمدها اشاره کرد. اما به هر حال ما از پیش بینی های اقتصادی واحد اطلاعات و تحقیقات اکونومیست استفاده می کنیم تا به صورت نسبی وضعیت زندگی بچه هایی را که در سال ۲۰۱۳ میلادی به دنیا می آیند و تا سال ۲۰۳۰ میلادی دیگر بزرگ شده اند، بررسی کنیم.

در آن کشورها متولد می شوند بهتر از بقیه خواهد بود. اما نکته جالب قضیه این است که اقتصادهای کوچک عملا ده رتبه اول را قبضه کرده اند. نیمی از آنها اروپایی هستند، اما فقط یکی شان - یعنی هلند - در منطقه یورو قرار دارد. کشورهای اسکاندیناوی در این فهرست در رتبه های بالا می درخشند، اما کشورهای جنوب اروپا - مثل یونان، پرتغال، و اسپانیا - که به شدت از بحران اقتصادی ضربه خورده اند کاملا از کشورهای شمال اروپا عقب افتاده اند. این در حالی است که وضعیت آب و هوایی کشورهای جنوب اروپا بسیار بهتر از کشورهای شمالی است و قاعدتا باید در وضعیت آنها تاثیر مثبتی می گذاشته است. بزرگ ترین اقتصادهای اروپایی - مثل آلمان، فرانسه و بریتانیا - هم وضعیت خیلی جالبی ندارند.

در این میان، کودکانی که در سال ۲۰۱۳ میلادی در آمریکا متولد می شوند میراث دار نسلی خواهند بود که بدهی های زیادی به جا گذاشته است؛ و به همین جهت آمریکا تا رتبه شانزدهم این جدول سقوط کرده

به رغم بحران جهانی اقتصادی، وضعیت زندگی برخی از مردمان در دنیا هیچ گاه به اندازه حالا خوب نبوده است. نرخ رشد تولیدات در جهان رو به کاهش گذاشته است، اما سطح درآمدها به شکلی بی سابقه بالا رفته است. طول عمر افراد هم به شکلی ثابت رو به افزایش گذاشته و این مساله در بسیاری از نقاط جهان - حتی در آفریقای شمالی و خاورمیانه نیز - دیده می شود. اما از جهات دیگر، بحران اقتصادی تاثیر خود را - مثلا در منطقه یورو - گذاشته است. این تاثیر به خصوص در میزان بیکاری ها و نیز امنیت شخصی افراد به وضوح دیده می شود. این وضعیت هم بر زندگی خانوادگی و هم زندگی اجتماعی افراد موثر بوده است.

اما تحولات محتمل در آینده تا چه اندازه بر متولدین سال ۲۰۱۳ میلادی تاثیر خواهند گذاشت؟ بر اساس تحقیقات انجام شده فعلی، سوییس و بعد هم استرالیا در صدر جدول بهترین کشورها برای متولد شدن در این سال قرار دارند. پس وضع بچه هایی که

چه میزان رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۳ اصلا بالا نیست.

اسلواکی

رشد تولید ناخالص داخلی: ۲.۱ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۹۱۱۰ دلار
تورم: ۲.۸ درصد
توازن بودجه ای: ۰.۴ - درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۵.۴ میلیون نفر



دولت راست میانه با چالش سیاسی جدی ای روبرو نیست پس بر توازن بودجه و اصلاحات در حوزه های تامین اجتماعی، مالیات ها و حقوق بازنشستگی تمرکز خواهد کرد و خصوصی سازی را شدت خواهد بخشید. میزان رشد اقتصاد بر اساس برآوردهای قبلی خواهد بود و دولت می تواند کسری بودجه اش را به بیشتر کاهش دهد و به حدی برساند که دولت های اروپایی اندکی توانایی اش را دارند.

اسلونی

رشد تولید ناخالص داخلی: ۰.۵ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۲۳۲۳۰ دلار
تورم: ۱.۳ درصد
توازن بودجه ای: ۲.۵ - درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۲.۱ میلیون نفر



دولت ائتلافی پنج حزبی راست میانه اکثریتی کوچک اما قابل اطمینان دارد و مهم ترین تهدید برای ثباتش اختلاف نظر های داخلی می تواند باشد. تمرکز آنها در سال ۲۰۱۳ بر کاهش کسری بودجه و افزایش رشد خواهد بود نه مشکلات ساختاری دشواری مثل اصلاح در قوانین بازنشستگی که باعث سقوط دولت قبلی شد. اقتصاد بعد از دست انداز سخت سال گذشته شاهد رشد خواهد بود و شکاف بودجه ای بالاخره به زیر ۳ درصد مورد نظر پیمان ماستریخت می رسد.

اسپانیا

رشد تولید ناخالص داخلی: ۱.۲ - درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی: ۲۹۲۶۰ دلار
تورم: ۲.۹ درصد
توازن بودجه ای: ۶.۳ - درصد تولید ناخالص داخلی
جمعیت: ۴۶.۵ میلیون نفر



کاهش شدید درآمدها، کسری بودجه شدید، نبود اعتبار، و تردید و بی ثباتی کسب و کارها به اقتصاد اسپانیا که امسال هم کوچکتر خواهد شد، ضربه خواهد زد. انقباض اقتصاد هم باعث کاهش درآمدهای بودجه ای می شود و عنصر اعتماد از بازار اسپانیا رخت خواهد بست. اسپانیا به کمک مالی جدی اتحادیه اروپا نیاز دارد و گر نه این چرخه باطل ادامه خواهد یافت. تداوم طرح ریاضت اقتصادی به اعتبار دولت در میان مردم ضربه زده و اعتراضات خیابانی را شدت بخشیده و باعث افزایش ناراضیاتی از دولت مرکزی در مناطق نیمه خودمختار شده است. استان مهم کاتالونیا که پیش از بحران حدود ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی اسپانیا در آن انجام می شد یکی از مناطقی است که ممکن است در سال ۲۰۱۳ خواهان جدایی کامل از اسپانیا شود.

جدول یک: شاخص بهترین کشور برای متولد شدن در سال ۲۰۱۳ میلادی / امتیازها نسبت به ده در نظر گرفته شده‌اند.

رتبه	کشور	نمره	رتبه	کشور	نمره	رتبه	کشور	نمره	رتبه	کشور	نمره
۱	سوئیس	۸,۲۲	۲۱	ایتالیا	۷,۲۱	۴۰	کوبا	۶,۳۹	۶۱	بلغارستان	۵,۷۳
۲	استرالیا	۸,۱۲	۲۲	کویت	۷,۱۸	۴۲	کلمبیا	۶,۲۷	۶۲	السالوادور	۵,۷۲
۳	نروژ	۸,۰۹	۲۳	شیلی	۷,۱۰	۴۳	پرو	۶,۲۴	۶۳	فیلیپین	۵,۷۱
۴	سوئد	۸,۰۲	۲۳	قبرس	۷,۱۰	۴۴	استونی	۶,۰۷	۶۳	سريلانکا	۵,۷۱
۵	دانمارک	۸,۰۱	۲۵	ژاپن	۷,۰۸	۴۴	ونزوئلا	۶,۰۷	۶۵	اکوادور	۵,۷۰
۶	سنگاپور	۸,۰۰	۲۶	فرانسه	۷,۰۴	۴۶	کروواسی	۶,۰۶	۶۶	هند	۵,۶۷
۷	ژلاندنو	۷,۹۵	۲۷	انگلیس	۷,۰۱	۴۶	مجارستان	۶,۰۶	۶۶	مراکش	۵,۶۷
۸	هلند	۷,۹۴	۲۸	جمهوری چک	۶,۹۶	۴۸	لتونی	۶,۰۱	۶۸	ویتنام	۵,۶۴
۹	کانادا	۷,۸۱	۲۸	اسپانیا	۶,۹۶	۴۹	چین	۵,۹۹	۶۹	اردن	۵,۶۳
۱۰	هنگ کنگ	۷,۸۰	۳۰	کستاریکا	۶,۹۲	۵۰	تایلند	۵,۹۶	۷۰	آذربایجان	۵,۶۰
۱۱	فنلاند	۷,۷۶	۳۰	پرتغال	۶,۹۲	۵۱	ترکیه	۵,۹۵	۷۱	اندونزی	۵,۵۴
۱۲	ایرلند	۷,۷۴	۳۲	اسلونی	۶,۷۷	۵۲	جمهوری دومینیکن	۵,۹۳	۷۲	روسیه	۵,۳۱
۱۳	اتریش	۷,۷۳	۳۳	لهستان	۶,۶۶	۵۳	آفریقای جنوبی	۵,۸۹	۷۳	سوریه	۵,۲۹
۱۴	تایوان	۷,۶۷	۳۴	یونان	۶,۶۵	۵۴	الجزایر	۵,۸۶	۷۴	قزاقستان	۵,۲۰
۱۵	بلژیک	۷,۵۱	۳۵	اسلواکی	۶,۶۴	۵۴	صربستان	۵,۸۶	۷۵	پاکستان	۵,۱۷
۱۶	آلمان	۷,۳۸	۳۶	مالزی	۶,۶۲	۵۶	رومانی	۵,۸۵	۷۶	آنگولا	۵,۰۹
۱۶	آمریکا	۷,۳۸	۳۷	برزیل	۶,۵۲	۵۷	لیتوانی	۵,۸۲	۷۷	بنگلادش	۵,۰۷
۱۸	امارات متحده عربی	۷,۳۳	۳۸	عربستان سعودی	۶,۴۹	۵۸	ایران	۵,۷۸	۷۸	اوکراین	۴,۹۸
۱۹	کره جنوبی	۷,۲۵	۳۹	مکزیک	۶,۴۱	۵۹	تونس	۵,۷۷	۷۹	کنیا	۴,۹۱
۲۰	رژیم اشغالگر قدس	۷,۲۳	۴۰	آرژانتین	۶,۳۹	۶۰	مصر	۵,۷۶	۸۰	نیجریه	۴,۷۴

است. نکته دیگر این است که به رغم وضعیت پویای اقتصاد کشورهای نوظهور (برزیل، روسیه، هند و چین) این کشورها در رتبه‌های خیلی بالایی قرار ندارند. بر اساس این فهرست، نیجریه در بین هشتاد کشور، بدترین جا برای متولد شدن در سال ۲۰۱۳ میلادی است. البته معیارهایی که در چنین تحقیقی مورد توجه قرار گرفته‌اند شاید از نظر خیلی‌ها قابل قبول

نباشند. مثلاً دو عامل وجود دارند که باعث اختلاف دیدگاه‌ها می‌شوند. یکی عامل «فقر فرهنگی» است و دیگری «شاخص خمیازه». کشورهایی مثل سوئیس که در راس فهرست بهترین کشورها برای متولد شدن قرار دارند، شاید به نوعی دچار این دو حالت باشند. شخصیت اورسن ولز در فیلم مرد سوم - هری لایم - می‌گفت ایتالیایی‌ها سال‌ها دچار جنگ، وحشت و جنایت

بود، اما هنرمندانی مثل میکل آنژ، لئوناردو داوینچی و نهضتی مثل رنسانس را تحویل دنیا داد. سوئیس پانصد سال تاریخ صلح و دموکراسی دارد، اما خیلی‌ها را به خمیازه می‌اندازد و چیزی تحویل دنیا نمی‌دهد. به هر حال قطعاً خیلی حرف‌ها می‌توان درباره کسل‌کنندگی ثبات اقتصادی زد. اما واقعیت این است که بدون آن نمی‌شود زندگی کرد، با آن هم نمی‌شود.

ایتالیایی‌سی سال
دچار جنگ،
وحشت و جنایت
بود، اما هنرمندانی
مثل میکل آنژ،
لئوناردو داوینچی

و نهضتی مثل
رنسانس را
تحویل دنیا داد.
سوئیس پانصد
سال تاریخ صلح
و دموکراسی دارد،
اما خیلی‌ها را به
خمیازه می‌اندازد و
چیزی تحویل دنیا
نمی‌دهد

جدول دو: رتبه‌بندی بهترین کشور برای متولد شدن در سال ۱۹۸۸ میلادی / امتیازها نسبت به صد در نظر گرفته شده‌اند.

رتبه	کشور	نمره	رتبه	کشور	نمره	رتبه	کشور	نمره	رتبه	کشور	نمره
۱	آمریکا	۹۳	۱۳	سوئیس	۷۲	۲۷	یونان	۶۵	۴۰	آفریقای جنوبی	۵۶
۲	فرانسه	۸۶	۱۵	بلژیک	۷۰	۲۷	هند	۶۵	۴۱	ترکیه	۵۴
۳	آلمان غربی	۸۵	۱۵	ایرلند	۷۰	۲۷	مکزیک	۶۵	۴۲	اندونزی	۵۳
۴	ایتالیا	۸۴	۱۵	اسپانیا	۷۰	۳۰	برزیل	۶۴	۴۳	پاکستان	۵۲
۵	کانادا	۸۳	۱۸	استرالیا	۶۹	۳۰	رژیم اشغالگر قدس	۶۴	۴۴	مصر	۴۹
۶	ژاپن	۸۲	۱۸	فنلاند	۶۹	۳۲	چین	۶۳	۴۵	لیبی	۴۷
۷	هنگ کنگ	۷۷	۱۸	ژلاندنو	۶۹	۳۲	پرتغال	۶۳	۴۶	عربستان سعودی	۴۶
۷	انگلیس	۷۷	۲۱	آرژانتین	۶۸	۳۲	امارات متحده عربی	۶۳	۴۷	نیجریه	۴۳
۹	سوئد	۷۵	۲۱	شوروی	۶۸	۳۲	ونزوئلا	۶۳	۴۸	ایران	۳۹
۱۰	هلند	۷۴	۲۳	لهستان	۶۷	۳۶	آلمان شرقی	۶۲	۴۸	عراق	۳۹
۱۰	کره جنوبی	۷۴	۲۴	دانمارک	۶۶	۳۶	سنگاپور	۶۲	۴۸	زیمبابوه	۳۹
۱۲	اتریش	۷۳	۲۴	مجارستان	۶۶	۳۸	مالزی	۶۱			
۱۳	نروژ	۷۲	۲۴	فیلیپین	۶۶	۳۹	یوگسلاوی	۵۷			

و اقتصادی است که در سال ۱۹۹۸ بنیان گذاشته شد و ۵۰۰ متخصص در ۸۰ کشور دنیا به آن مشاوره می‌دهند. این شرکت را بزرگترین موسسه مشاوره در امر ریسک سیاسی در دنیا به حساب می‌آورند. آنچه در پی می‌آید خلاصه‌ای است از مهم‌ترین نکات گزارش امسال اوراسیا.

موسسه تحقیقاتی اوراسیا طبق سنت سالیان اخیر خود در گزارشی که برای «سرمایه‌گذاران بین‌المللی، سران شرکت‌های بزرگ و افراد فعال در بازارهای جهانی» تهیه شده، ۱۰ ریسک مهم پیش‌روی آنها را مشخص کرده است. اوراسیا، موسسه مشاوره‌ای معتبر بین‌المللی در حوزه ریسک سیاسی

رفتارهای دولت چین تاثیر می‌گذارد و باعث می‌شود کلا تصمیمات محتاطانه‌تری در حوزه‌های اقتصاد و سیاست بین‌الملل اتخاذ کنند. فراموش نکنید که اقتصاد چین به اطلاعات اینترنت نیاز دارد و طبقه متوسط تحصیل کرده‌ای که در محل کار به اینترنت دسترسی دارند آن را در خانه هم طلب می‌کنند. در سال آینده باید منتظر برخورداری خشن دولت چین با فعالان مدافع آزادی بیان باشیم.

و مشخص است که ریسک در کدام دسته بالاست: توسعه یافته‌ها، همچنان در حال رشد، و بالاخره عقب‌گردکننده‌ها.

۲ تبعات اینترنت جهانی



حزب کمونیست چین که دومین اقتصاد بزرگ دنیا را در اختیار دارد بر رشد اقتصادی عظیم این کشور نظارت می‌کند. البته روند رشد سیاسی در این کشور بسیار کند است و دولت هنوز با بحث آزاد و آزادی بیان مشکل دارد، اما چین مثل کره شمالی نیست و گروه فزاینده‌ای از شهروندان آنلاین چینی در حال تجربه آزادی بیان هستند و روزبه‌روز بر تعدادشان افزوده می‌شود. چین همواره تلاش کرده ورود و خروج اطلاعات را تحت کنترل داشته باشد اما حالا شهروندان به کمک اینترنت می‌فهمند که شرایط کنونی باعث به وجود آمدن طبقه‌ای از سوپر ثروتمندان شده و در میان حاکمان کشور فساد سیاسی-اقتصادی دیده می‌شود. اولی باعث می‌شود دولت جلوی خصوصی‌سازی بیشتر بایستد و دومی باعث تنش‌های جدی خواهد شد. همین چند وقت پیش روزنامه‌نگاران «هفته‌نامه جنوبی» که مجله‌ای دولتی به حساب می‌آیند دست به اعتصاب زدند چرا که سانسورچی‌های دولتی مقاله‌ای را که خواستار اصلاحات شده بود تغییر داده و آن را به ستایش‌نامه حزب کمونیست تبدیل کرده بودند. چنین بی‌ثباتی‌هایی بر

۱ بازارهای در حال رشد، ریسک در حال رشد

در طول چهار سال گذشته به دلایل مختلف سپاسگذار بازارهای رو به رشد دنیا بوده‌ایم.



کشورهای توسعه یافته دنیا در رکود به سر می‌بردند و کشورهای در حال توسعه بودند که اقتصاد دنیا را به جلو می‌راندند. آمریکا، اروپا و ژاپن پولدار بودند اما رشد اقتصادشان کند بود و سرمایه‌گذاران از ورود به بازارهای رو به رشد راضی بودند. اما حالا چطور؟ رشد اقتصاد آمریکا قدرت گرفته و اروپا هم بدترین روزهایش را پشت سر گذاشته. حالا که وابستگی سرمایه‌گذاران به این بازارها کمتر شده، واقعیت‌های نه چندان زیبایی این کشورها نمایان شده. حالا ریسک در همین بازارهای رو به رشد بالا رفته است. چطور؟ درست است که رشد سریع کشورهای در حال توسعه عامل بخش قابل توجهی از فعالیت‌های اقتصاد جهانی است، اما این رشد را ثبات همراهی نکرده است. کشورهای در حال توسعه توانایی انجام اصلاحات ساختاری پیچیده‌ای را که پس از رکود و احیای ضعیف اقتصاد مورد نیاز است ندارند. عملکرد کشورهای بریکس (برزیل، روسیه، هندوستان، چین و آفریقای جنوبی) نشان می‌دهد که این کشورها نتوانسته‌اند همزمان با رشد اقتصادی به رشد سیاسی برسند و این جای نگرانی دارد. البته این بازارهای رو به رشد را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد

چین همواره تلاش کرده ورود و خروج اطلاعات را تحت کنترل داشته باشد اما حالا شهروندان به کمک اینترنت می‌فهمند که شرایط کنونی باعث به وجود آمدن سوپر ثروتمندان شده و در میان حاکمان کشور فساد سیاسی-اقتصادی دیده می‌شود

۳ تابستان عربی

بهار عربی سال ۲۰۱۱ دیکتاتورهای مصر، تونس و لیبی را سرنگون کرد اما نتوانست دموکراسی



را که شماری از ناظران انتظارش را می‌کشیدند که جهان عرب بیابرد. درواقع حالا درون زمستان عربی هستیم و سوریه درگیر جنگ داخلی خونباری شده است. در باقی نقاط هم، به‌خصوص در شمال آفریقا، جوامع عربی با چالش‌های افراط‌گرایی، فرقه‌گرایی فراینده، توسعه ضعیف اقتصادی و نبود رهبری ضعیف دست و پنجه نرم می‌کنند. به اعتقاد ما هرج و مرج در سوریه باعث افزایش بی‌ثباتی در عراق، اردن و ترکیه می‌شود و حتی ممکن است نقشه ژئوپلیتیک منطقه را دستخوش تغییر کند. در این میان بازیگران سنتی خاورمیانه مثل آمریکا به حاشیه رانده شده‌اند و تلاش بازیگران جدید برای افزایش نفوذ ادامه خواهد یافت.

مراقب ریسک‌ها هم باشید

نیست چرا که آنها به گرانی انرژی نیاز دارند تا بتوانند کشور را بچرخانند. این به علاوه باعث ایجاد ریسک دیگری می‌شود: عربستان سعودی در برابر عراق که از نزدیکان ایران به حساب می‌آید این دو کشور بر سر سهم بیشتری از بازار رقابت خواهند کرد و بعید به نظر می‌رسد که به خاطر طرف مقابل تولید خود را کاهش دهند. به هر حال این ریسک‌ها در سال ۲۰۱۳ جدی نخواهند بود.

کره شمالی

گاهی اوقات ما واقعا نمی‌دانیم چه چیزی قرار است رخ دهد. کره شمالی در سال ۲۰۱۳ دقیقاً همین طوری است. در کشوری که زیر فشار شدید اقتصادی قرار دارد حاکم ناگاهان تغییر کرده و رهبر جدید جوانکی ۲۸ ساله است که تجربه چندانی ندارد. و جالب اینجاست که اوضاع تاکنون خوب پیش رفته است. درواقع سال اول حضور او در قدرت خیلی بهتر از بقیه بوده است و او باعث شده حکومت عجیب و غریب کره شمالی کمی شفاف‌تر،

جاهای دیگری است: در سوریه، اردن، لبنان. همچنین مناقشه اسرائیل و فلسطین. البته ریسک ایران هم وجود دارد، اما کمتر از چیزی که بازارها فکر می‌کنند. و اگر چه عراق در سال ۲۰۱۳ تبدیل به ریسک سرمایه‌گذاری جدی‌تری می‌شود، اما این قرار نیست تاثیر جدی‌ای بر تولید نفت بگذارد. اینها را اضافه کنید به پیشرفت صنعت نفت و گاز در نیم کره غربی و کشف‌های اخیر ذخایر عظیم در این مناطق. از دید ما در طول چند سال آینده سوخت‌های فسیلی بیشتر در کشورهای توسعه یافته و همچنین بخش بابت‌تر کشورهای در حال توسعه تولید خواهند شد. این برای کشورهای نفت خیزی که درست مدیریت نمی‌شوند - مثل روسیه و ونزوئلا - خبر خوشی

در این میان، چندین مسئله حواس‌پرت کن وجود دارند که ممکن است ریسک به نظر برسند اما ریسک نیستند و ریسک‌نا به حساب می‌آیند. مهم‌ترین ریسک‌نماهای ۲۰۱۳ عبارتند از:

نفت و جنگ

خاورمیانه در حال انفجار است. در طول ۳۰ سال گذشته هر بار که این جمله را شنیده‌اید به این معنا بوده که قرار است بهای انرژی بالا رود. در دنیای پس از جنگ، در هیچ منطقه‌ای اینچنین ریسک سیاسی را با بهای نفت مرتبط ندانسته‌اند. با این همه در سال‌های آینده اکثر ریسک‌های سیاسی خاورمیانه اصلاً ربطی به تولیدکنندگان نفت منطقه نخواهند داشت. ریسک‌ها در

۴

ناکار آمدی به سبک واشنگتن

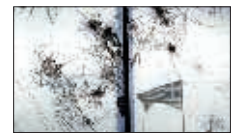


امسال قرار است سال خوبی برای ایالات متحده باشد، تولید نفت و گاز در داخل بالا خواهد رفت و

رونق در بازار مسکن می تواند باعث جان گرفتن روند رشد اقتصاد شود. اما همان طور که در ماه های پایانی سال ۲۰۱۲ دیدیم سیاست در ایالات متحده به ابزاری ناکارآمد تبدیل شده و توافقات کنگره و کاخ سفید همیشه در بدترین زمان و به بدترین و پرضررترین شکل انجام می گیرد. نمی گوئیم که سیاستمداران آمریکایی باعث آغاز دوباره رکود می شوند، اما سال ۲۰۱۳ سال تردیدهای سیاسی است و به خصوص بی تصمیمی در حوزه مهمی مثل مالیات بر درآمد شرکت ها باعث صدمه به روند رشد می شود. به هر حال اوباما بیشتر ادای فراجحاحی بودن را در می آورد و زیاد به توافقی با جمهور یخواهان اعتقاد ندارد.

۵

بی قراری اروپایی



درست است که یورو از بین نرفت و منطقه یورو توانست با سیاستی کُردار و مریز جان سالم به در برد،

اما این به معنای آن نیست که حالا اتحادیه اروپایی به وجود آمده که حضور در آن برای همه اعضا خوب است. بزرگترین خطری که در سال ۲۰۱۳ این اتحادیه را تهدید می کند فراموشکاری سیاستمداران اروپایی است. آنها حالا که تقریباً خطر اصلی را پشت سر گذاشته اند عزم و انرژی برای ایجاد چارچوب های سازمانی و سیاست گذاری اتحادیه اروپای جدید را از دست می دهند. به نظر نمی رسد رای گیری های پیش رو در ایتالیا و آلمان به روی کار آمدن سیاستمدارانی منجر شود که بخواهند وضع موجود را تغییر دهند. دورنمای اقتصادی ضعیف، افزایش تردید نسبت به یورو و مقاومت در برابر اصلاحات باعث می شود سرمایه گذاران همچنان نسبت به ورود به بازار اروپایی میل باشند.

۶

اوضاع خراب انگلیس، ژاپن و اسرائیل



انگلیس، ژاپن و اسرائیل جزء شرکای اصلی ایالات متحده در سال های گذشته بودند، اما حالا اوضاع

تغییر کرده، سه روند جهانی باعث شده این سه جزء بازنده ها به حساب بیایند: اتحادیه اروپا فقط به دنبال بقاست، چین قدرت گرفته و مردم خاورمیانه علیه حاکمان غربی قیام کرده اند. به علاوه رابطه نزدیک با ایالات متحده به اندازه قبل مساله مهم و تاثیر گذاری به حساب نمی آید. این سه حکومت حالا بدون پشتیبانی اصلی خود مجبورند با واقعیت های سرد دنیای جدید روبرو شوند. در این میان انگلیس با دشواری های دیگری هم روبروست و آرام آرام از صحنه سیاست جهان محو می شود.

۷

جنگ سرد ایران و آمریکا



در سال ۲۰۱۳ شاهد مواجهه نظامی میان ایران، اسرائیل و آمریکا نخواهیم بود در عوض طرفین به جنگ سرد شدیدی علیه یکدیگر روی خواهند آورد. ریسک تمامی شرکت کنندگان در این جنگ بالاست و ممکن است این روند به افزایش بهای نفت بیانجامد. منتظر حملات سایبری طرفین به یکدیگر باشید.

۸

ژئوپلیتیک آسیایی



به طور سنتی، دو ریسک بزرگ ژئوپلیتیکی در شرق آسیا برنامه اتمی کره شمالی بود و احتمال تنش بر سر تنگه تایوان. اما این مناقشه ها حالا کهنه هستند و ریسک جدی به حساب نمی آیند. در عوض چین و ژاپن روبروی هم قرار گرفته اند چین درباره جزایر مورد مناقشه دو طرف تهاجمی تر شده و به حملات به کسب و کارهای ژاپنی

۹

هندی که اصلاح نشد



قرار بود هند با آن رشد خیره کننده اقتصادی اش به نمونه تازه ای در موفقیت آسیایی ها مبدل شود.

اما حزب حاکم کنگره دو مشکل دارد: هم باید در انتخابات پیروز شود و هم ائتلافی را رهبری می کند که علاقه چندانی به برنامه اصلاحی مانموهان سینگ ندارند. پس در سال ۲۰۱۳ شاهد اوج گیری انتقادات از حزب هستیم که از دید شمار زیادی از مردم فاسد به حساب می آید و احتمالاً دولت هم تصمیم می گیرد به جای تلاش برای آغاز اصلاحات بنیادین، به سیاست های عوام گرایانه کوتاه مدت روی بیاورد.

۱۰

آفریقای جنوبی ناآرام



سال ۲۰۱۴ سال انتخابات است پس در سال ۲۰۱۳ جاکوب زوما، رئیس جمهور پوپولیست و حزب

حاکم «کنگره ملی آفریقا» اصلاحات ارضی را گسترش خواهند داد و پول بیشتری را از صنعت عظیم معادن آفریقای جنوبی استخراج می کنند. جالب اینجاست تنش هایی که باعث اعتصاب معدن چیان و پس از آن حمله مرگبار دولت به اعتصاب کنندگان شد هنوز حل نشده و در سال ۲۰۱۳ باید شاهد اعتراضات بیشتر باشیم. البته در حوزه کشورهای جنوب صحرای آفریقا - به جز آفریقای جنوبی و نیجریه - شاهد قدرت گیری طبقه متوسط و افزایش سریع رشد اقتصادی خواهیم بود. پس اوضاع در آفریقا مثل آفریقای جنوبی خیلی بد نیست.

رفتن بحران اقتصادی شود.

افراط گرایی در جهان توسعه یافته

شکاف میان فقیر و غنی، به خصوص در ایالات متحده، در حال افزایش است. طرح های ریاضت اقتصادی بر مردم اروپا فشار می آید و ژاپن وارد سومین دهه رکود خود می شود. همه اینها باید باعث آغاز جنگ طبقاتی شود. درست است؟ نه. درست به همان دلیلی که بازارهای رو به رشد دنیا به مهم ترین ریسک فهرست ما تبدیل شده اند، دموکراسی های توسعه یافته صنعتی در سال ۲۰۱۳ سال پرنیاتی را خواهند گذراند. اصولاً دموکراسی های پیشرفته شاید دوره های بی ثباتی را تجربه کنند اما ماجرا به سقوط یک دولت و چند تظاهرات محدود خواهد ماند. سازوکارهای تغییر دموکراتیک جلوی کور شدن گره مشکلات جامعه را می گیرد. جالب اینجاست که همین مشکلات در یک دیکتاتوری می تواند باعث سقوط حکومت و آغاز جنگ داخلی شود.

و بارها درباره خطرات ظهور دوباره اقتصاد حمایتی شنیده ایم و اقتصاددانان لیبرال نسبت به خطرات آن هشدار داده اند. در اجلاس جهانی گروه ۲۰ کشور صنعتی در سال ۲۰۱۲، رهبران جهان فقط و فقط درباره خطرات اقتصاد حمایتی حرف می زدند و خواستار برخورد جهان با این روند بودند. اما در سال ۲۰۱۳ خبری از این روند نیست و به نظر می رسد کشورهای برای خروج از بحران به روابط بازتر اقتصادی با یکدیگر امید بسته اند. توافقتنامه مشارکت اقتصادی استراتژیک دو سوی اقیانوس آرام (TPP) ابتدا میان برونی، شیلی، سنگاپور و نیوزلند منعقد شد اما در طول سال های اخیر مذاکرات برای ورود اعضای جدیدی به آن آغاز شده و قرار است کشورهای آمریکا، کانادا، استرالیا، پرو، ویتنام، مالزی و مکزیک به آن بپیوندند. در اتحادیه اروپا هم این اتفاق نظر وجود دارد که توافق بر سر همکاری های گسترده اقتصادی با کشورهای آن سوی اقیانوس اطلس می تواند باعث از بین

کمی متوازن تر و حتی کمی پرنیات تر باشد. چطور کیم جونگ اون ناشناخته و کم تجربه توانسته چنین کاری بکند؟ آیا او صادقانه رفتار می کند یا همه اینها نمایش است؟ آیا اصلاً می تواند چنین روندی را ادامه دهد؟ صادقانه باید بگوئیم که نمی دانیم. و البته هیچ کس دیگری هم نمی داند. درواقع نمی توان فهمید که آیا کره شمالی واقعاً دارد به سمت ثبات پیش می رود یا نه و در چنین صورتی آیا سیاستمداران کره جنوبی می توانند با خیال راحت تری با همسایه شمالی شان سروکله بزنند یا نه. هر طور که به کره شمالی نگاه می کنیم این حس به ما دست می دهد که با کشوری پر ریسک روبرویم. اما چه چیزی باعث دردمس می شود و اصلاً این دردمس چه زمانی رخ می دهد؟ ما چیزی نمی دانیم و شما هم نمی دانید. پس فعلاً بهتر است نگرانش نباشیم.

مرزها و تجارت آزاد

از زمان آغاز بحران مالی دنیا در سال ۲۰۰۸ بارها

به انتخاب موسسه پژوهشی و اقتصادی بلومبرگ

پیش‌بینی آینده سال ۲۰۱۳ از نگاه اقتصاددانان و دیگران

پس‌انداز دولت مرکزی امریکا

«کسب و کار که طی بحران در حاشیه قرار گرفته بود، حالا تمرکزش بر بقا و رونق قرار گرفته و با امیدواری، دوران نجات و گذران ایام را سپری می‌کند. برای همین هم دولت فدرال می‌خواهد خودش را بسیار پیگیر و ثابت قدم نشان دهد. اگر سال پیش رو همه با هم برای رشد بیشتر متحد شوند، چه‌بسا موجب سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیشتری شوند.»

جولیا کورونادو
بی.ان.پی. پارلیاس
اقتصاددان ارشد در بانک بین‌المللی فرانکفورت

نرخ مالیات فرانسه

«من اینجا را ترک می‌کنم. برای اینکه شما فکر می‌کنید که موفقیت، خلاقیت، استعداد، و هر چیز متفاوتی را باید تحریم کنید. من فرانسه را پس از پرداخت مالیات ۸۵ درصدی بر درآمد در سال ۲۰۱۲ ترک می‌کنم. جرارد دیاردیو/ بازیگر فرانسوی در توضیح علت نقل مکانش به بلژیک

سیاست ایتالیایی

«وقتی مردم به من نیاز دارند، از فعالیت کناره‌گیری نمی‌کنم.»

سیلیو برلوسکونی
نخست‌وزیر پیشین ایتالیا که در انتخابات سال ۲۰۱۳ کاندید خواهد بود.

هزینه‌های زیربنایی ایالات متحده

«تقاضای انباشته فراوانی برای سرمایه‌گذاری وجود دارد که سال پیش رو به گمان ما آزاد خواهد شد. کسب‌وکار با پیش‌بینی پرتگاه مالی پروژه‌های زیربنایی به تأخیر انداخت و سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی به ویژه در شش ماه آخر سال ۲۰۱۲ بسیار ضعیف‌تر از هروقتی در طول دوران بهبود پس از بحران اقتصادی بوده است. بنابراین تنها یک راهکار سیاسی یا چیزی مثل برخورد روشن با آینده، می‌تواند چشم‌خوبی را در سرمایه‌گذاری زیربنایی پس از آغاز سال نو ایجاد کند.»

جان هتزیوس
اقتصاددان ارشد، گلدن ساکس

هند

«آماج کسری بودجه از بین خواهد رفت. رشد کندتری دارید، درآمدها کمتر است، و هنوز میزان بالایی از یارانه‌های سوخت و انرژی دارید که از هزینه‌های دولت به شمار می‌رود. در ۲۰۱۴ انتخاباتی برگزار خواهد شد و بنابراین همواره این خطر وجود دارد که در آینده اقداماتی پوپولیستی انجام شود و کسری بودجه را افزایش دهد.»

مدیر عالی رتبه موسسه Fitch Ratings
آرت وو
در هنگ کنگ

رشد تولید ناخالص ملی: شانس با آسیا

۰/۵٪	اتحادیه اروپا
۱/۵٪	اقتصاد جی هفت
۳/۶٪	خاور میانه و شمال آفریقا
۳/۹٪	امریکای جنوبی و مرکزی
۵/۷٪	کشورهای جنوب‌محرای آفریقا
۷/۲٪	کشورهای در حال توسعه آسیا

پیش‌بینی اقتصادی انگلستان

«رشد اقتصادی سال پیش رو کم و بیش صفر خواهد بود.»

مایکل ساندرز
اقتصاددان موسسه سیتی ریسرچر در لندن

خانه‌سازی در ایالات متحده امریکا

«تابستان ۲۰۱۱ به صورت افراطی با خانه اختیار کردن مواجه بودیم. به همین سادگی تقاضا بیشتر از عرضه شد. بر خلاف کشورهای توسعه‌یافته دیگر، ما هنوز مردمانی داریم که تشکیل خانواده می‌دهند و تولید مثل می‌کنند. محرک بزرگ این تقاضای انباشته جوانان بالغانی هستند که می‌خواهند خانه‌هایشان را ترک کنند. این در حالیست که تعداد خانه‌های ساخته شده کم‌گزارش شده، یعنی اعتبار از موجودی بالا زده. بنابراین خیلی از خودمان راضی نباشیم. نگرانی من بیش از حد است.»

ایوی زلمان
شرکت زلمان و شرکا

استخدام موقت

«کم‌کم مشاهده می‌کنم شرکت‌های امریکایی بیشتر هزینه می‌کنند و کمی بیشتر دست‌به‌ریسک‌تر می‌شوند. لطفاً تمام فناوری اطلاعات، مهندسی، دانشمندان، تکنیسیان‌های آموزش دیده، و مکانیک‌هایی را که دارید به من بسپارید. در اروپا عدم اطمینان سبب توقف هر نوع حرکتی شده است. در مکزیک، برزیل، و چین هم فشاری رو به پایین وجود دارد. به هیچ وجه سال ۲۰۱۳ را سالی درآمزا نمی‌بینم.»

مدیر عامل شرکت کلی سرویس
کارل کمدن

تنش چین و ژاپن

«روشن است که چین می‌خواهد شرایط موجود را با توسل به زور واژگون کند. آیا چین می‌خواهد مناسب‌تشی با ژاپن را به مرحله بدون بازگشت برساند؟»

بیانیه وزارت امور خارجه ژاپن

اصلاحات چینی‌ها

«شی جین پینگ نشان داده که می‌خواهد همه چیز را دگرگون کند. و ملت با یک میلیارد تلفن همراه، اصلاحات او را تماشا می‌کنند.»

رابرت لارنس کوهن
نویسنده کتاب رهبران چین چگونه فکر می‌کنند.

بانکداران مرکزی

«دفاع از اقتصاد بازار در میان افراد زیادی که از بحران اقتصادی رنج بردند با چالش بزرگتری مواجه است. ویلیام مک چسپی مار تین، وقتی با کانون اقتصادی نیویورک در سال ۱۹۵۷ صحبت می‌کرد، سخنی به یاد ماندنی گفت: مردم می‌پرسند آیا جشن و شادی ارزش رنج و مصیبت را داشت؟ به خصوص وقتی که محنت و بدبختی میلیون‌ها نفری را بیشتر آزار می‌دهد که در این جشن و شادمانی نیز در ردیف اول ننشسته‌اند؟»

ماروی کینگ
مدیرعامل بانک انگلیس

آفریقا

«آفریقا همچنان در این مسیر است که تولید ناخالص ملی خود را هر دهه دو برابر کند. این دهه، دهه سرمایه‌گذاری زیربنایی در آفریقا خواهد بود.»
اقتصاددان ارشد موسسه رنسانس کاپیتال

چارلز ابر تسون

فشار انرژی روسیه

«وضعیت کنونی روسیه خوب است اما نظام آنها در دو سه سال آینده در جاده‌ای لرزان حرکت خواهد کرد. آنها ظرف یک دهه با قیمت‌های بالای سوخت و انرژی تاخته‌اند، اما با ورود نفت و گاز جدید از هر طرف، قیمت‌ها افت خواهد کرد. این وضعیت، منافع گاز پروم را از میان خواهد برد. آنها نگران صادرات گاز طبیعی امریکا به اروپا هستند. دوران روسیه به عنوان یگانه تامین کننده منابع انرژی اروپا به سر می‌رسد.»

پژوهشگر ارشد موسسه اقتصاد بین الملل پیتر سون
آندرس آسلوند

اندونزی

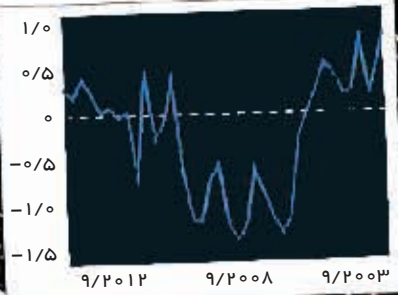
«آنچه هم‌اکنون برای اندونزی اهمیت دارد چین است و هزینه‌های داخلی چینی‌ها.»
اقتصاد دان ارشد در مدیریت سرمایه گذاری شرکت آی‌ان‌جی سنگاپور

چین

«چین می‌داند که باید با تغییر از سمت مصرف‌گذاری بلندمدت به سمت متعادل‌تر کند. آنها سال آینده گامی حیاتی به این سمت خواهند برداشت که سبب کندی رشدشان مجبورند که شیر اعتبارات را ببندند که این امر برای موسسات و سرمایه‌گذاری‌های دولتی بسیار سخت خواهد بود چرا که آنها به آنچه در اصل سرمایه‌ای مجانی بوده به رشد وابسته شده‌اند. چین به جایی رسیده است که رشد سرمایه‌گذاری و اعتبار دیگر نه تنها برایش ارزش نیست، که نابود کننده است.»

استاد اقتصاد دانشگاه پکینگ
مایکل بیتس

خانه‌سازی چه میزان به رشد تولید ناخالص ملی امریکا اضافه می‌کند؟ (به درصد)



آزانتین

«سرمایه‌گذاران پیش از این سوخته‌اند، اما فکر می‌کنم روزهای بدش از آنتین را پشت سر گذاشته است چون فکر نمی‌کنم آنها دیگر چیزی برای از دست دادن داشته باشند.»
اقتصاد دان ارشد موسسه بی‌سی‌بی سکوری تیز

نسبت اعتبار در چین به تولید ناخالص ملی



نگاه خوش‌بینانه به آسیای شرقی

«انتظار داریم سه ماهه پایانی سال ۲۰۱۲ خیلی خوب باشد. که سپس به سالی بسیار قوی منجر شود.»
اقتصاد دان ارشد بانک جهانی در آسیای شرقی

اشتغال در امریکا

«تا اندازه زیادی بسته به این است که با چه تعجیل و سرعتی مردم بخواهند خودشان از شرایط محرومیت کارگران خارج شوند. امری که می‌تواند نرخ بیکاری را به میزان زیادی پایین بیاورد بدون بهبود شدید رشد اشتغال. اقتصادی پایدار نسبت به یک اقتصاد ضعیف مدت طولانی‌تری میزان نرخ بالای بیکاری را تحمل می‌کند. چرا که در اقتصاد قوی و پایدار مردم این سو و آن سو سرگ می‌کشند و دنبال کار می‌گردند. اما به یاد داشته باشید، نرخ بیکاری علامتی منفی و نشانی از پایدار نبودن اقتصاد است.»

جیمز گالبرایت
اقتصاد دان، دانشگاه تگزاس

شینزو آبه، نخست‌وزیر ژاپن

«شینزو آبه حین دویدن به زمین خواهد خورد. او برای حرکت دادن اقتصاد از حالت رکود می‌تواند موافقت عمومی را برای هزینه کردن یک بسته مشوق ۱۰ تریلیون ینی (۱۲۰ میلیارد دلاری) برای سرمایه‌های زیربنایی به دست آورد، اما این کار سبب افزایش بدهی‌های انبوه ژاپن خواهد داد. البته پس از ۲۰۰ درصد افزایش تولید ناخالص ملی، ۱۰ تریلیون ینی دیگر چه اهمیتی دارد؟»
جف کینگسون/ مدیر مطالعات آسیایی، دانشگاه تمپل

قیمت نفت

«منتظر پایین آمدن بیشتر تقاضا و افزایش عرضه باشید. امریکا مشخصاً شش دوره سه ماهه داشته که تولید نفت خام کاهش یافته است. واقعیت این است که امریکا در زمینه افزایش و تقاضایش می‌رسد و همین‌طور انرژی به بهره‌وری بیشتری می‌رسد. داده‌ها نشان می‌دهد امریکا روزانه ۶٫۹ میلیون بشکه نفت تولید می‌کند یعنی ۱۶ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۱. نرخ این تولید هم به سمت کندی شدن نیست.»
تیم اوانز
تحلیل گر انرژی

چرخ صنایع به نفع چه کسانی می چرخد؟

هر آنچه برای پیش‌بینی فضای کسب و کار در سال ۲۰۱۳ باید بدانیم

از انرژی و خودروسازی گرفته تا صنایع غذایی و ساختمان‌سازی. اگر می‌خواهید وضعیت کسب و کارتان را در سال آینده در مقیاسی کلان‌تر ببینید این گزارش را بخوانید.

فضای تجاری در سال ۲۰۱۳ چگونه خواهد بود؟ می‌خواهید در کسب و کار تازه‌ای سرمایه‌گذاری کنید؟ یا می‌خواهید کسب و کار کنونی‌تان را گسترش بدهید؟ پیش‌بینی وضعیت ۱۸ صنعت در سال ۲۰۱۳ پیش روی شماست:

صنایع مخابراتی

صنعت تلفن‌های همراه در سال ۲۰۱۳ وارد مرحله اشباع می‌شود یعنی به تعداد ساکنان کره زمین مشترک تلفن همراه وجود خواهد داشت. البته این به خاطر صاحبان چندین گوشی و حساب‌های بی‌استفاده خواهد بود و گرنه هنوز تمامی ساکنان زمین تلفن همراه ندارند و نخواهند داشت. به هر حال اپراتورهای مخابراتی راه‌های تازه را پیدا خواهند کرد تا از مشتریان کنونی پول بیشتری بگیرند چرا که اضافه کردن مشترکان جدید دشوارتر از گذشته شده است. در سال ۲۰۱۳ درآمد جهانی خدمات تلفن‌های همراه حدود ۴ درصد رشد خواهد داشت و این نسبت به سال ۲۰۱۲ رشد خوبی را نشان می‌دهد. با این حال میزان سود چنین افزایشی نخواهد داشت چون در بخش تماس‌های صوتی شاهد افول خواهیم بود و بخش جذاب برای مشتریان استفاده از اینترنت در موبایل‌ها خواهد بود و این نیازمند سرمایه‌گذاری‌های فراوان است. در سال ۲۰۱۳ حدود ۴۰ درصد درآمد شرکت‌های ارائه دهنده خدمات تلفن‌های همراه مربوط به بخش‌های مربوط به دیتا و اینترنت است و نسبت به پنج سال دو برابر شده است. نسل چهارم شبکه‌های پرسرعت در سال ۲۰۱۳ گسترش خواهد یافت و بیشترین رشد را در برزیل، چین و انگلیس خواهیم دید. فروش تلفن‌های همراه هوشمند (اسمارت فون‌ها) در سال ۲۰۱۳ حدود ۳۰ درصد رشد خواهد داشت و این یعنی نیمی از تلفن‌های همراه فروخته شده هوشمند خواهند بود. شرکت سامسونگ که در حال حاضر بزرگ‌ترین فروشنده تلفن‌های همراه در دنیا به حساب می‌آید حدود ۱۰۰ میلیون تلفن بیشتر از شرکت آمریکایی اپل خواهد فروخت که در رتبه دوم به لحاظ تعداد

قرار دارد، اما اپل که تلفن‌های گران قیمت آیفون را می‌فروشد حدود ۱۰ میلیارد دلار بیشتر از سامسونگ خواهد فروخت. به هر حال این دو شرکت هستند که بازار تلفن‌های همراه را در اختیار خود دارند و سال ۲۰۱۳ سال آنها خواهد بود.

سفر و گردشگری

تحلیلگران امیدوار بودند سال ۲۰۱۲ سال اوج دوباره صنایع مربوط به مسافرت و گردشگری باشد اما اینگونه نشد و حالا هیچ کس انتظار خاصی از سال ۲۰۱۳ ندارد. براساس پیش‌بینی موسسه مشاوره‌ای «اقتصاد توریزم» - واقع در انگلیس - شمار توریست‌هایی که سفرهای خارجی می‌روند در سال ۲۰۱۳ حدود ۳ درصد افزایش می‌یابد (در سال ۲۰۱۲ این افزایش کمتر از ۲ درصد بود). در این صنعت هم مثل اکثر صنایع، در سال ۲۰۱۳ اوضاع ضعیف و رکود اروپا را همراه با نشاط و رشد در آسیا داریم. در این میان میزان تجار مسافر رشد بیشتری خواهد داشت و آنها بیشتر از مردم عادی و توریست‌ها پول خرج خواهند کرد، اگر چه شرکت‌ها در سال ۲۰۱۳ هم صرفه‌جویی خواهند کرد و بودجه زیادی را به سفر اختصاص نخواهند داد. پریشانی‌های شرکت‌های هواپیمایی در سال ۲۰۱۳ هم ادامه خواهد یافت و این شرکت‌ها امسال هم سود اندکی خواهند برد. انبارهای شرکت‌های هواپیماسازی پر است و در سال ۲۰۱۳ پرتر خواهد شد چرا که مسافر کم است و میزان رشد تعداد پروازهای خطوط هوایی بسیار ضعیف و خطوط هوایی مجبورند بلیت‌های خود را با تخفیف بفروشند. هتل‌های لندن که به خاطر المپیک تابستانی روزهای خوبی را گذراندند در سال ۲۰۱۳ نسبت به سال ۲۰۱۲ حدود ۷ درصد کاهش

سود خواهند داشت. درآمد هتل‌های آمریکایی هم رشدی ۶ درصدی را شاهد خواهد بود که از دو سال گذشته کمتر است. ساخت‌وساز بی‌سابقه هتل در چین و هند توسط برندهای جهانی باعث شده که با وجود افزایش تقاضا، بهای اتاق افزایش پیدا نکند. در برزیل هم ساخت هتل‌ها برای جام جهانی فوتبال ۲۰۱۴ و المپیک تابستانی ۲۰۱۶ آغاز شده، اما آنها کمی دیر به فکر افتاده‌اند و این یعنی افزایش بهای کرایه‌های اتاق‌ها. در سال ۲۰۱۳ کرایه اتاق‌ها در هتل‌های برزیلی حدود ۱۴ درصد افزایش خواهد داشت.

خودروسازی

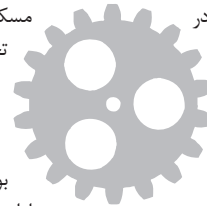
فروش جهانی خودرو در سال ۲۰۱۳ رشد خوبی خواهد داشت و ۶۰ درصد آن در چین و آمریکا خواهد بود. احیای صنعت خودروسازی آمریکا امسال هم ادامه خواهد یافت و آنها رشدی ۷ درصدی خواهند داشت. رشد صنعت خودروسازی در چین حدود ۸ درصد خواهد بود. اوضاع خوب خودروسازی در چین و آمریکا به اضافه بازارهای رو به رشد دنیا باعث شده که در سال ۲۰۱۳ میزان فروش جهانی خودرو حدود ۵ درصد رشد داشته باشد. (رشد فروش خودرو در سال ۲۰۱۲ هم ۵ درصد بود). در سال ۲۰۱۳ هندوستان، روسیه و آلمان دیگر بازارهای اصلی خودرو در جهان به حساب می‌آیند. در این میان جنوب چین به یکی از قطب‌های تولید خودرو تبدیل خواهد شد. در سال ۲۰۱۳ شرکت‌های فولکس واگن و بی‌اس‌ای پژو سیتروئن - دو خودروساز اصلی اروپا - کارخانه‌های عظیم تازه‌ای را در این منطقه افتتاح خواهند کرد. در سال ۲۰۱۳ منتظر مدل‌های جدید گروه خودروسازی فیات - کرایسلر باشید که نوستالژی



دوران اوج ماشین‌های آمریکایی را زنده خواهد کرد. منظر دوج‌ها، جیپ‌ها و الفاروموتوهای تازه باشید. برای فیات، غول خودروسازی ایتالیا، موفقیت در بازار آمریکا حیاتی به حساب می‌آید، چرا که اوضاع در خانه اصلا مساعد نیست.

صنایع شیمیایی

اصولا وضعیت صنعت محصولات شیمیایی به عنوان مهیاکننده مواد اولیه بسیاری از فعالیت‌های صنعتی، به وضعیت رشد کلی اقتصاد دنیا بستگی دارد و در سال ۲۰۱۳ هم شاهد چنین روندی خواهیم بود. این دو معنا دارد: اوضاع نسبت به سال‌های گذشته کمی بهتر خواهد بود و البته ساختارهای این صنعت در حال تغییر است. وضعیت دلار و اوضاع نامساعد اقتصاد آمریکا باعث شده این کشور دوباره برای کارخانه‌ها جذابیت پیدا کند - یعنی تولید در این کشور ارزان‌تر شده است - و در سال ۲۰۱۳ چندین شرکت بزرگ شیمیایی آمریکایی کارخانه‌های خود در دیگر نقاط دنیا را تعطیل می‌کنند و در ایالات متحده کارخانه باز می‌کنند.



فضای تجاری

رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۱۳ کند خواهد بود و نابرابر و پر از ریسک. مشخص‌ترین این ریسک‌ها بحران بدهی‌های دولتی در منطقه یورو است که رشد شرکت‌های محلی و کشورهایی را که به صادرات به این منطقه وابسته‌اند محدود می‌سازد. واحد اطلاعات اکونومیست انتظار دارد که اقتصاد دنیا حدود ۳.۵ درصد رشد داشته باشد (در مقایسه با رشد ۳.۱ درصدی اقتصاد دنیا در سال ۲۰۱۲). با وجود اینکه منطقه یورو در سال ۲۰۱۳ از رکود بیرون می‌آید اما رشد اقتصاد در این منطقه بسیار پایین خواهد بود. فعالیت اقتصادی در آمریکا و ژاپن کم رقی خواهد بود و دلیل اصلی آن سیاست‌های مالی دولت خواهد بود. شرکت‌ها در جهان توسعه یافته در سال ۲۰۱۳ بیشتر با ریسک روبرو خواهند شد تا فرصت، به همین خاطر هم در هزینه‌ها محتاط خواهند بود هم در استخدام نیروی جدید. چین پس از چند فصل رشد پایین - البته پایین با معیارهای چین - چندین بسته محرک مالی به اقتصاد تزریق کرد و ثمره آن را در سال ۲۰۱۳ خواهد دید. در این میان پروژه‌های عظیم زیرساختی در چین بر اقتصادهای استرالیا، کاندا، آمریکای لاتین و چند جای دیگر که مواد خام چین را تامین می‌کنند تاثیر خواهد گذاشت. بازرگانی بین المللی در سال ۲۰۱۳ حدود ۴.۶ درصد رشد خواهد داشت که بهتر از سال قبل است اما همچنان پایین‌تر از سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ به حساب می‌آید. در سال ۲۰۱۳ دولت‌ها بیشتر از قبل سیاست‌های حمایت از تولیدات داخلی را در پیش خواهند گرفت و این به ضرر شرکت‌های بین‌المللی خواهد بود.

املاک

در سال ۲۰۱۳ به جز در اقتصادهای مریض منطقه پیرامونی یورو، نشانه‌های زندگی در بازارهای مسکن در دیگر نقاط دنیا دیده خواهد شد. بهای خانه در آمریکا

حدود ۳ درصد افزایش خواهد داشت (در سال ۲۰۱۲ این افزایش فقط ۱ درصد بود). به علاوه خرید خانه جدید به کمک وام مسکن به بالاترین حد خود از سال ۲۰۰۰ تاکنون خواهد رسید. بر اساس پیش‌بینی «مرکز پژوهش‌های تجاری و اقتصادی» قیمت خانه در بریتانیا هم در سال ۲۰۱۳ حدود ۲ درصد بالا خواهد رفت. در آسیا میزان افزایش بهای مسکن به اندازه سرعت رشد اقتصاد نخواهد بود و این را باید به حساب تلاش دولت‌ها برای کنترل قیمت‌ها گذاشت که سعی دارند افزایش قیمت سریع سال‌های اخیر را جبران کنند. اوضاع بی سروسامان اعتبار و وام‌های بانکی در آمریکای لاتین هم احتمالا در سال ۲۰۱۳ بازار حیایی مسکن به وجود خواهد آورد. در حوزه املاک تجاری، سرمایه‌گذاران می‌توانند میزان سود سالانه ۶ تا ۸ درصدی را در چند سال آینده انتظار داشته باشند. البته اوضاع در برخی از نقاط دنیا بهتر خواهد بود: املاک صنعتی در آسیا، دفاتر شیک اداری در شمال اروپا و بلوک‌های آپارتمانی در شهرهای ساحلی آمریکا.

غذا و کشاورزی

در سال ۲۰۱۳ بهای محصولات کشاورزی پایین می‌آید، اما نه خیلی پایین. در نتیجه بهای چندین محصولات کلیدی به خصوص گندم همچنان به حد تقریبی بی‌سابقه‌ای بالا می‌ماند. به خاطر افزایش قیمت‌ها، انتظار می‌رفت که تولید در سال‌های اخیر بالا برود، اما خشک سالی در ایالات متحده، استرالیا و اروپای شرقی تولید گندم و سویا باعث محدودیت در تولید شد. به همین خاطر در سال ۲۰۱۳ انبارها پر نیستند و در صورتی که وضعیت آب و هوا در فصول حساس خراب شود احتمال افزایش شدید قیمت‌ها وجود دارد. در این میان چرخه آب و هوایی آل‌نینو هم در سال ۲۰۱۳ رخ خواهد داد و اگر ناهنجاری‌های آن به شدت سال ۲۰۰۹ باشد میزان تولید کشاورزی در آسیا کاهش خواهد یافت. در سال ۲۰۱۳ میزان مصرف جهانی پروتئین حدود ۳ درصد افزایش خواهد یافت که دلیل اصلی آن افزایش گوشت‌خواری در بازارهای رو به رشد است. میزان مصرف گوشت در ایالات متحده اما بیش از ۲ درصد کاهش خواهد داشت و به اندازه‌ای خواهد رسید که از سال ۱۹۹۰ تاکنون سابقه نداشته است. در این میان هندوستان به بزرگترین صادرکننده گوشت گاو دنیا مبدل خواهد شد.

رسانه‌ها و تبلیغات

با وجود آنکه در سال ۲۰۱۳ بر خلاف سال ۲۰۱۲ شاهد رویداد بزرگ خبری مثل المپیک یا انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نخواهیم بود میزان هزینه‌ای که صرف تبلیغات می‌شود ۴.۵ درصد رشد خواهد داشت. (این رشد در سال ۲۰۱۲ نسبت به سال قبل ۳.۸ درصد بود). هزینه‌های تبلیغات در آمریکای لاتین بیشتر از باقی قاره‌ها خواهد بود و آنها رشد عالی ۱۰ درصدی را خواهند داشت. تبلیغات اینترنتی در این میان شاهد رشدی ۱۵ درصدی خواهد بود که ۳ برابر سریع‌تر از رشد تبلیغات در دیگر حوزه‌ها است. در سال ۲۰۱۳ حدود یک پنجم کل هزینه‌های تبلیغاتی

صرف تبلیغات اینترنتی خواهد شد. شرکت‌های تبلیغاتی تلاش خواهند کرد تا در شبکه‌های اجتماعی مثل فیس‌بوک و توئیتر حضور جدی‌تری داشته باشند و «دوست» خریداران احتمالی شوند. هزینه کردن در این حوزه هم ۳۱ درصد رشد خواهد داشت. در این میان برای اولین بار مقدار پولی که صرف تبلیغات آنلاین می‌شود از پولی که صرف تبلیغات در روزنامه‌های چاپی می‌شود فزونی می‌گیرد. میزان آگهی‌های رسانه‌های چاپی برای سومین سال پیاپی کمتر خواهد شد و به همین خاطر روزنامه‌ها و مجلات بیشتری متوجه خواهند شد که درآمدهای حاصل از اشتراک آنها بیشتر از درآمدهای تبلیغاتی‌شان شده است. کاهش تبلیغات به معنای کاهش بودجه رسانه‌های چاپی و حرکت سریع‌تر آنها به سمت اینترنت خواهد بود.

انرژی

مصرف جهانی انرژی در سال ۲۰۱۳ حدود ۳ درصد افزایش خواهد داشت. (در سال ۲۰۱۲ هم شاهد چنین رشدی بودیم). البته تولید و مصرف گاز طبیعی آهنگ سریع‌تری خواهد داشت: مصرف جهانی گاز طبیعی در سال ۲۰۱۳ حدود ۴ درصد افزایش خواهد یافت که این روند ۳ برابر سریع‌تر از نفت است. در سال ۲۰۱۳ عرضه نفت بیشتر از تقاضا خواهد بود و این یعنی قیمت‌ها پایین خواهد آمد. میانگین بهای نفت برنت در سال ۲۰۱۳ بشکهای ۱۰۳ دلار خواهد بود که ۶ دلار پایین‌تر از سال ۲۰۱۲ است. در سال ۲۰۱۳ حوزه‌های نفتی عظیمی در عربستان سعودی و قزاقستان مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند و تولید نفت در عراق، لیبی و سودان جنوبی افزایش خواهد یافت.

خرده‌فروشی

در بخش خرده‌فروشی در سال ۲۰۱۳ میان رونق شرق و رکود غرب توازن نسبی دیده می‌شود. اگر تورم را حساب کنیم، خرده‌فروشی جهانی در سال جاری حدود ۳ درصد رشد خواهد داشت. رشد خرده‌فروشی در سال ۲۰۱۲ ۳ درصد بود. شرکت‌های بزرگ هم تلاش‌های بازاریابی خود را برای جلب نظر مشتریان در بازارهای رو به رشد متمرکز کرده‌اند. خرده‌فروشی در چین حدود ۱۰ درصد رشد خواهد داشت و این یعنی دنیا نیمی از این افزایش ۳ درصدی خرده‌فروشی جهانی را مدیون چین است. چینی‌ها در سال ۲۰۱۳ هم تمایل زیادی به کالاهای لوکس نشان خواهند داد و نسبت رشد خرید کالاهای لوکس در این کشور در مقایسه با رشد خرید تمام کالاها دو برابر خواهد بود. توسعه دهندگان املاک به تداوم این روند باور دارند، به همین خاطر نیمی از ۳۰ میلیون متر مربع ساخت و ساز جهانی مراکز فروش در چین انجام می‌شود. البته در بخش‌های مشکل‌دار اقتصاد دنیا - آمریکا، اروپا و ژاپن - اوضاع در بعضی حوزه‌ها خوب است. مثلا در سال ۲۰۱۳ تجارت الکترونیک در این مناطق رشدی بین ۱۰ تا ۱۵ درصدی خواهد داشت. خرید کالا به کمک تلفن‌های هوشمند و

چین پس از چند

فصل رشد پایین

چندین بسته

محرک مالی به

اقتصاد تزریق

کرد و ثمره آن را

در سال ۲۰۱۳

خواهد دید. در

این میان پروژه‌های

عظیم زیرساختی

در چین بر

اقتصادهای

استرالیا، کاندا،

آمریکای لاتین و

چند جای دیگر

که مواد خام چین

را تامین می‌کنند

تاثیر خواهد

گذاشت

گذاشت

گذاشت

گذاشت

گذاشت

گذاشت

گذاشت

گذاشت

گذاشت

گذاشت

گذاشت

گذاشت

گذاشت

گذاشت

گذاشت

گذاشت

گذاشت

گذاشت

گذاشت

گذاشت

گذاشت

گذاشت

تبلت‌ها (کامپیوترهای لوحی) رشد خیلی خوبی خواهد داشت، اگر چه هنوز این شیوه خرید در میان مردم عادی جا نیفتاده است.

فلزات و معدن

بر اساس برآورد واحد اطلاعات اکونومیست، شاخص قیمت فلزات در سال ۲۰۱۳ حدود ۹ درصد افزایش خواهد داشت و تقریباً کاهش قیمت سال ۲۰۱۲ را جبران خواهد کرد. بازارهای فلزات در سال ۲۰۱۳ به دو تحول دل خوش کرده اند: اولی احیای کم رقی اقتصادهای اروپایی است و دومی سرمایه‌گذاری‌های دولتی در چین. خوش اقبال‌ترین فلز سال ۲۰۱۳ مس خواهد بود که بهای آن به خاطر کمبود ذخایر ۱۲ درصد افزایش خواهد یافت. رونق صنعت خودروسازی هم به سود آلومینیوم خواهد بود و بهای آن حدود ۸ درصد بالا خواهد رفت. البته با وجود افزایش بهای محصولات، دامنه سود شرکت‌های معدنی کاهش خواهد یافت که دلیل این، یکی افزایش مالیات‌هاست و دیگری بالارفتن دستمزدهای کارگران. در سال ۲۰۱۳ طلا همچنان محبوب‌ترین فلز سرمایه‌گذاری خواهد بود که از ریسک کردن می‌ترسند. اگر چه بهای طلا در ماههای آینده بالا و پایین زیادی خواهد داشت اما در پایان سال بهای آن کاهش خواهد یافت. میانگین بهای طلا در سال ۲۰۱۳ حدود ۵ درصد کاهش خواهد یافت و البته باید در سال ۲۰۱۴ منتظر سقوط بیشتر قیمت طلا باشیم.



به زودی
میکروچیپ‌های
هضم‌شدنی را
درون قرص‌ها
قرار می‌دهند تا
عصر قرص‌های
دیجیتال آغاز
شود. این چیپ‌ها
که از اسید معده
انرژی می‌گیرند
اطلاعات دریافتی
از درون بدن را
به دستگاه‌های
بی‌سیم اطراف
بیمار گزارش
می‌فرستند

شمار می‌روند. در این میان چین و روسیه که بعد از آمریکا، بزرگترین خرج و مخارج نظامی را دارند، بودجه دفاعی خود را افزایش خواهند داد - افزایشی دو رقمی - چرا که در حال مدرنیزاسیون نیروهای مسلح خود هستند. بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای و آزادی عمل دولت‌ها در خاورمیانه باعث می‌شود که بودجه نظامی کشورهای این منطقه در سال ۲۰۱۳ افزایش داشته باشد. در این میان عربستان سعودی حدود ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی خود را صرف مخارج نظامی‌اش می‌کند که به نسبت بیشتر از هر کشور دیگری است.

داروسازی

فروش جهانی دارو در سال ۲۰۱۳ حدود ۵ درصد افزایش خواهد یافت و بهترین بازار دارو در دنیا امسال اروپای شرقی و خاورمیانه خواهد بود. در سال ۲۰۱۳ باید منتظر ورود نوع تازه‌ای از قرص‌ها باشید. به زودی میکروچیپ‌های هضم‌شدنی را درون قرص‌ها قرار می‌دهند تا عصر قرص‌های دیجیتال آغاز شود. این چیپ‌ها که از اسید معده انرژی می‌گیرند اطلاعات دریافتی از درون بدن را به دستگاه‌های بی‌سیم اطراف بیمار گزارش می‌فرستند. این چیپ‌ها تاکنون در شبه داروهای بی‌ضرر کار گذاشته شده‌اند و تأییدیه گرفته‌اند و به زودی به جزء جدایی‌ناپذیر درمان تبدیل می‌شوند.

فناوری اطلاعات (IT) - سخت افزار

بازار سخت‌افزارها در حوزه فناوری اطلاعات در سال ۲۰۱۳ رشدی ۵ درصدی خواهد داشت (در سال ۲۰۱۲ هم رشد این صنعت ۵ درصد بود). بیشترین رشد در میان بازارهای در حال توسعه را در هند شاهد خواهیم بود که فروش کامپیوترهای شخصی، سرورها، تبلت‌ها و لوازم جانبی آن رشدی ۲۰ درصدی خواهد داشت. هنوز میزان نفوذ کامپیوترهای شخصی در هند پایین است - فقط یک کامپیوتر برای هر ده هندی

- پس در آینده شاهد گسترش بیشتر این صنعت خواهیم بود. در دیگر نقاط دنیا هم کامپیوترهای سنتی رومیزی در برابر دستگاه‌های قابل حمل کم می‌آورند و بازار را واگذار می‌کنند. تقاضا برای لپ‌تاپ‌ها، که حدود ۶۰ درصد فروش جهانی کامپیوتر مربوط به آنهاست - در سال ۲۰۱۳ حدود ۱۰ درصد رشد خواهد داشت که پنج برابر سریع‌تر از رشد کامپیوترهای رومیزی است. سرعت رشد تقاضا برای تبلت‌ها (کامپیوترهای لوحی) بسیار بیشتر خواهد بود و اینجا با رقم خیره‌کننده ۳۰ درصد روبرویم. ۶۰ درصد این بازار در اختیار شرکت اپل و دستگاه آیفون خواهد بود اگر چه قدرت رقبا روز به روز بیشتر می‌شود.

فناوری اطلاعات (IT) - خدمات و نرم افزار

در سال ۲۰۱۳ فروش صنعت نرم افزار در دنیا ۶ درصد رشد خواهد داشت که در مقایسه با میزان رشد سال گذشته دوبرابر به حساب می‌آید. بخش خدمات IT هم خوب عمل خواهد کرد، اما نه به اندازه حوزه نرم‌افزار و اینجا شاهد رشد ۳ درصدی خواهیم بود. اوضاع نرم‌افزارهای تلفن‌های همراه بسیار بهتر خواهد بود و درآمد حاصل از اپلیکیشن‌های موبایل تا سال ۲۰۱۶ به ۲۰ سال ۵۰ درصد رشد خواهد داشت. موسسه تحقیقاتی گartner پیش‌بینی کرده که در سال ۲۰۱۳ حدود ۸۱ میلیارد برنامه موبایل دانلود خواهد شد که این تقریباً دو برابر سال گذشته است. در این میان پیش‌بینی می‌شود در بازار پرقابلیت نرم‌افزارهای موبایل، میزان تولید نرم‌افزارهای مجانی که برای تبلیغ نرم‌افزار اصلی غیررایگان عرضه می‌شوند پایین بیاید چرا که تجربه نشان داده خریداران پس از استفاده از نسخه رایگان کمتر برای دنبال نسخه اصلی پول خرج می‌کنند.

سرگرمی

صنعت سرگرمی در دوران گذار خود به سر می‌برد: گذار از فروش فیزیکی محصول به فروش و توزیع دیجیتال آن. و این گذار آسان نیست، به همین خاطر میزان افزایش فروش در این صنعت در سال ۲۰۱۳ فقط ۳ درصد خواهد بود. با این حال در حوزه‌های مختلف میزان رشد به شدت متفاوت است. مثلاً توزیع آنلاین بازی‌های ویدئویی برای اولین بار از توزیع بازی‌های ویدئویی بسته‌بندی شده در مغازه‌ها پیشی خواهد گرفت و حدود ۱۳ درصد رشد خواهد داشت، یعنی خریداران از این به بعد بازی‌های ویدئویی را در خانه دانلود خواهند کرد. (رشد فروش بازی‌ها در مغازه‌ها فقط ۱ درصد خواهد بود). موبایل‌ها و تبلت‌ها نحوه خرید فیلم و موسیقی را تغییر داده‌اند و سرعت بالای اینترنت باعث شده شخص پس از خرید، بدون نیاز به دانلود، شروع به دیدن یا شنیدن فیلم یا موسیقی کند. با این حال تلویزیون همچنان قطب کلبیدی صنعت سرگرمی خواهد بود و درآمدهای آن در سال ۲۰۱۳ به حدود ۲۴۰ میلیارد دلار می‌رسد که ۶ درصد بیشتر از سال گذشته است. سینماها هم چنین وضعیتی خواهد داشت و میزان درآمدهای آن حدود ۶ درصد بالاتر خواهد رفت.

اوضاع خراب بانک‌ها در جوامع توسعه یافته، در سال ۲۰۱۳ هم ادامه خواهد یافت. رشد اقتصادی ضعیف این کشورها و همچنین قوانین سخت‌گیرانه‌تر دولتی باعث می‌شود سود این بانک‌ها همچنان پایین بماند. در این میان اوضاع بانک‌های آمریکایی کمی بهتر از چند سال اخیر خواهد بود اما میزان پرداخت وام به متقاضیان در سال ۲۰۱۳ فقط ۴ درصد افزایش پیدا خواهد کرد. بانک‌های اروپایی در سال ۲۰۱۳ کمتر از ۲۰۱۲ وام خواهند داد و بانک‌های ژاپنی هم چنین روندی را دنبال می‌کنند. اوضاع بانک‌ها اما در بازارهای رو به رشد دنیا بسیار خوب خواهد بود و آنها با سیل مشتریان تازه‌ای روبرو خواهند شد که برای اولین بار است که به نظام مالی رسمی می‌پیوندند. افزایش درآمدها و افزایش مصرف در بازارهای رو به رشد به مشتریان این اعتماد به نفس را می‌دهد که از بانک‌ها وام بگیرند.

صنایع دفاعی

میزان خرج و مخارج دفاعی کشورهای دنیا در سال ۲۰۱۳ - برای دومین سال پیاپی - پایین خواهد آمد و دلیل عمده آن کاهش بودجه دفاعی در اروپای غربی و به خصوص آمریکا خواهد بود که حدود نیمی از این صنعت ۱.۷ تریلیون دلاری را در اختیار خود دارند. کاهش شمار سربازان آمریکا در عراق و افغانستان و همچنین اختلاف نظر کنگره و کاخ سفید بر سر بودجه بلندمدت نظامی از مهم‌ترین دلایل کاهش مخارج نظامی ایالات متحده به



آینده ده مناقشه جهانی

گروه بین‌المللی بحران پیشنهاد می‌دهد: در سال ۲۰۱۳ چشمتان به این مناطق باشد



■ لویی آربر

کمیسر عالی سابق سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر و دادستان سابق محاکم بین‌المللی در جنایات مربوط به یوگسلاوی و رواندا. او از سال ۲۰۰۹ میلادی تاکنون رییس گروه بین‌المللی بحران است

شود. حتی درباره ابعاد مناقشات هم دیدگاه‌ها کاملاً متفاوت است. در همین میان، هستند کسانی که گمان می‌کنند تنها مناقشات بین‌المللی در منطقه خاورمیانه روی می‌دهند و مناقشات دیگر اهمیت چندانی ندارند. اما نظر ما این نبوده است. سعی کرده‌ایم همه مناقشات جهانی را بررسی کنیم. به هر حال در همین فهرست ده تایی ما هم به برخی مناقشات بسیار شناخته‌شده در دنیا اشاره‌ای نشده است؛ مناقشاتی مثل وضعیت مکزیک در گیرودار کارتل‌های مواد مخدر، یا تنش‌های موجود بر سر دریای چین شرقی، یا تنش‌ها در شبه‌جزیره کره. واقعیت این است که همه مسائل حال و آینده جهان را نمی‌توان در قالبی تعریف‌شده برای مناقشات ارائه داد. اما به هر حال، این فهرستی است که از نظر گروه بین‌المللی بحران، ده مناقشه مهم جهانی در سال ۲۰۱۳ میلادی را توصیف می‌کند.

هر ساله در مناطق مختلفی از دنیا مناقشاتی درمی‌گیرد. گاهی زخم مناقشات قدیم دوباره سر باز می‌کند و گاهی هم مناقشات جدید و بی‌سابقه‌ای رخ می‌نماید. در مواردی هم از شدت مناقشات کاسته می‌شود. اما به هر حال هیچ سالی خالی از مناقشه نیست و سال ۲۰۱۳ میلادی هم از چنین قاعده‌ای مستثنا نخواهد بود. برای اینکه دیدگاه بهتری نسبت به مناقشات احتمالی در سال ۲۰۱۳ میلادی پیدا کنید، فهرستی ده تایی تهیه کرده‌ایم. اما قبل از خواندنش به این نکته توجه کنید: هر فهرستی از این نوع، به دغدغه‌های تهیه‌کنندگانش وابسته است. شاید اولویت یک نفر کاملاً با اولویت دیگران تفاوت داشته باشد و شاید هشداري که از سوی یکی نسبت به آینده مطرح می‌شود، از نظر دیگری هیچ اهمیتی نداشته باشد و تبلیغ منفی قلمداد



۱ مناقشه ترکیه و پ.ک.ک

مناقشات دولت ترکیه با نیروهای پ.ک.ک در مناطق کوهستانی این کشور هر از چند گاهی کمرنگ می‌شود، اما هیچ‌گاه فراموش نمی‌شود. ظاهراً در سال ۲۰۱۳ میلادی نیز این مناقشه با شدت گذشته ادامه خواهد یافت. در اواسط سال ۲۰۱۱ میلادی، درگیری‌های طرفین وارد مرحله جدیدی شد؛ به طوری که حملات از سوی نیروهای پ.ک.ک و عملیات نیروهای دولتی تشدید گردید و از آن زمان تاکنون ۸۷۰ نفر کشته شده‌اند. این بالاترین رقم تلفاتی است که این مناقشه از دهه ۱۹۹۰ میلادی به بعد به جا گذاشته است.

حالا مسأله اینجاست که تنش‌های سیاسی در ترکیه به انحاء مختلف بالا گرفته‌اند و امیدواری رجب طیب اردوغان به پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ میلادی هم این وضع را تشدید خواهد

کرد. او به تدریج اتحاد خود با رای‌دهندگان راستگرا و ناسیونالیست را بیشتر تقویت خواهد کرد و در عین حال شکاف با گروه‌های نزدیک به پ.ک.ک بیشتر خواهد شد؛ زیرا تنش‌های سوریه باعث شده پ.ک.ک موقعیت مستحکم‌تری در منطقه پیدا کند. این مناقشه در سال ۲۰۱۳ میلادی به جد ادامه خواهد داشت.

۲ مناقشه سودان

خیلی‌ها فکر می‌کردند با شکل‌گیری کشور سودان جنوبی در سال ۲۰۱۱ میلادی، به تدریج درگیری‌ها در سودان فروکش خواهد کرد. اما این اتفاق نیفتاد. جنگ داخلی و تمرکز منابع خاصی در دستان اقلیتی قدرتمند در منطقه همچنان دارد روح سودان را می‌خراشد. وضعیت اقتصادی این کشور رو به افول شدید گذاشته و ناآرامی‌ها ممکن است هر لحظه سودان را دچار بی‌ثباتی

۳ دیوار بلند بی‌اعتمادی در افغانستان

فرقه‌گرایی و فساد که گریبان دولت افغانستان را گرفته، در سال ۲۰۱۳ میلادی نیز در سرهای بیشتری را متوجه این کشور خواهد کرد و مشکلات امنیتی افغانستان را در آستانه خروج نیروهای آمریکایی و ناتو از این کشور در سال ۲۰۱۴ میلادی تشدید خواهد کرد. مناسبات دولت افغانستان با دولت آمریکا در سال ۲۰۱۲



شماره هفدهم / بهمن ۹۱



پاکستان در سال ۲۰۱۳
شاهد برگزاری انتخابات خواهد بود و به همین جهت انجام اصلاحات بنیادین در کمیسیون انتخاباتی این کشور از بالاترین درجه اهمیت برخوردار است. هم برای دولت پاکستان و هم برای اپوزیسیون

میلادی خوب نبود و حوادث مختلفی باعث تشدید بی‌اعتمادی بین سران نظامی آمریکا و افغانستان شد. اما آنچه که در آینده افغانستان و نیز منطقه از حداکثر اهمیت برخوردار است، مرحله گذار سیاسی در این کشور است. حامد کرزای رییس جمهور افغانستان اعلام کرده که قصد دارد بعد از پایان دوران ریاست جمهوری‌اش در سال ۲۰۱۴ میلادی از قدرت کنار برود. اما برخی گروه‌های سیاسی در افغانستان می‌گویند احتمال دارد او به شکل مستقیم و غیرمستقیم از حربه‌هایی برای تداوم نفوذ خود در حکومت آینده افغانستان استفاده کند و این موضوعی است که از نگاه مخالفان کرزای، نگران کننده به نظر می‌رسد. برای اجتناب از بحران‌های احتمالی ناشی از این مخاطرات، ظاهراً چاره‌ای نیست جز آن که دولت افغانستان بر مراحل گذار سیاسی و نظامی خود در سال ۲۰۱۳ و بعد هم در سال ۲۰۱۴ میلادی متمرکز شود. اگر رهبری افغانستان در این راه موفق نشود، شکاف‌ها و مناقشات در داخل این کشور بالا خواهد گرفت و طالبان فرصت استفاده از این وضع را پیدا خواهند کرد. افغانستان باید مراقب باشد که در سال ۲۰۱۳ میلادی راه بروز این وضعیت را هموار نکند.

۴

پاکستان و انتخابات

ماجرای حملات هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا به پاکستان در سال ۲۰۱۲ میلادی مشکلات زیادی در مناسبات این دو کشور به وجود آورد. البته در این میان پاکستان و افغانستان موفق شدند تا حدی در مذاکرات بین خودشان پیشرفت کنند و این می‌تواند در آینده هر دو کشور و نیز مناسبات آنها با آمریکا تاثیر بسزایی داشته باشد. پاکستان در سال ۲۰۱۳ میلادی شاهد برگزاری انتخابات خواهد بود و به همین جهت انجام اصلاحات بنیادین در کمیسیون انتخاباتی این کشور از بالاترین درجه اهمیت برخوردار است؛ هم برای دولت پاکستان و هم برای اپوزیسیون. گروه‌های سیاسی داخلی در پاکستان باید اختلافات خود را به حداقل برسانند تا موضع‌شان برای مقابله با مداخلات احتمالی ارتش در امور انتخابات تحکیم شود. تلاش برای کم کردن نفوذ قوه قضاییه پاکستان نیز برای احزاب و گروه‌های سیاسی در این کشور اهمیت زیادی دارد؛ زیرا سیاست‌های مداخله جویانه این قوه به دفعات باعث بی‌ثباتی سیاسی در پاکستان شده است. چنین مداخلاتی در روند انتخابات می‌تواند بسیار خطرناک باشد.

۵

مالی و نیجریه

در سال ۲۰۱۲ میلادی بی‌ثباتی در منطقه «ساحل» در آفریقا به شدت افزایش پیدا کرد و مقابله با آن احتمالا در سال ۲۰۱۳ در راس توجه کشورهای این منطقه قرار خواهد داشت. یک کودتای نظامی در ماه مارس باعث ساقط شدن حکومت مالی شد و جدایی طلبان و بنیادگرایان نزدیک به القاعده را در شمال این کشور به قدرت رساند. در سال ۲۰۱۳ میلادی احتمالا مالی نقطه مرکزی بسیاری از مناقشات منطقه‌ای خواهد بود و از همین باب، احتمال مداخله بین‌المللی در آن هم بالا خواهد رفت. در همین حال، جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا و نیز اتحادیه آفریقا در صد هستند که در

این سال جدید میلادی سه هزار سرباز حافظ صلح را برای ممانعت از بی‌ثباتی بیشتر به مالی اعزام کنند و شاید این مساله هم خودش عامل بروز تنش‌های جدیدی شود. یک نقطه نگران کننده دیگر در این منطقه، وضعیت شمال نیجریه است. فعالیت گروه‌های افراط گرا در این منطقه در سالهای اخیر باعث بروز تلفات و مشکلات زیادی شده است. دولت در مواجهه با این گروه‌ها دو رویکرد مختلف داشته است: یکی مواضع پراکنده در خصوص مذاکرات احتمالی و دیگری اقدامات امنیتی برای مقابله با خشونت و عضوگیری این گروه‌ها. اما در صورت عدم توجه جدی دولت نیجریه به حل این مشکل، احتمال آن می‌رود که سال ۲۰۱۳ میلادی سالی خونبارتر از گذشته را در شمال این کشور رقم بزند.

۶

سوریه و لبنان

مناقشه سوریه هر روز پیچیدگی‌های جدیدی را به نمایش گذاشته است و احتمالا در طول سال ۲۰۱۳ میلادی نیز وضع پیچیده‌تر خواهد شد. دولت سوریه و مخالفانش هر دو قدرتمندند و هیچ یک از طرفین نتوانسته دیگری را کنار بزند. هر دو طرف به جای توجه به گزینه‌های سیاسی به گزینه‌های نظامی توسل شده‌اند و کشور از جهات زیادی چند قطبی شده است. توصیف چنین وضعیتی این جمله است: بُکُش یا کُشته می‌شوی. برای برون رفت از این وضعیت در سال ۲۰۱۳ میلادی، جامعه بین‌المللی باید تلاش‌هایی منسجم برای مذاکره با هر دو طرف را داشته باشد تا تحقق راه‌حلی سیاسی ممکن شود. توسل به سیاست‌های نظامی در این سال اصلا نمی‌تواند به سود سوریه باشد. در همین میان، مناقشه در سوریه باعث درز کردن خشونت‌ها به لبنان هم شده است. به صورت تاریخی، لبنان معمولاً از وضعیت سوریه تاثیر می‌پذیرفته است و در سال ۲۰۱۳ میلادی نیز احتمال بروز وضعیت مشابهی کاملاً وجود دارد. تداوم مناقشه سوریه، تر و خشک را با هم خواهد سوزاند.

۷

عراق و نفوذ المالکی

حکومت عراق در سال‌های اخیر به نوعی در کنار ایران، روسیه و چین؛ و در مقابل ترکیه، آمریکا و کشورهای حوزه خلیج فارس قرار گرفته است. نوری المالکی نخست وزیر عراق در عین حال با گروه‌های زیادی در داخل عراق مرزبندی دارد و ترجیح می‌دهد نفوذ سیاسی خودش را در نهادهای مختلف و نیز نیروهای امنیتی بالا ببرد. از این جهت، او در مقابل رهبران کردستان عراق و نیز چهره‌هایی مانند مقتدی صدر قرار می‌گیرد و ممکن است در آینده نزدیک، مناقشاتی جدی در این خصوص بین حکومت او و گروه‌های بانفوذ مختلف در عراق در بگیرد. به هر حال تا برگزاری انتخابات آینده عراق در سال ۲۰۱۴ میلادی، احتمال بروز تحولات سیاسی شدید در عراق وجود دارد و طبعاً سال ۲۰۱۳ میلادی هم از این قاعده مستثنی نیست.

۸

همه مشکلات آسیای مرکزی

وضعیت خیلی از کشورهای این منطقه را باید در سال ۲۰۱۳ میلادی تحت نظر داشت. نمونه‌اش کشور

تاجیکستان است که در سال ۲۰۱۲ میلادی شاهد بد شدن مناسباتش با ازبکستان بود و در سطح داخلی نیز افزایش تنش‌ها را در منطقه ناگورنو قره باغ تجربه کرد. قرقیزستان هم وضع بهتری ندارد. بی‌توجهی به تنش‌های قومی و نبود حاکمیت قانون باعث بروز درگیری‌های مختلف شده و جامعه بین‌المللی نیز ظاهراً توجه خاصی به وضعیت این کشور ندادده است. تنها کشوری که تا حدی مورد توجه بین‌المللی قرار داشته است، ازبکستان بوده است؛ آن هم به این دلیل که مشخص نیست بعد از ترک صحنه سیاست توسط اسلام کریم اف رییس جمهور ۷۴ ساله ازبکستان، چه وضعیتی پیش خواهد آمد. کشور دیگری که در این منطقه وضعیت نامشخصی دارد، قزاقستان است. این کشور در سال ۲۰۱۲ میلادی شاهد حملات تروریستی زیادی در مناطق غربی و جنوبی‌اش بود. قزاقستان همواره سعی داشته که در میانه اوضاع آشفته آسیای مرکزی، خود را با ثبات جلوه دهد اما خیلی هم در این راه موفق نشده است. به هر حال آسیای مرکزی منطقه‌ای است که شاید اخبار زیادی از آن مخابره نشود، اما مناقشات زیادی را در دل خود جا داده است و به خصوص در سال ۲۰۱۳ باید کاملاً تحولات آن را رصد کرد.

۹

جمهوری غیر دموکراتیک کنگو

در آوریل سال ۲۰۱۲ میلادی شورش و طغیان تعدادی از شورشیان و فرماندهان شورشیان در جمهوری دموکراتیک کنگو، خاطراتی قدیمی را از این کشور زنده کرد. این بار هم نقش آفرینان منطقه‌ای و بین‌المللی خودشان را با یک گروه شورشی مواجه می‌بینند که مطالباتی داخلی دارد اما در عین حال کاملاً از خارج حمایت می‌شود. این نقش آفرینان قاعداً باید با این گروه راه بیابند تا جلوی بروز جنگ جدیدی در جمهوری دموکراتیک کنگو گرفته شود. وضعیت در کنگو در عین حال باید جامعه جهانی را نسبت به عملکرد خودش هم به فکر فرو ببرد. ده سال از زمان آغاز تلاش‌ها برای برقراری ثبات در جمهوری دموکراتیک کنگو، مشروعیت بخشی به حکومت، و حمایت از غیرنظامیان می‌گذرد. اما اوضاع فعلاً وخیم به نظر می‌رسد. حکومت انگار از مشروعیت و قدرت کافی برخوردار نیست و حضور نیروهای سازمان ملل هم دردی را دوا نکرده است. تداوم این وضع در سال ۲۰۱۳ میلادی عواقب خطرناکی برای کنگو و منطقه خواهد داشت.

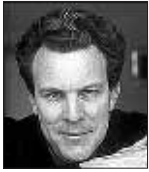
۱۰

در دسرهای کنیا

گذر از خشونت و مشکلات ناشی از انتخابات سال ۲۰۰۷ میلادی در کنیا مساله‌ای بود که تلاش زیادی را متوجه خود کرد. اما مشکلات زیادی هنوز در این کشور باقی مانده است. در ماه مارس سال ۲۰۱۳ میلادی قرار است انتخابات تازه‌ای در کنیا برگزار شود و این مساله احتمال بروز تنش‌های جدید را افزایش داده است. حکومت کنیا از یک سو با تهدید گروه الشباب سوماتی مواجه است و هر آن ممکن است دچار ناآرامی‌های نظامی شود و از سوی دیگر نیز گروه‌های جدایی طلب و نیز قومیت‌های مختلف، در دسر یزرگی برایش ایجاد کرده‌اند. این سال انتخابات، سالی بسیار سخت برای کنیا خواهد بود.

بهار عربی در خواب زمستانی

خاورمیانه‌ای‌ها می‌روند و می‌آیند



■ مکس رودنبرک

تحلیلگر
امور خاورمیانه

دست آوردند و ثروت سرشاری نیز از بابت فروش نفت نصیب شان شد. مصر - به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور عربی - الگوی همه آنها شد: افسران ارتش که در جریان کودتای سال ۱۹۵۲ میلادی قدرت را به دست گرفتند، حکومتی مستبد را بنیان نهادند که تا همین سال ۲۰۱۱ میلادی به حیات خود ادامه داد. با وجود آنکه در جریان ناآرامی‌های اخیر در کشورهای عربی، حاکمانی مانند حسنی مبارک به هدف اصلی خشم و نفرت مردم تبدیل شده بودند، اما چالش مهم بهار عربی در واقع همان «سلسله»‌هایی بودند که حکومت‌های ساقط شده به عنوان نماینده آنها عمل می‌کردند. به هر حال در جریان تحولات اخیر، رژیم‌های زیادی در منطقه ساقط شدند و حکومت‌هایی مانند بحرین و سوریه نیز به شدت دچار مشکل شدند. اگر فرض کنیم که آن چرخه‌های زمانی در تاریخ - که ابن خلدون مطرح شان کرده بود - واقعا وجود دارند، پس می‌توان نتیجه گرفت که موج جدیدی از تغییر در راه است.

شش قرن پیش، ابن خلدون - متفکر عرب - نکته‌ای را مطرح کرد. اینکه تاریخ با چرخه‌های زمانی پیش می‌رود: مثلاً یک سلسله معمولاً بعد از گذشت سه نسل حاکمیت، دچار زوال می‌شود. احساس هدف مشترک بین هواداران آن سلسله به تدریج رو به کاهش می‌گذارد؛ تا اینکه سر و کله گروهی دیگر پیدا می‌شود؛ گروهی که هنوز آلوده فساد دربار نشده و اتحاد بیشتری دارد و در نهایت می‌تواند سلسله جدیدی را بنیان بدهد. این شاید به نحوی همان اتفاقی باشد که در زمان بهار عربی رخ داد. به همین جهت شاید بتوان با توسل به همان نظریه ابن خلدون، آینده این رخدادها را نیز پیش‌بینی کرد. رژیم‌هایی که در جریان بهار عربی سقوط کردند - مثل تونس، مصر، یمن و لیبی - دقیقاً سلسله محسوب نمی‌شدند. اما شکل استبدادی این حکومت‌ها (که به واقع در تمام ۲۲ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس وجود دارد) شاید نقطه‌اش از سه نسل پیش بسته شده باشد. پیشتر و در محدوده زمانی مشخصی، اکثر کشورهای عربی استقلال خود را به

یکی از کشورهایی که در سال ۲۰۱۳ میلادی احتمالاً وضعیتی بی‌ثبات خواهد یافت، اردن است. پادشاه این کشور - عبدالله دوم - که در ماه ژانویه ۵۱ ساله می‌شود، با مطالبات و خواسته‌های فزاینده‌ای برای تمرکززدایی از قدرت مواجه است. اما عبدالله فاقد بسیاری از مشخصه‌هایی است که در پدرش ملک حسین وجود داشت. او موفق شده بود طی پنج دهه توفانی، قدرت را همچنان در دست خود نگه دارد. نکته دیگر در مورد اردن این است که این کشور دارای ذخایر و منابع خاصی نیست که بتواند دل‌های دهنندگان را در این کشور به دست بیاورد.

کویت هم کشور پادشاهی کوچک و نسبتاً پائینی است که سنت پارلمانی در آن به شکل خاصی بوده است: دخل و تصرف‌های زیادی در انتخاب‌ها و تصمیم‌ها روی می‌دهد و اقتدار معناداری در آن به چشم نمی‌خورد. چنین کشوری در بحرانی مشابه با اردن بسر می‌برد؛ البته منهای مشکل منابع و پول. مراکش اما خلاف این دو کشور عمل کرده است. پادشاه مراکش در سال ۲۰۱۱ میلادی و با مشاهده اعتراضات مردمی تصمیمات جدیدی گرفت؛ از جمله

تدوین قانون اساسی جامع‌تر و راه دادن اپوزیسیون معتدل اسلامگرا به عرصه قدرت. این اقدامات جلوی اعتراضات بعدی را گرفت. شاید بتوان گفت که اگر کویت و اردن رویه‌ای مشابه را در سال ۲۰۱۳ میلادی در پیش نگیرند، احتمالاً سال پر درگیری را پیش‌رو خواهند داشت.

حکومت‌های اقتدارگرا در الجزایر و عربستان سعودی هم مدتهاست که وعده انجام اصلاحات دموکراتیک را داده‌اند. این حکومت‌ها که از تحولات منطقه به هراس افتاده بودند، تلاش کردند قدرت را در حلقه تنگ نخبگان دودمان‌های

حاکم نگه دارند. این حلقه در عربستان سعودی شامل هزاران شاهزاده می‌شود و در الجزایر نیز ناظر بر ژنرال‌ها و صاحب منصبانی است که کنترل نفت را در این کشور به دست دارند. هردو کشور تا اینجا از قبول درخواست‌ها برای تغییر طفره رفته‌اند اما احتمالاً مشکلات بیشتری در انتظارشان است. عبدالعزیز بوتقلیفه رییس جمهور الجزایر بیمار است و ممکن است که تا زمان پایان دوره سوم ریاست جمهوری‌اش در سال ۲۰۱۴ میلادی قادر به حضور بر سر قدرت نباشد. ملک عبدالله پادشاه عربستان سعودی هم تقریباً نود ساله است. ولیعهد عربستان سعودی - سلمان - اواخر دهه هفتادسالگی عمرش را سپری می‌کند و خیلی هم از سلامت خوبی برخوردار نیست. با توجه به احتمال تداوم بالا بودن قیمت نفت در سال ۲۰۱۳ میلادی، احتمال نمی‌رود که هیچ یک از این دو کشور با اعتراضات سیاسی خیلی شدیدی مواجه شوند. اما ترکیب خلا قدرت و مشکلات مزمن اجتماعی در این دو کشور - به خصوص افزایش بیکاری - ممکن است به بروز ناآرامی‌هایی در سطح اجتماع بینجامد. اما تکلیف کشورهای که تا همین جا هم شاهد خیزش‌هایی

بوده‌اند چه می‌شود؟ بر اساس تجربه ابن خلدون، سلسله‌ها به گروه‌های قبیله‌ای خاصی تعلق داشتند اما نیروهایی که امروزه در کشورهای عربی دیده می‌شوند شاید کاملاً شباهت خاصی به این تعبیر نداشته باشند. مشخصه‌ای که بین آنها - از تونس گرفته تا یمن - تکرار شده است، نبود یک رهبری منجمد است. اما چیزی از میان همین فضای مخرب بیرون آمده است؛ چیزی که ابن خلدون هم به آن اشاره کرده بود. واقعیت این است که دو روند سیاسی در جهان عرب وجود داشته است. گروه‌های اسلام‌گرایی مانند اخوان المسلمین در مصر و النبهض در تونس اخیراً توانسته‌اند اتحاد جمعی بیشتری را در میان خود به نمایش بگذارند و این چیزی است که در گذشته توجه ابن خلدون را هم به خود جلب کرده بود. در جریان‌هایی که بعد از وقوع انقلاب و با برگزاری انتخابات روی داد، این دو گروه توانستند قدرتمند ظاهر شوند و احتمال آن می‌رود که در سال ۲۰۱۳ میلادی نیز همین رویه را دنبال کنند. البته شکاف‌های زیادی نیز هنوز وجود دارد و در عین حال نباید فراموش کرد که اسلام‌گراها در انتخابات لیبی در سال ۲۰۱۲ پیروز نشدند. اما به هر حال می‌توان انتظار داشت که گروه‌هایی مشابه با اخوان المسلمین در سال ۲۰۱۳ میلادی نیز در برخی کشورهای عربی قدرت بگیرند.

در این میان نباید فراموش کرد که بحران سوریه همچنان در سال ۲۰۱۳ ادامه خواهد داشت و احتمالاً مشکلات بیشتری را نیز به سایر کشورهای منطقه تسری خواهد داد و بر وضعیت سیاسی آنها تأثیر خواهد گذاشت. معلوم نیست که در سوریه کدام «سلسله» برقرار خواهد ماند و کدام از میان خواهد رفت. فقط می‌توان گفت که تحول در این خصوص ادامه خواهد داشت.



بر اساس تجربه

ابن خلدون،

سلسله‌ها

به گروه‌های

قبیله‌ای خاصی

تعلق داشتند

اما نیروهایی

که امروزه در

کشورهای عربی

دیده می‌شوند

شاید کاملاً شباهت

خاصی به این

تعبیر نداشته

باشند

نیمه‌های پر و خالی بنادر ایران

پرونده‌ای در بررسی چشم‌انداز
ترانزیت دریایی ایران
در مقایسه با کشورهای منطقه
آینده ما
و آینده آنها

■ پویا احمدنیا

کارشناس ارشد حمل‌ونقل دریایی

ظرفیت و قابلیت بنادر مهم ایران بنا به موقعیت جغرافیایی و پتانسیلی که دارد کم و بیش، کمتر از توانی است که باید در خود ایجاد کرده باشد. بنادر شهید رجایی، امام خمینی، بوشهر، چابهار، امیرآباد، انزلی، نوشهر، لنگه، قشم و خرمشهر بندری هستند که بخش مهمی از عملیات بندری کشور در این بنادر رقم زده می‌شود. از میان این بنادر، بندر بوشهر ایندر سیراف در نزدیکی بوشهر با جرح و تعدیل‌هایی، قدیمی‌ترین بندر ایران است. پس از آن می‌توان به بندری چون لنگه و خرمشهر اشاره کرد و بندر آستارا جدیدترین بندری است که به تازگی احداث و یک کشتی آزمایشی نیز در آنجا پهلو گرفته است. اگرچه هیچکدام از این بنادر، امروزه آن جایگاهی را ایفا نمی‌کنند که قابلیت و پتانسیل آن را دارند اما بیش از ۸۰ درصد واردات و صادرات کشور از مجاری همین بنادر و عمدتاً بندر شهیدرجایی و بندر امام خمینی انجام می‌گیرد. از سوی دیگر، در سال‌های اخیر بنادر دیگری نیز به تدریج وارد فعالیت‌های بندری خواهند شد که اخیراً احداث یا به زودی راه‌اندازی می‌شوند. دو مورد قابل اشاره، بنادر تجاری فریدون کنار در استان مازندران و آستارا در استان گیلان احداث و اخیراً شروع به کار کرده‌اند. احداث بنادر دیگری نیز در سال‌های اخیر در دستور کار قرار گرفته که در آینده در کنار بنادر درجه دوم کشور، به عنوان بخشی از سامانه بارگیری و جابجایی کالا هرچند ناچیز و محدود اما به ناوگان دریایی کشور افزوده می‌شود. بنادر شادگان (آبادان)، چمخاله، کیاشهر، تالش (گیلان) خواجه نفس (گرگان) از جمله بندری است که برنامه‌ریزی روی ساخت آنها طراحی اما وضعیت احداث و پیشرفت این بنادر به لحاظ کمبود سرمایه‌های لازم متوقف یا در هاله‌ای از ابهام



قرار گرفته است. بنابراین جزو بندر شهیدرجایی و بندر امام خمینی در جنوب کشور، بنادر دیگر ایران قابلیت بالایی در تجارت کلان اقتصاد دریایی چندان نقش چشمگیری ندارند. اما هم اکنون مهمترین و اساسی ترین بندر ایران، بندر شهیدرجایی است که طی سه دهه اخیر تقریباً ۸۰ درصد واردات و صادرات کالا در این بندر صورت گرفته است. بنادر امام، بوشهر، انزلی، چابهار، لنگه و خرمشهر در اولویت بعدی جابجایی کالا در حمل و نقل دریایی ایران قرار دارند. این تراکنش دریایی، البته به سال های اخیر مربوط است. مروری بر عملکرد و جایگاه بنادر فعال کشور تصویر دقیق و شفاف تری از موجودی های زیرساخت و روستا خطوط دریایی کشور به دست می دهد که می تواند ارزیابی های کلان اقتصاد دریایی را به واقعیت نزدیکتر سازد.

بندر شهیدرجایی

مجتمع بندری شهیدرجایی به عنوان بزرگترین بندر تجاری کشور با موقعیت دریایی منحصر به فرد خود در دهانه ورودی خلیج فارس، ابتدای تنگه هرمز و شمال جزیره قشم واقع شده که در این مسیر سالیانه به طور متوسط ۲۰ هزار فروند شناور تردد می کند و از این تعداد نزدیک به ۳۰۰۰ فروند صرفاً به بندر شهیدرجایی وارد می شوند. این بندر در مسیر خطوط کشتیرانی بین المللی قرار دارد و فاصله دریایی آن با بنادر اروپای مرکزی و جنوب شرقی آسیا در حدود ۱۵ روز است. مجتمع بندری شهیدرجایی با وسعت بالغ بر ۲۴۰۰ هکتار در حال حاضر با بیش از ۸۰ بندر معروف در اقصی نقاط جهان مبادله کالا و ارتباط دریایی دارد. مجتمع عظیم بندر شهیدرجایی با در اختیار داشتن بزرگترین و پیشرفته ترین ترمینال های کانتینری کشور عملکردی بیش از ۲/۶ میلیون TEU و ۵۰ درصد میزان صادرات و واردات کالاهای کشور را به خود اختصاص داده است. همچنین حجم قابل قبولی از عملیات جابجایی کالاهای عمومی خصوصاً محصولات فولادی، فله خشک (غله و سنگ آهن) فله مایع (روغن های خوراکی) و فرآورده های نفتی در این بندر انجام می گیرد. مجتمع بندر شهیدرجایی با دارا بودن دو حوضچه اصلی عملاً باعث ایجاد دو بندر مستقل به نام های بندر شهیدرجایی و بندر خلیج فارس در جوار هم شده است. آخرین آمار مستند عملکرد این بندر مربوط به سال ۹۰ است که نشان می دهد حجم تخلیه و بارگیری نفتی و غیرنفتی به میزان ۶۳ درصد و کانتینری به میزان ۸۳ درصد است. همچنین مقایسه آمار ۱۰ ساله بین سال های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ افزایش ۲۵۰ درصدی تخلیه و بارگیری کانتینری را نشان می دهد که میزان تخلیه و بارگیری کالاهای نفتی و غیرنفتی در این بازه زمانی ۹۴ درصد افزایش داشته است به همین ترتیب واردات به میزان ۸۵ درصد، صادرات ۱۶۱ درصد، ترانشیپ ۵۹۲۲ درصد، ترانزیت ۲۸ درصد افزایش را نشان می دهد.

بندر انزلی

بندر انزلی مجهزترین و مدرن ترین بندر حاشیه دریای خزر به دلیل موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی و به عنوان تنها بندر آزاد منطقه نقش به سزایی در رونق کریدور شمال - جنوب دارد. علاوه بر وجود امکانات متنوع از جمله انبارهای چندمنظوره و نیروی انسانی متخصص در سال های اخیر سرمایه گذاری قابل توجهی توسط سازمان بنادر و بخش خصوصی در زمینه ایجاد، ساخت تجهیزات مدرن تخلیه و بارگیری و خدمات کنترل ترافیک دریایی در این بندر انجام شده است. استفاده از فن آوری اطلاعات جهت انجام تشریفات بندری و گمرکی از طریق شبکه مشترک رایانه ای ما بین بنادر خطوط کشتیرانی پایانه و گمرک از اقدامات عمده این بندر جهت تحقق اهداف تجارت الکترونیک محسوب می شود. واقع شدن بندر در محدوده منطقه آزاد، تسهیلات و امکانات ویژه ای را برای صاحبان کالا، تجار و سرمایه گذاران فراهم کرده است که بدون تردید قابلیت های بالقوه و بالفعل این بندر را افزایش داده و اهمیت آن را به عنوان یک قطب اقتصادی دوچندان کرده است. نزدیکی به مراکز صنعتی استانهای همجوار کشور و همچنین احداث کارخانه فولاد و داشتن عقبه هایی با وسعت زیاد، از ویژگی های ممتاز این بندر به شمار می رود. هم اکنون بندر انزلی با ایجاد ترمینال سوختی قادر است سالانه ۲ میلیون تن مواد سوختی را از بنادر حاشیه دریای خزر تحویل گرفته و ترانزیت نماید. با داشتن ۵ کندو سیلوی ذخیره غلات به ظرفیت ۶ هزار تن می توان سالانه ۱ میلیون تن گندم از این بندر به مقاصد کشور عراق و کشورهای خلیج فارس ترانزیت کرد.

بندر خرمشهر

بندر خرمشهر به عنوان یکی از قدیمی ترین و بزرگترین بنادر ایران، در شمال غربی خلیج فارس و در جنوب غربی ایران و در همسایگی جنوب شرقی عراق در محل تلاقی رودخانه های اروندرود و کارون قرار دارد. این بندر سابقه طولانی در تجارت دریایی داشته و ساخت و بهره برداری از اسکله های ویژه پذیرش کشتی های اقیانوس پیما در بندر خرمشهر از ابتدای سال ۱۳۰۰ شمسی شروع شده و این فعالیت ها در زمان جنگ جهانی دوم و پس از آن به اوج خود رسید. در سال های قبل از انقلاب اسلامی بندر خرمشهر با داشتن ۲۰ اسکله یکی از بزرگترین بنادر کشور به حساب می آمد؛ به طوری که در سال ۱۳۵۶ چهار میلیون تن کالا از طریق این بندر به کشور وارد می شد. اما پس از وقوع جنگ، بخش زیادی از زیرساخت ها و تاسیسات این بندر خسارت دید؛ و در حال حاضر کلیه زیرساخت های قبل از جنگ اعم از اسکله ها، انبارها و محوطه ها با هدف ارتقاء و بهبود خدمات بندری و دریایی بازسازی شده یا در حال بازسازی است. بازسازی اسکله ۸ و ۹ در راستای بازسازی اسکله ها و زیرساخت ها سال گذشته در دستور کار بندر قرار گرفت که بازسازی اسکله ۸ تمام و بازسازی اسکله ۹

نیز رو به اتمام است. اسکله ها باید هر چند سال یکبار مورد بازسازی قرار گیرند. از دیگر ویژگی های این بندر سرعت دسترسی به ناوگان ریلی و جاده های ترانزیت کشور و همچنین نزدیکی به فرودگاه بین المللی آبادان است که جابه جایی و انتقال کالا را برای مقاصد داخلی و همچنین ترانزیت خارجی به مقصد کشورهای آسیای میانه، ترکیه، روسیه و عراق با ارزان ترین هزینه حمل ممکن و میسر می کند. بندر خرمشهر همچنین با بهره گیری از امکانات ویژه و نیز تعرفه های ارزان قیمت، مناسب ترین بندر کشور در زمینه واردات و صادرات مجدد کالا محسوب می شود. راه آهن سراسری ایران نیز از طریق اهواز به بندر خرمشهر متصل می شود. بندر خرمشهر با توجه به مشکلات موجود در ارسال کالا به عراق مناسب ترین گزینه برای ترانزیت کالا به این کشور است. این بندر به دلیل نزدیکی به بنادر عراق و فاصله ۱۵ کیلومتری تا گذرگاه مرزی شلمچه بندری منحصر به فرد است. یکی از ظرفیت های مهم این بندر ظرفیت تخلیه و بارگیری کالا از طریق کانتینر است. از سوی دیگر باید از موقعیت نزدیکی بندر به کشور عراق استفاده کنیم. نزدیکی به عراق پتانسیل مهمی برای بندر محسوب می شود که هنوز از آن به خوبی استفاده نشده است. بندر خرمشهر از نظر حمل کالا توسط کانتینر جایگاه چهارم را در کشور به خود اختصاص داده است. البته این بندر زمانی دومین بندر کانتینری کشور پس از بندر شهیدرجایی بود اما هم اکنون، دیگر استان های بندری به ویژه بوشهر به دلیل موقعیت و نزدیکی به بنادر امارات و دلییل دیگر، رشد فزاینده ای در زمینه مبادلات کانتینری داشته اند.

بندر امام خمینی

بندر امام خمینی در منتهی الیه شمال غربی خلیج فارس در انتهای آبراه طبیعی خور موسی قرار گرفته است. این آبراه به طول ۴۲ مایل دریایی، با عرض حداقل ۲۵۰ متر و متوسط عمق ۲۰ متر، بستری آرام و مطمئن برای تردد انواع کشتی های اقیانوس پیمای تجاری و نفتکش از این بندر به اقصی نقاط جهان را دارا است. بندر امام (ره) در میان بنادر تجاری کشور با بیش از ۱۶ میلیون متر مربع مساحت، یکی از بزرگترین و مهمترین بنادر تجاری ایران محسوب می شود که سالانه حدود نیمی از صادرات غیرنفتی کشور از طریق این بندر انجام می شود. این بندر با موقعیت ممتاز جغرافیایی و اقتصادی منحصر به فرد خود و با بیش از ۸۰ سال تجربه مفید توانسته به عنوان نزدیک ترین و مهمترین مرکز تجاری و بندری ایران در نیمه غربی کشور که قریب به ۷۰ درصد از مراکز تجاری، صنعتی، کشاورزی و جمعیتی کشور در آن قرار دارد تبدیل شود. همجواری با بزرگترین منطقه ویژه اقتصادی صنایع پتروشیمی در بندر امام خمینی، منطقه آزاد تجاری اروند در آبادان و خرمشهر و دیگر صنایع مادر در خوزستان بر اهمیت جایگاه این بندر افزوده است. با توجه به موقعیت راهبردی اقتصادی و جغرافیایی ویژه کشور، بندر امام خمینی به عنوان



جزو بندر

شهیدرجایی و

بندر امام خمینی

در جنوب کشور،

بنادر دیگر ایران

قابلیت بالایی

در تجارت کلان

اقتصاد دریایی

ندارند، هم

اکنون مهمترین

و اساسی ترین

بندر ایران، بندر

شهیدرجایی است

که طی سه دهه

اخیر تقریباً ۸۰

درصد واردات و

صادرات کالا در این

بندر صورت گرفته

است



عبور کریدور
شمال و جنوب از
ایران، واقع شدن
در دهانه خلیج
فارس، نزدیکی
به مسیر خطوط
کشتیرانی لاینر، از
جمله عواملی است
که می‌تواند جایگاه
ایران را در میان
کشورهای منطقه
به شدت ارتقاء
بخشد

نزدیک‌ترین بندر جنوبی ایران به کشورهای آسیای میانه، حوزه قفقاز، ترکیه، عراق و کشورهای حوزه خلیج فارس محسوب می‌شود. ۳۴ درصد از حمل‌ونقل دریایی کشور از طریق بنادر خوزستان و از جمله بندر امام خمینی (ره) صورت می‌پذیرد و این بندر با ظرفیت ۵۰ میلیون تن و ۱۱ هزار هکتار وسعت وسیع‌ترین منطقه ویژه اقتصادی بندری در کشور به شمار می‌آید. این بندر ظرفیت ترانزیت کالا از جمله غلات به میزان ۵۰ میلیون تن در سال به حوزه خلیج فارس تا شرق آفریقا برخوردار است که با توجه به وجود آزاد راه‌های دسترسی به بندر و کوتاه شدن فاصله مسافت شمال به جنوب و نیز وجود خط راه‌آهن، از نظر اقتصادی برای تجارت داخلی و خارجی مقرون به صرفه است. ارتقاء جایگاه بندر امام خمینی (ره) به جایگاه نخست در ترانزیت کالا با ۲۴ درصد سهم از کل ترانزیت کشور را از دیگر موفقیت‌های این مجتمع بندری است. امروزه رویکرد بنادر پیشرفته در جهان گذر از بنادر نسل سوم به سمت بنادر نسل چهارم است. در حالی که خدمات ارزش افزوده صنعت لجستیکی جذب صنایع تبدیلی و مونتاژ و بسته بندی از ویژگی‌های بنادر نسل سوم و چهارم است حل آنکه کارکرد فعلی بنادر در کشور ما همان کارکرد بنادر نسل اول است که فقط مختص تخلیه و بارگیری است.

بندر امیرآباد

تعداد اسکله‌های پیش‌بینی شده، اتصال به شبکه سراسری راه‌آهن، احداث پالایشگاه نفت، وسعت محوطه‌های پشتیبانی مزیت‌های مهم این بندر امیرآباد است که آن را به عنوان منطقه ویژه به مهم‌ترین بندر در شمال کشور و بندری استراتژیک جهت انجام مبادلات کالا بین جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حاشیه دریای خزر و آسیای میانه و قفقاز تبدیل می‌کند. این مجموعه بندری در سه فاز با ۳۴ پست اسکله طراحی شده که اکنون فاز اول آن تکمیل شده است. وسعت این منطقه ویژه یک هزار هکتار است و به شبکه ریلی ایران نیز پیوند دارد. بندر امیرآباد به صنایع کشتی‌سازی صدراتی نکا، نیروگاه نکا و پایانه نفتی نکا خط لوله نکا و شرکت نفت خزر در بهشهر نزدیک است. با احداث ۲۰ اسکله دیگر در فازهای دوم و سوم بندر امیرآباد بزرگ‌ترین و مهم‌ترین بندر حاشیه دریای خزر خواهد بود. از سال ۸۷ تا ۹۰ تخلیه و بارگیری به ترتیب از رشد ۱۷، ۲۰، ۲۲ و ۳۴ درصد داشته است. در شش ماه سال جاری نیز یک میلیون و ۹۵۴ هزار و ۶۴۷ تن کالا در این بندر تخلیه و بارگیری شده که نسبت به مدت مشابه سال پیش ۴۳ درصد رشد نشان می‌دهد. همچنین بندر امیرآباد به دلیل داشتن موقعیت تولید، توزیع و ترانزیت کالاها، از بنادر نسل نو کشور محسوب می‌شود. سیلوی دوم و سوم غلات با ظرفیت ذخیره‌سازی حدود ۵۲ هزار تن، مخازن نگهداری فرآورده‌های نفتی، نیروگاه ۴ مگاواتی برق، کارخانه تولید کاغذ، کارخانه تولید محصولات فولادی، انبار ۵۰۰۰ تنی، ساختمان رفاهی و خدماتی، سردخانه و سورتینگ میوه از جمله طرح‌های دست اجرای بندر است. در حال حاضر ۱۰ پست اسکله فعال و چهار اسکله در دست ساخت است. ظرفیت سالانه بارگیری و تخلیه اسکله بندر امیرآباد را حدود

رقابت‌های حسرت برانگیز

مقایسه بنادر کانتینری
حوزه خلیج فارس در ایران
و کشورهای همسایه



دومیلیون و ۸۰۰ هزار تن است و با بهره‌برداری از چهار اسکله در حال ساخت این ظرفیت به حدود سه میلیون و ۵۰۰ هزار تن افزایش می‌یابد. با توجه به موقعیت ممتاز ترانزیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه به عنوان پل ارتباطی شرق و غرب، همواره استفاده از ظرفیت ترانزیتی کشور یکی از برنامه‌های اصلی این بندر بود. با توجه به ایجاد کریدور بین‌المللی ترانزیت شمال - جنوب که در شمال، اروپا را به شبه قاره هند و شرق آسیا متصل می‌کند لزوم ساخت بندری بزرگ و مدرن با ظرفیت بالای حمل کالا و بهره‌مندی از سیستم‌های ترکیبی حمل‌ونقل احساس شد. از سوی دیگر خلأ موجود یک بندر در شرق دریای خزر به عنوان دنباله‌ای مطمئن و استراتژیک در شمال کشور هم یکی از دغدغه‌های مسئولان بود. به رغم این امتیازات، تعرفه بالای حمل‌ونقل ریلی یکی از مشکلات این بندر است. بندر امیرآباد تنها بندر شمالی متصل به شبکه ریلی کشور است که به دلیل نرخ بالای تعرفه حمل‌ونقل ریلی در چند سال اخیر عملاً استقبالی از آن نمی‌شود. از مزیت‌های حمل ریلی می‌توان به کاهش ترافیک جاده‌ای، کاهش تصادفات، حفظ محیط زیست و افزایش بهره‌وری اشاره کرد که نگاهی به آمارهای گذشته نشان از استقبال صاحبان کالا از شبکه راه‌آهن دارد. تکمیل اسکله‌رو - قطار رو، ساخت چهار اسکله با ظرفیت ۱۲ هزار تن، احداث مسجد و دیواره حفاظتی ساحل شرقی و افزایش وسعت بندر به ۲ هزار و ۶۰ هکتار از طرح‌های توسعه میان‌مدت است که عملیات اجرایی آنها آغاز شده است. بهره‌برداری از پروژه‌های سرمایه‌گذاری بندری، تکمیل، تسطیح و زون‌بندی همه اراضی بندر، تطویل موج شکن و تعرض دهانه کانال ورودی به همراه لایروبی حوضچه و کانال از مهم‌ترین برنامه‌های آتی بندر است.

بندر نوشهر

با اجرای برنامه‌های توسعه بندر نوشهر طی دو برنامه ۵ ساله بعدی، تا پایان سال ۱۳۹۴، این بندر قادر خواهد بود با ۱۰ پست اسکله تجاری، یک پست اسکله نفتی و یک پست اسکله‌رو و با بیش از ۱۲۰ هکتار اراضی پشتیبانی، بیش از ۵ میلیون تن فعالیت عملیاتی داشته باشد. ایران شاید تنها کشوری است که با استعداد بی‌بدیل جغرافیایی، اینک با ظرفیت ۲ میلیون و هشتصد TEU خود را سرگرم رقابت‌های داخلی می‌کند و اگرچه سالانه بطور متوسط ۲۰۰ هزار کانتینری بر آمار خود می‌افزاید اما تاکنون عزمی برای یک رشد تحول آفرین جزم نکرده است و از سوی دیگر، خارج شدن از رقابت‌های منطقه‌ای بین بنادر حاشیه خلیج فارس را خیلی جدی نگرفته و در عین حال این تحولات را تهدیدآمیز نمی‌داند. حال آنکه عبور کریدور شمال و جنوب از ایران، واقع شدن در دهانه خلیج فارس، نزدیکی به مسیر خطوط کشتیرانی لاینر، قرار گرفتن در مرکزیت سواحل جنوبی کشور که دسترسی به تمامی نقاط کشور و همسایگان بدون مرز دریایی - همگی از جمله عواملی است که می‌تواند جایگاه ایران را در میان کشورهای منطقه به شدت ارتقاء بخشد. اما این اتفاق نمی‌افتد.



■ علیرضا چشم‌جهان
معاون امور لجستیک
شرکت تایدواتر
خاورمیانه

در طول سالهای اخیر، بنادر کانتینری حوزه خلیج فارس و منطقه خاورمیانه با سرمایه‌گذاریهای هدفمند گامهای بلندی را در جهت بردن گوی رقابت از بنادر ایرانی و تثبیت نقش خود در مبادلات تجاری بین‌المللی برداشته‌اند. این یادداشت کوتاه نگاهی دارد به جزئیات پیشرفتهای مهم و برنامه‌های بنداری که عملکرد و توسعه آنها بر حمل‌ونقل و تجارت کشورمان تاثیر گذار است.

بندر شهید رجایی بندر عباس

بندر شهید رجایی، بزرگ‌ترین، مهم‌ترین و فعال‌ترین بندر کانتینری کشور است که با وجود اعمال تحریم‌های گسترده بین‌المللی علیه مبادلات تجاری جمهوری اسلامی ایران، با انجام عملیات بیش از دو میلیون و هشتصد هزار تنی (واحد شمارش کانتینر) در سال ۲۰۱۱ (شامل ۲۳ درصد کانتینرهای ترانشیپ و ترانزیت خارجی)، با تجربه رشد دو رقمی (۱۰ درصد) نسبت به سال ۲۰۱۰، توانست جایگاه خود را در بین بنادر معتبر کانتینری جهان در رتبه ۴۵ تثبیت نموده و در جدول رده‌بندی در مکانی بالاتر از بنداری همچون دوربان (آفریقای جنوبی)، کوبه، ناگويا و اوزاکا (ژاپن)،

بندر خورفکان

شارجه - امارات متحده عربی

بندر خورفکان که توسط شرکت "گلف تینر" اداره می‌شوند، در سال گذشته میلادی، عملیاتی بالغ بر ۳ میلیون و دویست و سی هزار تی‌ای‌یو داشته‌اند و با کسب این رکورد، جایگاه سی و هشتمی خود را در بین بنادر کانتینری معتبر جهان حفظ کرده‌اند. با تکمیل فاز دوم طرح توسعه بندر خورفکان که خارج از خلیج فارس و بیرون تنگه هرمز واقع است، این بندر در سال ۲۰۱۱ با تکمیل مراحل احداث ۸۰۰ متر اسکله جدید با ۱۶ متر عمق، طول اسکله هایش را به ۲۰۰۰ متر رساند و ۶ دستگاه گنتری کرین سوپرپست پاناماکس جدید را هم به تعداد تجهیزاتش افزود. همچنین برای تکمیل تجهیزات این فاز، سفارشات جدیدی نیز به سازندگان معتبر گنتری کرین و ترانس تینر داده شده که تا پایان سال ۲۰۱۲ به مرحله عملیاتی می‌رسند. در ادامه اجرای طرح توسعه بندر خورفکان، مسئولین شرکت گلف تینر در صدد هستند تا طول اسکله‌های این بندر را تا سال ۲۰۱۴ به ۳۰۰۰ متر با عمق ۱۷ متر برسانند تا در آینده برای پذیرش و پهلودهی کشتیهای نسل جدید کانتینر بر با مشکلی مواجه نشوند.

بندر خلیفه

ابوظبی - امارات متحده عربی

در طول سال‌های

اخیر، بنادر

کانتینری

حوزه خلیج

فارس و منطقه

خاورمیانه با

سرمایه‌گذاری‌های

هدفمند گام‌های

بلندی را در جهت

بردن گوی رقابت

از بنادر ایرانی

و تثبیت نقش

خود در مبادلات

تجاری بین‌المللی

برداشته‌اند

سواحل جنوبی خلیج فارس - شمال عربستان

فعالیت‌های کانتینری بندر دمام با کسب رکورد عملیاتی یک میلیون و ششصد هزار تی‌ای‌یو در سال ۲۰۱۱ بیش از ۱۳ درصد نسبت به سال ۲۰۱۰ رشد داشته و مقامات بندری عربستان سعودی یک برنامه سرمایه‌گذاری ششصد میلیون دلاری جدید برای رساندن ظرفیت سالیانه بندر یاد شده به ۳ میلیون تی‌ای‌یو را در دست اقدام دارند که تحقق آن منجر به افزایش ۱۲۰۰ متر به طول اسکله‌های کانتینری بندر دمام می‌گردد و در سال ۲۰۱۶ پس از نصب ۱۲ دستگاه گنتری کرین به بهره‌برداری می‌رسد.

بندر صلاله

جنوب شرقی عمان - سواحل اقیانوس هند

بندر صلاله در پایان سال ۲۰۱۱ با انجام عملیاتی بالغ بر ۳ میلیون و دویست هزار تی‌ای‌یو، موفق به کسب رتبه ۳۹ در رده‌بندی بنادر معتبر کانتینری جهان شده و در حال پیگیری طرح جامع خود از طریق افزایش سه میلیون تی‌ای‌یو به ظرفیت کنونی‌اش جهت دستیابی به ظرفیت سالیانه‌ای بالغ بر ۸ میلیون تی‌ای‌یو حداکثر تا پایان سال ۲۰۱۶ می‌باشد.



مزیت نزدیکی به مسیر اصلی تردد خطوط کشتیرانی، می‌تواند با تکمیل زیر ساختها و استفاده از روشهای نوین برای کسب سهم بیشتر از مبادلات کانتینری بین‌المللی منطقه (ترانزیتیپ و ترانزیت خارجی)، به جایگاه بهتری دست یابد.

بندر جبل علی

دوبی - امارات متحده عربی

بندر جبل علی با در اختیار داشتن ظرفیتی بالغ بر ۱۴ میلیون تی‌ای‌یو (۴ برابر بیشتر از ظرفیت کنونی بندر شهید رجایی)، در سال ۲۰۱۱ میلادی توانست عملیات ۱۳ میلیون تی‌ای‌یو کانتینر (۵۰ درصد این آمار در برگیرنده کانتینرهای ترانشیپی می‌باشد) را به انجام برساند و با تجربه رشد ۱۲ درصدی نسبت به سال ۲۰۱۰، جایگاهش را به عنوان هاب منطقه در رده نهمین بندر کانتینری جهان حفظ کند. بررسی آمار عملکرد بندر مذکور طی ماههای سپری شده از سال ۲۰۱۲ نیز نشان می‌دهد که جبل علی در پایان سال میلادی جاری به کسب رکورد ۱۴ میلیون تی‌ای‌یو نائل می‌گردد. با این حال مسئولین دی پی ورلد که راهبری یکپارچه بندر جبل علی را برعهده دارند، طرح توسعه میان مدت خود برای دستیابی به ظرفیت سالانه ۱۹ میلیون تی‌ای‌یو تا سال ۲۰۱۴ را با جدیت دنبال کرده‌اند که این برنامه در نهایت به ایجاد ۲۲۶۰ متر اسکله جدید با عمق آب‌خور ۱۷ متر جهت پذیرش بزرگترین کشتیهای کانتینری حال و آینده جهان منجر می‌شود.

ونکورو و مونترال (کانادا)، ملیورن و سیدنی (استرالیا)، سنت پترزبورگ (روسیه)، مالتا (مالت)، لوهاور (فرانسه)، زی‌بروژ (بلژیک)، بارسلونا (اسپانیا)، سیاتل، ویرجینیا و هیوستون (ایالات متحده) و همچنین بندر اینچون (کره جنوبی)، چنی (هندوستان) و کراچی (پاکستان) بایستند. بندر شهید رجایی جایگاه دومین بندر کانتینری داخل حوزه خلیج فارس را بعد از بندر جبل علی (واقع امارات متحده عربی) در اختیار دارد، هر چند که اختلاف فاحشی بین ظرفیت و آمار عملیات این دو بندر قابل مشاهده است. برای کاستن از این تفاوت چشمگیر، مقامات بندری ایران در صدد هستند تا با تکمیل فاز دوم طرح توسعه بندر شهید رجایی، ظرفیت سالانه آنرا به ۶ میلیون تی‌ای‌یو در سال برسانند (این ظرفیت با ساخت ۲۰۱۰ متر اسکله جدید با عمق آب‌خور ۱۶ متر و تجهیز آنها به حداقل ۱۸ دستگاه گنتری کرین جدید محقق می‌شود)، هر چند که زمان مشخصی برای دستیابی به ظرفیت یاد شده اعلام نگردیده و تحقق آن به پیشرفت مراحل ساخت و ساز توسط سازمان بندر و دریانوردی و تعیین تکلیف نحوه سرمایه‌گذاری برای تامین تجهیزات استراتژیک منوط است. خاطر نشان می‌سازد، بندر شهید رجایی از لحاظ آمار عملکرد هم اکنون در رتبه ششم منطقه خاورمیانه پس از بنادر جبل علی (دبی) - امارات متحده عربی، پورت سعید (مصر)، جدّه (عربستان سعودی)، شارجه و خورفکان (امارات متحده عربی) و صلاله (عمان) قرار دارد و با توجه به موقعیت استراتژیک بندرعباس در شمال تنگه هرمز و دهانه ورودی خلیج فارس و برخورداری از



آسمان نیمه ابری بنادر ایران

پاسخ به پرسش‌های آینده‌نگر



■ محسن صادقی‌فر

معاون امور بندری
سازمان بنادر و
دریانوردی



۱ اهمیت بنادر ایران به نسبت بنادر منطقه حاشیه خلیج فارس در چه شرایطی قرار دارد و امکان

رقابت بنادر ایران با آنها در چه وضعیتی است؟

بنادر ایران به لحاظ واقع شدن در یکی از مناطق استراتژیک دنیا از اهمیت شایان توجهی برخوردارند. به همین لحاظ می‌توان بنادر کشور را دروازه ورود کالا به کشورهای آسیای میانه، روسیه و اروپا ارزیابی نمود. از سویی دیگر بنادر ایران با قرار گرفتن در مسیر کریدورهای مهم حمل‌ونقل از جمله کریدور شمال - جنوب و شرق و غرب از پتانسیل بالقوه‌ای برای ترانزیت کالا برخوردارست. هر چند که سایر بنادر منطقه نیز دارای مزیت‌های حمل‌ونقلی می‌باشند اما به جرات می‌توان گفت که

مزیت‌ها و قابلیت‌های بالقوه بنادر جمهوری اسلامی ایران نسبت به سایر بنادر بیشتر است. لذا به لحاظ اهمیت بنادر کشورمان سازمان بنادر و دریانوردی نیز طی سال‌های مختلف امکانات زیرساختی لازم را برای صادرات واردات و ترانزیت کالا فراهم آورده است. به طوریکه در حال حاضر هیچ‌گونه محدودیتی برای ورود و خروج کالا در بنادر ایران وجود ندارد. همچنین با توجه به موقعیت استراتژیکی کنونی بنادر ایران و جود امکانات زیر ساختی لازم و نیز شبکه پشتیبانی گسترده در داخل کشور به لحاظ خطوط ریلی و جاده‌ای امکان رقابت با سایر بنادر منطقه در زمینه‌های مختلف بویژه ترانزیت کالا وجود دارد. البته بهره‌گیری کامل از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بنادر کشور همواره با چالش‌هایی روبرو بوده که برخی از آن‌ها به مسایل داخلی کشور و برخی دیگر نیز از مسایل سیاسی و خارجی نشأت می‌گیرد. سازمان بنادر و دریانوردی به نوبه خود همواره سعی کرده با درک موقعیت بنادر گام‌های عملی لازم برای مواجهه و حل چالش‌های موجود برای بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های بنادر کشور را بردارد و تاکنون اقدامات متعددی را در این خصوص صورت داده است.

۲ طی یک دهه اخیر توسعه بنادر کشور از حیث نرم‌افزاری و سخت‌افزاری چگونه بوده و هم‌اکنون بنادر ایران با چه ظرفیت آینده‌نگرانه‌ای به خدمات‌رسانی مشغول‌اند؟

طی یک دهه اخیر امکانات فراوانی هم به لحاظ سخت‌افزاری و هم به لحاظ نرم‌افزاری در بنادر کشور ایجاد شده است. به طوری که شاید نتوان شرایط فعلی بنادر کشور را با ۱۰ سال قبل مقایسه نمود. رشد بنادر کشور را در آمار و ارقام عملکرد بنادر در بخش‌های مختلف اعم از نفتی، غیرنفتی، کانتینری و... می‌توان مشاهده نمود. آمار کانتینری بنادر در طی ۱۰ سال گذشته بیش از ۱۰ برابر رشد داشته است. براساس آخرین آمارها، رتبه بندر شهیدرجایی در میان بنادر کانتینری دنیا از رتبه ۹۶ در سال ۸۳ به رتبه ۴۵ در سال ۹۰ رسیده است. عملکرد نفتی بنادر از ۷۷ میلیون در سال ۸۱ به ۱۳۵ میلیون در سال ۹۰ رسیده است. به لحاظ سخت‌افزاری در کلیه بنادر کشور طرح‌های گسترده‌ای در حال اجراست. در حال حاضر تقریباً کلیه بنادر در دست توسعه می‌باشند و این توسعه با توجه به نیازهای آتی بنادر و شرایط موجود حمل‌ونقل در دنیا صورت می‌گیرد. به عنوان مثال با توجه به فراگیر شدن پدیده کانتینری شدن در دنیا، ایجاد و تقویت تاسیسات کانتینری در کلیه بنادر پیش‌بینی شده است. به طوریکه می‌توان گفت که بنادر ایران از هیچ‌گونه محدودیتی به لحاظ نوع کالا برخوردار نمی‌باشد و کلیه انواع کالا اعم از کانتینری و غیرکانتینری، فله، کالای عمومی و... قابلیت پذیرش دارند. امروزه در برخی از بنادر عمده کشور مانند بندر شهیدرجایی کشتی‌های نسل جدید کانتینری قابل پهلو دهی می‌باشند. نرم تخلیه و بارگیری عملیات به نسبت ۱۰ سال گذشته از بهبود قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. دیگر از زمان انتظار طولانی در بنادر کشور خبری نیست. مشکل ازدحام در بنادر ایران تقریباً ریشه‌کن شده است. تاسیسات مدرن کانتینری و غیرکانتینری در بنادر بکار گرفته شده است. به لحاظ نرم‌افزاری نیز اقدامات گسترده‌ای در بنادر صورت گرفته است. از ۱۰ سال گذشته تاکنون روند واگذاری امور تصدی‌گری به بخش خصوصی آغاز

شده است و تاکنون تقریباً کلیه امور تصدی به بخش خصوصی واگذار شده است که این امر ضمن ایجاد اشتغال، کیفیت خدمات‌رسانی را ارتقاء بخشیده است. در حال حاضر بسیاری از خدمات بندری به صورت مکانیزه و الکترونیکی صورت می‌گیرد. هماهنگی‌های لازم با سایر ارگان‌های ذیربط در بنادر از جمله گمرک به نسبت قابل ملاحظه‌ای نسبت به گذشته افزایش یافته است. خدمات تک پنجره در کلیه بنادر کشور در حال ارائه است. با انجام این اقدامات میزان رضایتمندی مشتریان نیز به میزان شایان توجهی ارتقاء یافته است. همچنین یکی از شاخص‌های مهمی که طی ۱۰ سال گذشته از بهبود و رشد چشمگیری برخوردار بوده، شاخص ایمنی عملیات در بنادر است. در حال حاضر نسبت یک دهه قبل از بنادر ایمن‌تری برخوردار می‌باشیم. بهبود ایمنی هم به لحاظ سخت‌افزاری با بهره‌گیری امکانات مدرن و به لحاظ نرم‌افزاری از طریق آموزش پرسنل درگیر در بخش ایمنی و تدوین استانداردهای ایمنی و اجرای مفاد مندرج در کنوانسیون‌ها و دستورالعمل‌های بین‌المللی در این زمینه محقق شده است.

۳ در جهت ارتقای آینده‌نگرانه موقعیت بنادر ایران، بخش‌های مغفول ظرفیت‌های واقعی بنادر ایران را بیشتر در چه حوزه‌ای می‌دانید و موانع ساختاری این غفلت‌ها چیست؟ آیا امکان بکارگیری پتانسیل بخش خصوصی در این حوزه‌ها وجود دارد؟

سازمان بنادر و دریانوردی با برنامه‌ریزی دقیق و واگذاری امور تصدی‌گری در بنادر کشور همواره سعی در شناسایی مشکلات و موانع اجرایی داشته و شاید بتوان گفت که کمتر موردی بوده که از نظر سازمان مغفول مانده باشد. البته این بدین معنا نیست که در حال حاضر هیچ مشکلی در بنادر کشور وجود ندارد اما وجود مشکلات در بنادر ناشی از غفلت سازمان بنادر و دریانوردی نیست و تنگنای موجود ناشی از علل مختلف است که بسیاری از آن‌ها خارج از حیطه مسئولیت سازمان است. اما شاید بتوان گفت که استفاده حداکثری از توان ترانزیتی بنادر یکی از حوزه‌هایی است که تاکنون استفاده کامل از آن صورت نگرفته است. هرچند که عامل این امر غفلت نبوده اما به لحاظ اهمیت مقوله ترانزیت و نقش آن در اقتصاد ملی، می‌بایست در وضعیت بهتری قرار داشته باشیم. با اینکه نمی‌توان به برآورد دقیقی از ظرفیت‌های خالی ترانزیتی کشور ارائه نمود اما به طور کلی می‌توان گفت در بنادر تنها از ۲۰ درصد از توان ترانزیتی کشور استفاده می‌شود و مابقی ظرفیت خالی است. البته به لحاظ اینکه موضوع ترانزیت یک موضوع فراسازمانی و حتی فراملی است، مستلزم شرایط سیاسی مطلوب همکاری سایر سازمان‌ها و ارگان‌های ذیربط است. با این وجود ارتقاء وضعیت ترانزیت از بنادر کشور به عنوان یکی از اهداف استراتژیک سازمان بوده و حتی یکی از ادارات کل سازمان در این زمینه فعالیت می‌کند. سازمان بنادر و دریانوردی با هدف ارتقاء نقش بنادر در اقتصاد ملی و منطقه‌ای نسبت به جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی مبادرت می‌نماید. سرمایه‌های مزبور عمدتاً به سمت ایجاد بسترهای مناسب و بهره‌برداری ارائه خدمات بهینه به مشتریان و صاحبان کالا وارداتی صادراتی و ترانزیتی هدایت می‌شوند.

سرمایه‌های داخلی و خارجی در فضای رقابتی برای افزایش ترافیک دریایی از طریق استقرار فعالیت‌های

بازی زمان؛ قواعد بازی

گفت‌وگو با محمدرضا اشکریز
مدیر کل بندر شهیدرجایی در سال‌های دهه هفتاد:
چگونه بندر شهیدرجایی مرکز بنادر ایران شد

■ مجید یوسفی



یکی از بزرگ‌ترین امتیازاتی که مسیر جنگ هشت ساله را به التهابات فزاینده غیرقابل کنترل حاصل از انهدام و اشغال جنوب کشور مبدل ساخت پیش‌بینی احداث بندری در استان هرمزگان بود که در ابتدای سال‌های دهه ۵۰ طرح و مطالعات آن انجام و در سال‌های دهه ۶۰ کم و بیش به راه‌اندازی و سپس به بهره‌برداری آن اهتمام کامل شد. بخش عمده‌ای از جابجایی کالا و مایحتاج عمومی از درون این بندر انجام می‌گرفت و بزرگ‌ترین عملیات تخلیه و بارگیری کالا در قلب همین بندر می‌تپید. احداث بندر شهیدرجایی در سال‌های میانی جنگ توانست بخشی از مشکلات ناشی از حمل‌ونقل دریایی را در تب بحرانی جنگ مرتفع سازد. محمدرضا اشکریز مدیر کل بندر شهیدرجایی در سال‌های دهه هفتاد و یکی از مدیران عالیرتبه حمل‌ونقل دریایی اگر چه در تب بحرانی جنگ چنین مسئولیت خطیری نداشته اما در کس و قوس جابجایی و تغییر جغرافیایی بزرگ‌ترین بندر استراتژیک کشور از بندر خرمشهر به بندر شهیدرجایی قرار داشت. او به روایت هزاران نیروی زنده حاضر در این بندر یکی از کارآزموده‌ترین و محبوب‌ترین مدیران آن سالها بود که بخش بزرگی از تحولات مثبت در این بندر با مصلحت‌بینی و درایت او رقم زده شد. اشکریز در این گفتگو به چگونگی مدیریت این تغییرات و جابجایی و روزهای دشوار مدیریت بندر شهیدرجایی در سال‌های جنگ سخن می‌گوید.

بندری بود؟

بیشترین عملیات بندری در سال ۵۶ بود که تقریباً ۴/۵ میلیون تن جابجایی کالا صورت می‌گرفت. این آمار هم اینک در منابع گمرکات کشور هست. حجم کشتی‌های منتظر در لنگرگاه که در منتهی‌الیه خلیج فارس بود گاه به ۱۲۰ فروند شناور هم می‌رسید. در آن موقع حتی دستور آمده که اداره بندر به هر صورت ممکن باید حجم کشتی‌های منتظر را به صفر برسانند. من در آمار آن زمان حتی خوانده‌ام که چند کشتی تا دو سال پشت نوبت در لنگرگاه بودند.

علت این تاخیرها چه بود؟

بعضی‌ها اختلاف صاحب بار با گمرک و گاهی هم

پیش از آنکه موقعیت کنونی بندر ایران را مورد بررسی قرار دهیم، اولین پرسش این است که وضعیت بندر ایران در سال‌های پیش از انقلاب چگونه بود؟ ظرفیت و جهت‌گیری بندر ما در منطقه براساس چه اولویت‌هایی برنامه‌ریزی شده بود؟

بله، این پرسش درستی است. چون برنامه جابجایی کالا در سال‌های پیش از انقلاب براساس هاب منطقه در کویت بود. در سال‌های ۴۰ به بعد هاب منطقه در کویت بود. درواقع از آنجا به بندر کشورهای عربستان، کویت، قطر و حتی بخشی هم به ایران تقسیم می‌شدند. در آن زمان فعال‌ترین بندر ایران خرمشهر بود. ظرفیت بندر خرمشهر در چه سطحی از عملیات

مبتنی بر تجارت از راه دریا و پشتیبانی از فعالیت‌های اقتصادی و برقراری ارتباط تجارت بین‌المللی و تحرک در اقتصاد منطقه‌ای، تولید و پردازش کالا، انتقال فن‌آوری، صادرات مجدد و گسترش ترانزیت کالا جهت بهبود بهره‌وری و خدمات‌رسانی بهینه کارآیی خواهد داشت. در این راستا سازمان بنادر و دریانوردی فعالیت‌های مکمل خدمات اصلی بندری و دریایی مشمول سوخت‌رسانی، آذوقه‌رسانی، جمع‌آوری مواد زائد شناورها، خدمات مرتبط با مدیریت زنجیره تامین و لجستیک، پارک توزیع کالا، تعمیر و شستشوی کانتینر، تامین و تعمیر قطعات و تجهیزات سیلوی غلات، مخازن نگهداری فراورده‌های نفتی و فله‌ای، ساخت و تعمیر شناورها و همچنین فعالیت‌های سبک ارزش افزوده همانند صنایع تبدیلی و مونتاژ مرتبط با صنایع کوچک و متوسط، تاسیسات بسته‌بندی و جداسازی و علامت‌زنی، تصفیه روغن سوخته و نهایتاً فعالیت‌های مرتبط با صادرات مجدداً را به عنوان بخش‌هایی که امکان بهره‌وری و خدمات‌رسانی بهینه را فراهم می‌آورد مدنظر دارد.

۴ برنامه مشخص آینده ایران در کریدور شمال و جنوب چیست؟ چه حلقه‌هایی از توسعه این

کریدور وجود دارد که هنوز تکمیل نشده است؟

سیاست مبنایی جمهوری اسلامی ایران در زمینه توسعه ترانزیت در سطح ملی مبتنی بر احراز جایگاه شایسته کشور در عرصه حمل‌ونقل بین‌المللی استوار بوده و در این راستا ارتقاء نقش و عملکرد کریدور شمال-جنوب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. براساس هدفگذاری‌های صورت گرفته حاکی از تاکید مسئولین عالیرتبه نظام بر توسعه ظرفیت‌های ترانزیتی زیرساخت‌های حمل‌ونقل کشور سالیانه به میزان ۵۰ میلیون تن است. بنابراین نظر به جایگاه ویژه شمال-جنوب در ترانزیت، بخش عمده‌ای از این ظرفیت‌سازی‌ها یعنی در حدود ۲۰ میلیون تن ظرفیت ترانزیتی کشور، متمرکز بر زیرساخت‌های واقع در مسیر این کریدور خواهد بود. بدیهی است نظر به گستردگی بازارهای هدف ترانزیتی و اتصالات مسیرهای فرعی کریدور شمال-جنوب با سایر کریدورهای ترانزیتی واقع در حوزه اوراسیا، به نظر می‌رسد پتانسیل ترانزیتی بازارهای هدف در چندین حوزه بویژه در حوزه آسیای میانه، قفقاز، اروپای شرقی، خلیج فارس و دریای عمان از اهمیت بارزی برخوردار بوده و می‌تواند حدود ۵۰ میلیون تقاضای ترانزیتی واقع‌بینانه را برای عبور از قلمرو جغرافیایی کشور فراهم سازد. در این بنادر جمهوری اسلامی ایران واقع در شمال و جنوب کشور از اهمیت و نقش ممتازی جهت ارائه خدمات ترانزیتی به کالاهای بازرگانی شرکای ترانزیتی کشور برخوردار بوده و تحت شرایطی فعلی قادر به جذب بیش از ۲۰ میلیون تن از تقاضای فوق‌الاشاره را دارا می‌باشند. با این همه با توجه به اهتمام ویژه سازمان بنادر و دریانوردی به ارتقاء نقش و توسعه زیرساخت‌های ترانزیتی بندر برنامه‌های توسعه‌ای بندر کشور بر مبنای توسعه ظرفیت‌ها به بیش از ۳۰ میلیون تن در پایان برنامه پنجم توسعه اقتصادی استوار بوده و در عین حال انتظار می‌رود چنین ظرفیت‌هایی در پسکرانه‌های بندر نیز جهت تسهیل دسترسی بندر با هدف ایجاد شده و عزم جدی را در حرکت واقعی دستگاه‌های متولی ترانزیت به منظور بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های ترانزیتی کشور با تاکید بر نقش بندر ایران و جذب بازارهای هدف شاهد باشیم.



بندر شهیدرجایی
نقطه ثقل بارهای
کشور است. در
واقع، اگر کشور را
به شرق و غرب
تقسیم کنید بندر
شهیدرجایی
حالت مرکزیت
دارد و می تواند
اصفهان، شیراز،
کرمان، سیستان و
بلوچستان و حتی
تهران را تحت
پوشش قرار دهد

اختلاف کشتی با صاحب بار بود. اما به صورت میانگین و براساس آمار موجود تقریباً میانگین انتظار نوبت در آن زمان به ۳ تا ۵ ماه می رسید و این نشان دهنده دموارژ بسیار بزرگ است. کشتی هایی هم که می آمدند با توجه به درافت ۷ متری بندر در آن پهلوی می گرفتند. این درافت برای کشتی های ۸ تا ۱۰ هزار تن مناسب است اما گاهی کشتی هایی تا ۱۰ هزار تن هم به بندر خرمشهر می آمدند. الان یک کشتی به گل نشسته باقی مانده از آن زمان که روبروی اسکله خانیان در بندر خرمشهر موجود است یک کشتی ۱۰ هزار تنی است. از طرفی بندر شاهپور (امام خمینی) هم هنوز جایگاه مطلوبی به دست نیاورده بود. به همین جهت دولت وقت به این تصمیم می رسید که یک کار مطالعاتی روی بندرعباس انجام دهد. آن زمان بندر شهید باهنر هم فعال بود اما فعالیت بالایی نداشت. تنها فعالیت بندری آن به تدارکات استان های هرمزگان و کرمان و بخشی هم از استان یزد محدود می شده است. بنابراین در مطالعاتی که در آن زمان انجام می گیرد به این نتیجه می رسد که با توجه به اینکه در دنیا سازه های کشتی ها بزرگ می شود و بندر نسل دوم در حال شکل گیری است و ظرفیت بندر در حال توسعه هستند بندر خرمشهر با توجه به نقشی که تاکنون ایفا کرده در آینده نه چندان دور نقش کنونی خود را از دست خواهد داد به همین دلیل مطالعات «شه بندر» را آغاز می کنند.

این مطالعات در چه تاریخی به پایان می رسد؟
تقریباً در سال ۵۵ به پایان می رسد. در آن مطالعات به این نتیجه نزدیک می شوند که یک بندری با ظرفیت ۱۰ میلیون تن و ۲۴ پست اسکله تأسیس کنند. البته این در حالی بود که یک سری مقاومت هایی هم شده بود.

این مقاومت از سوی چه کسانی صورت می گرفت؟
بیشتر از سوی یک سری از دولتی ها و سیاسیون وقت که احتمالاً از سوی کسانی که در خرمشهر سرمایه گذاری کرده بودند تقویت می شدند. چون عده قابل توجهی از صاحبان سرمایه و بازرگانان در خرمشهر سرمایه گذاری کرده بودند. در تجارت هم مرسوم است که معمولاً وقتی یک تاجری در نقطه ای از یک سرزمین سرمایه گذاری می کند، جابجایی او به نقطه دیگر قدری دشوار است. در همان موقع یک مزایده بین المللی برگزار می کنند و یک کنسرسیومی با مشارکت ایتالکو برنده می شود.

در چه سالی این اتفاق افتاد؟

دقیقاً در سال ۵۶ ایتالکو برنده این مزایده شد. در همین سال هم عملیات ساخت بندر شهیدرجایی آغاز می شود. بعد از پیروزی انقلاب کار هم تعطیل می شود. چند ماه بعد از انقلاب، مقامات جمهوری اسلامی از ایتالیایی ها دوباره دعوت می کنند به کار خود برگردند و به ادامه ساخت بندر مشغول شوند.

کدام نهاد در آن زمان متولی این امر می شود؟
خود سازمان بنادر و کشتیرانی پیگیر این کار بود. اما آنها به طور کامل به ایران باز نمی گردند. آن بخشی هم که آمدند کار را دوباره آغاز می کنند تا زمان آغاز جنگ بین ایران و عراق. حالا خرمشهر نابود شده و بندر امام هم در تیررس جنگ است و بیمه کشتی ها هم به شدت افزایش می یابد. در نتیجه یک بندر باهنر با درافت ۸ متر باقی می ماند. مدیران در آن زمان به این نتیجه می رسند که برای تدارکات جنگ و تدارکات داخلی مملکت باید بندر شهیدرجایی را سریع راه اندازی کنند. بنابراین دوباره با کنسرسیوم وارد مذاکره می شوند. آنها هم با دعوت به

بندر شهیدرجایی با قدرت کامل می آیند و ساختوساز اسکله ها را آغاز می کنند. در همین حال طرف مقابل به این نتیجه می رسد که دوبی به تدریج جای کویت را خواهد گرفت. چون بخاطر جنگ ایران و عراق کشتی به کویت نخواهد رفت و این کشور نقش خود را به عنوان هاب منطقه از دست خواهد داد. کشتی ها هم به جهت آنکه بیمه دریایی شان بالا رفته بهترین نقطه را در جبل علی می بینند. اماراتی ها هم نهایت استفاده را از این امر می برند. کالاهای ایرانی هم به جهت آنکه ما انتظار نوبت بالایی داشتیم به دوبی ارسال می شود و از آنجا به بندر شهیدباهنر فیدر می شود. در نتیجه در سال ۶۴، ۴ پست اسکله تحویل داده می شود. این ۴ پست هم پست های کانتنری هستند. اما فقط اسکله تحویل داده می شود محوطه ها خاکی بود و در آنجا کارکنان بندر شروع به تخلیه آهن آلات می کنند. برخی از محموله های آهن آلات تا سال ۶۵۶۶ در بندر وجود داشت.

بندر در چه سالی رسماً تحویل داده شد؟
۲۰ پست اسکله در سال ۶۴ و ۲۴ پست اسکله در سال ۶۵ تحویل داده شد. انبارها هم تا سال ۶۵، ۱۶ انبار اورپست و ترانزیت آن تحویل داده شد.

بندر از چه سالی آغاز به کار کرد؟

سال ۶۵. بنده هم دقیقاً از همین سال کار خود را در این بندر آغاز کردم. از این تاریخ هم فشار جنگ روی این بندر وجود داشت تا سال ۶۷ که جنگ تمام شد. در این مقطع بندر خرمشهر که اساساً قابل استفاده نبود. بندر امام هم که تجهیزات و ابزار در آن وجود نداشت. انبارها و اسکله های آن صدمه دیده بودند. چندین شناور مغروق وجود داشت. دولت یک فشار اساسی روی بندر خرمشهر آورد برای بازسازی و تقریباً ظرف ۳ سال بازسازی بندر انجام گرفت. انبارها ساخته و تجهیزات مجدداً مستقر کردند و چند شناور مغروق هم که پای اسکله وجود داشت نجات داده شد. بندر امام خمینی (ره) هم در همین مقطع کار خود را آغاز کرد. من یادم هست که در سال ۶۹ ما از بندر شهیدرجایی چند جرثقیل و لیفتراک و دو ترانستینر به آنجا منتقل کردیم.

هم اکنون جایگاه بندر شهیدرجایی به نسبت دیگر بنادر مطرح منطقه در چه وضعیتی است؟ به چه دلیل اخبار و اطلاعات این بندر در سطح مباحث بندری و دریایی از اولویت بالایی برخوردار است؟

چون بندر شهیدرجایی الان نقطه ثقل عملیات بندری ماست. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم عملیات کانتنری حرف نخست در حمل و نقل را می زند. بندر شهیدرجایی حدود ۸۶ درصد عملیات کانتنری در سطح بندر کشور انجام می دهد. در گذشته این رقم ۹۶ درصد عملیات بود. حال با احتساب بندر امام خمینی و بندر بوشهر ۱۰ درصد به نسبت گذشته کاهش یافته است. از سوی دیگر، بندر شهیدرجایی به لحاظ جغرافیایی روبروی بندر هاب منطقه قرار گرفته است. بنابراین برای صاحب کالا به هیچ وجه به صرفه نیست که بار خود را از بندر جبل علی به بندر خرمشهر یا بندر امام انتقال دهد. در نتیجه با کرایه ۱۰۰ دلار مستقیم به بندر شهیدرجایی می آورد. ضمن اینکه بندر شهیدرجایی نقطه ثقل بارهای کشور است. در واقع، اگر کشور را به شرق و غرب تقسیم کنید بندر شهیدرجایی حالت مرکزیت دارد و می تواند اصفهان، شیراز، کرمان، سیستان و بلوچستان و حتی تهران را تحت پوشش قرار دهد. بعلاوه بندر شهیدرجایی یکی

از بنادر چندمنظوره کشور است که توانایی تبدیل شدن به یک بندر نسل سوم را دارد. چون هم زیرساخت های آن آماده است و هم سرمایه گذارها آمادگی بیشتری برای سرمایه گذاری در آن را دارند.

اهمیت بندر نسل سوم چیست؟ چه فرصت هایی ایجاد می کند؟

یکی از بحث های بندر نسل سوم این است که بار به داخل بندر منتقل شده و سپس ارزش افزوده ای در آن ایجاد شود و صادرات مجدد شود. به نوعی سرمایه گذاران پذیرفتند که برای این روش در بندر شهیدرجایی سرمایه گذاری کنند. اما چرا این اتفاق نمی افتد؟ آن یک ماجرای دیگری است.

واقعاً چرا این اتفاق در آنجا نمی افتد؟

به نظرم برخی نمی خواهند که این اتفاق بیفتد.

یعنی دست هایی است که نمی گذارند؟

نه الزماً اینکه دست هایی نمی گذارند، بلکه بیشتر سردرگم هستند. شاید بسیاری از مسئولان رده بالای ما نمی دانند هاب منطقه چیست. شاید در مباحثات رسمی و مصاحبه ها از هاب سخن بگویند اما بطور تخصصی نمی دانند این هاب چه مزیت ها و فوایدی برای اقتصاد یک جامعه دارد. در صورتی که هاب یک مرکز توزیع است. یعنی مکانی که کالا به عنوان مرکز توزیع در آن منتقل شده و از آنجا به عنوان مرکز توزیع استفاده شود و سپس باز توزیع شود. به عنوان مثال ۹۳ درصد از کالاهایی که در جبل علی تخلیه و بارگیری می شود متعلق به امارات متحده نیست. کالاهای سراسر جهان به جبل علی انتقال و از آن بندر به بنادر مهم قطر، عربستان، عمان، ایران، بحرین، عراق، افغانستان ارسال می شود. مهم آن است که این جابجایی کالا و توزیع مجدد با کمترین مشکل و قوانین بورکراتیک در آن بندر انجام می گیرد. به عنوان مثال، اگر شما به دوبی بروید و بخواهید کالایی را از بندر جبل علی به نقطه دیگری از جهان منتقل کنید من تصور نمی کنم بیش از نیم ساعت زمان صرف آن شود. بخاطر اینکه آنها قوانین خود را به نحوی ساده کرده اند که صاحب کالا رغبت داشته باشد که کالای خود را در آنجا منتقل و از آن بندر به کشور خود ارسال نماید. قوانینی که در آن بندر هست به راحتی قابل تغییر نیست. تلاش و زمان زیادی در آن باید صرف شود تا آن تغییر کند. چون برای قوانین و مقررات آن تجربیات زیادی انباشته شده و کارشناسی عمیقی صرف شده تا عملیات جابجایی کالا به سادگی و بدون کمترین دشواری صورت گیرد. مگر آنکه به تسهیلات بیشتری نیاز باشد اما ما به نوعی برعکس



عمل می‌کنیم. در واقع نعل وارونه می‌زنیم. بجای اینکه امکاناتی فراهم کنیم که صاحب کشتی و صاحب کالا به این کشور رجوع کند به گونه‌ای عمل می‌کنیم که دست‌اندرکاران حوزه بندری ترجیح می‌دهند کمتر در بنادر ایران فعال باشند.

دلیل این عملکرد چیست؟

برخی آن را به جریانات سیاسی مربوط می‌دانند اما بنده به جهت ارتباط با مدیران خطوط کشتیرانی و صاحبان کالا و تحقیقاتی که انجام داده‌ام، مباحث اهالی بندری اصلا سیاسی نیست بلکه بیشتر به سود و زبانی مربوط است که متوجه این دست‌اندرکاران می‌شود. اگر بندری یک سنت بیشتر برای آن‌ها صرفه داشته باشد درنگ نمی‌کنند. بخاطر اینکه منافع خود را در آنجا می‌بینند. بحث دیگر این است که در بندر جبل علی به راحتی می‌توانید مالک زمین شوید. وقتی مالک زمین شدید به راحتی می‌توانید کارخانه تاسیس و به راحتی امکاناتی فراهم کنید که کالا در آن به ارزش افزوده‌ای برسد که مجدداً به نقطه‌ای دیگر صادر شود. اما الان در بنادر ما یک صاحب کالا، یک بازرگان یا اساساً صاحب سرمایه به راحتی نمی‌تواند مالک زمین شود. در اصل محال است که بتواند قطعه زمینی در اختیار بگیرد. اگر هم زمینی بدست بیاورد آنچنان به شما سخت خواهند گرفت که به هیچ وجه به نفع شما نخواهد بود. شاید اوج سرمایه‌گذاری در سال‌های ۸۴-۸۸ بود. از سال ۸۸ به این سو هیچ قراردادی در بحث کالا منعقد نشده است. ممکن است یک قراردادی درباره پارکینگ با یک مجتمع خدماتی منعقد شده باشد اما این‌ها ارتباطی با کالا ندارند. بنابراین وقتی سرمایه‌گذار به راحتی نمی‌تواند در بندر سرمایه‌گذاری کند، بنابراین صاحب کالا و صاحب کشتی‌ها جرات نخواهند کرد که در آن بندر فعالیت جدی کنند. زمانی ۲۷ خط مستقیم کشتیرانی در بندر شهید رجایی آمد و رفت داشتند الان تحقیق کنید چند خط کشتیرانی در این بندر فعالیت دارند؟ یک بخش بسیار محدودی به مسائل سیاسی مربوط است اما بخش عمده آن به مباحث فنی و اقتصادی ارتباط دارد. ما هنوز نتوانستیم مشکلات اپراتور کانتینری ترمینال دوم بندر شهید رجایی را مرتفع نماییم.

چرا پس از یک دهه مجادله و تلاشی نتوانسته‌اند به وضعیت ترمینال دوم کانتینری سامانی بدهند؟

الان بیست و یکسال است قرارداد شرکت تایدواتر به عنوان پورت اپراتور بندر شهید رجایی، سالیانه تمدید می‌شود. درواقع، نه اپراتور تکلیف خود را می‌داند و نه

سازمان بنادر. درواقع هیچکدام این دو طرف تکلیف خود را نمی‌دانند. به علاوه اینکه هیچکدام از این دو طرف نمی‌توانند سرمایه‌گذاری کلان انجام دهند. ما در اوایل سال‌های دهه هشتاد سرمایه‌گذار خارجی هم جذب کردیم. این سرمایه‌گذار حاضر بود با خود هم تجهیزات و هم نیروی کار ماهر و متخصص بیاورد. اما بنا به دلایلی که در سازمان بنادر وجود داشت از این کار منصرف شدیم. **الان اطلاعاتی وجود دارد که همان قرارداد سالیانه هم با اپراتور اول منعقد نمی‌شود. به تعبیر بهتر چندسالی هست که این قرارداد اساساً منعقد نشده است.**

اختلافاتی که با هم دارند کار را به اینجا کشانده است. پیمانکار طی این سال‌ها آنچنان قدرت بدست آورده که به قواعد بازی احترامی نمی‌گذارد. چون برای فرار از تعهدات خود از لابی‌های سیاسی بهره می‌برد. سازمان بنادر هم به نوعی دستش زیر ساطور پیمانکار است. حالا مدت‌هاست که اپراتور اول به دستورات سازمان توجه جدی ندارد. الان یک چیزی بالغ بر ۳۵ میلیارد تومان بدهی اپراتور اول به سازمان بنادر است. اما این بدهی را پرداخت نمی‌کند چون زور سازمان بنادر به پیمانکار نمی‌رسد. **تصمیم اخیر مهندس نیکزاد، وزیر راه و شهرسازی، مبتنی بر این است که اپراتوری ترمینال یک مجدد به همان پیمانکار سابق باز گردد و اپراتور ترمینال دوم هم به شرکت‌های دولتی واگذار شود. این تصمیم تا چه اندازه کارشناسی است؟**

خود وزیر هم نمی‌داند چه تصمیمی را عملی می‌کند. وزراء چون مدیران فنی نیستند ریز عملیات را نمی‌دانند. من تصور می‌کنم بخشی از مدیران سازمان بنادر توجیهاتی را برای ایشان مطرح کردند و ایشان هم با همان توجیه اپراتوری را به زیر مجموعه وزارتخانه سپرده است. به همین دلیل است که من معتمد سیستم دور خودش می‌چرخد. اما طرح توسعه بندر جبل علی عملیاتی شده و کار آغاز شده و در سال ۲۰۱۴ میلادی ظرفیت این بندر به ۱۴ میلیون TEU خواهد رسید. **بندر خلیفه ابوظبی هم قدرتی به مثابه بندر شهید رجایی پیدا کرده است.**

بندر جدّه (عربستان) الان پیشرفت خوبی پیدا کرده و حتی بندر مام (عربستان) هم قراردادهای بالایی منعقد کرده است. از طرفی بندر صلاله (عمان) هم پیشرفت‌های بسیار بالایی داشته است اما ما هنوز در فکر این هستیم که بندر شهید رجایی اگر دولتی باشد به نفع اقتصاد ملی است یا به بخش خصوصی واگذار کنیم که درآمد بیشتری برای اقتصاد ملی بدست آورد.

به نظر شما این حجم از تردید در سیاستگذاری‌های کلان اقتصادی تا چه اندازه در مسیر توسعه ملی است؟ این روند طبیعی نیست که ما سه دهه در تردید و گمانه زنی باشیم؟

مدیران ما بیشتر دنبال این هستند قدرت آنها کاهش پیدا نکند. بخش خصوصی که به اقتصاد دولتی ورود نماید خواه ناخواه قدرت و اختیار بخش دولتی کاهش پیدا می‌کند. چون بخش خصوصی دیدگاه انتفاعی دارد. اگر به دنبال انتفاع نباشد یا خیانتکار است یا نمی‌داند دنبال چه هدفی است. بنده با این موارد مواجه شده‌ام. مثلاً یک نماینده مجلس یک نفر را برای مالکیت یک ترمینال به سازمان بنادر معرفی می‌کرد. بعد از مدتی این شخص معرفی شده به عنوان فعال بندری، تازه می‌آمد از سازمان

بنادر می‌پرسید که من باید از کجا شروع کنم؟! مشکل اصلی الگوی درست یک عملیات است. اگر یک عملیات درستی در بخش از جهان صورت می‌گیرد ما باید همان الگوی درست را در کشور خودمان طرح‌ریزی کنیم. ما نباید راههای اشتباه را دوباره به آزمون بگذاریم. سناریوها و تجربه‌های عملیاتی شدن بنادر سه شکل بیشتر نیست. یا همانند سنگاپور دولتی - خصوصی است. یا همانند بندر هنگ کنگ، هامبورگ و رتردام صرفاً خصوصی است یا مثل DP WORLD بندر جبل علی دولتی کامل است. بالاخره ما باید یکی از این الگوها را انتخاب کنیم و آن را بومی‌سازی کنیم و در مجموعه خودمان اجرا کنیم. اما اینکه یک روز بگوییم مزایده، یک روز بگوییم چند اپراتوری، روز بعد دوباره به دولتی کردن رو بیاوریم این‌ها ثبات و انسجام و تمرکز نمی‌آورد. این درست نیست.

شما کدام سناریو را ناموفق می‌دانید؟

ایده دولتی کردن از همان آغاز شکست خورده است. طرح توسعه بندر شهید رجایی از سال ۸۲ آغاز شد و هنوز هم پایان نیافته است. بندری که باید در سال ۸۸ ظرفیت ۷/۵ میلیون TEU می‌رسید هنوز سردرگم است و به ۳ میلیون TEU هم نرسیده است. هنوز تجهیزات مورد نیاز خود را نتوانستند خریداری کنند حتی سفارش نداده‌اند. این تجهیزات را اگر همین الان هم سفارش بدهید تقریباً یک سال و نیم بعد به دست شما خواهد رسید. این یعنی فرصت از دست رفته است. در حالی که رقیبای شما بیکار نشسته‌اند. همین مزایده هم در سال ۸۲ برگزار شد. بحث آنچنان سیاسی شد که شرکت هاجینسون (هنگ کنگ) اعلام کرد که من تمایلی به حضور در بندر شهید رجایی ندارم. چون برخی از سهامداران آن انگلیسی بودند. ما می‌توانستیم کار را به شکل دیگری پیاده کنیم. اما این کار را نکردیم و اعلام کردیم که ما بپیام از توان داخلی استفاده کنیم. بعد شرکت‌ها را اواردار کردیم که برای حضور و مشارکت در این بندر دروغ بگویند و سند جعلی تهیه کنند. بعد عده‌ای را با دلایل واهی از رده خارج کردیم. بعد به یکسری امتیازی دادیم که به دیگران ندادیم. همین نوع عملکرد باعث تناقض گویی شد. من همان زمان اعلام کردم که اگر سازمان بنادر تصمیمی نگیرد برای او تصمیم خواهند گرفت.

پیش بینی شما نسبت به تصمیم اخیر وزیر مبنی بر واگذاری ترمینال دوم بندر شهید رجایی به کجا خواهد انجامید؟

به نظر من در دوران دولت دهم به جایی نمی‌رسد. به عبارت روشن‌تر، تصمیم گیرندگان هم عزمی برای به ثمر رساندن آن ندارند. اگر هم مواضع رسمی اعلام می‌کنند به دو دلیل است. یکی آنکه شرکت‌های وابسته به دولت این مسئله را دنبال می‌کنند. یکی هم اینکه مصوبه کار گروه حمل و نقل را به صورت عمومی به کجا رسید؟ به همین جهت بیشتر با زمان بازی می‌کنند. اگر همین فرصت‌سوزی‌ها ادامه پیدا کند و به زمستان برسد دیگر کار مزایده تمام است. اگر همین الان به اپراتور اعلام کنند که عملیات اپراتوری دوم بندر شهید رجایی را آغاز کند تقریباً دو سال طول می‌کشد که به صورت رسمی کار را آغاز کنید. فاز دوم ترمینال تقریباً ۱۸ دستگاه گنتری کرین می‌خواهد. ۴۰ دستگاه ترانستینر می‌خواهد. تصور می‌کنید سالی چند ترانستینر به ما می‌دهند؟ آن هم با کدام سرمایه؟ بنابراین هنوز تصمیم جدی اتخاذ نشده است.



مدیران ما بیشتر دنبال این هستند قدرت آنها کاهش پیدا نکند. بخش خصوصی که به اقتصاد دولتی ورود نماید خواه ناخواه قدرت و اختیار بخش دولتی کاهش پیدا می‌کند. چون بخش خصوصی دیدگاه انتفاعی دارد. اگر به دنبال انتفاع نباشد یا خیانتکار است یا نمی‌داند دنبال چه هدفی است.



بندر ویتربین کشور است

احداث و بهره برداری از بندر شهیدرجایی
در گفت‌وگو با رضا ملک‌پور اولین مدیر بندر شهیدرجایی در سال‌های جنگ تحمیلی



حسین سعیدی: رضا ملک‌پور را بیشتر به عنوان اولین مدیر بندر شهیدرجایی در تب بحرانی سال‌های جنگ تحمیلی می‌شناسند. همو بود که بندر شهیدرجایی را از کار تاشی کولی رئیس شرکت ایتالیایی ایتالکو تحویل گرفت و اولین عملیات تخلیه و بارگیری کالا را در این بندر جدیداً احداث کلید زد. پیش از او مرحوم داوودی و حیدر شاهی دو مدیر پس از انقلاب بودند که مدیریت سازمان بنادر استان هرمزگان را بر عهده گرفته با این تفاوت که آنان در زمانی عهده‌دار این مدیریت شده بودند که اساساً بندر شهیدرجایی به مقامات ایرانی تحویل داده نشده بود و آنان مدیریت بندر مجاور آن را - بندر شهید باهنر - عهده‌دار بودند. بنادر لنگه، جاسک و قشم از دیگر بنادر استان هرمزگان بود که تحت یک مجموعه بنادر مدیریت می‌شد. او اینک سال هاست که مدیریت رده‌بندی آسیا را بر عهده دارد که سازمان مرجع او سازمان آراس است. این نوع موسسات استانداردها و ارزیابی‌های فنی مربوط به یک تجارت مطمئن را رده‌بندی می‌کنند. اکنون یک ماهی است که بر اثر تحریم آن سازمان رده‌بندی آسیا نیز به حالت تعلیق در آمده است.

وقتی مدیریت این بندر را تحویل گرفتم مدیریت سازمان بنادر کشور بر اثر التهابات سیاسی آن روز دستوری داده بود که بندر در همان فاز اول متوقف شود. استدلال ایشان این بود که ما نیازی به بندر نداریم

شما اولین مدیری بود که بندر شهیدرجایی را از شرکت ایتالکو تحویل گرفتید. در طرح جامع این بندر، آنگونه که در فحوای مدیران دهه ۵۰ دستگاه پهلوی به چشم می‌خورد ضمایم دیگری داشت شامل بزرگراه شش باندی، فرودگاه، ۵ هزار خانه‌های سازمانی، بیمارستان، رستوران نیروگاه برق و حتی ترن برقی هم لحاظ شده بود اما حالا که بندر شهیدرجایی را ملاحظه می‌کنیم این ملزومات و ضمایم را نمی‌بینیم. دلیل آن چیست؟

وقتی مدیریت این بندر را تحویل گرفتم مدیریت سازمان بنادر کشور بر اثر التهابات سیاسی آن روز دستوری داده بود که بندر در همان فاز اول متوقف شود. استدلال ایشان این بود که ما نیازی به بندر نداریم. بنادر برای صادرات و واردات کالا احداث می‌شود. صادرات و واردات مربوط به کشورهایی است که می‌خواهند تعامل جهانی و دادوستد اقتصادی داشته باشند. اما ایران نیازی به این دادوستد اقتصادی ندارد. ما می‌خواهیم خودکفا باشیم. به محض اینکه مدیریت بندر شهیدرجایی را بر عهده گرفتم، به تهران رفتم و با مدیریت عالی سازمان صحبت کردم و قانع‌شان کردم که اگر خودکفا هم می‌خواهید بشویم پس از یک مدتی باید کالاهای خود را به کشورهای منطقه صادر کنید. شما نمی‌توانید بندر نداشته باشید. سازمان بنادر منصرف شد. خودشان متوجه این خطا شده بودند. اما کار از کار گذشته بود و

واقعیت این است که برخی از پتانسیل‌ها بالفعل است و برخی نیز بالقوه است. اولاً بندر عباس برای ایران یک نقشی دارد و برای کشورهای آسیای میانه نقش دیگری دارد. چون به دلیل توسعه‌ای که در زیرساخت‌ها داشت در برابر رقبا همانند جبل‌علی و گوادر در شرایط مطلوب‌تری بود. از سوی دیگر به لحاظ شهرنشینی و مدنیت شهری بندرعباس به نسبت چابهار خیلی جلوتر بود. به علاوه اینکه مدل‌های توسعه یک بندر هم بستگی به استراتژی یک کشور دارد. یک بار مدل این است که شما می‌خواهید کل عملیات ترانزیت و ترانشیپ اقیانوس هند، دریای سرخ و خلیج فارس را در اختیار داشته باشید این یک مأموریت تعریف شده است و براساس یک بینش کلان اقتصاد بندری است. و سپس بررسی می‌شود که این کنش، یک کنش اقتصادی است یا یک میل دلبخواهی است. یک بار انسان به عنوان پادشاه یک کشوری تمایل دارد بندر احداث کند بی‌آنکه مطالعات و تحقیقاتی انجام گرفته باشد، اما یک بار نه همه زوایای پنهان و آشکار مورد بررسی قرار می‌گیرد. بندر چابهار به جهت آنکه دسترسی آن به آب‌های عمیق بیشتر است. خارج از تنگه هرمز است و در مقایسه با بندر صلالة کاملاً می‌توانست جایگاه آن را داشته باشد. اگر بندر چابهار را به عنوان بندر استراتژیک می‌خواستیم انتخاب کنیم باید بررسی می‌کردیم که کشور هند چه نوع تجارتی با روسیه و آسیای میانه داشته باشد و نقش ایران چه خواهد بود. بنابراین در این مرحله باید بررسی می‌کردیم که بندر چابهار چه زیرساخت‌ها و نرم‌افزارهای نیاز دارد. بالاخره نرم‌افزار یک بندر، زبان مشترک دیگر بنادر جهان است. اکنون هم یکی از مشکلات ما این است که این‌ها با هم همخوان نمی‌شوند. بندرعباس یک نقطه استراتژیک برای مجموع واردات و صادرات ایران است بدون اینکه به لایروبی بندری همچون بندر خرمشهر و بوشهر نیاز دارد. صرف نظر از اینکه بندر خرمشهر در کنار مرز واقع

نامه سازمان بنادر و کشتیرانی به شرکت پیمانکار رسیده بود. وقتی به ایتالکویی‌ها گفتم شما آن نامه را جدی نگیرید. کار تاشی کولی - رئیس شرکت ایتالکو - گفت: اگر ایتالکو بخواهد دوباره روی فاز دوم و سوم متمرکز شود قرارداد آنها، ۱۶ برابر قرارداد فاز اول خواهد بود. در واقع ایتالکو از وضعیت ناامنی و بی‌ثباتی کشور متوجه ریسک ادامه کار شده بود. با این وجود، روزی که بندر را به زور از کار تاشی کولی تحویل گرفتم به او گفتم که برق شما را من تامین می‌کنم. او گفت: شما کی هستید که به من برق می‌دهید. من گفتم دو سوم از این نیروگاه بلا مصرف مانده است و کسی نیست از آن استفاده کند. من حاضر برق شما را تامین کنم. اما او باور نمی‌کرد. ایتالکو پیمانکاری بود که همه نیازهایش را خودش تامین می‌کرد. بیمارستان، رستوران، خانه‌های مسکونی، مدرسه، تسویه آب، سمپاشی آب‌ها را خودش تامین می‌کرد. بنابراین، این بندر با آبادان فرق می‌کرد. در آبادان هتل، دانشگاه، بازار، بیمارستان مجهز بود. اما در بندر شهیدرجایی این‌ها وجود نداشت. بنابراین من وقتی که مدیریت را پذیرفتم برق دادم.

در خاطرات اکبر اعتماد - اولین رئیس سازمان انرژی اتمی ایران - هم آمده که شاه یک روزی دستور داد که شورای عالی اقتصاد تصویب کرده که در بندرعباس باید یک نیروگاه و یک ریل آهن برقی ساخته شود. اکبر اعتماد هم یک شش ماهی فرصت گرفت و تحقیق کرد و بعد به این نتیجه رسید که در آنجا چنین تاسیساتی نیاز ندارد. پرسش بنده این است که چنین ضمایمی نیاز بود که در بندرعباس فراهم شود؟ و اگر بود چرا نشد و اساساً در طرح جامع این بندر چه نوع امکانات دیگری تدارک دیده شده بود و چرا بندر چابهار که ویژگی‌های درخوری دارد و به تنگه هرمز نزدیک‌تر است این جایگاه را بدست نیاورد؟

شده و تجربه تلخ جنگ را از سر گذرانده یکی از دلایل اینکه خرمشهر نتوانست نقش گذشته خود را تکرار کند، همین بساط لایروبی هاست. بندر خرمشهر وقتی در سال ۵۴ شروع به کار کرد، بعد از امضای قرارداد الجزایر یک شرکت تحت لوای یک دفتر مشترک بین کشور ایران و عراق تشکیل شد که رود شط العرب (رودخانه اروند) را مدیریت کند. یکی از کارهای مهم این دفتر لایروبی شط العرب بود. به همین جهت هزینه لایروبی ۲۵ درصد هزینه حمل کالا را بالا می برد. این وضعیت در بندر انزلی و بوشهر هم حاکم است. این بندر هم مداوم به لایروبی نیاز دارد، اما بندر امام خمینی (ره) و بندر شهیدرجایی گل و رس است و نیاز به لایروبی ندارند. یک بار زیرساخت های آن آماده می شود و بعد عملیات بندری برای سال ها ادامه پیدا می کند.

چرا این اتفاق در بندر امام خمینی نیفتاد؟

چون بندر امام خمینی سابقه مدنیت و شهرنشینی را در خود نداشت و هنوز هم ندارد. خدمات شهری و پشتوانه شهری در آن وجود نداشت.

به لحاظ توسعه و ساختار شهرسازی این امکان

نامحتمل است که ابتدا بندر را احداث کنند بعد

شهرسازی صورت گیرد؟

این ها به هزینه ها وابسته است. هزینه عملیات بندری در بندر شهیدرجایی کمتر بود. چون آنجا یک شهر با قدمت کهن وجود داشت. حتی در بندر خرمشهر و آبادان هم از حیث نیروهای متخصص، فنی، تکنسین و مهندس به نسبت امام خمینی بیشتر در دسترس بود و از سوی دیگر، نزدیکی آن به اهواز هم یکی از امتیازات آن بود. این امتیازات را به بندر امام خمینی هم می توانستیم بدهیم، چون فاصله جدی نداشت. اما مشکل آن این بود که پروژه بندر استراتژیک برای شه بندر تعریف شده بود و برای امام تعریف نشده بود. بنابراین تصور این بود که در آن نقطه از کشور پتانسیل بالایی برای این کار وجود ندارد. به عنوان مثال، برای پهلوگیری کشتی در بندر امام خمینی تنها سه ساعت در رودخانه خور موسی معطلی دارد. این برای صاحبان کشتی و صاحبان کالا، زمان از دست رفته محسوب می شود، زمان از دست رفته در سود و زیان اقتصادی یعنی هزینه. در صورتی که در بندرعباس ظرف ۳۰ دقیقه شما کنار اسکله می رسید، این تنها در ایران است. در جهان سرعت عملیات خیلی بیشتر از این بازه زمانی است. عملیات در بندر معتبر جهان براساس دقیقه صورت می گیرد. برخلاف خطوط هواپیمایی که ما ساعتی تاخیر داریم اما در خطوط دریایی سرعت عملیات براساس دقیقه است. بنابراین عملیات بندری در بندر امام خمینی برای خارجی ها بسیار گران است. گردش مالی هم به همین صورت است. گردش مالی در بندر جهان ظرف ۴۵ روز تعریف شده است. اما در بندر ایران ۶ تا ۸ ماهه است. الان که وضعیت به نفع ایران است که حتی یکساله پول بدهند. بنابراین، آنچه که وجود دارد این است که مطالعات در چگونگی و مکان یابی در بندر عباس یک کار درستی بوده است و می توانست رقیب خوبی برای دوی و ابوطلی باشد اما ادامه مسیر در سالهای اخیر با سوءمدیریت مواجه شده است.

طبق برنامه کشوری قرار بود در بندر عباس

کارخانه فولاد هم باشد. اما بعدها همین فولاد به

مبار که اصفهان رفت. بنا به چه نگاه آینده نگرایانه ای

این جابجایی صورت گرفت. حال آنکه با وجود

کارخانه فولاد ما راحت تر می توانستیم به بنادر نسل سوم تبدیل شویم. واقعا چه باوری باعث شد که این اتفاق بیفتد؟

بخاطر اینکه مدیران ما خشکی محورند. ما کمتر مدیر عالی رتبه ای داشتیم که دریامحور بوده باشد. حال آنکه توسعه کشورها و شهرهای پرنجب و جوش براساس موقعیت دریاهاست. ما درک درستی از مزیت های دریا نداریم. از سوی دیگر، از مشاوران مجرب جهانی استفاده نمی کنیم. مشاوران کشورهایی چون بحرین، عمان، امارات متحده و حتی کویت خارجی ها هستند. آن ها می دانند مهمترین شهرهای دنیا از حیث تجارت و گردش مالی شهرهایی هستند از موقعیت و مزایای دریا بهره بردارند. توسعه این کشورها در بنادرشان اتفاق می افتد. بزرگترین کارخانه ها و مراکز اقتصادی جهان کنار دریاست. در هیچ نقطه از جهان اینگونه نیست که شما مراکز مهم صنعتی و اقتصادی را در مرکز کشور قرار دهید. الان مراکز صنعتی ما در اصفهان و تهران قرار داده شده است.

ریشه های تاریخی این تمرکزگرایی چیست؟ تصور

نمی رود که مدیران کنونی با علم و آگاهی از وضعیت

ناهنجار برخی از فرصت های بالقوه باز هم بخواهند

در آینده راه نادرست را پیش بگیرند؟

بخش عمده این تمرکزگرایی از روزهای نخست جنگ تحمیلی آغاز شد. وقتی شهرهای مرزی آماج حملات قرار گرفت مخصوصا پالایشگاه آبادان و بندر خرمشهر نابود شد و دولت نتایج میلیاردها دلار سرمایه گذاری خود را به صورت ویرانه ای تحویل گرفت دست به کار شد که گلوگاه ها و مراکز اقتصادی عمده را از نزدیک مرزها و دریاها دور کند. چون با هر جنگی سرمایه گذاری های استراتژیک ما نابود می شود. معنی این رویکرد این بود که ما دیپلماسی با ثبات نیاز داریم. بنابراین اگر می خواهیم بنادر ما آباد شود و تنها به تخلیه و بارگیری محدود نشود و به توسعه یک منطقه بیانجامد، باید یک دیپلماسی منسجم و معنادار در جهان داشته باشیم. در همه جهان بنادر، ویرترین یک کشور است. به عنوان مثال وقتی شما به روتردام و آمستردام وارد می شوید اول از همه یک نمایشگاه دائمی را می بینید که به شما می گوید که چه کالایی و چه اجناسی با چه مشخصاتی در این شهر وجود دارد و این را در کدام نقطه از این شهر می توانید جستجو کنید. بنابراین بندری همانند روتردام تنها محل تخلیه و بارگیری کالا نیست. بلکه نقش لجستیک برای آن تعریف شده است که این بندر هم برای کشور هلند هم برای اروپا و هم برای بین الملل چه نقشی باید ایفا کند. شما به عنوان یک تاجر و بازرگان می خواهید کالایی را به بندرعباس وارد یا صادر کنید و اگر این حدس را می زنید که این امکان وجود دارد که تنگه هرمز صحنه منازعات جنگی شود، حتما این کار را نمی کنید. شهرهای دیگر ایران هم به لحاظ قیمت تمام شده و هزینه حمل و نقل به صرفه نیست. کارخانه فولاد اصفهان باید در بندرعباس تاسیس می شد اما به اصفهان منتقل شد. لذا هزینه حمل بار آن شاید برای خیلی از کشورها مقرون به صرفه نباشد. اقتصاد تنها این نیست که ما اشتغال ایجاد کنیم، بلکه باید ببینیم متغیرهای دیگر را بهینه کرده ایم یا نه. مثلا قیمت تمام شده کالا برای تاجری که در نیمکره جنوبی جهان فولاد اصفهان را وارد می کند، به صرفه است. یکی از موضوعاتی که هم اینک همه در گیر آن

هستند موضوع فاز دوم ترمینال بندر شهیدرجایی است. به نظر شما چرا این گرہ پس از یک دهه درگیری هنوز نتوانسته جایگاه خود را پیدا کند. ریشه این نزاع تاریخی چیست؟

ریشه اصلی این معضل به ناکارآمدی اپراتوری اول و راندمان ضعیف فاز اول بر می گردد. این توسعه در رابطه با بازار و ترافیک کالا نیست. می گویند جمعیت ما به ۸۰ میلیون رسیده است. این تعداد جمعیت نسبت به دوره انقلاب یا اوایل انقلاب افزایش چشمگیر داشته است و بنابراین مصرف به همان نسبت افزایش یافته و در نتیجه باید بندر بسازیم یا توسعه بدهیم. حال آنکه حوضه اول می تواند همان نقش را ایفا کند به طوری که راندمان آن بالا رود. زمان جنگ مدیر بندر شهیدرجایی بودم. لابد می دانید که بنادر دیگر کشور از سرویس خارج شده بودند. بندر بوشهر مین گذاری شده بود و معلوم هم نبود که کدام طرف این مین ها را کار گذاشته بود. بندر خرمشهر هم بعد از اشغال، از سرویس خارج شده بود و بندر امام خمینی هم بندر کاروان های برنامه ریزی شده با حضور نیروهای مسلح بود. طبیعی بود که بندر شهیدرجایی ۲۴ ساعته کار کند. وقتی کشتی ها می آمد آقای مهدی کرباسیان - معاون وزیر راه و ترابری - می گفت: من به شما می گویم کجا بار تخلیه شود. اما پیش از آن که دستور تخلیه بگیرد من تخلیه کرده بودم بعد هم به این نتیجه رسیدم که اگر بندر شب تعطیل شود هیچ اتفاقی نمی افتد. این کار کوچکی نبود. بندر باهنر ۱۲ پست اسکله و بندر شهیدرجایی ۲۴ پست اسکله در شب متوقف می شدند. بنابراین یک روز پیش احمد خرم - سرپرست استاندارد هرمزگان - رفتم و به ایشان گفتم من می خواهم شب ها بندر را ببندم. ایشان گفتند: آقای ملک پور! ۹۵ درصد واردات کشور در این بندر انجام می گیرد شما می خواهید آن را ببندید؟! شما بندرعباس را شیلی می کنید. من گفتم نه! قول می دهم، گفت: پس روی یک ورق تعهد بدهید. من هم امضا کردم و آمدم برای اولین بار در بندر شهیدرجایی گیت گذاشتم.

استدلال شما از بهینه نبودن راندمان بندر چه بود؟

آیا واقعا می شد این راندمان را افزایش داد؟

کشتی ها به جای آنکه از هر اسکله ۳۵۰۰ تن بار تخلیه کند عملا ۵۰۰ تن تخلیه می کرد. چون به کامیون وصل بود. بنابراین از محوطه و انبارهای بندر استفاده نمی شد. اگر قرار باشد راندمان بندر را افزایش بدهیم باید ابتدا زیر ساخت داشته باشید. بنده زمانی که بندر را تحویل گرفتم این بندر جاده به سمت تهران نداشت. تنها جاده آن همان جاده ای بود که ایتالیایی ها برای ورود تجهیزات خود آن را بطور موقت آماده کرده بودند که آن هم برای یک میلیون تن کالا تعبیه شده بود. در حالی که ما آن زمان جاده ای با ظرفیت ۳۰ میلیون تن نیاز داشتیم. هنوز هم کم و بیش با همین مشکل مواجه هستیم. ما با اینهمه ساخت و ساز بندری که در تمام این سالها داشتیم در ردیف ۸۸ زیرساخت های بندری در جهان قرار داریم. این ۸۸ بین ۱۴۴ کشور جهان است. این البته بندر شهیدرجایی است که بین همه کشورهای جهان به لحاظ ترانزیت و ترانشیب بهترین بندر جهان است. شاید جالب باشد برای شما که امارات متحده در ردیف پنجم قرار دارد. در یکی از روزنامه ها خواندم که شرکت PSA سنگاپور با بندر گوادر قرارداد بسته است.

اگر می خواهیم

بنادر ما آباد شود

و تنها به تخلیه و

بارگیری محدود

نشود و به توسعه

یک منطقه

بیانجامد، باید یک

دیپلماسی منسجم

و معنادار در جهان

داشته باشیم. در

همه جهان بنادر،

ویرترین یک کشور

است



چگونه بندری پررونق داشته باشیم؟

نقش بندر شهیدرجایی در چرخه حمل و نقل و اقتصاد کشور

کالا محدود نمی‌شد بلکه بسیاری از فعالیتهای صنعتی با نگرش توسعه اقتصاد در درون بندار انجام می‌پذیرفت. بندار نسل دوم به سمت پسرکرانه و با صنایعی چون آهن، فولاد، آلومینیوم، پتروشیمی، کاغذ، چوب، مواد شیمیایی و کلیه فعالیتهای کشاورزی و صنعتی توسعه پیدا کردند. تحول عظیم بندار عمدتاً در اوایل دهه ۸۰ میلادی با اوج‌گیری انقلاب کانتینری آغاز گردید که بندار را از بندار نسل دوم به سوی بندار نسل سوم حرکت داد. بندار نسل سوم نقش مهمی را در زنجیره حمل و نقل یکپارچه با هدف تسهیل فرایند تولید و توزیع بازی می‌کند. بندار نسل سوم علاوه بر فراهم‌آوری بستر لازم برای وظایف روتین و عمومی بندار از جمله تخلیه و بارگیری، زمینه را برای ایجاد ارزش افزوده بر کالا در درون خود فراهم ساختند از جمله این فعالیت‌ها می‌توان به تخلیه و بارگیری کانتینر، پالیزه کردن، تسمه زدن، بسته‌بندی، برچسب زدن، توزین، بسته بندی مجدد، مونتاژ، توزیع، تفکیک و... اشاره کرد.

بندار نسل سوم ضمن ارائه خدمات ارزش افزوده، نقش یک حلقه پویا در شبکه تولید و توزیع را بازی می‌کند. از ویژگی‌های بندار نسل سوم می‌توان انبارهای تخصصی جایگزین انبارهای چندمنظوره، استفاده از جرثقیل‌های تخصصی، ایجاد سه عنصر زیرساخت، روستا و تبادل الکترونیکی اطلاعات، بکارگیری تجهیزات مدرن، دانش و مهارت مدیریت و شبکه گسترده اطلاعات، تاسیس صنایع سبک ویزه شرکت‌های لجستیکی در محوطه‌های بندری و ... را نام برد. با توجه به رقابت موجود بین بندار جهت جذب هرچه بیشتر کشتی و کالا و تلاش در جهت تامین انتظارات خطوط کشتیرانی، بندار نیز در تلاش هستند تا بتوانند با تامین موارد مذکور سهم بیشتری از حمل و نقل کالا را به خود اختصاص دهند.

باروندر و به رشد تجارت جهانی کلیه بندار پیشرفته جهان در پی جذب سهم بیشتری از حجم حمل و نقل منطقه خود می‌باشند. تحول و تغییر در نسل‌های بندار گواه این مطلب نیز می‌باشد. بندار از ابتداء شروع فعالیت خود تنها بستر لازم را جهت تخلیه، بارگیری و نگهداری کالا فراهم می‌نمودند که این نوع بندار به بندار نسل اول معروف می‌باشند. این بندار تنها واسطه حمل و نقل دریایی و حمل و نقل خشکی بوده‌اند. این بندار معمولاً سیستم اطلاعاتی، مکاتبات و مستندات همچنین رویه‌ها و آمارهای مربوط به خود را بهره‌برداری و در اختیار دارند و توجهی به سازگاری آن با شرایط دیگر ذی‌نفعان و نیز تطابق آن نیازمندیها و خواسته‌های مشتریان نداشته است. در این بندار مشتریان اصلی بندار خطوط کشتیرانی بوده‌اند نه تجارت بین‌الملل لذا فعالیت‌های بندری و دریایی جدای از زنجیره اقتصاد و تجارت به صورت مستقل انجام می‌شده است در نتیجه بهره‌وری پایین و حمل و نقل کالا با کندی صورت می‌گرفته است. با شروع دهه شصت میلادی و با تحولات صنعتی در کشورهای پیشرفته زمینه جهت ورود بندار به نسل دوم فراهم گردید. بندار نسل دوم عمدتاً بنداری بودند که خود را جهت پذیرش تولیدات صنعتی و حمل و نقل آنها مجهز ساختند. در این مرحله کارکرد بندار به عنوان مراکز خدماتی، صنعتی، تجاری و حمل و نقل تغییر پیدا کرد. در بندار نسل دوم خدمات دیگر فقط به کشتی و



■ محمدعلی اصل
سعیدی پور
مشاور مدیر کل
امور بین‌الملل
بندار و دریانوردی
هرمزگان

دریایی و حمل و نقل خشکی بوده‌اند. این بندار معمولاً سیستم اطلاعاتی، مکاتبات و مستندات همچنین رویه‌ها و آمارهای مربوط به خود را بهره‌برداری و در اختیار دارند و توجهی به سازگاری آن با شرایط دیگر ذی‌نفعان و نیز تطابق آن نیازمندیها و خواسته‌های مشتریان نداشته است. در این بندار مشتریان اصلی بندار خطوط کشتیرانی بوده‌اند نه تجارت بین‌الملل لذا فعالیت‌های بندری و دریایی جدای از زنجیره اقتصاد و تجارت به صورت مستقل انجام می‌شده است در نتیجه بهره‌وری پایین و حمل و نقل کالا با کندی صورت می‌گرفته است. با شروع دهه شصت میلادی و با تحولات صنعتی در کشورهای پیشرفته زمینه جهت ورود بندار به نسل دوم فراهم گردید. بندار نسل دوم عمدتاً بنداری بودند که خود را جهت پذیرش تولیدات صنعتی و حمل و نقل آنها مجهز ساختند. در این مرحله کارکرد بندار به عنوان مراکز خدماتی، صنعتی، تجاری و حمل و نقل تغییر پیدا کرد. در بندار نسل دوم خدمات دیگر فقط به کشتی و

همین شرکت ده سال پیش با اصرار من به ایران آمده بود. من مدیر برنامه‌ریزی و نایب رئیس هیئت مدیره تایدواتر بودم. آن زمان سازمان بندار از من پرسید این شرکت به چه منظوری به ایران می‌آید؟ من گفتم برای اینکه رقابت ایجاد کنیم. مدیر کل سازمان بندار باور نمی‌کرد. چون اهمیت شرکت PSA سنگاپور یکی هم آن است که شما وقتی وارد این شرکت می‌شوید تصور می‌کنید وارد کاخ سفید شده‌اید. این شرکت حدوداً چهل ترمینال بین‌المللی در اروپا و آسیا و سنگاپور را مدیریت می‌کند. چنین عظمتی را به ایران آوردیم. تقاضایی به این شرکت داده بودیم که ما می‌خواهیم در بندر شهیدرجایی یک رقابت آزاد ایجاد کنیم شما تمایل دارید که در این رقابت مشارکت داشته باشید؟ آنها گفتند: اگر رقابت هست ما آماده ایم. چند روز بعد قائم مقام PSA به ایران آمد. ما به اتفاق هم به سازمان بندار و دریانوردی رفتیم. من به مدیر وقت سازمان گفتم شما که گفتید این‌ها نمی‌آیند حالا آمدند. گفت حالا باید چه کار کنیم؟ گفتم یک حوضچه را به این شرکت بدهیم. برگشت به من گفت: بعد دولت را چه کار کنیم؟ گفتم: شما می‌خواهید در یک مناقصه این حوضچه را بدهید. مجانی که نمی‌دهید. شما حوضچه شماره دوم را مناقصه بین‌المللی بگذارید. آن زمان شرکت هاجینسون، یک شرکت آلمانی بنام یوروگیت آلمان و P&O انگلیس هم حضور داشتند. در واقع هیچکدام شرکت‌های کوچکی نبودند. شرکت PSA هم وعده داده بود که ۶ میلیون TEU کانتینر منطقه را به بندر شهیدرجایی بیاورد. اما در ازای آن یک خواسته بیشتر نداشت و آن اینکه سازمان بندار و دریانوردی فقط تصمیم بگیرد که می‌خواهد این حوضچه را براساس معیارهای بین‌المللی مناقصه برگزار کند یا نه! لابد می‌دانید که اهمیت و عظمت این کار چه منافع و اهمیت برای اقتصاد بندری ایران دارد. الان بعد از ده سال ما هنوز نتوانستیم ظرفیت بندر شهیدرجایی را به ۳ میلیون TEU برسانیم. بنابراین این فرصت معتنمی برای ایران بود. اما تصور می‌کنید که پاسخ سازمان بندار چه بود؟ گفتند: شما بروید با تایدواتر صحبت کنید. در واقع شرکت PSA پیمانکار دست دوم تایدواتر شود.

واکنش شرکت PSA چه بود؟

گفت من دوبار به ایران آمدم و با همین موانع مواجه شدم پس خدا حافظ تا بعد. خب دیدیم که بعد از ده سال با بندر گوادر قرارداد بست. می‌دانید به چه دلیل با گوادر قرارداد بست؟ چون از این به بعد، ترافیک کشتی‌هایی که می‌خواهند به بندر شهیدرجایی بیایند باید از گوادر اداره شود. مدیریت PSA از این به بعد تعیین کننده است. ورود و خروج کشتی در بندر شهیدرجایی دیگر اقتصادی نیست. چون میزان راندمان بندر گوادر آنچنان بالا می‌رود که صاحب کشتی خودش به ایران نمی‌آید. وقتی در ایران ۱۸ ساعت در بندر شهیدرجایی معطل می‌شود و در گوادر ۴ ساعت معطلی دارید، طبیعتاً است که صاحبان کشتی گوادر را ترجیح دهند. ضمن اینکه اساساً نیازی نیست که مدیریت بندر اجازه بدهد یا ندهد. صاحبان کشتی خودشان هزینه فایده می‌کنند. متأسفانه همین اتفاق در عراق هم در حال شکل‌گیری است. شما پنج سال دیگر به همین پیش‌بینی من می‌رسید. نزدیک ام‌القصر بندری احداث می‌کند که نزدیک ۱۰۰ پست اسکله دارد. بنابراین در آینده همین حد از بار هم از بندر شهیدرجایی دریغ می‌شود.



وقتی در ایران

۱۸ ساعت در

بندر شهیدرجایی

معطل می‌شوید و

در گوادر ۴ ساعت

معطلی دارید،

طبیعتاً است که

صاحبان کشتی

گوادر را ترجیح

دهند. صاحبان

کشتی خودشان

هزینه فایده

می‌کنند

حمل و نقل دریایی در کشور

موقعیت جغرافیایی ایران که از دو سمت شمال و جنوب به آبهای بین‌المللی دسترسی دارد، امکان انجام مبادلات تجاری کشور را با استفاده از سیستم حمل‌ونقل دریایی به سهولت فراهم ساخته و این فرصت را به وجود آورده تا با بهره‌گیری از ارزان‌ترین شیوه حمل‌ونقل در جهان (حمل‌ونقل دریایی) بتواند در جهت توسعه تجارت کالا و رشد و تداوم فعالیت‌های اقتصادی گام بردارد. با وجود بیش از ۵۷۰۰ کیلومتر مرز آبی در شمال و جنوب کشور که بیش از ۳۷۰۰ کیلومتر آن در جنوب و در مجاورت آبهای آزاد قرار دارد نقش و اهمیت سیستم حمل‌ونقل دریایی در بخش مبادلات تجاری با دیگر کشورها نسبت به سایر سیستم‌ها دوچندان گردیده است و در حال حاضر طبق آمار ۸۰ درصد واردات و ۹۰ درصد صادرات کشور از طریق این وجه از حمل‌ونقل (حمل و نقل دریایی) انجام می‌گیرد که ایران را به عنوان یک کشور دریایی به جهان معرفی کرده است. در حال حاضر دهها بندر تجاری کوچک و بزرگ در مرزهای آبی کشور وجود دارد که ۱۱ بندر عمده آن عبارتند از بندر امام خمینی، خرمشهر، آبادان، بوشهر، چابهار، امیرآباد، انزلی، نوشهر، شهید باهنر، لنگه و بندر شهید رجایی. با توجه به مأموریت‌های سازمان بنادر و دریانوردی، عمده وظایف بنادر در دو حوزه دریایی و مدیریت بنادر خلاصه می‌شود که این مسئولیت‌ها با تمهیدات گسترده و به‌صورت نظام‌مند در تمامی بنادر و با هماهنگی سازمان مرکزی در حال پیگیری و اجراست. با عنایت به روند رو به رشد تجارت در جهان و حرکت سریع بنادر جهان در راستای تجهیز و توسعه خود جهت جذب سهم بیشتر از حمل‌ونقل دریایی، سازمان بنادر و دریانوردی کشور نیز طی ده سال اخیر تغییرات چشمگیری را در راستای توسعه و تجهیز بنادر خود به مرحله اجرا گذاشته است. بدون شک مهم‌ترین و فعال‌ترین بندر کشور که به تنهایی بیش از ۵۰ درصد کل حمل‌ونقل دریایی کشور را به خود اختصاص داده است بندر شهید رجایی می‌باشد.

پتانسیل‌ها

بندر شهید رجایی با در اختیار داشتن جدیدترین پیشرفته‌ترین تجهیزات و زیرساخت لازم برای پذیرش بزرگ‌ترین کشتی‌های جهان، به عنوان یک بندر چند منظوره قابلیت حمل‌ونقل انواع کالا از جمله فله خشک، جنرال کارگو، مواد و مشتقات نفتی و کالاهای کانتینر را دارا می‌باشد. شاخصه اصلی که بندر شهید رجایی را از دیگر بنادر کشور متفاوت ساخته است ترمینال‌های اختصاصی کانتینری است که این بندر را در زمره صد بندر کانتینری برتر جهان قرار داده است. با نگاهی به روند رو به رشد جایگاه جهانی بندر شهید رجایی ملاحظه می‌گردد که این بندر رشد متوسط تقریبی ۱۴ درصد را در چند ساله اخیر به ثبت رسانده است که این بندر را در سال ۲۰۱۰ میلادی به رتبه ۴۴ در بین ۱۰۰ بندر بزرگ کانتینری دنیا ارتقاء داده است. بی‌تردید بندر شهید رجایی با پتانسیل‌های منحصر به فرد خود به عنوان یک رقیب سرسخت برای بنادر منطقه به حساب می‌آید که لازم است با یک برنامه درازمدت و هوشمندانه از این پتانسیل‌ها بهترین استفاده را برد. از جمله این پتانسیل‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

- ۱- قرار گرفتن در دهانه خلیج فارس (نزدیکترین بندر به تنگه هرمز)
 - ۲- قرار گرفتن در کریدور شمال و جنوب
 - ۳- قرار گرفتن در نزدیکی مسیر خطوط کشتیرانی بزرگ دنیا
 - ۴- نزدیکی به ۱۴ جزیره استراتژیک کشور
 - ۵- قرار گرفتن در مرکزیت سواحل جنوبی کشور که دسترسی به تمامی نقاط کشور و همسایگان بدون مرز دریایی را تسهیل نموده است.
 - ۶- قرار گرفتن در استان هرمزگان با بیشترین مرز دریایی استان‌های کشور (بیش از: ۲۲۰۰ کیلومتر خط ساحلی)
 - ۷- تجهیزات و زیر ساخت مدرن و پیشرفته و عمق رقابتی قابل ملاحظه
 - ۸- نیروی انسانی مجرب و کارآمد با تحصیلات عالیه در معتبرترین دانشگاه‌های بین‌المللی
- در همین راستا بندر شهید رجایی نیز با تجهیزات و زیرساخت‌های مدرن و عمق قابل قبول حوضه‌های عملیاتی خود را جهت ورود به بنادر نسل سوم آماده ساخته است. اگر چه این اقدامات بسیار قابل ملاحظه و امکانات در بهترین شرایط خود قرار دارد ولی با توجه به تجهیز بنادر رقیب و اقدامات انجام شده توسط این بنادر لازم است توسعه و تجهیز بندر شهید رجایی با سرعت و شتاب بیشتری صورت پذیرد.

چالش‌ها

- با توجه به موارد مطرح شده جهت حضور بندر شهید رجایی به عنوان یک سرمایه ملی در بازار رقابتی و نیز پیشبرد چشم‌انداز ترسیم شده نیاز به برنامه‌ریزی گسترده و تلاش‌های بی‌وقفه دارد. در همین راستا در حال حاضر چالش‌هایی وجود دارد که گریبانگیر بندر شهید رجایی بوده و به عنوان عوامل بازدارنده مانع تحقق اهداف و برنامه پیش‌بینی شده می‌باشد که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:
- ۱- عدم تکمیل فاز دوم توسعه بندر شهید رجایی و عدم امکان بهره‌گیری از حوضه‌های مربوطه در حالی که بنادر رقیب روزانه به توسعه زیرساخت‌های خود افزوده و با سرعت بسیار زیاد بازار کانتینری موجود در منطقه را به نفع خود جهت داده‌اند.
 - ۲- ناکافی و ناکارآمد بودن جاده‌های مواصلاتی به بندر که خود یکی از عوامل اصلی ترافیک جاده‌ای در مسیر تردد به مجتمع بندری شهید رجایی بوده است که در نهایت سبب اختلال در چرخه اقتصاد کشور خواهد شد.
 - ۳- استفاده ضعیف از پتانسیل‌های خط ریل در بندر و مسیرهای پسرانهای و عدم وجود قطار برنامه‌ای در بندر بگونه‌ای که کمتر از ۱۰ درصد کل حمل‌ونقل کالا از / به بندر شهید رجایی از طریق ریل صورت می‌گیرد.
 - ۴- چالش‌های اپراتور اصلی بندر و تأثیرات تبعی آن که یکی از دلایل آن امتناع خطوط کشتیرانی بزرگ جهان از جمله خط کشتیرانی مرکس (MAERSK Line) از اعزام ناوگان تجاری خود به بندر شهید رجایی،
 - ۵- عدم وجود یک نرم‌افزار جامع بندری جهت اتصال کلیه ذینفعان بندری به منظور تبادل الکترونیکی اطلاعات و تسهیل تجارت، چیزی که بنادر پیشرفته دنیا سالهاست از آن به بهترین نحو بهره‌برداری کرده و تمامی ذینفعان را زیر یک چتر با هم هماهنگ کرده به گونه‌ای که فرایند ترخیص کالا را در بسیاری از بنادر به کمتر از یک روز رسانده است.

- ۶- عدم وجود فعالیت‌های ارزش افزوده در بندر که خود پیش زمینه اصلی ورود به بنادر نسل سوم و عامل اصلی جذب کشتی و کانتینر به بندر است.
- ۷- نبود یک طرح جامع کاربری برای محوطه‌های ۲۴۰۰ هکتاری که اخیراً به محوطه‌های عملیاتی بندر شهید رجایی الحاق پیدا کرده است.
- ۸- عدم وجود تعرفه‌های رقابتی در بندر در کلیه زمینه‌های فعالیت، تعرفه‌هایی که سالهاست علیرغم تحولات ملی و جهانی و نیز افزایش هزینه‌ها در تمامی ابعاد همچنان دست نخورده باقی مانده‌اند و تغییرات عمده‌ای نکرده‌اند.
- ۹- عدم بهره‌برداری بهینه از پتانسیل‌های موجود در زمینه ترانزیت کالا به کشورهای همسایه

راهکارها

جهت برون رفت از این چالش‌ها و رونق بخشیدن به فعالیت‌های بندر شهید رجایی که یقیناً دروازه اصلی تبادل تجاری کشور و توسعه اقتصادی است موارد ذیل می‌تواند کارآمد باشد:

- ۱- توسعه فیزیکی بندر و تهیه طرح جامع محوطه ۲۴۰۰ هکتاری شمال غربی بندر شهید رجایی که از ضروری‌ترین اقدامات ممکن جهت فراهم آوری زمینه فعالیت‌های لجستیکی و ارزش افزوده می‌باشد. با توجه به چشم‌انداز فراروی بندر شهید رجایی، انتظار می‌رود این محوطه ۲۴۰۰ هکتاری به عنوان پارک لجستیک بندر خدمات ارزش افزوده را به صورت گسترده ارائه نماید.
- ۲- سرعت بخشیدن به پروژه فاز ۲ توسعه بندر شهید رجایی و تکمیل پالایه‌های غربی و شرقی ترمینال ۲ کانتینری مجتمع تا بتوان ضمن بهره‌برداری، فاصله ظرفیت عملیاتی بندر را با رقیبان به حداقل برسانیم.
- ۳- اجرای فاز سوم توسعه بندر و افزودن حداقل یک حوضه دیگر در پنج سال آینده به زیرساخت دریایی و بندری جهت پذیرش نسل‌های جدید کشتی‌ها
- ۴- توسعه دریایی بندر به میزان حداقل چهار حوضه دیگر جهت آماده‌سازی بندر به منظور گسترش فعالیت‌های بندری و دریایی در قالب یک طرح ۲۰ ساله
- ۵- توسعه جاده‌های مواصلاتی به بندر و راه‌اندازی بزرگراه ویژه مجتمع بندری شهید رجایی جهت تسهیل ترافیک
- ۶- توسعه زیر ساخت ریلی در خارج و داخل مجتمع بندری جهت بهره‌برداری بهینه از زیر ساخت راه‌آهن موجود در بندر
- ۷- راه‌اندازی سامانه جامع بندری و ایجاد ارتباط الکترونیکی بین ذینفعان بندر از طریق سامانه مذکور
- ۸- تهیه و عملیاتی سازی نرم‌افزارهای جامع تخصصی در بندر و ایجاد مرکز داده پایدار (Data base) و قابل اعتماد با فرآیند کاری الکترونیکی قابل قبول
- ۹- تسهیل و ساده‌سازی قوانین و مقررات بویژه در زمینه رویه‌ها و قوانین گمرکی در مجتمع بندری شهید رجایی
- ۱۰- ایجاد تعرفه‌های رقابتی جهت جذب کشتیرانی‌های بزرگ جهان
- ۱۱- تسهیل قوانین و جذب هر چه بیشتر سرمایه‌گذاران در زمینه توسعه بندر و خدمات وابسته
- ۱۲- تسهیل قوانین و فراهم آوری زیرساخت‌ها جهت توسعه ترانزیت و بهره‌برداری از امتیازات آن با توجه به موقعیت منحصر به فرد کشور و وجود بازارهای هدف در تمامی مرزهای کشور (کشورهای CIS، افغانستان، عراق و ترکیه).

شاخصه اصلی که

بندر شهید رجایی

را از دیگر بنادر

کشور متفاوت

ساخته است

ترمینال‌های

اختصاصی

کانتینری است که

این بندر را در زمره

صد بندر کانتینری

برتر جهان قرار

داده است

بازار، باعث افزایش سطح قیمت‌ها و بروز فشارهای تورمی خواهد شد و در نهایت دشواری‌هایی را به ویژه برای اقشار آسیب‌پذیر جامعه در تأمین نیازهای اساسی‌شان تحمیل می‌کند.

بنابراین مطابق آنچه ترسیم شد یکی از مهمترین اثرات منفی قاچاق کالا، ضربه به تولیدات داخلی و صنعت و افزایش آمار بیکاری در جامعه است و این امر خود به خود زمینه‌ساز بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی است. بر اساس محاسبات و تحقیقات انجام شده، به دلیل قاچاق سالانه سه میلیارد دلار کالا، تولیدات صنعتی کشور هشت درصد کاهش یافته است و چنین افت تولیدی، بیش از همه، اثرات نامطلوب خود را بر سطح اشتغال نمایان کرده است.

مبتنی بر یک تحقیق در دانشگاه علامه طباطبایی به ازای هر ۱۵ تا ۳۰ دلار قاچاق کالا، یک شغل از دست می‌رود، در حالی که برای ایجاد هر شغل حدود ۱۰ هزار دلار سرمایه‌گذاری لازم است. آسیب و زیان‌های چنین سیاستی، تنها محدود به ورود آسان کالاهای قاچاق نیست، بلکه قاچاقچیان از آنجا که سود فراوانی از ناحیه گران‌فروشی آنچه وارد می‌کنند، به دست می‌آورند، متقاضیان ارز گران قیمت خواهند بود، چرا که هزینه‌های ارز گران فروخته شده به آن‌ها از گران‌فروشی کالاهای قاچاق شده به مردم تسویه می‌شود. البته نه تنها هزینه‌ها و درآمدها سربسر می‌شود، بلکه درآمدها از هزینه‌ها نیز پیشی گرفته و سود خوبی برای قاچاقچی همراه خواهد داشت؛ به عبارتی، هزینه‌های ناشی از این فعالیت، افزون بر از بین بردن تولید داخلی، عامل ترغیب دولت به فروش گران ارز به آنها شده و سبب کمیاب شدن ارز برای تولید

کنندگان داخلی می‌شود. نکته عجیب این است که ایران با وجود داشتن نزدیک هفت هزار و ۸۰۰ کیلومتر مرز، تنها ۸۰ گمرک دارد و این مسلم است که این میزان گمرک به هیچ وجه پاسخگوی نظارت بر قاچاق کالا نمی‌تواند باشد. (عمده مبادی ورودی قاچاق در کشور استان‌های کردستان، کرمانشاه، بانه، پیرانشهر و مریوان است.)

خلاصه اینکه در بحث مربوط به قاچاق کالا در کشور توجه به برخی آمار مهم است از جمله اینکه:

- در ۹ ماه ابتدای سال ۹۰، بیش از ۷۵۰ میلیارد تومان کالای قاچاق کشف شده است.

- در سال ۸۹، ارزش پرونده‌های قضایی قاچاق کالا و ارز ۵۶۰ میلیارد تومان بود، در حالی که سال پیش از آن این مبلغ ۳۰۰ میلیارد تومان بوده است. کل پرونده‌های مرتبط با قاچاق در سال ۱۳۸۸ به میزان ۳۴ هزار و ۴۴۰ فقره بوده است که این رقم در سال ۸۹ به ۳۴ هزار و ۷۰۰ فقره رسیده است.

- ارزش پرونده‌های کلان و باندی در سال ۱۳۸۸، ۱۶۲ میلیارد تومان بوده که این رقم در سال ۱۳۸۹ به ۴۰۰ میلیارد تومان افزایش داشته است.

- در ابتدای سال ۹۰، مسئولان گمرک کشور در مصاحبه با رسانه‌ها اعلام کرده‌بودند ۲۰ درصد واردات در ایران به صورت قاچاق انجام می‌شود که از این میزان قاچاق، نزدیک ۱۸ درصد آن از مرز رسمی کشور، جایی که گمرک در آن حضور دارد، انجام می‌گیرد و مابقی آن از مرزهای غیر رسمی انجام می‌شود. (سالانه ۱۶ میلیارد دلار کالای قاچاق وارد کشور می‌شود که همگی اجناسی غیراستاندارد، نامرغوب، فاسد و مستهجن هستند.)

حالا این آمار به دلایل زیر قابل توجه است:

- به دلیل قاچاق سالانه سه میلیارد دلار کالا، تولیدات صنعتی کشور هشت درصد کاهش یافته است و چنین افت تولیدی، بیش از همه، اثرات نامطلوب خود را بر سطح اشتغال نمایان کرده است.

- بنابر یک تحقیق در دانشگاه علامه طباطبایی به ازای هر ۱۵ تا ۳۰ دلار قاچاق کالا، یک شغل از دست می‌رود، در حالی که برای ایجاد هر شغل حدود ۱۰ هزار دلار سرمایه‌گذاری لازم است.

- آمار نشان می‌دهد حجم کالای قاچاق به کشور در سال ۹۰ کم نشده بوده، اما به دلیل کنترل و نظارت بیشتر توزیع آن نسبت به سال ۸۹ کمتر، اما پراکندگی آن بیشتر بوده است.

عواقب قاچاق کالا به منظور اتخاذ سیاست‌های آینده‌نگرانه چنین است:

۱: بروز فعالیتهای غیر قانونی تولیدی و عدم ثبت آنها در حسابهای ملی

۲: بروز اثرات نامطلوب بر آمار و اطلاعات اقتصادی

۳: عدم تحقق صحیح اهداف سیاست‌های اتخاذ شده مختلف از سوی دولت (مختل شدن سیاستهای اجرایی دولت)

۴: بروز اثرات منفی در بازار ارز کشور

۵: تضعیف حقوق مصرف کنندة

۶: کاهش انگیزه جهت سرمایه‌گذاری مولد اقتصادی و خروج منافع در دسترس جامعه از چرخه اقتصاد مولد

۷: بروز اثرات نامطلوب بر قیمتهای بازار داخلی و... ولی پرسش بسیار ساده که پاسخ به آن می‌تواند به حل بسیاری از معضلات در زمینه قاچاق کالا بیانجامد

←

با همه اینها اما راهکارهای آینده‌نگرانه برای جلوگیری از قاچاق کالا چیست؟ هرچند قاچاق یک پدیده اقتصادی است ولی عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز در بروز آن دخیل هستند و لذا مبارزه و جلوگیری از قاچاق کالا راهکارهای متعددی را می‌طلبد که در ادامه به تعدادی از این راهکارها اشاره می‌شود:

۱- نیازهای وارداتی کشور با انجام کارهای کارشناسی مشخص و با برقراری تسهیلات لازم و اعمال تعرفه‌های گمرکی منطقی تأمین و برطرف شود.

۲- موانع تولید در کشور رفع شود و با حمایت‌های مالی از تولیدکنندگان موجب ارتقای سطح کیفی تولیدات داخلی فراهم شود.

۳- بیکاری با اتخاذ سیاست‌های لازم خصوصاً در نقاط مرزی کاهش داده شود.

۴- اوقات فراغت جوانان با گسترش اماکن ورزشی و تفریحی سالم و با حداقل هزینه پر شود و به سمت ایجاد محیطی عاری از بزه حرکت شود. شکل‌دهی یک تیم فوتبالی قدرتمند در هر یک از استان‌های مرزی که موجب نشاط جوانان آن منطقه را فراهم کند تأثیر زیادی در ایجاد محیطی پاک خواهد داشت.

۵- به منظور استفاده بهینه از نیروهای موجود کنترل‌کننده و کاهش هزینه‌های مبارزه با قاچاق کالا، نیروهای کنترل‌کننده از جاده‌های کشور جمع‌آوری و به جمع نیروهای کنترل‌کننده مرزی اضافه شود زیرا زمانی که کالایی قاچاق به علت کمبود نیروهای کنترل‌کننده مرزی وارد کشور شود نه تنها امکان مبارزه با آن در داخل کشور به حداقل خواهد

رسید بلکه آرامش و آسایش جامعه نیز فدای گرفتن یک قاچاق‌چی خواهد شد.

۶- نیروی محترم انتظامی پرسنل رسمی خاص مبارزه با قاچاق تربیت کند و با دادن آموزش‌های لازمه و مستمر و با تأمین امکانات معیشتی و رفاهی امر مبارزه با قاچاق را پیش ببرد و از به کارگیری پرسنل وظیفه در این امر خودداری کند

۷- پرسنل مستقر در مبادی ورودی و خروجی رسمی کشور از لحاظ امکانات معیشتی و رفاهی به نحو مطلوب تأمین شوند تا با آرامش خاطر وظیفه‌خطر خود را انجام داده و مورد وسوسه متخلفین قرار نگیرند.

۸- مبادی ورودی و خروجی مجاز کشور به دستگاه‌های ایکس‌ری چمدانی و کامیونی مجهز شوند.

۹- تبعیض بین واردکنندگان برطرف شود تا واردکنندگان در شرایط مساوی به تجارت پرداخته و از انجام تخلف به منظور رسیدن به شرایط مساوی خودداری کنند.

۱۰- در قوانین و مقررات، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با واردات، صادرات و ترانزیت ثبت ایجاد شود و از صدور دستورالعمل‌ها و بخش‌نامه‌های پی‌درپی درخصوص یک موضوع از سوی گمرک، بانک مرکزی و دیگر دوایر ذربط پرهیز شود. و در صورت لزوم اجرای این تغییر رویه با اعلام فرصت زمانی سه ماهه و اطلاع‌رسانی کافی انجام پذیرد.

۱۱- نیروهای اطلاعاتی در امر مبارزه با قاچاق تقویت شوند و تمرکز بیشتر روی مبارزه با باندهای قاچاق به‌جای مبارزه با افراد خرده‌پا صورت گیرد.

۱۲ حق الکشف از سیستم مبارزه با قاچاق کالا حذف شود. حق الکشف از دو منظر موجب ضرر به نیروهای مبارزه‌کننده در امر قاچاق است. یکی اینکه تأمین نیازهای آنها متکی به انجام عمل قاچاق می‌شود و یا به عبارت دیگر نیروهای مذکور بایستی دست به دعا شوند تا قاچاقی انجام پذیرد تا آنها آن را کشف نموده و از حمل وصول جرایم آن نیازهای خود را تأمین کنند. (تحقیر نیروها) دوم اینکه باعث می‌شود مسئولین مربوطه با تمسک به آن به فکر تأمین نیازهای این افراد به صورت دایمی و مستمر نباشند. حق الکشف از طرف دیگر نیز باعث به وجود آمدن مشکلات برای تجار و بازرگانان، ترانزیت‌کنندگان و سیستم حمل‌ونقل می‌شود زیرا نیروهای مبارزه با قاچاق به امید کسب حق الکشف ناخواسته به هر محموله‌ای با شک و تردید نگریسته و موجب کندی در عملیات تجارت و حمل‌ونقل می‌شوند. لذا لازم است حق الکشف در امر مبارزه با قاچاق حذف و نیروهای خدم و مبارزه‌کننده به نحو شایسته و پایدار و آبرومند تأمین نیاز شوند.

۱۳- و از همه مهم‌تر آموزش است. فقدان آموزش لازم در بسیاری از نیروهای کنترل‌کننده باعث شده کالایی که قاچاق نمی‌باشد، قاچاق تلقی شود و لذا برای افرادی که سالم کار می‌کنند نیز پرونده قاچاق تشکیل شود و این افراد نیز با صرف هزینه سنگین از خود دفاع نموده و پس از تبری به دیگر رقبای خود در شرایط مساوی قرار نگرفته و متضرر گردند و برای تأمین هزینه‌های مذکور که به ناحق به آنها تحمیل شده از راه‌های خلاف وارد شوند. لذا آموزش کلیه دست‌اندرکاران امر مبارزه با قاچاقی کالا از ضروریات امر مبارزه با قاچاقی است.



کالاهای قاجاق از مرزهای قانونی وارد می‌شوند

اقتصاد قاجاق در گفت‌وگو با محمد علی‌پور
سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس



محمد علی‌پور سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس پیش از اینکه به خانه ملت راه یابد دبیر کمیته مبارزه با قاچاق کالا در استان آذربایجان غربی بوده است. علی‌پور معتقد است دولت نه تنها اراده‌ای برای مبارزه با قاچاق ندارد بلکه از آن به مثابه توجیهی برای ناکامی‌های اقتصادی در دیگر حوزه‌ها نظیر طرح هدفمندی یارانه‌ها هم استفاده می‌کند. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس دلیل اینکه مجلس نهم اقدامی جدی برای نظارت موثر بر نحوه کنترل و مقابله دولت با پدیده قاچاق انجام نداده است را این می‌داند که آغاز کار این دوره مجلس همزمان با نوسانات بازار ارز، گرانی‌های شدید و بسیاری مشکلات دیگر بود که مساله قاچاق در مقایسه با آنها شاید از اهمیت کمتری برخوردار بود. متن گفت‌وگوی ما با این نماینده مجلس پیش روی شما است.

اصلاح شد قاچاق سوخت از کشور ما تا حدود زیادی کاهش یافت گرچه همچنان شاهد قاچاق گازوئیل بودیم و متأسفانه هنوز هم این مساله ادامه دارد. اما به هر حال با اجرایی شدن طرح هدفمندی یارانه‌ها قاچاق سوخت نسبت به قبل روندی کاهشی یافته است.

اما با توجه به افزایش شدیدی که در نرخ ارز در طول یک سال گذشته شاهد بوده‌ایم طرح هدفمندی یارانه‌ها هم به نوعی بی‌معنی شده است و قیمت بنزین و دیگر حامل‌های انرژی به رقمی حتی پایین‌تر از آنچه پیش از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها بود رسیده است...

بله من هم این مساله را قبول دارم اما این مسئله اولاً به دلیل افزایش قیمت سوخت در بازار جهانی و کشورهای منطقه است و دوماً همانطور که شما گفتید افزایش قیمت ارز هم در آن موثر بوده است. یعنی افزایش قیمت دلار علت تامه بی‌معنی شدن طرح هدفمندی یارانه‌ها نبوده بلکه علتی است که بر این مساله افزوده شده و درواقع موجب تحریک انگیزه‌ها برای قاچاق سوخت شده است. بنابراین آن رقمی که مورد استناد شما هست بیشتر مربوط به قاچاق سوخت آن هم قبل از اجرایی شدن طرح هدفمندی یارانه‌ها است.

اما الان با توجه به بی‌معنی شدن طرح هدفمندی یارانه‌ها دست کم در حوزه انرژی احتمالاً رقم قاچاق باید چیزی در حدود همان نوزده میلیارد دلار و شاید هم بیشتر از آن باشد. درست است؟

بله. اما در کل اعتقاد من این است که باید تجدید نظری در قیمت حامل‌های انرژی داشته باشیم. یعنی من فکر می‌کنم هنوز جای آن هست که این قیمت‌ها اصلاح شود و افزایش یابد. اما آنچه که سبب شد مجلس جلوی اجرایی شدن فاز دوم طرح هدفمندی یارانه را بگیرد تورم، افزایش شدید نقدینگی، گرانی‌ها و به طور کلی شوکی بود که به اقتصاد کشور و جامعه ما وارد شده است. به

در ابتدا بفرمایید چرا میزان و حجم واقعی قاچاق همیشه در هاله‌ای از ابهام قرار داشته و بعد به این نکته بپردازید که آیا شما در مجلس نهم تاکنون تلاشی برای دسترسی به ارقام واقعی قاچاق در کشور کرده‌اید؟

واقعیت این است که مساله قاچاق اساساً به گونه‌ای است که خیلی نمی‌توان برآورد کرد و میزان واقعی حجم آن را به دست آورد. خوب است اشاره کنم که قبل از اینکه نماینده مجلس بشوم و به مجلس نهم راه پیدا کنم در بخش مبارزه با قاچاق مشغول خدمت بوده‌ام و به خوبی این حوزه را می‌شناسم. بنابراین تخمین زدن رقم واقعی قاچاق به نظرم امری تقریباً غیر ممکن است. اما نکته‌ای که در مورد چند سال اخیر باید بگویم این است که ارز با نرخ دولتی طی چند سال گذشته به راحتی قابل تأمین بود هر چند وجود برخی رانت‌ها باعث می‌شد که این ارز در اختیار عده‌ای خاص قرار داشته باشد. اینکه ارز با نرخ دولتی به راحتی قابل دسترسی بوده و بالاخره ما شاهد واردات ۶۰ میلیارد دلاری بوده‌ایم معنایش این است که خود به خود با این وضعیت جلوی قاچاق گرفته شده است. به بیان دیگر وقتی افرادی می‌توانستند کالاهای مورد نیاز کشور را از مجاری قانونی وارد کشور کنند دیگر دلیلی نداشته که به سراغ راه‌های غیر قانونی، نامطمئن و هزینه‌بر برون.

خب اگر اینطور باشد که شما می‌گویید چطور معاون اجرایی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز حجم قاچاق کشور در سال ۸۹ را نوزده میلیارد دلار عنوان کرد که نسبت به حجم کل واردات کشور واقعاً میزان بالایی است؟

این آماری که ارائه شده مربوط به زمانی است که هنوز طرح هدفمندی یارانه‌ها اجرایی نشده بود و این میزان از قاچاق هم عمدتاً مربوط به قاچاق سوخت می‌شد. اما در چند سال اخیر که قیمت حامل‌های انرژی

این است که: چرا برای کشوری که نزدیک به هفت هزار و ۸۰۰ کیلومتر مرز دارد، اجازه حضور گمرک در مرزها داده نمی‌شود؟

با همه موارد ذکر شده حالا شاید زمان آن رسیده باشد تا دلایل افزایش قاچاق کالا نیز برشمرده شود. درواقع برای حل معضل قاچاق باید دلایل افزایش قاچاق در سال‌های اخیر را ریشه یابی کرد.

۱: شاید یکی از عوامل تشدید قاچاق، تثبیت نرخ ارز و تورم داخلی باشد، زیرا که باعث شد شکاف قیمت‌های داخلی و خارجی بیشتر شده و در نتیجه منجر به افزایش قاچاق کالا شود.

۲: پیچیده بودن مسیر واردات رسمی و درعین حال گران شدن آن با توجه به بالا رفتن نرخ ارز بازاری در کشور، بر وخامت اوضاع مبادلات بازرگانی کشور دامن زده است.

۳: نارسایی برخی قوانین از جمله قانون ترانزیت کالا زمینه‌ساز افزایش قاچاق در کشور.

۴: وجود بازارهای مرزی و بازارچه‌های موقت نقش موثری در حجم بالای قاچاق به کشور دارند.

۵: وجود بیکاری گسترده در نواحی مرزنشین و همچنین از بین رفتن انگیزه و سود تولیدات در بخش کشاورزی، صنعت و معدن با وجود عدم حمایت مکفی از سوی دولت، موضوعی در خور توجه است که نمی‌شود به سادگی از آن عبور کرد. با این وجود علاوه بر دلایل فوق می‌توان:

۶: بالا بودن میل نهایی به مصرف کالاهای وارداتی را به دلیل کیفیت بالاتر آنها و کاهش اعتماد مصرف کنندگان داخلی به کالاهای تولید ایران، را نیز به موارد فوق اضافه کرد.

و اما پیشنهادها برای رفع معضل قاچاق کالا:

۱: اصلاح فضای کسب و کار و تسهیل فضای قانونی کار و فعالیت اقتصادی، (نه تنها موانع را از پیش روی فعالان اقتصادی برداشته بلکه قاچاق، و بسیاری از مشکلات حاصل از تحریم‌ها نیز حل خواهد شد).

۲: تدوین لایحه جامع مبارزه با قاچاق کالا و ارز

۳: تدوین طرح‌های پشتیبانی در زمینه تجارت داخلی و خارجی

۴: تصویب سند راهبردی در افق ۵ ساله

۵: مدیریت مبادی ورودی و افزایش گذرگاه‌های رسمی در مناطق مرزی و همچنین اتخاذ قوانین نظارتی شدیدتر و کارآتری برای نظارت بر ورود و خروج کالاهای مختلف در مناطق مرزی

۶: الکترونیکی کردن اسناد

۷: راهاندازی سامانه تجارت آسان

۸: سامانه ثبت و کنترل معافیت‌های مالیاتی و ساماندهی کارت‌های بازرگانی

۹: ضرورت محاسبه و گنجانیدن اطلاعات مربوط به این گروه از فعالیت‌های اقتصادی در حساب‌های ملی. از آنجا که بخش قابل توجهی از اطلاعات مورد نیاز برای تهیه حساب‌های ملی به روش غیر مستقیم تهیه می‌شوند و بنابراین پنهان کاری فعالان اقتصادی تأثیر کمتری بر این گروه از اطلاعات مورد نیاز برای تهیه حساب‌های ملی می‌گذارد، و می‌توان ادعا کرد که حساب‌های ملی کشورها بخشی از این فعالیت‌ها را پوشش می‌دهد.

* آمار و ارقام ارائه شده در این گزارش توسط مسئولان مربوطه در همایش بررسی روند اجرای مصوبات اخیر دولت در زمینه مبارزه با قاچاق کالا و ارز مطرح شده است.



وجود بیکاری
گسترده در نواحی
مرزنشین و
همچنین از بین
رفتن انگیزه و سود
تولیدات در بخش
کشاورزی، صنعت
و معدن با وجود
عدم حمایت مکفی
از سوی دولت،
موضوعی در خور
توجه در شناخت
زمینه‌های قاچاق
است که نمی‌شود
به سادگی از آن
عبور کرد

همین دلیل ما در مجلس تصمیم گرفتیم از اجرایی شدن فاز دوم طرح هدفمندی یارانه‌ها جلوگیری کنیم. از طرف دیگر دولت هنوز هم مصمم است برای اجرای فاز دوم طرح هدفمندی یارانه‌ها به جای آنکه از تولید حمایت کند، پرداخت‌های نقدی به خانوارها را افزایش دهد و به همین دلیل مجلس با آن مخالفت کرد. وگرنه ما در مجلس اعتقاد داریم که قیمت حامل‌های انرژی هنوز می‌تواند افزایش یابد و به قیمتی بیش از آنچه امروز هست برسد اما لازمه آن به کارگیری سازوکار لازم نظیر حمایت از بخش‌های تولید داخلی است. یعنی درآمد ناشی از اجرایی شدن این طرح به جای پرداخت مستقیم به مردم باید صرف حمایت از صنعت و تولید شود. اما اراده دولت از افزایش قیمت حامل‌های انرژی این است که بتواند از این راه پولی در بیاورد و آن را مانند روشی که در این مدت به کار گرفته و انتقادات زیادی هم به آن هست باز هم به صورت نقدینگی به جیب مردم بریزد. من معتقدم طرح هدفمندی یارانه‌ها اقدام خوبی بود اما متأسفانه با اجرای نامناسب آن رازیر سؤال بردیم.

الان که فعلا اجرای فاز دوم این طرح متوقف شده اما همانطور که خودتان هم قبول کردید طرح هدفمندی یارانه‌ها در خصوص حامل‌های انرژی بی معنی شده و دوباره بحث قاچاق بنزین و دیگر سوخت‌ها مطرح شده است. آیا شما در مجلس طرحی برای مقابله با این مساله دارید و اصلا کاری برای جلوگیری از قاچاق سوخت انجام داده‌اید؟

ببینید اینطور نیست که مجلس برای کوتاه‌مدت اقدام به تصویب قانون کند. عمده‌تا این مساله مربوط به دولت و نهادهای اجرایی می‌شود. به همین دلیل اگر دولت و نهادهای اجرایی احساس کنند که برای کنترل قاچاق نیازمند قوانین جدیدی هستند باید برای ارائه لایحه به مجلس اقدام کنند. مجلس هم برای تامین و تجهیز دستگاه‌های اجرایی از هیچ کوششی فروگذار نخواهد کرد و هر قانونی را که لازم باشد به تصویب می‌رساند. بنابراین مهم این است که اول اراده از طرف نهادهای اجرایی وجود داشته باشد.

اما به هر حال مجلس دارای شان نظارتی هم هست. وقتی در حوزه قاچاق حامل‌های انرژی نگرانی شدیدی در وضعیت فعلی وجود دارد آیا مجلس نباید دست به کار شود؟ و تنها باید به این بسنده کند که هر وقت دولت قانون خواست برایش تصویب کند؟ یعنی واقعا هیچ سازوکار نظارتی برای جلوگیری از تخلیفات نهادهای اجرایی و اهمال آنها در مورد تجارت ناسالم وجود ندارد؟

ببینید ما به هر حال یک کارهایی هم می‌کنیم. خیلی وقت‌ها ما طرح دوفوریتی به صحن می‌آوریم و آن را تصویب می‌کنیم اما دولت می‌گوید مسئول اجرا من هستم. حرف شما درست است و ما هم مسئولان را به چالش می‌کشیم، از آنها سؤال می‌کنیم و تذکر می‌دهیم. مجلس وظیفه نظارت دارد و به نظر من هم مجلس نه‌م تا جایی که دولتمردان تمکین کرده‌اند اقدامات نسبتاً خوبی انجام داده اما واقعیت این است که این مساله در خیلی جاها توسط دولت نادیده گرفته شده است. توجه داشته باشید که اگر بهترین قانون هم نوشته شود اما در صورتی که در اجرا، آن قانون مبنا و ملاک عمل قرار نگیرد هیچ تاثیر و فایده‌ای نمی‌تواند داشته باشد.

الان در خصوص قاچاق حامل‌های انرژی مجلس چه اقدامی کرده که مورد توجه و یا بی توجهی دولت قرار گرفته باشد؟

قانون مبارزه با قاچاق کالا را مجلس شورای اسلامی در اواخر دوره هشتم تصویب کرد. بنابراین تا جایی که مربوط به مجلس می‌شده این کار انجام شده است. **بله. مجلس هشتم در آخرین هفته کاری خود گزارشی ۲۰ صفحه‌ای هم از تحقیق و تفحص در مورد قاچاق منتشر و تاکید می‌کند که مقدار بسیار کمی از حجم قاچاق واقعی کشف می‌شود و عناصر اصلی قاچاق در حاشیه‌ای نسبتاً امن قرار دارد. حالا با توجه به اینکه بیش از هفت ماه است که از آغاز کار مجلس نهم گذشته آیا پیگیری خاصی برای گزاری که اعلام شد و قانونی که به تصویب رسانده داشته است؟**

همانطور که می‌دانید شروع کار مجلس نهم مقارن با تنگنایهای اقتصادی، نوسانات ارز، برخی کمبودها، گرانی‌ها و مسائل و مشکلات بسیار کلان اقتصادی بود. عمده کارهایی هم که مجلس نهم در بخش اقتصاد انجام داده از قبیل سؤال از وزیر در همین راستا بوده است. حالا قاچاق کالا هم مساله مهمی است و من قبول دارم که جا دارد از آقایان سؤال کنیم، دستگاه‌های اجرایی را به چالش بکشیم و از آنها بخواهیم که پاسخگو باشند. من این مساله را کاملاً قبول دارم اما واقعا اراده‌ای در دولت وجود ندارد. متأسفانه دولت از کارهای اساسی نظیر بحث اشتغال، گرانی و خیلی از مهمترین مسائل اقتصادی غافل شده و این مسائل مهم و اساسی اقتصاد انگار در دولت به بوته فراموشی سپرده شده است و متأسفانه دولت تمام تمرکز خود را بر انتخابات، جایجایی‌های وزرا و مدیران و مسائلی از این دست قرار داده است. این درحالی است که توقع از کسانی که خودشان مجری هستند و بالاخره امکانات اجرایی کشور را در دست دارند بیشتر است و انتظار می‌رود که مسئولان اجرایی کشور نسبت به این مسائل اساسی بی‌توجه نباشند. بنابراین در خصوص اینکه ما باید از مسئولان دولتی بخواهیم که نسبت به معضلات اقتصادی کشور از جمله مساله قاچاق پاسخگو باشند حق با شماست اما واقعیت امر این است که متأسفانه در دولت موجود اراده‌ای برای مبارزه با قاچاق و پرداختن به مسائل مهمتر از آن در اقتصاد وجود ندارد.

یعنی شما معتقدید که الان معضلات مهمتری در اقتصاد وجود دارد که در دولت برای حل آنها اراده‌ای وجود ندارد بنابراین مساله قاچاق نیز همچنان لاینحل مانده است؟

بله. همینطور است. به نظر من مبارزه با قاچاق در حال حاضر تحت الشعاع مسائل مهمتر قرار گرفته است. یعنی هم اراده‌ای از طرف دولت برای مبارزه با قاچاق وجود ندارد و هم این مساله تحت الشعاع معضلات و مشکلات مهمتر اقتصادی قرار گرفته است.

البته کارشناسان معتقدند که مساله قاچاق یکی از ریشه‌ای ترین معضلات اقتصاد ما است و حتی بحث اشتغال را هم که شما به آن اشاره می‌کنید خیلی می‌تواند متأثر از وضعیت قاچاق باشد و آینده‌نگری برای بهبود وضعیت اقتصادی ما از راه تدبیر برای مبارزه با قاچاق ممکن خواهد شد؟

درست است ولی حرف من این است که دولت تمام

تلاش خود را بر مسائل سیاسی متمرکز کرده و عزمی برای حل مسائل اقتصادی از جمله همین مساله مبارزه با قاچاق کالا ندارد. خب وقتی قاچاق رونق داشته باشد تولید داخلی با مشکل مواجه خواهد شد و همانطور که شما هم اشاره کردید این مساله باعث افزایش نرخ بیکاری می‌شود چرا که ما اساساً با واردات فرصت شغلی را در اختیار دیگران قرار می‌دهیم و قاچاق هم نوعی واردات غیر قانونی و زیرزمینی است. این در حالی است که خیلی از کالاهایی که به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود امکان تولید آن در داخل واقعا وجود دارد.

معاون ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز چندی پیش در اظهاراتی از حمایت برخی افراد در بدنه دولت از عرضه کالاهای خارجی و تقلبی به دلیل وجود منافع‌شان خبر داد. آیا شما در مورد سخنان این مقام رسمی تحقیق و تفحصی در مجلس کردید؟

ببینید همانطور که عرض کردم ۶۰ میلیارد دلار از خزانه کشور در سال صرف واردات کالاهای خارجی می‌شود. یکی از سئوالات ما در مجلس اصلاً همین است که با این ۶۰ میلیارد دلار چه کالاهایی خریداری شده و آن را در اختیار چه کسانی قرار داده‌اند. این مساله به نظر من از قاچاق هم مهمتر است. به هر حال باید مشخص شود که این حجم از ارز واقعا صرف چه کاری شده است؟ یا آن چه کالاهایی وارد کشور شده و شاید هم به این میزان واقعا کالا وارد کشور نشده باشد. به این معنا که ممکن است در خیلی از جاها سندسازیهایی شده و اصلاً کالایی وارد نشده باشد. من فکر می‌کنم مساله قاچاق اساساً به نوعی توجیه برای دولتمردان تبدیل شده و آنها برای توجیه طرح هدفمندی یارانه‌ها آن هم به شیوه‌ای که آن را اجرایی کردند می‌گویند اگر این کار را انجام ندهند موجب افزایش قاچاق می‌شود. اینکه می‌گویم در دولت اراده‌ای برای حل مسائل نیست چه بسا در برخی جاها اراده تعدی وجود دارد برای حل نشدن مسائل تا بتوانند در توجیه را همچنان برای خود باز نگه دارند. یعنی مساله‌ای مانند قاچاق و امثال آن کارکرد توجیه برای ناکامی‌ها و بی‌توفیقی‌های دولت در سایر حوزه‌های اقتصادی لازم می‌دانم به آن اشاره کنم اینکه ما در مورد قاچاق لازم تجارت دارای مرزهای قانونی و مرزهای غیر قانونی هستیم. مرزهای قانونی ما همان گمرک‌ها، بازارچه‌ها و از این قبیل است. اما از طرف دیگر دارای مرزهای غیر قانونی هستیم که افراد از کوهستان‌ها، دهکوره‌ها و دره‌ها رد شوند و اقدام به وارد یا خارج کردن کالاهایی به صورت غیر قانونی کنند که همان قاچاق است. اما الان اتفاقی که می‌افتد این است که خیلی از کالاهای قاچاق در حال حاضر از مرزهای قانونی ما وارد می‌شوند.

و این مساله مستلزم هماهنگی با دستگاه‌های اجرایی است؟

تجارت غیر رسمی که همان قاچاق باشد به هر حال سودآور است. یعنی فردی می‌آید در دستگاه‌ها تولید فساد می‌کند و برخی افراد نهادهای اجرایی را اجیر خود می‌کند تا بتواند به این فعالیت پر سود اما غیر قانونی بپردازد. بنابراین هماهنگی، تباری، رشوه و اجیر کردن کارهایی است که متأسفانه انجام می‌شود و امروز ما شاهد هستیم که بسیاری از کالاهای از مرزهای قانونی ما به صورت قاچاق وارد کشور می‌شوند.

مساله قاچاق

اساساً به نوعی

توجیه برای

دولتمردان تبدیل

شده و آنها برای

توجیه طرح

هدفمندی یارانه‌ها

آن هم به شیوه‌ای

که آن را اجرایی

کردند می‌گویند

اگر این کار را انجام

ندهند موجب

افزایش قاچاق

می‌شود





ایده مهم‌تر از تخصص است

اخلاق و تجربه کسب و کار در گفت‌وگو با **حسن ورشوچی** کارآفرین نمونه

خانواده‌اش به محله داوودیه تهران نقل مکان کرد و دوره دبیرستان را در دبیرستانهای فردوسی قلهک و رشدیه به اتمام رساند. از همان کودکی به انجام فعالیت‌های غیر تحصیلی علاقه نشان داد و با کمک خانواده نخستین تجارت شخصی‌اش را در نوجوانی بنیان گذاشت. گفت‌وگوی ما از همین‌جا آغاز می‌شود، از نخستین تجربه کار.

امید ایران‌مهر: ۴۰ سال است که عضو اتاق بازرگانی تهران است. با نیم قرن سابقه فعالیت در فضای کسب و کار هنوز هم سخت‌کوش است و امیدوار. حسن ورشوچی سال ۱۳۲۵ در محله شاپور تهران متولد شد. پدرش به کار آزاد اشتغال داشت و مادرش خانه‌دار بود. دوران تحصیلات مقدماتی را در مدارس جعفری اسلامی و ریاضی گذراند و در ۱۳ سالگی به همراه

کار اقتصادی را از کجا آغاز کردید؟

۱۴، ۱۳ ساله بودم که اولین کسب درآمد شخصی‌ام را راه انداختم. فلکم را شکستم، از پدر و مادرم کمک گرفتم و واحدی به اسم «جوجک» را بنیان گذاشتم. پدر بزرگم باغچه‌ای ۱۷۰۰ متری در داوودیه داشت. با پولی که جمع‌آوری کرده بودم دو ماشین جوجه‌کشی نفتی خریدم، در زیرزمین نصب کردم، سیم توری در انتهای باغ کشیدم و تعدادی مرغ تخم‌گذار خریدم و این شد آغاز کار در جوجک. آگهی کردم که تحویل مرغ و تخم‌مرغ درب منزل. این را روی کاغذی به همراه شماره خانه‌مان نوشته بودم چاپ کردم و در محله‌های اطراف پخش کردم. دوچرخه‌ای داشتم. روی آن سبدهای نصب کرده بودم و سفارشات را به وسیله آن

ادامه داد و اواخر مشتریان ثابتی هم پیدا کرده بود. تا اینکه متأسفانه یک اتفاق خیلی تلخ رخ داد. یک شب که خوابیدیم و صبح از خواب بیدار شدیم دیدیم در کوره‌های نفتی سیستم گرمایشی ماشین جوجه‌کشی فتیله‌ها بالا کشیده و اکثر جوجه‌ها را تلف کرده است. یا خفه شده و یا نیمه جان بودند. ضربه بسیار وحشتناکی بود. بسیار تلخ، آنقدر که مجبور شدم به کلی این کار را کنار بگذارم.

بعد از جوجک چه کردید؟ باز هم به حضور در عرصه تجارت ادامه دادید، یا...

اینطور بگویم که به قول رایج: از زمانی که خودم را شناختم در فضاهای مختلف کسب و کار فعال بودم و به اینجا خاتمه پیدا نکرد. بعد از اینکه این داستان اتفاق

به مشتریان می‌رساندم. من در جریان این کار اولین فعالیت اشتغال‌آفرینی زندگی‌ام را به وجود آوردم و پسر باغبان را به عنوان پیک استخدام کردم. خاطرم هست کارم که گرفت از محله‌های آنطرف‌تر، سفارش مرغ می‌دادند، مرغ را به قصاب می‌دادیم، سر می‌برید، در پاکت می‌گذاشت و به وسیله دوچرخه به مقصد می‌رساندیم.

پس از همان کودکی استقلال مالی پیدا کردید.

بله. و این احساس استقلال مالی، بسیار احساس شیرینی بود. یعنی در عین حال که در یک خانواده متوسط زندگی می‌کردم واقعاً این استقلال مالی آنچنان اعتماد به نفسی در آن سن و سال به من داد که فوق‌العاده بود. جوجک دو سه سالی به فعالیت

افتاد باز هم در مقاطع مختلف با توجه به توان و سن و سال و تجربه، ایجاد اشتغال می‌کردم. در اوقات فراغت از تحصیل، کار می‌تراشیدم و آرام نمی‌ماندم. بعد از این داستان کار جوجه‌کشی و مرغداری متوقف شد و رفتم سراغ کارهای حقوق‌بگیری به شکل‌های مختلف.

مثلاً مدتی در شرکت تی‌دی بازار یاب بودم و فیکساتور آل‌نت پخش می‌کردم. سوم، چهارم دبیرستان بودم. بعد از ظهرها که از مدرسه می‌آمدم، کیف مدرسه را کنار می‌گذاشتم. کیف دیگری برمی‌داشتم که در آن ۱۲ فیکساتور آل‌نت بود. راه می‌افتم در آرایشگاه‌های زنانه و روزی ۱۰ تا ۱۲ تا از این‌ها را می‌فروختم و از فروش هر کدام ۱۰ تا ۱۵ ریال عاید می‌شد. ۱۵ ریال برای یک بچه دبیرستانی خیلی پول بود.

سرمایه اولیه خرید این‌ها را از کجا می‌آوردید؟
نداشتم. امانت می‌دادند. ویزیتور بودم.

پورسانت می‌گرفتید؟

بله

بعد از آن چه کردید؟

هر چه فکرش را بکنید. از ویزیتوری در کارهای مختلف تا دلای بیمه عمر!

به دانشگاه که رفتید هم فعالیت اقتصادی را ادامه دادید؟

در دانشگاه هم اقتصاد خواندم. دانشگاه شهید بهشتی که آن زمان دانشگاه ملی می‌گفتند. اوایل دوران دانشجویی مدتی در اتحادیه صنف عطاران و سقط‌فروشان مشغول بودم. سال ۱۳۴۷ پیکان خریدم. دومین سالی بود که پیکان به بازار آمده بود. ۶ هزار و

اندی پس‌انداز داشتم. پیش قسطی داده

بودم و ماهی ۲۷۱ تومان و ۳ ریال سفته به عنوان اقساط این ماشین امضا کرده

بودم. یعنی ۲۷۱۳ ریال. آن روزها صبح ساعت ۸ به دانشگاه می‌رفتم. یک کلاس

۲ ساعته را می‌گذراندم. بلافاصله با ماشین از اوین به چهارراه گلوبندک می‌رفتم. آن

زمان طی این مسیر طولی نمی‌کشید. ۲۰ دقیقه، یا نهایتاً ۲۵ دقیقه راه بود. در

تعاونی اتحادیه مدیر فروش بودم. کارهایم را انجام می‌دادم. فاکتورهایم را می‌زدم. تا

ساعت ۲ بعد از ظهر که حرکت می‌کردم به سمت دانشگاه. واحدهایم را جوری انتخاب

می‌کردم که بتوانم وقت برای کارم داشته باشم. که هم دانشگاهم را اداره کنم، هم

کارم را.

بعد از اتحادیه، کاری در هتل هیلتون پیدا کردم. کاری که درآمدش بسیار بالا

بود اما شرایط سختی داشت. من آنجا صندوقدار [حسابدار] شیفت شب بودم

و ساعت کارم از ۱۱ شب تا ۷ صبح. اما مسئله اصلی این بود که اگر مسئولین هتل

تنها یکبار ما را در حالت خواب می‌دیدند، ختماً اخراج می‌شدیم. بنابراین شرایط

سختی بود اما فکر می‌کنم درآمد ۱۴۰۰ یا ۱۵۰۰ تومان بود که در زمان خود پول

بسیار زیادی به حساب می‌آمد. تصورش را بکنید که من ساعت ۷ صبح از آنجا بیرون می‌آمدم و ساعت ۸ در دانشگاه کلاس داشتم. اما برایم مهم نبود. همیشه احساس می‌کردم انرژی نهفته‌ای در وجودم هست که می‌توانم از آن بهره ببرم. این سرمشقی بوده که همیشه برای بچه‌هایم نیز داشتم. آن‌ها هم وقتی در انگلیس درس می‌خواندند تنها یک مقرری در حد خورد و خوراک داشتند و برای تأمین هزینه‌های بیشتر کار می‌کردند و در همین شرایط هم هر دوی آنها تا مقطع PhD به تحصیل ادامه دادند.

اما همان یکسال کار در هتل تأثیر بد خود را روی من گذاشت. یادم هست نیمه شب‌ها برای اینکه بتوانم چشم‌هایم را باز نگه دارم در پارکینگ هتل به صورتم برف می‌مالیدم. دانشجوی ممتازی بودم اما کار در هتل و بی‌خوابی‌ها باعث افت تحصیلی‌ام شد، اما من ادامه می‌دادم تا اینکه دچار تشنج شدم. پدر بزرگم وقتی وضعیتم را دید کمکم کرد. تمام بدهی‌ام را داد و کمک کرد بتوانم درسم را تمام کنم.

بعد از اتمام دانشگاه چه کردید؟ فعالیت اقتصادی تازه‌ای راه‌انداختید؟

در دوران دانشگاه با همسر که هم‌کلاس بود آشنا شدم و ازدواج کردم. ایشان هم در شان را ادامه دادند و در رشته اقتصاد با درجه فوق لیسانس از دانشگاه ملی فارغ التحصیل شدند و سالها به عنوان کارشناس اقتصادی در وزارت اقتصاد آن زمان و بانک صنعت و معدن مشغول بودند. اولین شرکتان را در سال آخر دوره لیسانس به ثبت رساندیم. نام این شرکت

بحران و مقابله با آن

در طول سال‌ها فعالیت در این عرصه، آیا به طور مشخص با بحران بزرگی مواجه شدید که به خاطر تان مانده باشد؟ در مقابل آن چه واکنشی نشان دادید؟

بله. بزرگترین بحرانی که با آن مواجه شدیم چند سال قبل آلودگی در محیط بخشی از گلخانه‌ها بود. متأسفانه تلفات بسیار زیادی داشتیم و خودمان مجبور شدیم ۷۰۰۰ نهال را آتش بزنیم که ضربه سختی بود. این نهال‌ها هر کدام چندسال برای تهیه زمان می‌برد و شما خودتان محاسبه کنید که از بین بردنشان چه زیان بزرگی متوجه شرکت کرد. جز این ما در چند مقطع با بحران‌های اقتصادی مواجه بودیم که آخرینش همین حال است. در بخش صادرات به خاطر تحریم مشکلاتی داریم که مختص ما نیست. از جمله مشکلاتی که بر سر راه نقل و انتقال پول به وجود آمده است. این مشکل در واردات مواد اولیه، بیشتر به چشم می‌آید چون ما بسیاری از هورمون‌ها، ویتامین‌ها و کمپوست‌های مورد نیازمان را از اروپا وارد می‌کنیم و گاهی تأخیر در رسیدن این اقلام شرکت را با مشکلات جدی مواجه می‌کند. جز این‌ها سایر مواد شیمیایی، لوازم مورد نیاز آزمایشگاه و لوازم مصرفی و غیرمصرفی آزمایشگاه هم هستند که تهیه هر یک به نحوی دچار مشکل شده است.



خانوادگی «مدی‌سرو» بود و کارش واردات، توزیع و نگهداری تجهیزات پزشکی. ۱۰ نفر تکسین استخدام کرده بودیم تا علاوه بر فروش تجهیزات پزشکی، خدمات پس از فروش هم داشته باشیم. با بیمارستان‌ها و مراکز درمانی قرارداد می‌بستیم و دستگاه‌هایشان را سرویس می‌کردیم.

چه شد که تصمیم گرفتید از ایران بروید؟

دانشگاه که تمام شد فعالیت در شرکت خودمان را پی گرفتیم و بعد از آن با شرکت سیرس کو واردات تجهیزات بیمارستانی را ادامه دادیم. اما بعد از انقلاب و به دنبال شروع جنگ، شرایط تغییر کرد. به علت یکسری از ناملایمات و دگرگون شدن وضعیت اقتصادی، شرایط برای کار سخت شد. از یک سو فساد در بخش تجارت غالب شده بود که در کنار تفاوت نرخ ارز برای من واردکننده آزاردهنده بود و از طرف دیگر نگرانی برای آینده بچه‌ها داشتیم و این باعث شد که سال ۶۲، ۶۳ ایران را ترک کنیم و به بریتانیا برویم.

اما چند سال بعد تصمیم به بازگشت گرفتید.

بله، در سال ۷۱. این زمانی بود که بچه‌ها دیگر از آب و گل درآمده بودند و دیدیم دیگر وجود ما در آنجا ضرورتی ندارد. این بود که برگشتیم.

بله، بازگشتی که با آرایه یک ایده نو همراه بود. این ایده از کجا آمد؟

بعد از یک عمر کار با همه تجربیاتی که در جوانی کسب کرده بودم می‌خواستم به کشورم برگردم اما نمی‌خواستم در این بازگشت دست خالی باشم.

تصمیم گرفتم به دنبال یک کارآفرینی مبنی بر نوآوری قابل توجه‌تر بروم. این

بود که قبل از اینکه از انگلیس برگردیم، مرتب دنبال سوژه‌ها و ایده‌های جدید

می‌گشتم. در همین حین بود که به خبری برخوردیم. خبر این بود که ۳ و

نیم میلیون نخل در جریان جنگ ایران و عراق سوخته و تکشیر نهال خرما برای

بازسازی نخلستان‌ها با روش سنتی تقریباً غیرممکن است. همزمان با شنیدن این

خبر به یک فن‌آوری جدید در انگلستان برخوردیم که یکی از شاخه‌های علم

بیوتکنولوژی گیاهی بود. تکنولوژی‌ای که می‌توانست به حل این معضل بزرگ

کمک کند.

کسی این تکنولوژی را به شما معرفی

کرد یا خودتان...

بله، خبر را اتفاقی از دوستی شنیده بودم. بعد که دنبال کردم، فهمیدم که

چنین تکنولوژی‌ای در انگلستان وجود دارد. وقتی که من برای کسب اطلاعات

بیشتر در این مورد به ایران آمدم. هفته دوم ورود به ایران مورد دعوت وزیر وقت

کشاورزی قرار گرفتم. این طرح آنقدر مهم بود و آنقدر مسئله برای دولت اهمیت

داشت که به محض طرح موضوع استقبال



با توجه به سخنانی که مطرح شد، به نظر می‌رسد از دیدگاه شما اساس کار آفرینی این است که پشتکار داشته باشیم...

پشتکار هست اما شما نمی‌توانید منکر عامل روحیه بشوید. این یک واقعیت است. روحیه نقش مهمی دارد. پدر من از کودکی همین روال را گذراند. تمام دوران عمرش را زحمت کشید، کار کرد و به اشکال مختلف کار آفرینی کرد.

شغل پدرتان چه بود؟

نام خانوادگی ما ورشوچی است. کسانی که در ایران فامیلشان به «چی» ختم می‌شود، همه نوآور و کارآفرین بوده‌اند. مثل مسچی، ورشوچی، طلاچی، نقره‌چی و... این‌ها کسانی بودند که این فلزات و آلیاژها را به ایران آوردند و روی آن‌ها کار کردند. افرادی که برای اولین بار این فعالیت‌ها را در ایران راه انداختند به همان نام معروف می‌شدند. این قضیه از زمان پهلوی اول متداول شد. این فامیل‌ها مربوط به آن دوره است. واژه ورشوچی را هم پدر بزرگ من به ثبت رسانده بود چون اولین کسی بود که آلیاژ ورشو را از لهستان به ایران وارد کرد.

پس شما همواره میان خودتان با دیگران تفاوتی

قائل بودید...

بله، شاید! [خنده] خاطرمای بگویم شاید برایتان جالب باشد. روزی که آخرین امتحان دانشگاه را در دوره لیسانس دادیم و با رتبه بیرون آمدیم، همگی جلوی در دانشگاه جمع شدیم. انگار ناگهان همه احساس کردند که دیگر هیچ کاری ندارند. آخرین امتحان را داده بودیم و می‌گفتند خوب، حالا چکار کنیم؟ من ساعت را نگاه کردم و گفتم «بخشید، دیرم شده، باید بروم سرکار». من همان زمان شاغل بودم و شرکت خود را داشتم. احساس کردم که دوستانم حالشان بد شد و احساس کمبود کردند که من؛ همکلاسیان، امتحانم را داده‌ام و حالا هم دارم می‌روم سرکارم، اما این‌ها باید به خانه بروند. هر کدام از این دوستان یک تا دو سال بیکار ماندند تا توانستند کار مناسبی پیدا کنند. البته آن زمان کار بود، ولی این‌ها همه می‌خواستند وزیر اقتصاد بشوند! این صحنه هرگز از یادم نمی‌رود که چه اعتماد به نفسی به من داد، که من چقدر با بقیه متفاوتم. همیشه تأکیدم این بوده که نگذاریم بچه‌هایمان جوانی‌شان را هدر دهند. دلتان نسوزد. جوان‌ها پر از انرژی هستند. باید همراه درس کار هم بکنند. اما متأسفانه بسیاری از جوان‌ها ساعات

هم به عنوان مدیر تولید انتخاب شد. او بدون اینکه تحصیلات کلاسیک در این زمینه داشته باشد، عملاً ۴ سال در آزمایشگاه‌های انگلیس تجربه کسب کرد. همزمان بچه‌های خودمان را تشویق کردیم که رشته تحصیلی‌شان را یکی از رشته بیوتکنولوژی انتخاب کنند و امروز ما از همکاری شایسته‌ترین و بهترین کادرهای فعال این رشته در یک شرکت بیوتکنولوژی برخورداریم. یعنی دو نیرو با درجه PHD داریم که پسر و دخترم هستند. همسر مدیر تولید است که ۴ سال تجربه حضور در آزمایشگاه‌های انگلستان را دارد. به همراه یک تیم؛ شامل فارغ‌التحصیلان مقاطع لیسانس و فوق لیسانس علوم آزمایشگاهی و میکروبیولوژی و کشاورزی. از سطح دیپلم تا سطح دکترا حدود ۷۵ نفر پرسنل داریم؛ ۷۵ نفر پرسنل زبده و فوق‌العاده. حدود ۴۰ دختر خانوم هستند که در آزمایشگاه کار می‌کنند. دخترانی با دست‌های طلایی؛ در واقع همین‌ها هستند که کار کشت بافت را انجام می‌دهند.

موسسه ما بنابر اطلاعات موجود در اینترنت، در خاورمیانه بی نظیر و در سطح جهان کم نظیر است. ما دو تکنولوژی ارزشمند تکثیر نهال خرما و گردو را در اختیار داریم. شما در دنیا موسسه‌ای پیدا نمی‌کنید که از دو فن‌آوری اینچنین ارزشمند همزمان بهره‌برداری نماید. به طور مشخص در تولید نهال گردو در دنیا منحصر به فردیم. چون شرکتی که این تکنولوژی را به ما داد خودش به علت بحران اقتصادی که در اسپانیا به وجود آمده، کارش را متوقف کرده است. ما الان جانشین آنها شدیم. البته در قبال فروش این تکنولوژی از ما رویالتی می‌گیرند، اما اکنون تنها ما هستیم که در دنیا نهال گردو را از طریق کشت بافت تکثیر می‌کنیم. در عرصه تولید نهال خرما در دنیا هم چند شرکت بیشتر نیستیم. آن موقع که ما شروع کردیم یعنی ۲۱ سال پیش، همان یک شرکت انگلیسی در دنیا این کار را می‌کرد، اما الان چند شرکت دیگر هم هستند.

ولی در ایران فقط شما هستید؟

بله. هم در تولید نهال گردو و هم خرما. البته در گوشه و کنار کسانی آمدند واحدهای کوچکی راه انداختند ولی متأسفانه همه ورشکسته شدند. چون تکنولوژی معتبری نداشتند. در این کار، در درجه اول شما باید یک تکنولوژی معتبر داشته باشید. سرمایه کاری انجام نمی‌دهد. تا یک تکنولوژی معتبر نباشد ممکن نیست.

شد. آن موقع زمان ریاست جمهوری آقای رفسنجانی بود و آقای دکتر کلاتری هم وزیر کشاورزی بود. این‌ها پیگیر شدند و تشویق کردند. خودشان قبلاً سعی کرده بودند که این تکنولوژی را به ایران بیاورند و موفق نشده بودند. حالا می‌گفتند که اگر شما بتوانید این تکنولوژی را بیاورید ما همه جور همکاری می‌کنیم. وام می‌دهیم، زمین می‌دهیم، پشتیبانی می‌کنیم و... من هم همیشه در زندگی‌ام آدمی بوده‌ام که وقتی تصمیمی بگیرم دیگر گرفته‌ام. یعنی به هر قیمتی که شده باید انجام شود. به هیچ عنوان در فرهنگ و مخیله من این نیست که کسی بخواهد کاری را انجام دهد و موفق نشود. مگر این که کار، کار خلافی باشد. وگرنه کاری که اصول و منطقی داشته باشد، باید انجام شود. دلیلی ندارد نشود. من دو سال تمام با شرکت انگلیسی IPL که این تکنولوژی را در اختیار داشت، کلنجار رفتم تا بالاخره بعد از دو سال قبول کردند که در قالب یک شرکت مختلط در ایران با ما همکاری کنند. یعنی یک شرکت ایرانی که من باشم، با یک شرکت انگلیسی.

پس شما یک شرکت دیگر تاسیس کردید، این بار

در حوزه کشاورزی...

بله، ما شرکتی تاسیس کردیم با عنوان شرکت «کشت و صنعت رعنا». آن‌ها هم که شرکت «IPL» بودند. با هم شریک شدیم و شرکت «کشت بافت گیاهی ایران» را به وجود آوردیم.

این کشت و صنعت رعنا را خودتان به تنهایی

تاسیس کردید؟

نه کار خانوادگی بود. من و همسر، خواهر همسر و بچه‌ها که به آنها هم سهم دادیم. ۹۷ درصد خانواده‌ایم، ۳ درصد هم رفقای که در زمینه‌های مختلف به ما کمک کردند.

شما که خودتان تخصص نداشتید، چطور

توانستید شرکتی در زمینه بیوتکنولوژی گیاهی

تاسیس کنید؟

وقتی قرار شد این تکنولوژی را به ایران بیاورم، شرکت IPL یک کارشناس انگلیسی به نام John Spurr را به عنوان مدیر پروژه تعیین کرد. او سالی چند ماه به ایران سفر می‌کرد. یعنی مرتب برایش ویزا می‌گرفتم، به اینجا می‌آمد و در محل سایت که شهریار است، اقامت می‌کرد. همزمان گروهی از فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف بیوتکنولوژی، علوم آزمایشگاهی، کشاورزی و... استخدام کرده بودیم که تحت نظر ایشان آموزش ببینند. همسر من



فراغشتان را به کارهای بیهوده می گذرانند. زمان ما سرگرمی بچه‌ها فوتبال دستی بود یا بیشتر در کوچه‌ها فوتبال بازی می کردند که دستکم ورزشی بود، اما حالا بچه‌ها پای کامپیوتر و گیم صبح را به شب می رسانند و بزرگتر هم که باشند اینترنت و ...

نکته جالبی که در اتاق شما می بینم این است که شما نه اینترنت دارید و نه حتی کامپیوتر...

بله. من از یک جایی به بعد با تکنولوژی غریبه شدم.

البته همه تکنولوژی‌ها جز بیو تکنولوژی...

در آن هم دخالت مستقیم ندارم. چون الزاماً نوآوری احتیاجی به این ندارد که شما تخصص خاصی داشته باشید. من کارآفرینم. یک کارآفرین دلیلی ندارد که در کاری که می‌خواهد بیافریند حتماً تخصص داشته باشد. من یک سرمایه‌گذارم که کارآفرینی می‌کنم و متخصصین را استخدام می‌کنم که روی یک پروژه کار کنند. ایده مهم است. بله، اگر گروهی از پزشکان بیمارستانی تاسیس کنند، احتیاج به تخصص دارند اما شما کارآفرینان و کارخانه‌داران مشهور ما را ببینید. مرحوم حاج برخوردار در زمینه کارهایی که انجام داد، تخصص خاصی داشت؟ در زمینه تولید یخچال و ساعت و تلویزیون و ... متخصص بود؟ اینطور نیست. بسیاری از کارآفرینان ما بوده‌اند که شاید حتی سواد خواندن و نوشتن هم نداشتند اما آن روحیه در وجودشان بوده و بالاخره جایی بروز و ظهور پیدا کرده است.

در مورد بحث روحیه کارآفرینی که گفتید سوالی دارم. زن را نمی‌توان نادیده گرفت اما آیا این به آن معناست که همواره تعداد اعضای این خانواده‌ها نسبت مستقیمی با تعداد کارآفرینان ما دارد و کارآفرینی در انحصار چند خانواده یا نژاد خاص است؟

نه، شما زن را لزوماً از پدر و مادر به ارث نمی‌بری، شاید از دو نسل قبل نهفته بوده و حالا در وجود شما متبلور شده باشد. حتی بیماری‌ها هم همینطور است. بسیاری از بیماری‌های ارثی هستند که بعد از دو یا سه نسل از حالت نهفته به حالت آشکار تبدیل می‌شوند. پدر و مادر سلامتند اما ممکن است یک بیماری تنفسی یا پوستی از دو نسل قبل تر به فرزندی منتقل شود. زن‌های رفتاری هم به نظر من همینطور است.

من متخصص علم ژنتیک نیستم اما فرض من این است که این اتفاق می‌افتد برعکس هم ممکن است. در بعضی خانواده‌ها ممکن است پدر و مادر فعال باشند اما فرزندشان تنبل و تن‌پرور باشد. شاید این ویژگی هم از دو نسل قبل به او رسیده باشد.

گذشته از این بحث‌ها شما کارآفرینی بودید که در جریان کارتان یک تکنولوژی جدید را به ایران آوردید و به هر حال توقعاتی از بازتاب و نتایج این اقدام داشتید. الان که حدود دو دهه از آغاز پروژه می‌گذرد، فکر می‌کنید در چه مرحله‌ای هستید و چه چشم‌اندازی برای کارتان متصورید؟

موسسه ما نه تنها یک موسسه تولیدی، بلکه بیشتر یک موسسه تحقیقاتی است. ما تکنولوژی مادر را آوردیم و آن را گسترش دادیم. شاهد آنکه در ابتدا با ۴ نوع نهال خرما کار را آغاز کردیم اما الان ۱۴ نوع نهال خرما را تولید می‌کنیم و این‌ها همه حاصل تحقیقات ما در این سال‌هاست. در ایران بیش از ۴۰۰ گونه خرما داریم که تنها ۵ درصد آن‌ها مرغوب و بازار پسند است و هدف ما این است که آرام آرام بتوانیم نهال همه این گونه‌های مرغوب را در شرکتان تولید کنیم. این کار بیشتر برای من عشق و علاقه بوده است. وقتی کار را شروع کردم دو انگیزه داشتم. هدف اولم این بود که برای مملکت قدمی بردارم و مفید باشم. دوم اینکه یک محیط تحقیقاتی کارا خلق کنم و فرزندانم بتوانند در آینده با درجه دکترا در آن به فعالیت و پژوهش بپردازند که شکر خدا در این دو مسیر، موفقیت نسبی کسب کرده‌ایم.

آیا از لحاظ اقتصادی به انتظاراتی که داشتید رسیدید؟ به هر حال وقتی وارد کاری می‌شویم یک تصور اولیه از آینده داریم و بعد از چندسال کار انتظارات تازه‌ای پیش می‌آید. آیا آن انتظارات محقق شده‌اند؟

خریدار محصول ما در نهایت کشاورزان و باغداران هستند. کشاورز ایرانی هم به زندگی با یارانه‌های دولتی عادت کرده و به یکباره نمی‌توان از او خرید مستقل و مرتبی انتظار داشت. این یکی از مشکلاتی است که ما با آن مواجهیم. به همین دلیل معمولاً فروش اصلی ما در قراردادهای بزرگی بوده که با زیرمجموعه تولیدات گیاهی (باغبانی) وزارت جهاد کشاورزی داشته‌ایم که

گاهی پیش می‌آید به خاطر نبود اعتبار و یارانه‌ها دچار مشکل می‌شوند...

آیا در شرایطی که بازار داخلی دچار مشکل است توانسته‌اید در حوزه صادرات هم وارد شوید؟

بله، بسیار موفق هم بودیم. ما به بسیاری از کشورهای منطقه از جمله کویت، امارات، اردن و قطر صادرات داریم و در ۳،۲ سال اخیر هم توانستیم با کشور سودان رابطه تجاری داشته باشیم و محصولاتمان را به آن‌ها هم بفروشیم.

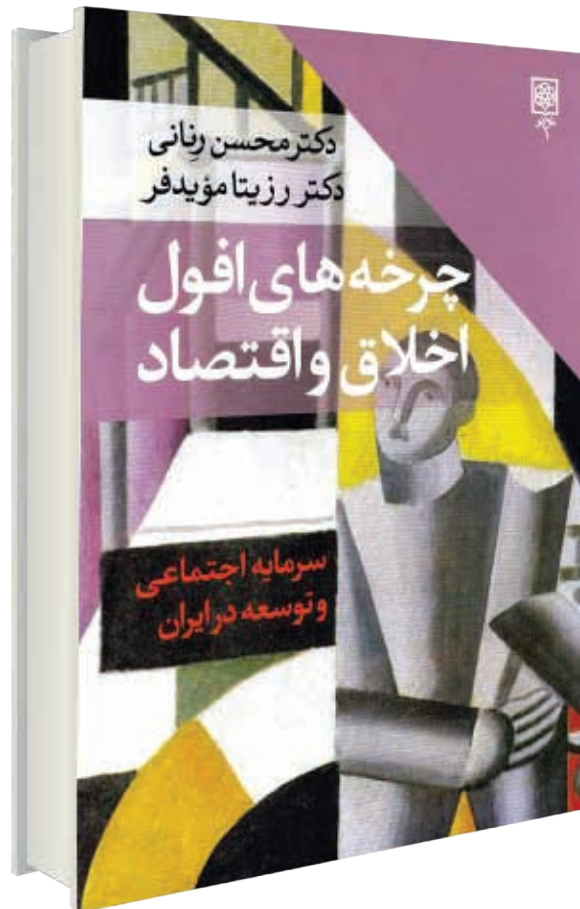
مهمترین معضلاتی که در زمینه فعالیت شما وجود دارد چیست و فکر می‌کنید چه چشم‌اندازی برای ادامه راه وجود دارد؟

در اقتصادهای نفت‌سوز مثل اقتصاد ما مردم عادت کرده‌اند که به سادگی درآمد کسب کنند. ولی امان از روزی که نفت بد بسوزد. این شرایط برای کارهای نوآرانی همچون ما مثل سم عمل می‌کند. حقیقت آن است که به ویژه در شرایط فعلی کشور، فعالان اقتصادی به دنبال اقتصاد رفاه هستند. این به آن معناست که به دنبال فعالیت‌هایی با ریسک پایین می‌روند. تولید موجودات زنده یعنی کاری که ما به آن مشغولیم از جمله فعالیت‌های با ریسک بالاست. همزمانی تحریم، هدمندسازی یارانه‌ها و بحران ارزی به همه تولیدکنندگان آسیب می‌زند و در میان همه، ما و امثال ما بدترین صدمه را می‌خوریم. سر و کار داشتن با موجود زنده مشکلات خاص خود را دارد. این یک فن‌آوری مدرن است که بومی کردن آن یکی از سخت‌ترین کارهاست. و از آن مهمتر فرهنگ‌سازی مصرف است. کشاورزی که یک عمر با پاجوش سنتی نخل و یا نهال گردوی پیوندی سروکار داشته، برای آنکه درباره آن نهال‌های تهیه شده با کشت بافت توجیه شود، زمان می‌خواهد. جز این‌ها در جوامعی مثل ما یا تنگ‌نظری و کارشنکی‌هایی هم مواجه می‌شوید که شاید بسیاری از مواقع پیش‌بینی نشده‌اند. از جمله رقابت نابرابر و گاهی تقابل برخی مراکز تحقیقاتی دولتی با بخش خصوصی که برای مستقل‌ها گران تمام می‌شود. خصوصاً در شرایط فعلی که اوضاع اقتصاد چندان روبه‌راه نیست، این قبیل واحدهای تولیدی را به سختی می‌توان سر پا نگه داشت ولی ما با جدیت به کارمان ادامه خواهیم داد و امیدواریم با حل مشکلات پیش‌رو، شرایط بهتر شود.



از سرمایه اجتماعی تا سرمایه اقتصادی

به بهانه کتاب «چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد» نوشته محسن رنانی



به تازگی کتاب «چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد» درباره آینده‌نگری سرمایه‌های اجتماعی و تاثیر اقتصاد و اخلاق بر یکدیگر به قلم محسن رنانی استاد اقتصاد دانشگاه اصفهان منتشر شده است. نظریه کلی رنانی چنین است که یک اقتصاد اخلاقی با رشد نقدینگی و تورم کمتری روبرو خواهد بود. در ادامه پاسخ محسن رنانی را به پرسش‌هایی درباره این کتاب و نظریه اقتصادی‌اش و آینده اقتصاد ایران می‌خوانید. رنانی مدعی است که یکی از پرکارترین‌ها در سالهای اخیر بوده است و می‌گوید «از سال ۱۳۸۵ دو سه سالی از وقتم را گذاشتم بر روی کتابی به نام اقتصاد سیاسی مناقشه اتمی که حدود پانصد صفحه شد و آنرا در سال ۸۷ تنها پنج نسخه تکثیر کردم و برای پنج تن از سران کشور ارسال کردم، که البته هیچ بازخوردی ندیدم حتی اعلام وصولی هم نشد؛ من در آن کتاب که برای انتشار آن در حال گفتگو با ناشری هستم، بسیاری از فرایندهای امروز را پیش‌بینی کرده‌ام. بنابراین اگر کارهایی از این دست را هم کار بدانید یکی از پرکارترین‌ها بوده‌ام. اما ممکن است بگویید بعد از کتاب «بازار یا نابازار؟» که سال ۱۳۷۶ چاپ شد دیگر کتاب جدی‌ای نداشته‌ام که می‌گویم درست است. گرچه بعد از آن چهار پنج کتاب داشته‌ام اما معمولاً ترجمه بوده است. تا این که می‌رسیم به کتاب آخرم یعنی چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد که امیدوارم تاثیر مثبتی داشته باشد.»

چرخه‌های افول اخلاق
و اقتصاد: سرمایه
اجتماعی و توسعه در
ایران
محسن رنانی و مؤیدفر
انتشارات طرح نو
۵۰۰ صفحه

به کتاب «چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد» منجر شد. در همان مصاحبه‌ای که در سال ۸۱ داشتیم گفته‌ام با روند کنونی کاهش سرمایه اجتماعی، در انتخابات ریاست جمهوری بعدی ما شاهد نتایج شگفت‌انگیزی خواهیم بود، چرا؟ چون زمانی که سرمایه اجتماعی کاهش پیدا می‌کند مردم در جامعه دیگر عقلانی عمل نمی‌کنند، بلکه احساسی تصمیم می‌گیرند. به عبارت دقیق‌تر گفته بودم مردم به جای عقل ابزاری به عقل معنایی یا شهودی خود مراجعه می‌کنند و به همین علت رفتارشان دیگر قابل پیش‌بینی نیست. در شرایط کنونی که سرمایه اجتماعی پایین آمده است هرگاه اجازه بروز و آشکار شدن به مردم بدهیم مردم انتخابهایی غیرقابل پیش‌بینی خواهند داشت. چرا که در شرایط رواج بی‌اخلاقی یا سقوط سرمایه اجتماعی مردم دیگر خیلی به عقل مراجعه نمی‌کنند و از احساس شهودی خود پیروی می‌کنند.

سرمایه اجتماعی را مطرح کردم و گفتم که ما از این به بعد اقتصادمان گیر سرمایه اجتماعی پیدا خواهد کرد. به آقای خاتمی عرض کردم شما همه رقابت‌های سیاسی و نیز سیاست‌های اقتصادی را رها کنید و به موضوعات اجتماعی بپردازید. گفتم مردم هم که به شما رای دادند، موضوعاتشان و دغدغه‌شان اجتماعی بود. گفتم شما یک رسالت دارید، اینکه در دوران ریاست جمهوری بکوشید اعتماد بین مردم و حکومت را بازسازی کنید و سرمایه اجتماعی را بالا ببرید. از آن دوران بود که به موضوع اخلاق در اقتصاد پرداختم و درواقع کار بر روی این موضوع را آغاز کردم، که منتهی شد به تعداد زیادی مقاله و سخنرانی و راهنمایی چند پایان‌نامه در کارشناسی ارشد و دکتری و نیز ترجمه چند کتاب مثل کتاب «دکتر دموکراسی» و کتاب «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی» که هر دو توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق چاپ شد و نهایتاً همه این کارها

یکم ایده «چرخه‌های افول» از چه زمانی به ذهن شما آمد؟

در سال ۱۳۸۱ مصاحبه‌ای داشتم با عنوان «سقوط سرمایه اجتماعی»، آن مصاحبه اولین باری بود که در ایران بحث سرمایه اجتماعی وارد ادبیات اقتصادی می‌شد. قبل از آن در حد تزیینات جامعه‌شناسی این موضوع مطرح بود ولی این موضوع در مباحث اقتصادی ایران جایی نداشت. البته قبل از آن یک جلسه‌ای آقای مظاهری، وزیر اقتصاد وقت، گذاشته بود در محل ریاست جمهوری با حضور سی‌چهار اقتصاددان. البته بعداً فهمیدم این یک جلسه تبلیغی و تزیینی بوده است که مثلاً وزیر می‌خواست نشان بدهد به آقای خاتمی که دهها اقتصاددان با من همکاری می‌کنند، که البته این طور نبود. در هر صورت در آن جلسه به سه چهار نفر وقت دادند، صحبت کنند از جمله من، که در آن فرصت بحث

دوم

رابطه اخلاق و پول را به عنوان نماد اقتصاد چگونه می‌توان تعریف کرد؟

در جامعه اخلاق مدار هزینه‌ها کاهش پیدا می‌کند، چرا؟ چون مردم علاقه‌تر عمل می‌کنند. به طور مثال هزینه هر سرعت گیر پلاستیکی که در خیابانهای شهر نصب می‌شود بالغ بر یک میلیون تومان است. اگر مردم معقول و اخلاقی عمل کنند و قانون را رعایت کنند این هزینه ضروری نیست و از این دست مثالهای فراوانی می‌توان زد. تحقیقات جدید در کشورهای اروپایی نشان می‌دهد جوامعی که اخلاقی‌تر هستند حتی افزایش نقدینگی هم منجر به تورم کمتری می‌شود، این به خوبی رابطه اخلاق و اقتصاد را مشخص می‌کند. رابطه اخلاقی و اقتصاد از سقراط شروع شد. اولین شهید اخلاقی و اقتصاد سقراط بود. سقراط گفت: جامعه سعادت‌مند، جامعه اخلاقی است. امروز اقتصاددانان و جامعه‌شناسان توسعه می‌گویند جامعه توسعه یافته

جامعه اخلاقی فقط واژه توسعه را جای واژه سعادت گذاشته‌ایم اما نکته همان است که بود.

پس ۲۵۰۰ سال طول کشید تا علم اقتصاد توانست این حرف ساده سقراط را عملیاتی کند، برای آن شاخص بسازد و با آمار و ارقام نشان بدهد که نقش اخلاق در اقتصاد چقدر مهم است: اگر دولت دروغگو باشد مردم فقیر می‌شوند، هر چقدر هم پول خرج کنید، محصول دروغگویی، فقر مردم است. شاید این حرف به نظرتان حرفی بزرگ است ولی نه، به سادگی قابل نشان دادن است و در کتاب ما آن را به صورت ریاضی هم نشان داده‌ایم.

سوم

با توجه به آنچه در کتاب تصویر کرده‌اید چگونه می‌توان شرایط انباشت مجدد سرمایه اجتماعی را فراهم کرد؟

سرمایه اجتماعی ویژگی‌های مشترکی با سرمایه اقتصادی دارد، سرمایه وقتی شروع به تخریب می‌کند، فزاینده تخریب می‌شود و وقتی تجمیع می‌شود هم فزاینده تجمیع می‌شود، یعنی نرخ تجمیع فزاینده است. سرمایه «خود افزا» است و جاذب انواع سرمایه‌های دیگر هم هست، یعنی وقتی سرمایه اجتماعی آمد انواع دیگر سرمایه‌های فیزیکی و اقتصادی و انسانی را هم به همراه خود می‌آورد. در دویی یک محیط امن و یک محیط پر از سرمایه اجتماعی درست شد، یعنی از محیط حقوقی امن شروع کردند، بعد مناسبات انسانی خوب را سازماندهی کردند و یک محیط پر از سرمایه اجتماعی شکل دادند.

چنین شد که سرمایه اقتصادی از همه جای دنیا آمد، بعد که سرمایه اقتصادی آمد سرمایه انسانی هم از همه جای دنیا آمد. دویی نرفت اول آدم‌ها را از دور دنیا بردارد بیاورد، بلکه محیط بازی را خوب طراحی کرد. پس سرمایه هم زمان تجمیع، خودافزاست و هم زمان تخریب. در حال حاضر شاهد تخریب سرمایه اجتماعی هستیم و این تخریب به صورت خودافزا در حال افزایش است، وقتی به یک راننده می‌گوییم پشت چراغ قرمز توقف کند در پاسخ می‌گوید: «خدا عوض بد، سه هزار میلیاردش رو خوردند و بردند، تو به من میگویی، اینجا وایسم!!»، الان ما وارد فرایند تخریب تساعدی شده‌ایم.

در شرایط فعلی ما نیاز به سرمایه نمادین داریم، سرمایه نمادین در اصلاح سرمایه اجتماعی بسیار با اهمیت است و باید به تولید سرمایه نمادین بپردازیم که در انتخابات بهترین فرصت ایجاد شد. دویی بعد از آنکه یک بستر حقوقی اولیه ایجاد کرد رفت سراغ

سرمایه اجتماعی را چه به سرمایه اقتصادی؟

چرا اعتماد عمومی روز به روز کاهش می‌یابد؟ با کاربرد مفهوم سرمایه اجتماعی در یک چارچوب تحلیلی می‌توان ابعادی از پاسخ را روشن کرد. نمی‌گوییم این کتاب دقیقاً چنین کرده است اما می‌گوییم کوشیده است با آغازی ساده و قابل فهم برای هر علاقه‌مند به مباحث اجتماعی و اقتصادی توسعه و با ارتقای گام به گام سطح تحلیل، چارچوبی نظری برای تحلیل ابعادی از ناکامی فرایند توسعه در ایران معاصر فراهم آورد. ورود به بحث سرمایه اجتماعی به عرصه نظریه پردازی در مورد اقتصاد ایران و تحلیل رابطه اخلاقی با اقتصاد یکی از عناصر کلیدی برای شناخت ناکامی‌های فرایند توسعه در ایران به شمار می‌رود. این کتاب نه یک کار جدید، که حلقه‌ای است کوچک از زنجیره بلندی از تلاش‌های اندیشگی که از گذشته دور تاکنون برای تبیین بهتر اقتصاد ایران انجام شده است. اگر به گذشته علم اقتصاد بازگردیم، از هنگام انتشار کتاب «ثروت ملل» آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶ تاکنون بیش از دو قرن است که اندیشه اقتصادی در تکاپوی نظریه پردازی است تا بتواند رفتارهای اقتصادی اعضاء جامعه را در چارچوب‌های منطقی و علمی، تحلیل و پیش‌بینی کند. اما پیچیدگی رفتارهای انسانی در تمامی حوزه‌ها، و به طور اخص در حوزه اقتصاد، اندیشمندان را ناگزیر ساخت تا به تدریج و با ملاحظه شواهد ناقص و تجربه‌های خلاف انتظارهای نظری، قیدهایی را بر نظریه‌های خود اعمال کنند و از این طریق رفتار اقتصادی انسان‌ها را با محدودیت‌های حاکم بر دانسته‌های بشری سازگار سازند. سیر بلند اندیشه اقتصادی به گونه‌ای پیش رفت که به تدریج برخی فرض پایه‌ای (مانند عقلانیت ابزاری فرد محور) به عنوان بدیهیاتی قلمداد شد که نیازی به سخن گفتن در مورد آنها نیست، اما از سوی دیگر مشاهده نتایج تجربی متفاوت در آزمون نظریه‌های یکسان - مثلاً مشاهده شکاف درجه توسعه یافتگی در جوامعی که دارای انباشت یکسانی از سرمایه‌های انسانی و اقتصادی هستند و یا گسترش فقر اقتصادی در برخی جوامع غنی از سرمایه‌های اقتصادی و انسانی - پرسش‌های تازه‌ای را در اذهان جستجوگر عالمان مطرح ساخت. پرداختن به این مسائل برای یافتن پاسخی درخور، اندیشمندان اقتصاد را وادار می‌ساخت تا رفتار انسان‌ها را نه فقط در بعد اقتصادی که از ابعاد دیگر نیز مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهند.



سرمایه‌های نمادین، مثلاً رفت سراغ دیوید بکام و گفت من یک ویلا اینجا در جزیره نخل به شما هدیه می‌دهم، بعد هم تبلیغ کرد که در جزیره نخل، دیوید بکام ویلا دارد و به این شکل سرمایه نمادینی مثل بکهام را به خدمت گرفت و بعد جزیره نخل را جهانی‌اش کرد و برای خودش سرمایه نمادین ایجاد کرد. پس از این ورزشکار که یک سرمایه نمادین جهانی بود استفاده کرد تا سرمایه‌های دیگر را جذب کند و بعد خود جزیره را هم به یک سرمایه نمادین تبدیل کرد.

چهارم

با تئوری پیری ساختار سیاست‌گذاری که مطرح کرده‌اید چه هشدارهای آینده‌نگرانه‌ای را به اقتصاد ایران می‌دهید؟

تئوری پیری ساختار سیاست‌گذاری یک بحث سیستمی است و برگرفته از مباحث اقتصاد فیزیک است که چند سالی مطالعاتی در مورد آن داشتیم. رویکردی است که تئوری‌های فیزیک را در فضای اقتصادی مورد آزمون قرار می‌دهد و یک چارچوب تحلیلی جدا دارد. پیوند بحث کهولت نظام اقتصادی و چرخه افول اخلاقی این است که جامعه‌ای و اقتصادی که در آن سرمایه اجتماعی افول کند دچار پیری زودرس می‌شود. مساله خیلی ساده است: آدم بداخلاقی زود پیر می‌شود، نظام یا جامعه بداخلاقی هم زود مستهلک می‌شود. جامعه‌ای که در آن سرمایه اجتماعی و اخلاق افول می‌کند به لحاظ سیستمی باید خیلی هزینه صرف کند، این است که در چنین جامعه‌ای همه خسته هستند و زود پیر می‌شوند. می‌خواهد برود و یک نان بگیرد ولی در همین رفت و آمد ساده بیش از حد باید انرژی صرف کند و مراقب خود باشد و به همین علت زود خسته می‌شود. برای خرید نان زود خسته می‌شوم اما اگر چند ساعت در خانه ظرف بشویم خسته نمی‌شوم. این‌ها را ساده نگیریم این‌ها نشانه است. همین که رانندگان زیاد بوق می‌زنند، نزاع خیابانی زیاد شده است و نظایر این‌ها همگی نشانه‌های خستگی و پیری است. داستان دقیقاً این است که کاهش سرمایه اجتماعی و سازوکارهای اخلاقی موجب هزرروی انرژی می‌شود و سیستم زود پیر می‌شود، معضل ما این است که این اتفاقات همزمان در حال رخ دادن هستند.

جامعه‌ای که

در آن سرمایه

اجتماعی و اخلاق

افول می‌کند به

لحاظ سیستمی

باید خیلی هزینه

صرف کند، این

است که در چنین

جامعه‌ای همه

خسته هستند و

زود پیر می‌شوند

بازیگران جهان آینده

نگاهی به گزارش «روندهای جهانی ۲۰۳۰: دنیاهای جایگزین»
و نسبت ما با سناریوهای پیش‌رو

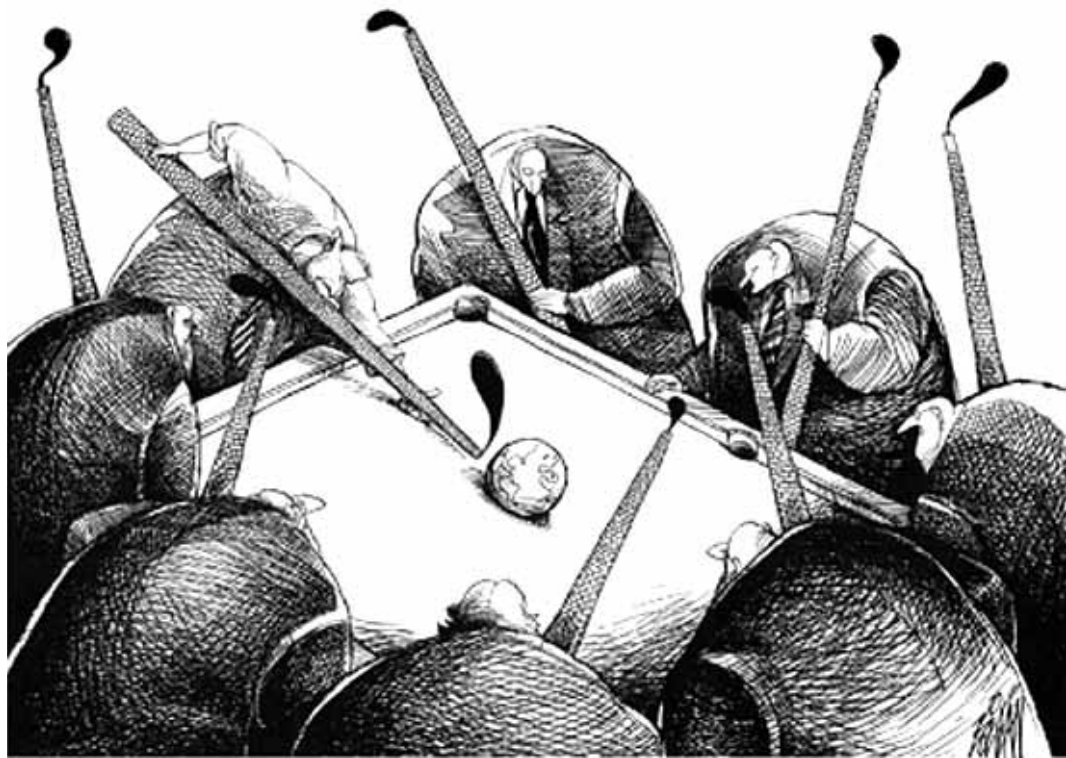
■ سعید نایب

در جهان امروز بنا به قولی «حتی اگر در مسیر درست باشید، اگر سر جای خود بنشینید، شما را زیر خواهند گرفت»، بنابراین اینکه متناسب با آنچه در جهان پیرامون رخ می‌دهد، حرکت کنیم، امری ضروری است، و لازمه آن شناخت آینده و روندهای در پیش است. اگرچه وجود آینده‌ای متفاوت از زمان حاضر، برای ما نگران کننده است، تا آنجا که در برابر آن مقاومت می‌کنیم یا آنکه فعالانه در جهت تغییر آن حرکت می‌کنیم، اما همین مقاومت و انتخاب فعالانه نیز می‌بایست مبتنی بر فهم مناسبی باشد. اخیراً گزارشی از سوی موسسه آمریکایی (National Intelligence Council) با عنوان «روندهای جهانی ۲۰۳۰: دنیاهای جایگزین» منتشر شده است، این موسسه بطور سنتی هر چهار سال یک بار و در آغاز دوره جدید ریاست جمهوری در آمریکا مبادرت به ارائه تصویری از آینده جهان می‌نماید، درواقع هدف از این گزارش‌ها پیشنهاد موضوعات اصلی است که می‌بایست در سیاست‌گذاری‌های آتی آمریکا مورد توجه قرار گیرد. از آنجایی که این موسسه بیشتر در مقام تلفیق مجموعه گزارش‌هایی است که توسط موسسات مختلف بین‌المللی و ملی کشورهای مختلف تهیه شده، و همچنین صرف نظر از اهدافی که در پرتو این گزارش مورد توجه تهیه‌کنندگان آن است، این گزارش به عنوان یک ذخیره دانشی، برای بازیگران اقتصاد ایران اعم از سیاست‌گذاران، فعالان بخش خصوصی و جامعه مدنی می‌تواند درس‌های مهمی به همراه داشته باشد.

این گزارش شامل سه بخش اصلی است. بخش اول بر چهار مولفه اصلی از آینده سازماندهی گردیده است که از آن‌ها به عنوان «مگاترند» یا «ابر روند» یاد می‌کند. این چهار مولفه شامل ارتقای توانمندی‌های فردی، الگوهای توزیع جمعیتی، پراکندگی قدرت و درهم‌تنیدگی منابع حیاتی است و از آن جهت مگاترند هستند که از یک سو، در همه سناریوهای انتخابی ثابت بوده و یا به تعبیری این روندها از رخدادهای قطعی در آینده خواهند بود و از سوی دیگر، در سازوکارها و انتخاب‌های بازیگران عرصه اقتصادهای ملی و جهانی، هم به عنوان پیامد و هم به عنوان علت، ظهور خواهند یافت. بخش دوم گزارش با عنوان تغییر دهنندگان بازی به عوامل کلیدی می‌پردازد که در شکل‌گیری ماهیت مگاترندها و تصویر آینده تاثیر خواهند گذاشت. این تغییردهندگان بازی شامل موارد متعددی هستند از جمله: اقتصادهای ملی مستعد بحران، شکاف حکمرانی، انعطاف‌پذیری دولت‌ها و نهادها در تطبیق با تغییرات، زمینه‌های افزایش منازعات ناشی از سرعت تغییرات، چشم‌انداز گسترده بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای، تاثیرات فناوری‌های جدید و نقشی که آمریکا بر عهده خواهد گرفت، این‌ها از مهمترین تغییردهندگان بازی خواهند بود. بخش سوم گزارش به ارائه چهار سناریو با عنوان دنیاهای جایگزین پرداخته است. سناریوی اول با عنوان موتور بازمانده از حرکت، که به توقف روند جهانی‌سازی و افزایش تضادهای جهانی به عنوان بدترین سناریوی ممکن اشاره دارد. سناریوی دوم با عنوان یک دنیای ترکیبی به عنوان بهترین سناریوی ممکن اشاره دارد که یک همکاری مناسب در سطح جهانی به ویژه آمریکا و چین را پیش‌نگری می‌کند. دو سناریوی دیگر، یک سناریوی بدبینانه که موجب افزایش نابرابری‌ها در بین کشورهای فقیر و ثروتمند و هم در درون کشورها خواهد شد و سناریوی چهارم، با یک نگاه خوش‌بینانه، با عنوان یک دنیای بدون دولت، جهانی را به تصویر می‌کشد که فناوری‌های جدید و بازیگران غیر دولتی با منازعات و تضادهای جهانی مقابله خواهند کرد. از آنجایی که این گزارش ادعای آن دارد که مگاترندها در زمره مولفه‌های قطعی آینده بوده و اینکه در همه سناریوها مفروض گرفته شده‌اند، شناخت این روندها می‌تواند در درک بهتر آینده اقتصادی-اجتماعی ایران راهگشا بوده و از این‌رو در ادامه به تشریح بیشتر آنها مبادرت خواهد شد.

اول ارتقای توانمندی فردی

این روند موجب آن خواهد شد که امکان و قدرت تاثیرگذاری افراد بر اقتصادهای ملی و جهانی در مقایسه با حال حاضر، به مراتب بیشتر شود. بدین معنا افراد توانایی به چالش کشیدن دولت‌های ملی در حوزه‌های مختلف اجتماعی را خواهند داشت، یا آنکه یک فرد امکان آن را خواهد داشت تا یک بنگاه را در عرصه رقابت به زانو درآورد. به عنوان مثال توماس فریدمن در کتاب «جهان مسطح است» به گفته‌های مدیر یک شرکت اشاره می‌کند که: «قبای ما در حال حاضر طراحانی مستقل هستند. قبلاً هرگز چنین رقابتی وجود نداشت. پیش از این رقبا ما شرکت‌هایی در حد خودمان و با قابلیت‌های برابر بودند... امروز شرایط کاملاً تغییر کرده و رقبا ما دیگر شرکت‌ها نیستند... اینک ما ناچاریم هم با شرکت‌های عظیم با قابلیت انجام کارهای کوچک متوسط و بزرگ دست و پنجه نرم کنیم و هم با افراد



حرفه‌ای و آزاد که در دفاتر خانگی خود و با بهره‌گیری از فناوری و نرم‌افزار روز، همان کاری را انجام می‌دهد که کارمندی مستقر در دفترمان انجام می‌دهد... قدرت فناوری و نرم‌افزار به همه ما قابلیت‌های همسان بخشیده است» (صفحه ۴۶۱). بر اساس یافته‌های این گزارش، کاهش فقر در سطح جهان - که برای اولین بار در تاریخ بشری به زیر ۵۰ درصد رسیده است -، رشد طبقه متوسط، افزایش دسترسی‌ها به آموزش و بهداشت از علل اصلی ارتقای توانمندی‌های فردی می‌باشد. همچنین ظهور فناوری‌های اطلاعات شامل رایگان شدن ذخیره داده‌ها، افزایش قدرت پردازش داده‌ها، افزایش تأثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی از دیگر علل این رشد روز افزون توانمندی فردی است. این در حالی خواهد بود که رشد سریع اقتصادهای در حال توسعه‌ای همچون چین، هند و برزیل موجب تسریع این ویژگی خواهد گردید. شایان ذکر است ارتقای توانمندی‌های افراد فقط محدود به زمینه‌های مثبت و مفید نخواهد بود بلکه این توانمندی‌ها ممکن است از طریق ارتکاب به خشونت‌های بزرگ یا دسترسی به فناوری‌های مخرب، یکی از چالش‌های جهان آینده باشد.

دوم الگوهای توزیع جمعیتی

تغییر در روندهای الگوی توزیع جمعیتی از دیگر رخدادهای آینده است که عرصه‌های مختلف جامعه بشری را تحت تأثیر قرار خواهد داد. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که جمعیت جهان از ۷٫۱ میلیارد نفر در حال حاضر به ۸٫۳ میلیارد نفر در سال ۲۰۳۰ خواهد

رسید. بخش بیشتر این افزایش جمعیت در جهان در حال توسعه رخ خواهد داد، و مساله دسترسی به آب و غذا را حائز اهمیت‌تر خواهد کرد. در این زمینه دو کشور چین و هند نیازمند توجه بیشتر به این مساله خواهند بود. از سوی دیگر، روند الگوهای تحول جمعیتی، شامل بالارفتن متوسط سن ساکنان جهان و نیز کاهش تعداد جوامع با جمعیت جوان خواهد بود. پیرشدن جوامع هم از منظر کاهش توانایی‌های جمعیت فعال و هم افزایش هزینه‌های سالمندی برای همه اقتصادها نگران‌کننده خواهد بود، البته در این گزارش به کشورهایی اشاره شده است که در دو دهه آینده از منظر داشتن نیروی جوان، در دوره فرصت‌های جمعیتی (جامعه‌ای با متوسط سن کمتر از ۳۵ سال) خود قرار دارند که ایران، هند، چین و آمریکا از زمره آنان هستند. شایان ذکر است که پیامد افزایش سنی جمعیت، مهاجرت نیروی کار ماهر و غیر ماهر به جوامع با میانگین سنی بالاتر جمعیت خواهد بود که این امر یکی از روندهای دیگر تحول جمعیتی دانسته شده است.

یکی دیگر از تحولات در این حوزه، رشد شهرنشینی است، در حال حاضر، حدود ۵۰ درصد جمعیت جهان در شهرها ساکن هستند که این رقم در سال ۲۰۳۰ به بیش از ۶۰ درصد خواهد رسید. شاید یکی از مهمترین پیامدهای این پدیده، اهمیت

یافتن سازه‌های شهری شامل خانه‌سازی، دفاتر کار و توسعه حمل‌ونقل شهری است، بطوریکه در گزارش مورد بحث، پیش‌بینی شده است که حجم سازه‌های شهری که در چهل سال آینده ساخته خواهد شد، به اندازه کل سازه‌های ساخته شده در تاریخ خواهد بود. همچنین ورود فناوری اطلاعات در عرصه اداره شهرها جامعه بشری را با شکل‌گیری شهرهای هوشمند مواجه خواهد کرد. وجود زیرساخت فناوری اطلاعات نیمه متمرکز، کیفیت مدیریت شهری، سیستم‌های حمل‌ونقل و امنیت شهری را تغییر خواهد داد. در این شهرها، یک اتاق فرمان شهری وجود دارد که به همه دوربین‌ها و اطلاعات شهری دسترسی دارد و یک سیستم متمرکز است، علاوه بر آن امکان برقراری روابط متقابل با شهروندان و دسترسی به همه اطلاعات فوق نیز برای آنان فراهم خواهد بود که این دستاورد ارتقای فناوری‌های اطلاعات خواهد بود.

سوم پراکندگی قدرت

در دو دهه آینده پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که آسیا بر حسب GDP، اندازه جمعیت، مخارج نظامی و سرمایه‌گذاری در فناوری از آمریکای شمالی و اروپا عبور خواهد کرد و چین به تنهایی بزرگترین اقتصاد دنیا خواهد شد و هند در کنار چین در مقام دومین اقتصاد دنیا قرار خواهد گرفت. قدرتمندی اقتصاد برزیل در کنار شکل‌گیری بازیگران منطقه‌ای همچون آفریقای جنوبی، اندونزی، ترکیه و نیجریه از دیگر پیش‌بینی‌های مربوط به آینده است. اگر چنین باشد، پراکندگی قدرت از پیامدهای جهان آینده خواهد بود و دنیا دیگر با هژمونی

چه باید کرد؟

چهار مگاترند فوق، بی‌شک مهمترین عوامل تعیین‌کننده آینده جهان و اقتصادهای ملی خواهند بود. برای ایران مساله آب و صنعت ساختمان تغییرات جمعیتی و مهم‌تر از آنها کاهش وابستگی جهانی به انرژی‌های فسیلی می‌تواند اقتصاد ایران را تحت تأثیر قرار دهد. امروزه بر کسی پوشیده نیست که توانمندی دولت در سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌های اقتصادی و کالاهای عمومی وابسته به نفت است، همچنین سطح رفاه اجتماعی، توان تولید صنعتی و کشاورزی نیز در اقتصاد ایران با درآمدهای نفتی گره خورده است. همچنین مروری تاریخی بر اقتصاد ایران نیز نشان می‌دهد که نفوذ قدرت سیاسی در حوزه مرزهای جغرافیایی و گسترش و نفوذ بوروکراسی در ایران پس از پدیده نفت ارتقاء یافته و این موجب ارتقای امنیت در سطح اقتصاد ملی گردیده است. بنابراین وابستگی کیفیت نهاد دولت در ایران به درآمدهای نفتی موضوعی است که می‌تواند در دو دهه آینده اقتصاد ایران را در معرض تهدید قرار دهد و توجه به این نکته که هرگونه تغییر نهادی در جهت کارآمد کردن نهاد دولت علاوه بر ضرورت انتخاب درست و فعالانه، نیازمند صرف زمان و هزینه است، شناخت مسائل پیش‌رو و اقدامات به هنگام در این خصوص را ضروری خواهد کرد. نکته دیگر، پیش‌بینی کاهش بارندگی در منطقه خاورمیانه و اهمیت استراتژیک محصولات کشاورزی به ویژه در دو دهه آینده است، که توجه به الزامات ارتقای این بخش در سیاستگذاری‌ها ضروری خواهد بود. همچنین جمعیت جوان و تحصیلکرده ایران به عنوان یک نقطه قوت در دوده آینده و توجه به پیش‌شرط‌های بهره‌گیری از این فرصت، از دیگر نکاتی است که شناخت آینده و الزامات آن را مهم جلوه خواهد داد. بنابراین ملاحظات، شناخت عمیق این مولفه‌ها و پیامدهای آن برای همه آنها بی‌شک - اعم از سیاستگذاران، نخبگان و فعالان بخش خصوصی - دل‌نگران نسل جوان کنونی و نسل‌های بعدی هستند. ضرورت دارد، چراکه معلوم نیست فرزندان ما، به اندازه ما، فرصتی برای اصلاح مسیر و بهبود زندگی خود داشته باشند و توجه به اینکه - به تعبیر پل رومر اقتصاددان دانشگاه استنفورد «غفلت از بحران چیز وحشتناکی است».

واحدی، آنگونه که تاکنون بوده است، مواجه نخواهد بود. اگرچه این امر می‌تواند زمینه‌ساز خلا قدرت در منازعات بین‌المللی و ابهامات ناشی از آن باشد، اما شاخص‌های سنتی قدرت شامل میزان GDP، جمعیت، مخارج نظامی و فناوری در حال تبدیل به شاخص‌های جدید قدرت شامل سلامت، آموزش و حکمرانی خوب می‌گردد. توانمندی فناوری اطلاعات در شکل‌گیری شبکه‌های مختلف زندگی حیات جمعی می‌تواند در کیفیت شاخص‌های جدید تأثیرگذار باشد. همچنین قدرت روابط دیپلماسی شامل عضویت در سازمان‌های بین‌المللی، تعداد سفارت‌خانه‌ها در کشورهای دیگر و تعداد توافقی یا پیمان‌هایی که توسط یک کشور تصویب و امضاء شده است، نیز در زمره شاخص‌های قدرت قلمداد می‌شود. بر اساس پیش‌نگری این گزارش، در ترکیب شاخص‌های سنتی و جدید، آمریکا، چین و هند از قدرتمندترین کشورهای دنیا خواهند بود.

چهارم دروم تنیدگی منابع حیاتی: آب، غذا و انرژی

افزایش شدید تقاضا برای منابع حیاتی شامل غذا، آب و انرژی از اثر روندهای دو دهه آینده است که این امر پیامد افزایش جمعیت و تغییر الگوی مصرف خواهد بود و انتخاب‌های جوامع را تحت تأثیر قرار خواهد داد. نکته مهم آنکه هر سه این منابع حیاتی در گرو هم بوده و یکدیگر را متأثر خواهند ساخت. بر اساس پیش‌بینی‌ها، تا سال ۲۰۳۰، تقاضا برای غذا، آب و انرژی به ترتیب ۴۰، ۲۰۳۵ و ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت. مهمترین چالش برای منابع حیاتی تغییرات آب و هوایی به ویژه

کاهش بارندگی خواهد بود که این کاهش بارندگی بیشتر در خاورمیانه و آفریقای شمالی، آسیای مرکزی، اروپای جنوبی، جنوب آفریقا و جنوب غربی آمریکا مشاهده خواهد شد. اگرچه در این دوره جامعه جهانی با کمبود نگران‌کننده‌ای مواجه نخواهد شد، اما جهت‌گیری سیاستگذاران و بخش خصوصی برای مواجهه و انطباق یافتن با تغییرات الگوهای رفتاری مربوط به این حوزه ضروری خواهد بود. شاید یکی از مهمترین رویدادها در این عرصه تبدیل ایالات متحده به عنوان بزرگترین تولیدکننده گاز طبیعی و نفت خام است که با استفاده از فناوری‌های پیشرفته ضمن افزایش عمر مخازن خود، به یک صادرکننده خالص در حوزه انرژی‌های فسیلی تبدیل خواهد شد. همچنین با اهمیت یافتن منابع حیاتی، یکی از جهت‌گیری‌های مهم در حوزه فناوری معطوف به منابع حیاتی خواهد بود. ژنتیک گیاهی امکان ایجاد گونه‌های مناسب‌تر غلات را فراهم خواهد کرد. با کاهش قیمت سیستم‌های اتوماسیون، این تجهیزات در حوزه کشاورزی با مقیاس‌های کوچک‌تر نیز به کاربرده خواهد شد. فناوری‌های مدیریت منابع آب با رساندن آب به ریشه گیاهان، کارایی منابع آب را به ۹۰ درصد خواهد رساند. انرژی‌های مبنای زیستی (بایو) و انرژی‌های خورشیدی زمینه را برای دسترسی بیشتر به انرژی‌های جدید فراهم خواهند کرد.

تغییر در روندهای

الگوی توزیع

جمعیتی از دیگر

رخدادهای

آینده است که

عرصه‌های

مختلف جامعه

بشری را

تحت تأثیر قرار

خواهد داد.

پیش‌بینی‌ها

حاکی از آن است

که جمعیت جهان

از ۷/۱ میلیارد نفر

در حال حاضر به

۸/۳ میلیارد نفر

در سال ۲۰۳۰

خواهد رسید

نیروی بقای شهرها از کجا برمی‌خیزد؟

چگونه می‌توان بزرگ‌ترین مراکز شهری دنیا را به عنوان دروازه‌های جهانی و سکنی‌گزیدن میلیون‌ها نفر در این شهرها را با هم مقایسه کرد؟

■ هاروارد بیزنس ریویو
■ ترجمه: سیاوش سرقینی

شهرها جاذبه‌های کشور هستند. نیروی آن‌ها برای جذب تجارت و بازدیدکنندگان از آن سوی مرزها معیار خوبی از سلامت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی آن منطقه است. اینفوگرافی حاضر بر پایه پژوهش موسسه «پرایس واتر هاوس کوپرز» و مبتنی بر معیارهای جهانی جاذبه (از جمله رفت و آمد هوایی، گردشگران، اجلاس‌ها) در ۲۷ شهر جهان نگاهی از بیرون به درون این شهرها می‌اندازد. آنچه توجه را برمی‌انگیزد این است که اکنون پاریس به عنوان دروازه‌ای بین‌المللی در مورد جاذبه جهانی نسبت به لندن دوم است و نیویورک، پکن و شنهای را پشت سر گذاشته است. با این حال آنچه نگاه را دقیق‌تر می‌کند نگرستن از بیرون به کیفیت زندگی ساکنین این شهرهاست. با احتساب این مساله، پاریس رتبه نخست را می‌گیرد. گزارش‌ها نشان می‌دهد که برخی شهرها با امتیاز پایین‌تر (از جمله پکن، بوینس آیرس، استانبول، مکزیکوسیتی، موسکو، و سانو پائولو) توانسته اند در این سال‌ها صعود کنند.

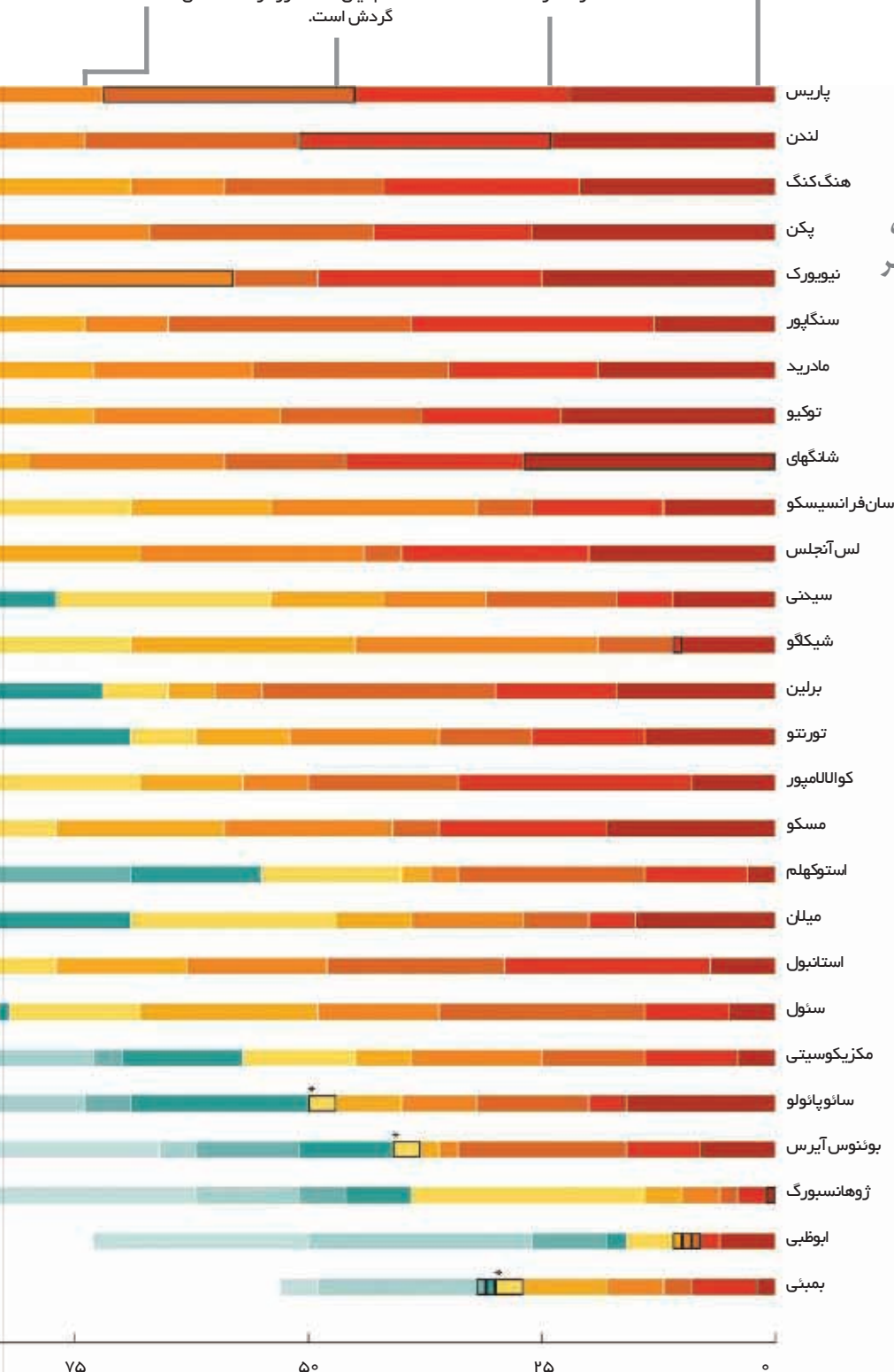
جاذبه‌ی بین‌المللی

اتاق‌های هتل
تعداد اتاق‌های هتل در این شهر

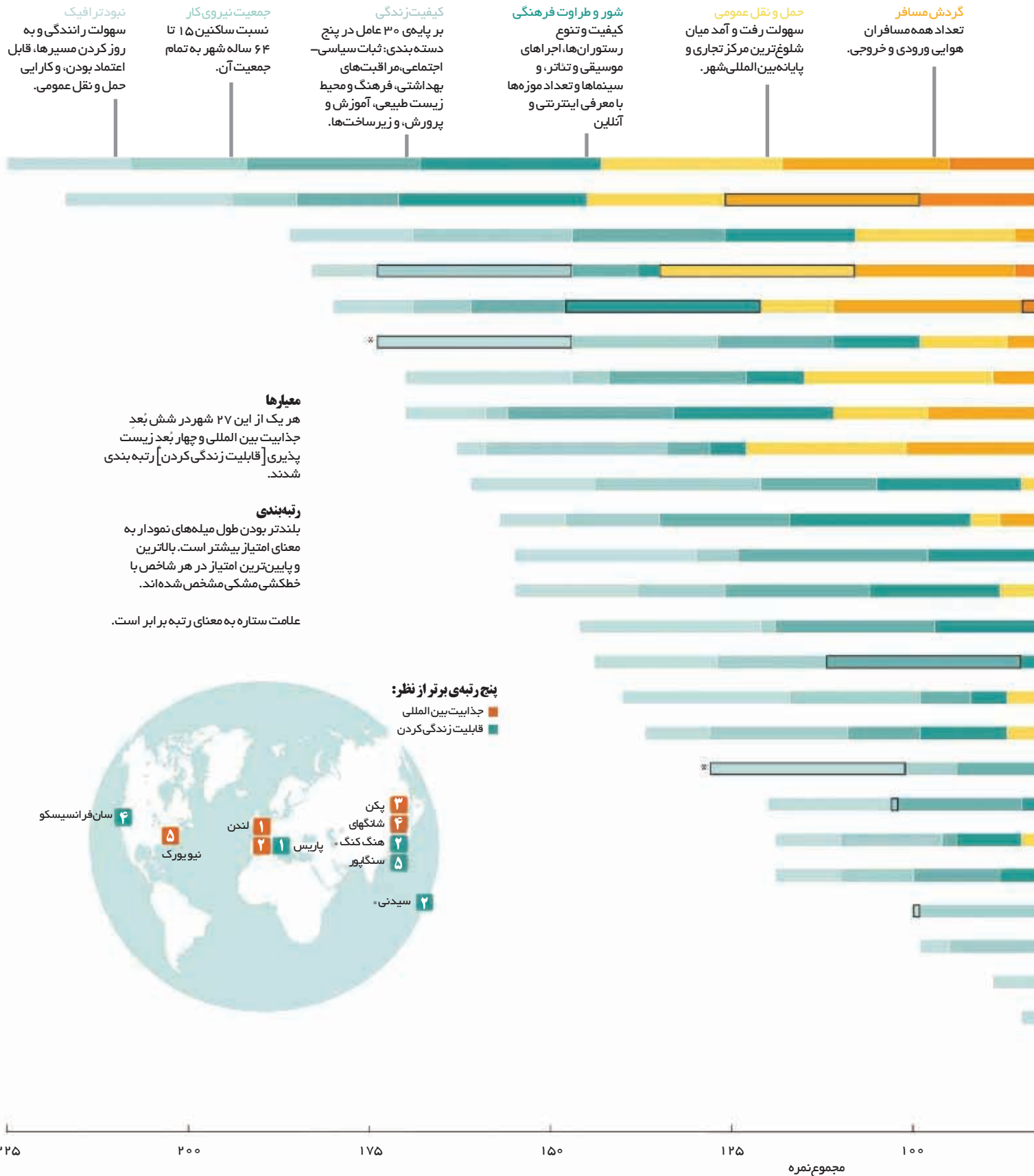
گردشگران بین‌المللی
شمار ورودهای سالیانه گردشگران بین‌المللی، از جمله آن‌ها که فقط رهگذرند.

اجلاس‌های بین‌المللی
تعداد اجلاس‌هایی که هر سال به طور منظم برگزار می‌شود و دست کم میان سه کشور در گردش است.

کارکرد فرودگاه‌ها
شمار تمام پروازها از فرودگاه‌های بزرگ شهر، به استثنای پروازهای نظامی.



قابلیت زندگی



همه چیز تبلیغ تلویزیونی نیست

گزارش تصویری
از برندگان جایزه
بهترین آگهی‌های خیابانی دنیا

در دهه‌های اخیر رقابت‌های تبلیغاتی شرکت‌های بزرگ آنچنان شدت گرفته و گسترش یافته که کسب و کارهای جدید برای معرفی خود به مشتریان جدید نیازمند راه‌های تازه‌اند. دیگر روش‌های معمول آگهی‌های تلویزیونی یا مطبوعاتی پاسخگوی رقابت‌های شدید نیست و شرکت‌ها به آگهی‌های خلاقانه خیابانی روی آورده‌اند. «فستیوال بین‌المللی تبلیغات» (با قدمتی ۶۰ ساله) هر ساله اواخر خرداد ماه (اواسط ژوئن) در کن فرانسه برگزار می‌شود و یکی از بهترین فرصت‌ها برای شناخت روندهای تازه در امر تبلیغات شرکت‌هاست چراکه هر سال هزاران نفر از فعالان این حوزه را گرد هم می‌آورد و به بهترین آثار در حوزه‌های مختلف جایزه می‌دهد. آنچه در پی می‌آید گزارشی است از آثار برندگان امسال (جوایز اصلی و تقدیرنامه) در حوزه تبلیغات خیابانی در سراسر دنیا. لازم به ذکر است اگرچه بیشتر برندگان این بخش بیلبوردها و پوسترها هستند، اما تبلیغات خیابانی این روزها به بیلبوردها محدود نمی‌شوند. بنگاه‌های تبلیغاتی از فضاهای شهری بهترین استفاده را می‌کنند تا پیام برند خود را به اکثر شهروندان برسانند. تبلیغ جنجالی مرسدس بنز - ماشین نامرئی - یکی از بهترین نمونه‌های این گونه تبلیغ است.

۲

آبمیوه‌های کمپ / آژانس تبلیغاتی: ای. جی. ای
ایزو بار، سائوپائولو، برزیل
این میوه‌ای واقعی است که به شیوه‌ای خاص پرورش یافته تا شبیه بسته آبمیوه‌های کمپ شود.



۱

جایزه اول (مشترک) / کوکاکولا
آژانس تبلیغاتی: اوگیلوی، شانگهای، چین
اثر جانانان مک لانگ



۳

انتشارات اترنا کادنسیا / آژانس تبلیغاتی: درافت
افسی بی، بوئنس آیرس، آرژانتین
این کتابفروشی و انتشاراتی مستقل «کتابی که نمی‌تواند صبر کند» را منتشر کرده است: کتاب با جوهری چاپ شده که دو ماه پس از اولین باری که در معرض نور خورشید قرار می‌گیرد پاک می‌شود. هدف ناشر؟ کتاب را حالا بخوانید، حالا که می‌توانید.



جایزه اول (مشترک) / مرسدس بنز
آژانس تبلیغاتی: یونگ فون مت، هامبورگ، آلمان / پروژه «سواری نامرئی» که مرسدس بنز را به کمک دوربین‌های حساس فیلمبرداری و ال‌ای‌دی‌های باکیفیت شبیه ماشین نامرئی می‌کرد تا بگوید این خودرو اثری روی محیط زیست نمی‌گذارد چون گازهای گلخانه‌ای تولید نمی‌کند.

۴

کوکاکولا/ آژانس تبلیغاتی: اوگیلوی و مدر، سیدنی، استرالیا
کوکاکولا با چاپ نام کوچک افراد روی قوطی‌های نوشابه سعی کرد به مشتری‌های استرالیایی نزدیک‌تر شود: با کارسون کوکا بنوش



۵

کیت کت/ آژانس تبلیغاتی:
جی. دبلیو. تی، مکزیکو سیتی
از کار و تلفن همراه تان
خسته شده‌اید؟ مثل
کیت کت دو تکه‌اش کنید.



۶

شرکت هواپیمایی ویرجین
استرالیا/ آژانس تبلیغاتی:
سیدنی، BBDO
بیلپورد ساده و جذاب در تبلیغ
پرواز از استرالیا به آمریکا



۷

بنیاد کودکان را نجات دهید/ آژانس تبلیغاتی: Y&R، مکزیک
چرخه باطل خشونت: «۷۰ درصد کسانی که در کودکی
مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند در بزرگسالی همان کار
را با دیگران می‌کنند. به بنیاد ما کمک کنید. این چرخه
را بشکنید»



۱۰

وسترن یونیون
آژانس تبلیغاتی:
مک کان وورد گروپ،
بمبئی، هندوستان
بیلپوردهای بزرگ
جاده‌ای با هدف تبلیغ
انتقال سریع پول توسط
وسترن یونیون. آنقدر
سریع که چهره‌های
روی اسکناس‌ها به هم
تبدیل می‌شوند و تقریباً
قابل شناسایی نیستند.
در اینجا آبراهام لینکلن
روی ۵ دلاری به فهد
روی ریال سعودی تبدیل
شده است.



۸

خمیر دندان ماکسام
آژانس تبلیغاتی:
جی. دبلیو. تی، شانگهای،
چین
نگذارید میکروب‌ها
سروسامان بگیرند، هم
بیلپورد و هم در مجلات
مختلف



۹

مرسدس بنز/ آژانس تبلیغاتی: BBDO، دوسلدورف، آلمان
تبلیغ «دستیار دید در شب» در اتومبیل‌های بنز. «خطر را پیش
از شما تشخیص می‌دهد.» (به نقطه‌های نورانی دقت کنید تا کلمه
CHILD کودک را پیدا کنید.)

别让细菌蛀下来

MAXAM

چگونه به هدف برسیم

پنج پیشنهاد برای بهبود کسب و کار



طی چند سال گذشته همزمان با رکود فعالیت بنگاه‌های تولیدی بزرگ، بسیاری از سرمایه‌گذاران و مردم عادی به سمت روش‌های ساده و تازه‌تر برای کسب درآمد روی آورده‌اند ولی با این وجود شکست‌های اقتصادی و ورشکستگی‌های تازه سبب شده تا روند سرمایه‌گذاری‌های خرد هم متوقف شود. در این گزارش هفت روش برای کسب درآمد بهینه را می‌خوانید پیش از هر چیز البته باید تاکید کرد که برای تجربه رشد اقتصادی و برای ورشکسته نبودن باید بخواهیم که چنین باشیم. این اولین و مهم‌ترین قدم به سوی ثروتمند شدن است. تی هارو اگر نویسنده کتاب «رازهای ذهن یک میلیاردر» گفته است: «بزرگ‌ترین مانع برای به ثروت رسیدن انسان‌ها، ترس آن‌هاست. اغلب مردم از اینکه آرزوهای بزرگ در سر داشته باشند می‌ترسند اما باید بدانید که اگر کوچک بیندیشید، بدون شک اندک به دست خواهید آورد».

سرمایه‌گذاری باید درجه ایمنی بسیار بالایی داشته باشد، مثلاً اگر اوراق مشارکت دولتی بخرید امکان رشد آن بسیار کم است. اگر سرمایه‌گذاری نقدینگی شدید داشته باشید، مثلاً اگر پولتان را در حساب پس‌انداز بگذارید نرخ بهره بسیار کمی به آن تعلق می‌گیرد. اگر سرمایه‌گذاری امکان رشد زیاد داشته باشد امکان ریسک آن زیاد است و نقدینگی هم ندارد و نمی‌توانید به سرعت پولتان را پس بگیرید. هر کس باید اقدام به ترکیبی از این سرمایه‌گذاری‌ها کند. ثروتمندان بخش اعظم سرمایه‌هایشان را موعولاً در چهار بخش زیر قرار می‌دهند: یکم: کاری که برای خودشان باشد. دوم: املاکی که برایشان پول بسازد؛ سوم: زمین در حال رشد. چهارم: سرمایه‌گذاری‌های نقدینہ‌دار.

۵ جسارت در سرمایه‌گذاری داشته باشید

می‌دانیم که خرید یک تلویزیون ال‌سی‌دی جدید بسیار وسوسه‌برانگیز است و صد البته با خرید وسایل جدید هیچ مخالفتی نداریم اما اگر می‌خواهید ثروتمند باشید باید بدانید اولویت با سرمایه‌گذاری است. ثروتمندان ولخرجی نمی‌کنند. این یک شوخی نیست. آماری که در امریکا گرفته شده است نشان می‌دهد اغلب ثروتمندان ولخرجی نمی‌کنند. آن‌ها برای خرید اجناس در انتظار حراج می‌مانند، برای خرید چانه می‌زنند تا قیمت بهتری به دست آورند و هرگز بیهوده خرج نمی‌کنند. باید هر ماه مبلغی را برای سرمایه‌گذاری کنار بگذارید. البته این مسیر مستلزم داشتن مقدار معقولی از جسارت است. دیو لیندال در سن ۲۹ سالگی و در شرایط رکود اقتصادی کار خود را آغاز کرد. هیچ سرمایه‌ای نداشت و در ابتدا با گرفتن وامی اندک از بانک و خرید مقداری وسایل، مشغول بازسازی خانه‌های قدیمی شد. اندکی بعد به فکرش رسید که این خانه‌ها را بخرد و پس از بازسازی با سود بیشتری بفروشد. با وجود سرمایه بسیار کمی که داشت، این کار بسیار مخاطره‌آمیز به نظر می‌رسید اما او این کار را انجام داد و اکنون صاحب مجموعه‌های آپارتمانی خود است که بیش از ۱۴۳ میلیون دلار ارزش دارند.

تجربه در یک زمینه خاص و به دست آوردن دانش جنبه‌های مختلف آن، تجارت خود را شروع کنید.

۳ در تحصیل سرمایه‌گذاری کنید

این نکته را باید بدانید که در دنیای امروز تحصیلات و تخصص نیاز اصلی شماست. بدون تخصص هیچ امیدی به موفقیت نداشته باشید. حتی اگر موفق نشدید از طریق کنکور وارد دانشگاه شوید، با هزینه شخصی به دانشگاه بروید. مطمئن باشید با انتخاب رشته صحیح بعدها چند برابر هزینه سرمایه‌گذاری شده برای تحصیل خود را به دست خواهید آورد. برای مثال اگر شخصی که به تجارت علاقه‌مند است، مدرک «MBA» بگیرد، هزینه تحصیل خود را بعدها در کمتر از یک سال به دست خواهد آورد. تحصیل سرمایه‌گذاری است و بطالت هدر رفتن سرمایه. به جای اینکه چند ساعت در روز را به بطالت صرف کنید، سعی کنید برای کل روزتان برنامه‌ریزی داشته باشید. از هر زمانی برای یادگیری مطالبی مانند ساز و کارهای اقتصادی، عملکرد شرکت‌های بورس، مدل‌های ریاضی ساده و پیشرفته تحلیل مالی و... استفاده کنید.

۴ کاری که برای خودتان باشد

اغلب میلیونرها با ایجاد کارهایی برای خودشان ثروتمند می‌شوند، به همین دلیل اغلب ثروتمندان برای خودشان کار می‌کنند. علاوه بر این، بسیاری از مدیران اجرایی سطح بالا، پول‌هایشان را در شرکتی که مدیریت‌اش را خودشان برعهده دارند سرمایه‌گذاری می‌کنند. در جریان یک بررسی که اخیراً انجام شد، از تجار، اساتید دانشگاه و... سوال شد بهترین جایی که بخواهید پولتان را در آنجا سرمایه‌گذاری کنید کجاست؟ اغلب جوابشان این بود که بهتر است این پول را به موسسه خود بپردازند تا توان کاسبی‌شان را بالا ببرند. در هر کاری که می‌کنید و هر سرمایه‌گذاری که صورت می‌دهید باید به میزان ریسک و بازدهی سرمایه‌گذاری خود توجه کنید. عامل مهم در هر سرمایه‌گذاری ایمنی، نقدینگی و رشد است.

۱ خلاقیت فراموش نشود

برای موفقیت در حرفه بیش از هر چیز به خلاقیت نیاز دارید. بارها شنیده‌اید که محصول خوب روی زمین نمی‌ماند. تنها راه موفقیت شما در یک رشته مشخص خلاقیت است. یک نمونه ساده: تولیدکننده پوشاکی با استفاده از پارچه‌های کتان و تنها بهره‌گیری از مدل‌های قدیمی پوشاک ایرانی موفق شد طی سه سال به بزرگترین برند تجاری پوشاک ایران تبدیل شود. چرا؟ دلیل تنها خلاقیت بود. فردی رستوران غذاهای محلی می‌زند، غذای با کیفیت ارائه می‌کند و خریداران مقابل فروشگاه او صف می‌کشند. او خلاقیت داشته است. برای موفقیت خلاقیت از هر نکته دیگری واجب‌تر است. اگر اولویت اول شما کسب ثروت و زندگی راحت در آینده است، خیلی دنباله‌رو علاقه خود به رشته خاصی نباشید. به نتایج تحقیقاتی که در مورد متوسط درآمد مشاغل مختلف انجام شده، نگاه کنید تا ببینید در کدام رشته‌ها که به علاقه شما نزدیک‌ترند، احتمال ثروتمند شدن بیشتر است. به طور مثال احتمال ثروتمند شدن شما در نقش یک مهندس مالی بیشتر از یک استاد دانشگاه خواهد بود. در صاحب‌های توماس جی استانی نویسنده کتاب «ذهن خلاق» با افراد موفق و ثروتمند، هشتاد درصد از میلیونرها گفته‌اند اگر کاری را که انجام داده‌اند، دوست نداشتند هرگز به موفقیت و ثروت دست نمی‌یافتند. اگر می‌خواهید ثروتمند باشید باید برای آنچه که انجام می‌دهید اشتیاق داشته باشید.

۲ تجارت شخصی راه اندازی کنید

بیشتر افراد موفق یک درآمد جانبی به جز حقوق ثابت ماهانه دارند که گاهی از این کارهای جانبی درآمد بیشتری عایدشان می‌شود. این کار تمرکز و وقت زیادی می‌طلبد و استرس زیادی به شما وارد می‌کند، اما بعد از چند وقت که به سوددهی رسید، شما می‌توانید نتیجه آن را ببینید. علاوه بر درآمد بیشتر، شما این مزیت را خواهید داشت که رئیس خود باشید و زمان‌های کاری خودتان را تنظیم کنید. پیشنهاد می‌کنیم پس از کسب





با آینده‌نگری
واقعیت را تغییر دهید



Ayandehnegar

Tehran Chamber
of Commerce, Industries
Mines and Agriculture

No.17 January 2013